

صیاد جانها

شاگردان پویای عیسی مسیح شوید

اثر: شارون دوترا

حق نشر © : ۱۲ آپریل ۲۰۲۰

صیاد جانها

شاگردان پویای عیسی مسیح شوید

به قلم: شارون دوترا

چاپ ایالات متحده امریکا

ISBN 9798987183816

عکس جلد شرکت ایستوک

طراحی جلد و چیدمان داخلی توسط «مهدی مهاجری» در UpWork.com

تمامی حقوق منحصراً توسط نویسنده محفوظ است. نویسنده تضمین می کند که تمامی محتوا اصل بوده و حقوق قانونی هیچ شخص یا اثر دیگری را نقض نمی کند. هیچ بخشی از این کتاب به هیچ نوعی بدون اجازه نویسنده قابل انتشار نیست.

"ادبیات مسیحی لایف وی" با کسب اجازه تجدید چاپ و استفاده شده است. نباید توسط انتشارات دیگری کپی و استفاده شود. © 2001-2020 LifeWay Christian Resources

آیات کتاب مقدس در اصل انگلیسی این کتاب از ترجمه تفسیری جدید برگرفته شده اند، مگر آنکه خلاف آن ذکر شده باشد.

Copyright © 1996, 2004, and 2007 by Tyndale House Foundation

سایر کتاب های این نویسنده



تبدیل شوید: با روح خدای زنده ۲۰۱۱ (موجود به زبان اسپانیایی و فارسی)

شروعی تازه : اصول مقدماتی ایمان مسیحی ۲۰۱۷ (موجود به زبان اسپانیایی، فارسی و ژاپنی)

تقدیم



این کتاب صمیمانه به همه افرادی تقدیم می گردد
که مرا یاری دادند تا از گل و لای، قدم به بیرون برداشته
بر صخره عیسی مسیح بایستم

فهرست



عنوان	صفحه
پیش گفتار	۹
بخش اول : قلب شاگردی	۲۰
فصل اول: غیرت برای عیسی مسیح (قسمت اول)	۲۱
فصل دوم: غیرت برای عیسی مسیح (قسمت دوم)	۴۰
فصل سوم: شخم زمین	۶۹
فصل چهارم: پی ریزی شالوده (قسمت اول)	۸۹
فصل پنجم: پی ریزی شالوده (قسمت دوم)	۱۳۹
فصل ششم: تسلیم	۱۸۱
بخش دوم : مقام شاگردی	۲۱۳
فصل هفتم: خدمتگزاری	۲۱۴
فصل هشتم: عطایای روحانی	۲۴۱
فصل نهم: بشارت ایمان ما	۲۸۰
فصل دهم: تشخیص اراده خدا	۳۰۵
فصل یازدهم: زندگی پیروزمندانه	۳۲۷
فصل دوازدهم: کلیسا دارای چهار پایه	۳۴۸

پیش گفتار

درباره نویسنده

سالها پیش وقتی در سلول زندان خود به عیسی مسیح ایمان آوردم، هرگز تصورش را نمی کردم که او بتواند یا مایل باشد زندگی فلاکت بار مرا بازسازی کند. خدا تمام دنیای مرا از یک گذشته‌ی اعتیاد، بی خانمانی، اقدام به خودکشی، زندان، و نفرت از خود، مبدل به دنیایی پر از شادمانی، آرامش و هدفمندی ساخت. از زمانی که با معجزه نجات یافتم، آیه ای که الگوی زندگی من شد، یوئیل ۲ آیه ۲۵ بوده است که می گوید «سالهایی را که ملخها خوردند به شما بازساخته بر می گردانم.» ملخ ها آفت هایی هستند که همه چیز را بر سر راه خود نابود می کنند و آن حقیقتاً زندگی من پیش از شناخت مسیح بود. چیزی از زندگی اوراق شده من برای بازسازی باقی نمانده بود.

دعا می کنم که شما باور داشته باشید او می تواند در زندگی شما نیز چنین کاری کند!

از طرف شبانم

از زمانی که با شارون دوترا آشنا شده‌ام، اشتیاقی خاموشی ناپذیر برای مسیح نشان داده است. او با لبیک قاطع به دعوت خدا در زندگی اش پاسخ داده است. شارون زندگی هدفمند و پرثمری را دنبال کرده و اکنون در مناطق مختلف جهان خدمت مسیحی انجام می دهد. موفقیت او و برکاتی که خدا به زندگی او بخشیده است نمی تواند جز یک امر مافوق طبیعی چیز دیگری باشد. کتابهای شاگرد سازی مسیحی او به سراسر ایالات متحده، آفریقا و مکزیک ارسال شده است. این کتاب ها به زبانهای مختلفی ترجمه شده اند تا بتوانند در

نقاطی که معمولاً نمی شود به آنها دسترسی یافت، مخاطبین را بهره مند سازند. با تمام اینها شارون همواره قلبی فروتن، شکرگزار و پر محبت داشته است. خدا را شکر می کنم که می توانم او را دوست و همکار خود در کلیسای The Lord's Harvest (حصاد خداوند) محسوب کنم.

شبان استیو هنری - کلیسای هاروست / آرئو گراند، کالیفرنیا

درباره این کتاب

اول از همه میخوام بگویم که اگر خدا به طور بنیادی زندگی مرا تغییر نمی داد، نوشتن این کتاب امکان پذیر نمی بود.

دوماً، من قطعاً شایسته نوشتن چنین کتابی نیستم. من هم مثل بقیه در زندگی خطا و مشکلات و مسائلی دارم. در نتیجه هدفم از نوشتن این کتاب قضاوت کردن شما نیست، بلکه این است که دست شما را بگیرم و به سوی خدا هدایت کنم. از این شکر گذارم که او به من توانایی بخشیده است تا حقایق روحانی را توضیح دهم و مردم بتوانند به راحتی مفاهیم عمیق کتاب مقدس را درک کنند.

بسیاری از مضامین در این کتاب تکرار شده اند. مطالبی که نوشته ام موضوعاتی هستند که از طریق خواندن کتاب مقدس و دعا و تجربه آموخته و تعلیم گرفته ام و نکاتی می باشند که در قلب و ذهن من جای گرفته اند. به این دلیل است که برخی از مضامین بارها عنوان شده اند.

حتی کتاب مقدس می فرماید که ما نیاز داریم مرتباً حقایق روحانی را بیاد بیاوریم و دیگران آنها را برای ما یادآور شوند (یوحنا ۱۴ آیه ۲۶؛ اول قرنیتیان ۱۵ آیه ۱).

«(۲۶) اما آن مدافع، یعنی روح القدس، که پدر او را به نام من می فرستد، او همه چیز را به شما خواهد آموخت و هر آنچه من به شما گفتم، به یادتان خواهد آورد..»

«(۱) و اما، ای برادران، اکنون می خواهم انجیلی را که به شما بشارت دادم به یادتان آورم، همان انجیل که پذیرفتید و بدان پایبندید.»

آنچه ممکن است تکرار جزئیات به نظر بیاید، همان مطالبی است که در واقع افکار و حقایق را در قلب و اذهان ما استحکام می بخشد. درست همانطور که موقع امتحانات مطالبی را چندین بار می خوانیم، می بایست به مطالبی نیز که از کتاب مقدس فرا گرفته ایم بارها فکر کنیم.

فصل های این کتاب هدفمندانه انتخاب شده اند تا بتوانید مبدل به ایماندارانی قوی گردید و بیاموزید چگونه عطایای خود را برای تعالی کلیسا و بشارت به غیر ایمانداران به کار بگیرید.

کتاب «صیاد جانها» در دو قسمت نوشته شده است. قسمت اول یاری می دهد قلب تان را برای دریافت حقیقت خدا درباره هویت تان در مسیح و نیاز به قرار گرفتن تحت رهبری او آماده کنید. این شما را در باورهای مسیحی تان پابرجا می سازد. قسمت دوم شما را در کار آموزی جهت خدمت به خدا و خدمت دیگران، با شیوه ای مؤثر و ابدی کمک می نماید.

کتاب "صیادان جانها" بعد از دو کتاب دیگرم تحت عنوان "تبدیل شوید: با روح خدای زنده"، و "شروعی تازه: اصول مقدماتی ایمان مسیحی" نوشته شده است. بسیاری از افراد در ایمان خویش نیاموخته اند که پس از دریافت مسیح به عنوان منجی شان، چگونه "مرحله بعدی" را در پیش بگیرند. "شروعی تازه" زمینه را ایجاد می کند. "تبدیل شوید"

به شما کمک می کند تا اصول روحانی را در امور زندگی خود به کار ببندید. "صیاد جانها" کتابی عمیق تر درباره کاربردهای روحانی و عملی در ایمان مسیحی است.

از اکنون به شما بگویم برخی موضوعات این کتاب ممکن است برای شما خوشایند نبوده، با طبیعت گناهکار شما سازگار نباشد. بسیاری از "پیروان مسیح" ترجیح می دهند عملکرد خود را با این باور توجیه کنند که فیض خدا زندگی بی ثمر مسیحی آنها را پوشش می دهد. اما اگر بگذارید روح القدس از طریق این کتاب با شما صحبت کند تا بتوانید رشد کرده و برای خدا پُرثمرتر باشید، پاداش های بسیاری به دست خواهید آورد.

واقعیت این است که کلیسای آمریکایی بسیار تن پرور و از خود راضی شده است. ما دوست داریم در مورد محبت خدا و برکات و قدرت و آرامش بشنویم، اما اغلب گوش هایمان را به روی چالش های مسیح برای "برداشتن صلیب روزانه خود" و "مردن نسبت به جسم خود" می بندیم.

من باور دارم لازم است همه کلیساها پا برجا تر و مطیع تر گردند و کمتر از خود راضی باشند و اینقدر وسواس به خرج ندهند که مبدا پیام کلیسا بی ایمانان را برنجانند.

از این رو، بخش بعدی نشانگر نگرانی عمیق من در مورد بی غیرتی در این کشور است و اینکه بی ایمانان را به سوی پادشاهی خدا هدایت نمی کنند. کتاب «صیاد جانها» با این هدف نگاشته شده است.

مذهب ظاهری

در گذشته زمانی بود که واعظین حقیقت را با شهادت بیان می کردند. مخاطبین آنان هم در واقع گوش فرا می دادند - حتی اگر ملزم می شدند یا احساس عدم راحتی می کردند. اگر چه درست است بهتر می بود بعضی از این واعظین پیغام شان را با محبت و فیض بیشتری ارائه می کردند، اما موعظه های قدرتمند آنها باعث توبه بی ایمانان و انگیزه دادن به ایمانداران بود.

این نوع موعظه های ملزم کننده امروزه در کلیساهای تحت جفا در سراسر دنیا و در زندانها و بازداشتگاه های امریکا و آفریقا و مکزیک دیده می شود. ما شاهد سه مورد "بیداری روحانی" که پس از مطالعه این کتابها در بین عده ای رخ داد، بوده ایم.

نکته غیر منتظره این است که بیشترین تعداد نو ایمانان افراد تحت جفا و زندانیان می باشند. وقتی واعظان انجیل، کلام خدا را رقیق نمی کنند و بیم ندارند مخاطبان شان احساس کنند به آنها توهین می شود، احتمال ایمان آوردن و رشد روحانی نو ایمانان بسیار بیشتر می گردد.

خواهش می کنم در نظر داشته باشید این را از روی قضاوت گرایی نمی نویسم، بلکه دیدگاهم این است: ما که به ایمان مسیحی معترف هستیم، مدت زیادی است "کلیسا بازی" می کنیم. ما مطابق "صحیح بودن از لحاظ سیاسی" عمل می کنیم، و به دنیا اجازه داده ایم ما را متقاعد کند که پارسایی به معنای تحمل همه عقاید و شیوه های زندگی است و قدوسیت قدیمی شده است. اما این نگرش، مشکلات جدی و انسداد در انجام مقاصد مسیح و مأموریت او در جهان برای ایمانداران ایجاد کرده است. آمارهای اخیر نشان داده اند به طور عمده، دلیل "رشد" ظاهری در بسیاری از کلیساهای امریکا، در واقع رفتن

مسیحیان از یک کلیسا به کلیسای دیگر است، و افزایش شمارِ گروندگان به مسیح اندک بوده است.

(<https://www.baptiststandard.com/news/faith-culture/rapid-church-growth-through-conversions-uncommon>). March, 2019)

لازم است بیدار شویم و درک کنیم که دیگر نباید به همان منوال سابق عمل کنیم. موج عظیمتری از شرارت در راه است و ما دیگر نمی توانیم به کسانی که نجات نیافته اند یا آنانی که در ایمان خود سرد شده اند این هشدار را با زمزمه اعلام کنیم یا از اینکار غفلت کنیم.

دیگر زمانی که بتوانیم "چراغ هایمان را زیر کاسه پنهان کنیم" گذشته است (متی ۵ آیات ۱۴ و ۱۵).

(۱۴) «شما نور جهانید. شهری را که بر فراز کوهی بنا شده، نتوان پنهان کرد. (۱۵) هیچ کس چراغ را نمی/افروزد تا آن را زیر کاسه/ای بنهد، بلکه آن را بر چراغدان می/گذارد تا نورش بر همه آنان که در خانه/اند، بتابد..»

ما مسیحیان، نور جهان هستیم - درست همانطور که مسیح بود. مردم کمتر از گذشته به کلیساهامان می آیند. همانطور که کتاب مقدس در متی ۱۰ آیه ۲۷ می گوید: ما باید بیرون رفته و انجیل را از فراز پشت بامها اعلام کنیم. باید به مردم کمک کنیم تا متوجه خطر قریب الوقوع شوند و با محبت آنها را به بندرگاه امن عیسی مسیح رهنمون شویم (کولسیان ۱ آیه ۲۸).

«(۲۸) ما/ او را وعظ می/کنیم، و هر کس را هشدار می/دهیم و با کمال حکمت می/آموزیم، تا همه را کامل در مسیح حاضر سازیم.»

دعا می کنم این کتاب رابطه شما را با مسیح وارد بُعد جدیدی نماید. اگر زندگی مسیحی شما با خودپرستی و تن پروری می گذرد، خدا می خواهد از شما چنان پیروانی بسازد که مسیح محور زندگیتان باشد و برای خدمت در ملکوت او پر غیرت و گوش به زنگ باشید. دعا می کنم همانطور که خواهان آن تاجی هستیم که مسیح وعده داده است، خواهان صلیب نیز باشیم، و بیاموزیم چگونه حقیقتاً طبیعت جسمانی خود را مصلوب نماییم و بتوانیم شاگردانی پویا برای عیسی مسیح، و در واقع صیاد جانها برای این دنیای رو به هلاکت بشویم.

شارون دوترا، از گروور بیچ در کالیفرنیا، به تاریخ آپریل ۲۰۲۰

چگونه این کتاب را مطالعه کنیم

ما جلسات مطالعه کتاب مقدس را با دعا شروع می کنیم زیرا آن مهمترین بخش جلسه است. در شروع از خداوند می خواهیم گناهان ما را ببخشد و از هر مانعی که نمی گذارد روح قدوس او حقیقت خود را به ما بیاموزد، ذهن ما را پاک بسازد. از او می خواهیم نهایتاً او معلم ما باشد و کلاس ما را رهبری و راهنمایی و هدایت کند.

بعد از دعا، به نوبت یک پاراگراف را با صدای بلند می خوانیم. هر کس می تواند هر وقت سوالی داشت بپرسد و من اغلب در طول درس توقف می کنم تا نکات مهم را ذکر کنم و توضیحاتی بدهم. هر کسی مختار است از خواندن با صدای بلند خودداری کند.

ما از ترجمه تفسیری کتاب مقدس انگلیسی استفاده می کنیم زیرا (به عقیده من) این ساده ترین نسخه قابل درک است که با نسخه اصلی کتاب مقدسی همخوانی دارد.

همچنین تمام آیات درس را از کتاب مقدس نگاه می کنیم و می خوانیم. *لطفاً* به تمام آیات رجوع کنید. من قادر نیستم زندگی شما را تغییر دهم، اما کلام خدا این قدرت را دارد.

علاوه بر این ، فکر نکنید حتماً لازم است این کتاب را با عجله تمام کنید. ما اغلب یک کلاس کامل را صرف خواندن تنها یک یا دو پاراگراف می کنیم. مطالب تأمل بر انگیز بسیاری در این کتاب وجود دارد. پس بهتر است در هر جلسه چند قسمت کوتاه را در نظر بگیرید و واقعا فرصت بدهید افراد در مورد آنها بیندیشند و صحبت کنند. اگر از مطالب سریع بگذرید، متوجه حقایق عمیقی که در آنها نگاشته است نخواهید شد.

ما اغلب مطالب را با در میان گذاشتن بینش های شخصی خود، کشمکش ها و پیروزی هامن شرح می دهیم. اگر درباره یکی از حقایق کتاب مقدسی اطلاع کافی ندارید، آن را با شبان یا معلم کتاب مقدس مورد اعتماد خود مطرح کنید و در جلسه بعدی پاسخ آن را به گروه تان گزارش دهید.

نکته برای کسانی که این کتاب را فرداً مطالعه می کنند

من این دروس را جهت مطالعه و رجوع به آیات، به ساده ترین وجه ممکنه ارائه کرده ام، زیرا میدانم برخی از شما برنامه گروهی برای پرسش سوالات یا در میان گذاشتن اطلاعات خود ندارید، یا مایل نیستید داشته باشید. اما همچنانکه در این بخش ها با صرف وقت مناسب دروس را انجام می دهید، نکات بسیاری درباره خود و رابطه تان با خدا می آموزید.

رهبران گروه و یاوران:

اگر شما رهبر گروه هستید، ایده خوبی است که پیش از کلاس خود را با متن آشنا بسازید. همچنین می توانید از درس ها به عنوان رئوس پایه برای آموزه های خود استفاده کنید، یا به عنوان یاور، زمانی که شاگردان دروس را انجام می دهند به آنها یاری دهید.

صرفاً جهت روشن تر ساختن موضوع، اغلب فقط از یک سطر در یک پاراگراف کتاب مقدس استفاده می کنم. این را مخصوصاً انجام می دهم، و به این معنی نیست که مطلب آن را خارج از چارچوب استفاده کرده باشم. پیش از نگاشتن آن "یک آیه"، مفاد پیرامونش را می خوانم. لیکن آیه به خوبی مطابقت دارد و نکته ای را که مد نظرم هست کاملاً می رساند. البته شما یا شاگردان اگر هدایت می شوید، آزاد هستید متون قبل و بعد از آیات ذکر شده را بخوانید.

در انتهای هر فصل کتاب، سوالاتی برای تفکر و تعمق مطرح شده اند. پاسخها "درست" یا "غلط" محسوب نمی شوند، اما مرتبط به نکاتی که در متن است هستند. سوالات به شما کمک می کنند در مورد باور های خود عمیقاً فکر و تحقیق کنید، و حقایق کتاب مقدسی را در ذهن و روح خود با استحکام جای دهید. لطفاً برای این کار وقت بگذارید و پاسخهای خود را بنویسید.

اطلاعات تماس

اگر مایل به خرید یکی از کتاب ها یا فرستادن نامه هستید، می توانید از طریق آدرس پستی ذیل تماس حاصل نمایید:

Post Office Box 597, Grover Beach, CA 93433

یا به این آدرس ایمیل ارسال دارید:

betransformed@betransformedministries.com

می توانید از وبسایت من دیدن کنید:

www.betransformedministries.com

می توانید خدمات ما را در فیسبوک دنبال کنید:

facebook.com/betransformedministries

اگر می خواهید داستان تبدیل بنیادی زندگی مرا در یوتیوب ببینید، می توانید به لینک زیر مراجعه کنید:

https://www.youtube.com/watch?v=UuH8U_dRdiw

اگر در این کتاب غلط املایی مشاهده کردید، لطفاً با من تماس حاصل کنید!
کتابهای من به زبان های انگلیسی، اسپانیایی و فارسی (و به زودی در نیمه سال ۲۰۲۰ به زبان ژاپنی) در دسترس هستند. نسخه انگلیسی و اسپانیایی کتاب را می توانید از سایت آمازون خریداری نمایید. جهت نسخه فارسی یا ژاپنی می توانید با من کتباً تماس بگیرید.

تمام کتابها برای افرادی که در زندان، بازداشتگاه ها یا مراکز توانبخشی هستند رایگان می باشند. چنانچه مایلید به خدمت ما هدایای مالی اهدا نمایید تا بتوانیم کتابهای بیشتری ارسال کنیم، لطفا با ما تماس بگیرید.

و اگر واقعا امکانات خرید کتاب ها را ندارید، فقط با من تماس بگیرید و یک نسخه برایتان ارسال خواهم کرد. من دلسوزی خاص برای کسانی دارم که در شرایط دشوار هستند زیرا خودم زمانی در آن موقعیت بودم. باشد که خدا همه شما را به فراوانی برکت دهد.

بخش اول

قلب شاگردی

فصل اول

غیرت برای عیسی مسیح

قسمت اول



همه می دانند که امروزه کلیساهای آمریکا تا حد زیادی
ناکارآمد و بی تأثیر شده اند.
چرا اینطور است؟
پاسخ آن بسیار ساده می باشد.

این به دلیل عدم غیرت در ما، عدم رابطه نزدیک ما،
و عدم سرسپردگی بی دریغ ما به مسیح است.

در این کتاب، می خواهم راز شاگردی حقیقی و پیروی راستین از عیسی مسیح را
برای شما بیان کنم. نگران نباشید! مطلب تازه ای به من "الهام" نشده است، بلکه همه
اینها مطلقاً از روی کتاب مقدس می باشد.

پیش از اینکه درس خود را شروع کنیم، فهرستی از "مهمترین ها" در آخر این فصل برای پر کردن می باشد. لطفاً در اینجا آن لیست را نگاه کنید و در مورد اولویت های خود بیندیشید و آنها را در نظر بگیرید. این به شما یاری خواهد کرد تا به بینید حقیقتاً رابطه شما با مسیح تا چه حد است. سپس، درس خود را آغاز می کنیم.

شاگرد پویا شدن

همانگونه که در پیش گفتار این کتاب اشاره شد، فرایندی که ما را تبدیل به یک شاگرد پر اشتیاق و مثبت برای عیسی مسیح می سازد نیاز به زمان، تلاش، انضباط و تمرکز دارد . زندگی مسیحی ساده است، اما **آسان** نیست. مسیح، نجات را به رایگان در دسترس ما قرار می دارد، اما کتاب مقدس برای ما روشن می سازد که بدون تغییر قلب و وجود، طرز فکر، طرز رفتار و بدون ثمربخشی برای ملکوت او، ایمان آوردن ما به مسیح تحت سوال می رود.

می خواهم با بررسی یکی از کلیدی ترین جنبه های ایمان مسیحی مان که اغلب نادیده می گیریم شروع کنم ، و آن **محبت** ما به مسیح است. توجه ما بیشتر به کارهایی گرایش دارد که برای خدا انجام می دهیم اما اهمیتِ «بودنِ در حضور خدا» را می توانیم بسادگی در درجه پایین قرار دهیم. لیکن همین خلوت کردن با خدا است که به زندگی مسیحی ما نشاط و قوت و بینش و بصیرت می بخشد.

در حقیقت، **عمل کردن** از **بودن** آسانتر است. در فرهنگ ما ، چه افراد غیر مذهبی چه کسانی که به معنویات اعتقاد دارند، به حد افراط فعالیت دارند و اگر ما در همه جوانب

زندگی عالی ترین دستاوردها را نداشته باشیم عملاً ما را توبیخ و سرزنش می کنند. البته بین آرامی گرفتن در حضور خدا و فعال بودن برای ملکوت الهی یک "تنش" وجود دارد، اما مهم است حد تعادل صحیح بین این دو را پیدا کنیم.

حضور شیرین او

بسیاری افراد وقتی به زمانی می نگرند که تازه به منجی شان ایمان آورده بودند، اغلب پی می برند دلیلی که پیرو مسیح شدند آن محبت عمیق و پر شوری بود که از مسیح نسبت به خود تجربه کردند و خود نیز نسبت به او داشتند. به خاطر همین است که بسیاری حاضرند جان خود را برای او بدهند. اگر شما پیش از این، چنین محبت و پذیرش بلاشرط و حقیقی را هرگز تجربه نکرده بودید، این رابطه جدید شاید یکی از لذت بخش ترین رابطه ها در تمام زندگی تان است.

اگر چه با گذشت زمان شاید می بینیم هنوز هم "پیرو" او هستیم، اما ممکن است فکر کنیم خدمت کردن به مسیح بیشتر زحمت است تا لذت. شاید به جای توجه به خود عیسی مسیح، بیشتر توجه ما به "ایمان مان" یا "ظاهر رفتارمان" و یا "عطایا" است. در نتیجه ممکن است به تدریج ظاهر "مذهبی" به خود بگیریم، اما باید بدانیم که مسیح این را مکروه می داند، چون او می خواهد یک رابطه نزدیک و صمیمی با ما داشته باشد، و وقتی خود را مذهبی وانمود کنیم، این کار ما را از او دور می سازد. به علاوه، چنین وانمود کردن دروغین مانع جذب بی ایمانان به سوی مسیح می شود، و نیز می تواند آنها را از خداوند رویگردان سازد (متی ۲۳ آیات ۲۳ تا ۲۸).

«(۲۳) وای بر شما ای علمای دین و فریسیان ریاکار! شما از نعناع و شوید و زیره ده یک می‌دهید، اما احکام مهمتر شریعت را که همانا عدالت و رحمت و امانت است، نادیده می‌گیرید. اینها را می‌بایست به جای می‌آوردید و آنها را نیز فراموش نمی‌کردید. (۲۴) ای راهنمایان کور! شما پشه را صافی می‌کنید، اما شتر را فرو می‌بلعید! (۲۵) وای بر شما ای علمای دین و فریسیان ریاکار! شما بیرون پیاله و بشقاب را پاک می‌کنید، اما درون آن مملو از طمع و ناپرهیزی است. (۲۶) ای فریسی کور، نخست درون پیاله و بشقاب را پاک کن که بیرونش نیز پاک خواهد شد. (۲۷) وای بر شما ای علمای دین و فریسیان ریاکار! شما همچون گورهایی هستید سفیدکاری شده که از بیرون زیبا به نظر می‌رسند، اما درون آنها پُر است از استخوانهای مردگان و انواع نجاسات! (۲۸) به همین‌سان، شما نیز خود را به مردم پارسا می‌نمایید، اما در باطن مملو از ریاکاری و شرارتید.»

واقعاً لازم است از آن غیرت و اشتیاقی که برای مسیح داریم با دقت پاسبانی کنیم.

در واقع محبت او به ما و محبت ما نسبت به اوست که زیربنای حقیقی ایمان ما است. اما این جنبه رابطه ما می‌تواند خیلی آسان لطمه بخورد یا نادیده گرفته شود. اگر با دقت تمام مواظب نباشیم، محبتی که به مسیح داریم می‌تواند کاهش یابد؛ چنین چیزی خداوند را آزرده می‌کند و ما را نیز از برکات روحانی که او برای ما دارد محروم می‌سازد. همچنین این موضوع خدمت مسیحی ما را به دیگران تضعیف می‌کند زیرا شادی و آرامشی را که باید نسبت به مردم در خدمت مسیح داشته باشیم از ما سلب می‌شود (مکاشفه ۲ آیات ۴ تا ۷؛ مکاشفه ۳ آیات ۱۵ تا ۱۶).

«(۴) واما این ایراد را بر تو دارم که محبت نخستین خود را فرو گذاشته‌ای. (۵) به یاد آر که از کجا سقوط کرده‌ای. پس توبه کن و اعمالی را به جا آور که در آغاز به جا می‌آوردی. چه اگر توبه نکنی، خود خواهیم آمد و چراغدانان را از آنجا که هست برمی‌گیرم. (۶) ولی

این حُسن را داری که از کارهای نیکولایان بیزاری، آن گونه که من نیز بیزارم. (۷) «آن که گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه می گوید. هر که غالب آید، به او نعمت خوردن از درخت حیات را خواهیم بخشید که در فردوس خداست.»

«(۱۵) اعمال تو را می دانم؛ می دانم که نه سردی و نه گرم. و کاش یا این بودی یا آن. (۱۶) اما چون ولرمی، نه گرم و نه سرد، چیزی نمانده که تو را چون تف از دهان بیرون بیندازم.»

دعا می کنم که هنوز عاشق عیسی مسیح باشید. اما اگر "محبت اولیه" خود را از دست داده اید، - اگر محبتتان به سردی گراییده - ، امیدوارم این درس، اشتیاقی تازه در شما برانگیزد تا نفس انسانی خود را بمیرانید، و جایگاه خدا را در زندگی تان در منزلتی که شایسته اوست بار دیگر قرار دهید. او تنها کسی است که مستحق است تابع و متعهد به او باشید و او تنها کسی است که اقتدار دارد شاه و سرور شما باشد!

بیایید با این محک که چقدر عاشق مسیح هستیم شروع کنیم. اول بیایید به بینیم وقتی افراد عاشق هستند چه رفتاری دارند.

معمولاً وقتی افراد عاشق می شوند، رفتارشان تاحدی عجیب می شود. 😊 برایشان مشکل است حواسشان را روی کارهای روزمره خود جمع کنند، زیرا یاد محبوبشان ذهن آنها را تحت الشعاع قرار داده است. راههای عجیب برای صرف وقت با کسی که دوستش دارند ایجاد می کنند. برای شان مهم نیست که رفتارشان کمی عجیب و غریب باشد. شدیداً مشتاق اند عشق خود را به محبوب شان ثابت کنند. شب تا دیر وقت بیدار می مانند و با او صحبت می کنند و صبح روز بعد هم انرژی دارند که به کارهای خود برسند. مسئله ای با پول خرج کردن برای محبوبشان ندارند. روزهای

خود را مطابق خواسته او ترتیب می دهند و هرگز احساس نمی کنند برای شان زحمت است - حتی اگر مجبور باشند برنامه های خود را تغییر دهند یا کاری انجام دهند که واقعا علاقه ای به انجام آن ندارند. آنها فقط می خواهند با یکدیگر باشند.

اساساً، تمام دنیا دور و بر کسی می چرخد که او را دوست دارند

حال، با توجه به این تعاریف، از خودتان بپرسید احساس شما درباره خداوند عیسی آیا اینطور است؟ اگر می بینید محبت شما به مسیح رو به افول است، یا قبلاً هرگز چنین محبت پر شوری نسبت به او نداشته اید، شاید تغییراتی باید در زندگی تان بدهید تا بتوانید شاگردی پر محبت برای عیسی مسیح باشید. آنقدر باید به مسیح سر سپرده باشید که او از همه چیز برای تان مهم تر باشد و عشق اول شما باشد - حالا هر قدر هم که اوضاع سخت شوند و هر قدر هم در بشارت و خدمت به مسیح در برابر دیگران احساس ناجوری و ناراحتی می کنید. خداوند نمی خواهد "پیرو" مذهب باشید بلکه می خواهد یک رابطه هدفمند، پر نشاط، سر سپرده، پیروزمند و رضامند با شما داشته باشد.

خدا تمام وجود ما را می خواهد

بسیاری از افرادی که افتخار مشاوره و هدایت آنها را به سوی مسیح داشته ام به من گفته اند: "تنها کسی که فکر نمی کردم در زندگی اصلاً با او کاری داشته باشم مسیح بود. من به «خدا» ایمان دارم ولی از «مسیح» کاملاً اجتناب می کردم. اما شگفت انگیز بود که وقتی مسیح را شناختم، پی بردم او همان شخصی بود که در جستجویش بودم."

این بدین خاطر است که محبت و شناخت مسیح، راه ایجاد یک رابطه صحیح و صمیمی با خدای پدر است (یوحنا ۱۴ آیات ۶ و ۹).

«(۶) عیسی به او گفت: «من راه و راستی و حیات هستم؛ هیچ کس جز به واسطه من، نزد پدر نمی آید.»

«(۹) عیسی به او گفت: «فیلیپس، دیری است با شما هستم و هنوز مرا نشناخته ای؟ کسی که مرا دیده، پدر را دیده است؛ پس چگونه است که می گویی "پدر را به ما بنما"؟»
خدا پیوسته از ما دعوت می کند تا رابطه ای عمیق تر و صمیمی تر با او داشته باشیم – رابطه ای که تبدیل کننده زندگی است.

از همان ابتدا که خدا آدم و حوا را آفرید، به روشنی نمودار ساخت که می خواهد اولویت شماره یک برای ما باشد. کسانی که ظاهراً می گویند مسیح "خداوند" است، اما واقعاً رابطه مستحکمی با او ندارند، تهی از نشاطی هستند که از تسلیم شادمانه زندگی مسیحی سرچشمه می گیرد. آنها درباره خدا اطلاع دارند؛ طوری صحبت می کنند که گویی او را دوست دارند؛ به کلیسا می روند؛ "مانند" مسیحیان رفتار می کنند ... ، اما ...

اینگونه افراد چقدر از وقت، استعداد، پول و فکر و علاقه شان را واقعاً صرف خدا می کنند و در مقایسه چه قدر خود را با دنیا مشغول می سازند یا برای هدف های خود هزینه می کنند؟ کردار شان چیست، طرز صحبت شان چگونه است، طرز فکرشان چه می باشد؟ در مشکلات چه رفتاری از خود نشان می دهند و ثمرات روح القدس یعنی محبت، خوشی، آرامش، صبر، مهربانی، نیکویی، وفاداری، فروتنی و خویشترنداری تا چه حد در آنها مشهود است (غلاطیان ۵ آیات ۲۲ تا ۲۴).

«22/ اما ثمره روح، محبت، شادی، آرامش، صبر، مهربانی، نیکویی، وفاداری، 23 فروتنی و خویشنداری است. هیچ شریعتی مخالف اینها نیست. 24 آنان که به مسیح عیسی تعلق دارند، نفس را با همه هوسها و تمایلاتش بر صلیب کشیده/اند.»

وقتی مسیح می فرماید "به دنبال من بیا" منظورش این نیست که "فقط تا حدی به دنبال من پرتو بزن که به دردسر نیفتی". او راجع به آن نوع زندگی صحبت می کند که کاملاً تحت اختیار او و برای او می باشد. او می خواهد چنان رابطه عمیقی با او بیابیم که شروع کنیم همانند او فکر کنیم و دل ما برای آن چیزهایی بسوزد که خدا برای آنها دلسوزی و ترحم دارد. او می خواهد ما با شادمانی علاقمند به انجام اراده او باشیم. پروردگار ما می خواهد بگذاریم او بر روی تمام جهات زندگی ما تأثیر کامل داشته باشد!

در همینجا چند لحظه فکر کنید رابطه شما با مسیح چگونه است. رو راست باشید.

- آیا بیشتر اوقات به او بی اعتنایی می کنید؟
- آیا گاهی می گذارید همراه شما بیاید؟
- آیا بعضی وقتها او را به زندگی خود راه می دهید؟
- **یا اینکه** با عشق و علاقه فراوان، بخش اعظم زندگی خود را صرف محبت و خدمت به او می کنید؟

این برای تو خوبه ...

بعضی اوقات افراد در مورد رابطه من با مسیح که تمام زندگی مرا در بر گرفته می گویند ، "این برای تو خوبه ، اما به درد همه نمی خوره". اما من در کتاب مقدس چنین چیزی نمی

بینم. درست از همان ابتدا، خدا به قوم خود می گوید که : "آنها را خدایان دیگری جز او نباشد" (تثنیه ۵ آیه ۷).

امروزه همسر، یا فرزندان ما (که این زیاد دیده می شود) می توانند جای خدا را در زندگی ما بگیرند ؛ همچنین شغل ، پول ، ظاهر ، اینترنت ، ورزش، رسانه های اجتماعی ، تلفن همراه، تلویزیون ، حیوانات خانگی ، اعتیاد ها ، نظرات دیگران ، و غیره ؛ همه ما می دانیم که این فهرست طول و دراز بیشتری دارد!

این فرمان عهد عتیق که باید خدا را فراتر از هر چیز دیگری حرمت بگذاریم، هزاران سال بعد هم در زمان عیسی به جای خود بود و امروزه نیز کاملاً معتبر و مرتبط به زمان ما است . مسیح فرمود: " اگر می خواهید شاگرد من باشید، باید از همه - در مقایسه با پدر و مادر، همسر و فرزندان، برادران و خواهران تان - بله حتی از زندگی خویش نفرت کنید. در غیر اینصورت نمی توانید شاگرد من باشید (مرقس ۸ آیات ۳۴ تا ۳۸؛ لوقا ۱۴ آیه ۲۶؛ باب ۱۸ آیات ۲۹ و ۳۰؛ و یوحنا ۱۲ آیات ۲۵ و ۲۶).

«(۳۴) آنگاه شاگردان و مردم را فراخواند و فرمود: «اگر کسی از شما بخواهد پیرو من باشد باید از خودخواهی دست بردارد و صلیب خود را بر دوش گیرد و مرا پیروی کند. (۳۵) هر که بخواهد جان خود را نجات دهد، آن را از دست خواهد داد؛ اما هر که جانش را به خاطر من و به خاطر انجیل از دست بدهد، آن را نجات خواهد داد. (۳۶) «چه فایده که انسان تمام دنیا را ببرد، اما جانش را از دست بدهد؟ (۳۷) مگر چیزی با ارزشتر از جان او پیدا می شود؟ (۳۸) و اگر کسی در این روزگار فاسد و پراز گناه از من و از سخنان من عار داشته باشد، پسر انسان نیز هنگامی که در جلال پدر خود، با فرشتگان مقدس بازگردد، از او عار خواهد داشت.» (۲۶) هر که نزد من آید و از پدر و مادر، زن و فرزند، برادر و خواهر، و حتی از جان خود نفرت ندارد، شاگرد من نتواند بود.»

«29 عیسی به ایشان گفت: «آمین، به شما می‌گویم، کسی نیست که خانه یا زن یا برادران یا والدین یا فرزندان را به‌خاطر پادشاهی خدا ترک کند، 30 و در همین عصر چند برابر به دست نیابد، و در عصر آینده نیز از حیات جاویدان بهره‌مند نگردد.»

«(۲۵) کسی که جان خود را دوست ندارد، آن را از دست خواهد داد. اما کسی که در این جهان از جان خود نفرت داشته باشد، آن را تا حیات جاویدان حفظ خواهد کرد. (۲۶) آن که بخواهد مرا خدمت کند، باید از من پیروی کند؛ و جایی که من باشم، خادم من نیز خواهد بود. کسی که مرا خدمت کند، پدرم او را سرافراز خواهد کرد.»

کلمه "نفرت" در این آیه انجیل لوقا به معنی عادی آن نیست که معمولاً به ذهن ما خطور می‌کند، بلکه به معنی «محبت نسبت به مسیح به قدری بیشتر از هر فرد دیگری» است که در مقایسه به نظر می‌آید از عزیزان مان نفرت داشته باشیم. مسیح به صراحت می‌فرماید اگر مسیح را هدف‌مندان بسیار والاتر از همه چیز دیگر انتخاب نکنیم، شاگرد او محسوب نمی‌شویم.

موضوع این نیست که در روابط و برنامه‌ها مان جایی به خدا بدهیم که برای ما مناسب باشد، یا گاهی بگذاریم خداوند و ارباب ما باشد. عیسی این را می‌گوید که: "هیچ برتری جویی، هیچ رقابتی و هیچ حریفی نباید برای جایگاه شایسته‌ی من در قلب و ذهن و روح و اراده شما وجود داشته باشد." ما حتی نباید خدا و مردم را در یک رده قرار دهیم. او باید در مقام ویژه، متعال، یگانه و منحصر به فرد خود در زندگی ما قرار داشته باشد. همه افراد و همه چیز دیگر می‌بایست اهمیت کمتری داشته باشند.

و قصد خدا جلب توجه نیست! او می‌داند که اگر او و پادشاهی وی را در اولویت قرار دهیم، در نهایت خوشی، آرامش، احیا شدگی، امید، هدف و محبتی را می‌یابیم که در

جستجویش بوده ایم. و اگر تصمیم بگیریم پیروی مسیح را در رأس زندگی خود قرار دهیم، او وعده داده است که بقیه امور زندگی ما را که اینقدر نگران شان هستیم ترتیب خواهد داد (متی ۶ آیات ۳۱ تا ۳۳).

«(۳۱) پس نگران نباشید و نگویید چه بخوریم یا چه بنوشیم و یا چه بپوشیم. (۳۲) زیرا اقوام بت پرست در پی همه این گونه چیزهایند، اما پدر آسمانی شما می داند که بدین همه نیاز دارید. (۳۳) بلکه نخست در پی پادشاهی خدا و عدالت او باشید، آنگاه همه اینها نیز به شما عطا خواهد شد.»

این یک شیوه زندگی است نه زندگی به سبک تعطیلات ... !

بر می گردیم به موضوع خود در تثنیه ۵ ؛ در آنجا مطلب بسیار جالبی می بینیم که خدا در آیه ۶ فرموده است. درست پیش از آنکه خدا ده فرمان را به موسی عطا کند، می بینیم **چرا** او دارای چنین اختیاری است که قوم خود را ملزم به اطاعت کامل نماید. دلیل این است که خدا آنها را / از بندگی خلاصی بخشید. او رها کننده و نجات دهنده آنهاست! امروز هم وضع ما تفاوتی با آنها ندارد. ما به بهای خون ارزشمند مسیح خریداری شده ایم. از اسارت مان به گناه نجات یافته ایم و رها گشته ایم (اول پطرس ۱ آیات ۱۸ و ۱۹).

«(۱۸) زیرا می دانید از شیوه زندگی باطلی که از پدران تنان به ارث برده بودید، باز خرید شده/ید، نه به چیزهای فانی چون سیم و زر، (۱۹) بلکه به خون گرانبهای مسیح، آن بره بی عیب و بی نقص.» در عوض، حق خدا است کاملاً سرسپرده او باشیم.

خدا قوم خود را دعوت می کند تا با تمام دل به سوی او بیایند و می فرماید: "نباید هیچ بت دیگری داشته باشید" (تثنیه ۵ آیات ۸ و ۹). «(۸) هیچ تمثال تراشیده برای خود مساز، خواه به شکل هر آنچه بالا در آسمان است و یا پایین بر زمین و یا در آبهای زیر زمین. (۹) در برابر آنها سجده مکن و آنها را عبادت منما. زیرا من یهوه خدای تو، خدایی غیورم

که جزای تقصیرات پدران را به فرزندان و به پشتِ سَوم و چهارمِ آنان که مرا نفرت کنند می‌رسانم،»

به خاطر عظمت پر شکوه و قدرتش، حقِ خدا است که الزاماً بخواهد محبت ما در درجه اول نسبت به او باشد. خداوند همچنین به ما هشدار می‌دهد که نام او را به باطل نبریم (تثنیه ۵ آیه ۱۱). «(۱۱) نام یهوه خدای خود را به باطل مَبَر، زیرا خداوند کسی را که نام او را به باطل بَرَد، بی‌گناه نخواهد شمرد.»

این حتی جدی‌تر از این است که بعضی بی‌ایمانان در کشورهای غربی نام او را با توهین و صرفاً به صورت دشنام به کار می‌برند. نام مبارک و گرامی خدا را نباید در زندگی سرسری و با گستاخی ذکر کرد بلکه به طرزی شایسته و با محبت و احترام عمیق باید نام پروردگارمان را ادا کنیم (مزمور ۱۱۱ آیه ۱۰؛ امثال ۹ آیه ۱۰).

«(۱۰) ترس خداوند آغاز حکمت است، آنان را که به احکام او عمل می‌کنند فهم نیکوست. ستایش او تا به ابد پایدار است!» «(۱۰) ترس خداوند آغاز حکمت است، و شناخت آن قدوس، بصیرت.»

سپس خدا به ما فرمان می‌دهد که روز سبت را مقدس نگاه داریم (تثنیه ۵ آیه ۱۲).

«12 روز شَبَات را نگاه داشته، آن را مقدس بدار، چنانکه یهوه خدایت تو را امر فرموده است.»

به چه دلیل؟ زیرا می‌خواهد با ما وقت بگذراند. او خدایی است که رابطه برقرار می‌کند. او می‌خواهد ما هدفمندانه یک روز در هفته کار روزانه و دغدغه‌های خود را کنار بگذاریم، چون قصد او برای ما این است که آرام بگیریم - یعنی در او آرامی بیابیم.

مطمئن هستیم که همه ما در آخر هفته با "خانواده" وقت صرف کرده ایم. اما این روزها

به نظر می‌رسد که همه با موبایل، کامپیوتر یا تلویزیون مشغول هستند و به جای رابطه با خانواده متوجه چیزهای دیگری هستند. اوقاتی که باید برای برقراری روابط نزدیک و واقعی صرف شوند، به خاطر سرگرمی‌ها به دور ریخته شده‌اند. متأسفانه زمانهای از دست رفته باز نمی‌گردد. خدا هم وقتی او را به بخاطر هدف‌های کم اهمیت‌تر نادیده می‌گیریم همین‌طور احساس می‌کند.

علاوه بر این، خدا برای ما راهی ایجاد کرده تا هفت روز هفته را در آن آرامی سبت (روحانی) زندگی کنیم در حالیکه روح القدس در ما ساکن است (عبرانیان ۴ آیات ۱ تا ۱۱). «(۱) حال، با اینکه وعده خدا برای ورود به آسایش او هنوز به قوت خود باقی است، باید از ترس بر خود بلرزیم، مبادا مشخص گردد که کسی از میان شما از دست یافتن به آن کوتاه آمده است. (۲) زیرا همان خبر خوش - یعنی ورود به آسایش او - به ما نیز اعلان شده است، همان‌گونه که به ایشان اعلان شده بود، اما به ایشان هیچ سودی نرساند، چرا که در ایمان آنانی که اطاعت کردند، سهیم نشدند. (۳) فقط ما که ایمان داریم، می‌توانیم وارد آن آسایش شویم، همان‌گونه که خدا فرموده است: «پس در خشم خود سوگند خوردم که به آسایش من هرگز راه نخواهند یافت.» با این حال، کارهای او از زمان آفرینش جهان، پایان یافته بود. (۴) زیرا در جایی در کتب مقدس دربارهٔ روز هفتم چنین آمده که: «خدا در هفتمین روز، از همهٔ کار خود بیاسود.» (۵) اما باز در آیات بالا می‌فرماید: «به آسایش من هرگز راه نخواهند یافت.» (۶) بنابراین، مردم می‌توانند به آسایش خدا راه بیابند، اما آنانی که قبلاً این خبر خوش را دریافت کرده بودند، به دلیل ناطاعتی وارد نشدند. (۷) از این رو، خدا فرصت دیگری تعیین فرمود، و آن را «امروز» نامید. او این را مدتها بعد، از زبان داوود بیان کرده، فرمود: «امروز اگر صدای خدا را می‌شنوید، دل خود را سخت نکنید»، که این گفتار خدا در سطور بالا نیز نقل قول شده است. (۸) زیرا اگر یوشع در زمان هدایت قوم اسرائیل به داخل سرزمین کنعان، موفق شده بود که این آسایش را به

ایشان بدهد، دیگر لازم نمی‌شد خدا مدتها بعد، درباره روز دیگری برای اعطای آسایش سخن بگوید. (۹) پس برای قوم خدا آسایش روز شبات باقی می‌ماند. از این امر پی می‌بریم که فرصتی برای استراحت و آرامش کامل، در محلی انتظار قوم خدا یعنی ما را می‌کشد. (۱۰) زیرا همه آنان که وارد آسایش خدا شده‌اند، ایشان نیز از زحمات خود آسودند، همان‌گونه که خدا پس از اتمام کار آفرینش، بیاسود. (۱۱) پس ما نیز نهایت تلاش و کوشش خود را بکنیم تا وارد آن آسایش خدا گردیم، مبادا مانند بنی‌اسرائیل، در اثر نافرمانی از ورود به آن محروم شویم.»

خداوند خوب می‌داند زمانی ما سر زنده ترین و شادترین و پرثمرترین زندگی را خواهیم داشت که هر روزه با او رابطه تنگاتنگ و بسیار صمیمی داشته باشیم (تثنیه ۶ آیات ۴ تا ۹)

«(۴) بشنو، ای اسرائیل، یهوه خدای ما، خداوند یکتاست. (۵) یهوه خدای خود را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی قوت خود دوست بدار. (۶) این قوانینی که امروز به شما می‌دهم باید دائم در فکر و دلتان باشد. (۷) آنها را به فرزندان خود بیاموزید و همیشه درباره آنها صحبت کنید خواه در خانه باشید خواه در بیرون، خواه هنگام خواب باشد خواه اول صبح. (۸) آنها را همچون نشان روی انگشت و پیشانی خود ببندید؛ (۹) آنها را بر سر در منازل خود و بر دروازه‌هایتان بنویسید.»

ما مسئولیت بزرگی در رابطه خود با خدا داریم. هدف اصلی ما باید این باشد که به مسیح نزدیک تر شویم. بسیاری از مردم می‌گویند " تمامی آداب و فرایض را رعایت کنند"، اما اینکار همیشه در آخر به پوچی و شرمندگی تمام می‌شود. ایمان حقیقی از قلب های ما جاری شده، قدرت زندگی ما می‌گردد. وقتی اجازه می‌دهیم روح خدا به ما نیرو ببخشد، اطاعت از خدا برای ما بسیار آسان تر می‌شود، زیرا سرزندگی و خرمی ما

اینک از قدرت متعال او سرچشمه می گیرد، نه از قدرت ما. (حجی ۲ آیات ۴ و ۵؛ زکریا ۴ آیه ۶)

«(۴) اما اکنون خداوند می فرماید: هر چند به ظاهر چنین است اما مایوس نشوید. ای زروبابل و یهوشت و همه قوم، قوی دل باشید و کار کنید، چون من با شما هستم. این را خداوند لشکرهای آسمان می گوید. (۵) وقتی از مصر بیرون می آمدید به شما وعده دادم که روح من در میان شما می ماند؛ پس ترسان نباشید!»

«(۶) سپس فرشته گفت: این است آنچه خداوند به زروبابل می گوید: نه به قدرت، نه به قوت، بلکه به روح من؛ خداوند لشکرهای آسمان این را می گوید.»

وقتی به خدا نزدیک می شویم او با محبت فوق طبیعی خود به ما محبت می کند و آن اعتماد و قدرتی را که شدیداً نیاز داریم به ما می بخشد تا آنچه را خدا از ما می خواهد انجام دهیم. او ما را تنها نمی گذارد تا با تقلا راه زندگی را پیدا کنیم، و ما را بدون کمک رها نخواهد کرد.

ما تنها زمانی درمانده خواهیم شد که اختیارها را به دست خود بگیریم

افراد زیادی هستند که به نظر می رسد بدون خداوند قدرتمند و موفق هستند. اما در واقع در نقشه ی بزرگی که خدا برای بشر دارد، آنها همچون «جادوگر شهر آوز» هستند ... و کسی هستند که در خفای نمایی از عظمت پنهان شده است. از دیدگاه خدا، آنها در چیزی شکست خورده اند که حقیقتاً در این دنیا و در ابدیت مهم است – و آن داشتن رابطه پر محبت و پر غیرت با پسر او عیسی است.

باز هم می گویم، راز زندگی مسیحی این است: "(نخست) خداوند خدا را با تمامی دل، با تمامی جان، با تمامی فکر و با تمامی قوت خود محبت نما" (مرقس ۱۲ آیات ۲۹ و ۳۰).

«(۲۹) عیسی پاسخ داد: «مهمترین حکم این است: "بشنو، ای اسرائیل، خداوند خدای ما، خداوند یکتاست. (۳۰) خداوند، خدای خود را با تمامی دل و با تمامی جان»

در فرهنگ امروزی ما - بلی، حتی در کلیسا - ما زمان زیادی را صرف محبت به خودمان می کنیم. در واقع درصد بالایی از کلیساهای امریکایی شیفته خودشان اند و به همین دلیل در نجات جان بی ایمانان بسیار ناکارآمد هستند.

از کجا بدانم برای خودم زندگی می کنم یا برای خدا؟

برترین جایگاه را نسبت به هر چیز دیگر به خدا دادن، برای زندگی ما شالوده ای می سازد که تکیه گاهی مستحکم و زیر بنای همه چیز دیگر می گردد. اگر خدا والاترین اولویت شما نیست، پایه و اساس زندگی شما معیوب است و استقامتی را که برای زندگی خدا پسندانه در زمان مصاف با طوفانها نیاز دارید تامین نمی کند (متی ۷ آیات ۲۱ تا ۲۷).

«(۲۱) گمان مبرید هر که مرا "خداوند! خداوند!" صدا کند، وارد ملکوت آسمان خواهد شد. فقط آنانی وارد خواهند شد که اراده پدر آسمانی مرا در عمل به جا آورند. (۲۲) در روز داوری، بسیاری به من خواهند گفت: "خداوند! خداوند! ما به نام تو نبوت کرده، پیام تو را به مردم رساندیم، و با ذکر نام تو، ارواح پلید را اخراج کردیم، و معجزات بسیاری به نام تو انجام دادیم." (۲۳) اما من با صراحت پاسخ خواهم داد: "هرگز شما را نشناختم.م. از من دور شوید، ای بدکاران."» **بنیاد محکم** «(۲۴) هر که به تعالیم من گوش فرا می دهد و به آنها عمل می کند، شخصی دانا است. او مانند کسی است که خانه اش را بر صخره ای محکم بنا کرد. (۲۵) هر چه باران بارید و سیل آمد، و باد و توفان بر آن خانه وزید، خراب نشد، زیرا روی صخره بنا شده بود. (۲۶) اما هر که تعالیم مرا بشنود و از آنها اطاعت نکند، نادان است. او مانند کسی است که خانه اش را بر شن و ماسه بنا کرد. (۲۷) قتی باران و سیل آمد و باد و توفان بر آن خانه وزید، چنان خراب شد که اثری از آن باقی نماند.»

خدا می خواهد زندگی شما برای ملکوتش استوار و هدفمند باشد، و می داند او تنها کسی است که دارای قدرت لازم است تا آن را برای شما رقم بزند. (فیلیپیان ۲ آیه ۱۳)

«(۱۳) زیرا خدا خودش در وجود شما کار می کند تا بتوانید با میل و رغبت او را اطاعت نمایید و اعمالی را بجا آورید که مورد پسند اوست.»

بیائید رومیان ۸ آیات ۵ تا ۱۴ را در ادامه بخوانیم، که به روشنی برایمان آشکار می سازد آیا خدا را خدمت می کنیم یا خودمان را . آیات کتاب مقدس در ذیل می باشد. (کلمات داخل پرانتز از من است):

"آنان که نفسانی هستند، به آنچه از نفس است می اندیشند، اما آنان که روحانی اند، به آنچه از روح است. (اجازه دادن به) طرز فکر انسانِ نفسانی، مرگ است، اما (اجازه دادن به) طرز فکری که در حاکمیتِ روح قرار دارد، حیات و سلامتی است. زیرا طرز فکر انسانِ نفسانی با خدا دشمنی می ورزد، چرا که از شریعت خدا فرمان نمی برد و نمی تواند هم ببرد، و کسانی که در حاکمیتِ نفس هستند نمی توانند خدا را خشنود سازند. اما شما نه در حاکمیتِ نفس، بلکه در حاکمیتِ روح قرار دارید، البته اگر روح خدا در شما ساکن باشد. و (به یاد داشته باشید) اگر کسی روحِ مسیح را نداشته باشد (روح مسیح در او زندگی نکند)، او از آن مسیح نیست. اما اگر مسیح در شماست، هرچند بدن شما به علت گناه مرده است، اما چون پارسا شمرده شده اید، روح برای شما حیات است. و اگر روح او که عیسی را از مردگان برخیزانید در شما ساکن باشد، او که مسیح را از مردگان برخیزانید، حتی به بدنهای فانی شما نیز حیات خواهد بخشید. او این را به واسطه روح خود انجام خواهد داد که در شما ساکن است. پس ای برادران (و خواهران)، ما مدیونیم، اما نه به نفس، تا بر طبق آن زندگی کنیم. زیرا اگر بر طبق نفس زندگی کنید، خواهید مرد؛ اما اگر

به واسطه روح، اعمال گناه‌آلود بدن را بکشید، خواهید زیست. زیرا آنان که از روح خدا هدایت می‌شوند، پسران خدا/یند.

این متن به روشنی مشخص می‌کند که اگر صرفاً برای خودمان زندگی کنیم عواقب زیر را حاصل خواهیم نمود:

مرگ روحانی

طغیان علیه امور الهی

خصومت در روابط مان

فقدان میل و توانایی برای خشنود ساختن خدا

ناتوانی در غلبه بر خواهش‌ها و نگرش‌ها و رفتارهای نفسانی.

(غلاطیان ۵ آیات ۱۹ تا ۲۱)

«(۱۹) هنگامی که از تمایلات نفسانی خود پیروی می‌کنید، زندگی‌تان این نتایج را به بار می‌آورد: بی‌بند و باری جنسی، ناپاکی، هرزگی؛ (۲۰) بت‌پرستی و جادوگری و احضار ارواح؛ دشمنی و دو به هم زنی؛ کینه‌توزی و خشم؛ خودخواهی و نفع‌طلبی، شکایت و انتقاد و بهانه‌جویی؛ در اشتباه دانستن دیگران و بر حق شمردن خود و اعضای گروه خود؛ (۲۱) حسادت و مستی و عیاشی و چیزهایی از این قبیل. همان‌طور که قبلاً هم اشاره کردم، باز تکرار می‌کنم هر که اینچنین زندگی کند، هرگز در ملکوت خدا جایی نخواهد داشت.»

اما اگر در روح خدا زیست کرده، مجهز به قدرت او باشیم، مدام به طریق هایی می اندیشیم که خدا را خشنود سازد. پر از زندگی خواهیم بود و محبت و شادی و آرامش را به وفور خواهیم داشت. مطمئن می شویم که در موقعیت خوبی با خداوند قرار داریم و وجدانی روشن و پاک خواهیم داشت (اول تیموتائوس ۱ آیه ۵).

«(۵) منظورم از این حکم این است که همه ایمانداران از محبت لبریز شوند، محبتی برخاسته از دلی پاک و انگیزه‌ای درست و ایمانی اصیل.»

روابط ما پر آرامش تر خواهند بود. مغلوب افکار و رفتارهایی که می دانیم ناخشنودی مسیح را در بر دارد نخواهیم شد. در عوض، خدا را با نشان دادن ثمرات زیبای روح القدس جلال خواهیم داد. دوباره عاشق منجی پر جلال خود خواهیم شد و این محبت را بدون تقلا به دست خواهیم آورد.

فصل ۱

غیرت برای عیسی مسیح

فهرست اولویت ها

هر یک از موضوعات ذیل را بر اساس اهمیتی که برای شما دارند، از ۱ تا ۵ رتبه بندی کنید (۵ بیشترین درجه اهمیت است). این فهرست مشخص می کند وقت، پول، افکار و کوشش خود را چه قدر صرف هریک از این موضوعات می کنید. هر کدام که به شما اطلاق نمی کند می توانید آن دریف را خالی بگذارید.

۵	۴	۳	۲	۱	(* پول
۵	۴	۳	۲	۱	(* فرزندان / خانواده
۵	۴	۳	۲	۱	(* همسر (یا دوست پسر / دوست)
۵	۴	۳	۲	۱	(* خدا
۵	۴	۳	۲	۱	(* خودتان
۵	۴	۳	۲	۱	(* تمایلات جنسی
۵	۴	۳	۲	۱	(* ظاهر
۵	۴	۳	۲	۱	(* علایق

۵	۴	۳	۲	۱	(*) ورزش
۵	۴	۳	۲	۱	(*) شغل
۵	۴	۳	۲	۱	(*) سرگرمی ها
۵	۴	۳	۲	۱	(*) کلیسا / مذهب
۵	۴	۳	۲	۱	(*) محبوبیت
۵	۴	۳	۲	۱	(*) تحصیل
۵	۴	۳	۲	۱	(*) حیوانات خانگی

فصل دوم

غیرت برای عیسی مسیح

قسمت دوم



چطور بدانم روح القدس در من زندگی می کند؟

نکته جالب درباره پادشاهی خدا این است که کاملاً نقطه مقابل روش های انسانی ما است. در واقع، کتاب مقدس می گوید که انجیل برای کسانی که خدا را نمی شناسند جهالت است (اول قرن‌تین ۱ آیات ۱۸ تا ۳۱). خدا در حکمت خویش روشی برای زندگی به ما آشکار می سازد که از بیخ و بنیاد متفاوت است مانند: "باید بمیریم تا زندگی کنیم"، "باید بدهیم تا دریافت کنیم"، "باید فدا کنیم تا همه چیزهایی را که عمیقاً آرزو می کنیم داشته باشیم" و "باید تسلیم شویم تا آزاد گردیم".

«(۱۸) من به خوبی می دانم که برای آنانی که به سوی هلاکت می روند، چقدر احمقانه به نظر می رسد وقتی می شنوند که عیسی مسیح بر روی صلیب جان خود را فدا کرد تا انسان را نجات بخشد. اما برای ما که در راه نجات پیش می رویم، این پیغام نشانه قدرت خداست. (۱۹) زیرا در کتب مقدس نوشته شده: «حکمت حکیمان را از میان خواهیم برد و فهم فیهیمان را باطل خواهیم ساخت.» (۲۰) پس کجایند این خردمندان و علمای دین و فلاسفه که درباره مسائل عمیق دنیا به بحث می پردازند؟ خدا ایشان را جاهل ساخته و نشان داده است که عقل و حکمت آنان پوچ و باطل است. (۲۱) زیرا خدای حکیم صلاح ندانست که

انسان با منطق و حکمت خود او را بشناسد. بلکه او خود به میان ما آمد و همه آنانی را که به پیام او ایمان آوردند نجات بخشید، یعنی همان پیامی که مردم دنیا، چه یهودی و چه غیر یهودی، آن را بی معنی و پوچ می دانند. (۲۲) زیرا یهودیان خواستار آنند که پیامان را با معجزه‌ای ثابت کنیم و یونانیان نیز فقط مسائلی را می پذیرند که با فلسفه و حکمتشان منطبق باشد. (۲۳) اما پیام ما این است که مسیح برای نجات انسان مصلوب شد و مرد؛ و این پیام برای یهودیان توهین آمیز است و برای یونانیان پوچ و بی معنی. (۲۴) اما آنانی که از جانب خدا برای دریافت نجات دعوت شده‌اند، چه یهودی و چه یونانی، مسیح قدرت خدا و نقشه حکیمانه اوست برای نجات ایشان. (۲۵) نقشه نجات خدا که در نظر بعضی پوچ و بی معنی است، بسی حکیمانه تر است از نقشه‌های حکیمانه داناترین مردم؛ و مرگ مسیح بر روی صلیب که در نظر برخی نشانهٔ ضعف خداست، بسیار نیرومندتر از تمام قدرتهای بشری است. (۲۶) برادران و خواهران عزیز، به یاد بیاورید زمانی که برای پیروی از مسیح دعوت شدید، در چه جایگاهی قرار داشتید. بسیاری از شما بر اساس معیارهای این دنیا، حکیم یا صاحب نفوذ یا از خانواده‌ای اصیل نبودید. (۲۷) بلکه خدا اشخاصی را برگزیده، که مانند شما در نظر مردم دنیا، نادان و ضعیف هستند، تا از این راه آنانی را که دانا و قدرتمند به حساب می آیند، شرمگین سازد. (۲۸) خدا افرادی را انتخاب کرده که طبق معیارهای دنیا از طبقات پایین و مطرود جامعه هستند. بله، خدا همان کسانی را برگزیده که دنیا ایشان را هیچ می انگارد، تا نشان دهد آنانی که مهم و بزرگ به نظر می آیند، هیچ هستند؛ (۲۹) و به این ترتیب هیچ بشری نتواند در برابر خدا فخر فروشی کند. (۳۰) این خدا بود که شما را به مسیح عیسی پیوند داد، و هم او بود که سبب شد مسیح برای ما خود حکمت شود. مسیح ما را عادل گردانید، ما را پاک و مقدس ساخت و از گناه رهایی مان بخشید. (۳۱) در کتب مقدس آمده است: «اگر کسی می خواهد به چیزی افتخار کند، به کاری که خداوند انجام داده است، افتخار کند.»

و در همین است که ما اغلب کم می آوریم. نمی خواهیم برای هیچکس رنج بکشیم یا هیچ چیزی را که داریم قربانی کنیم. بسیاری از اوقات مطیع اراده خدا نمی شویم زیرا به نفس خود و به دنیا و شیطان اجازه می دهیم که کنترل را در زندگی ما داشته باشند. باید بپذیریم که اغلب در زندگی خود، **ما** اول مطرح هستیم نه خداوند.

در مقابل، وقتی روح القدس زندگی ما را **کنترل** می کند، تجلی مسیح در ما بسیار مشهود است! ما صبورتر و مهربان تر، با محبت تر و با تدبیر تر، سخاوتمند تر و شادمان تر می شویم.

در همین لحظه مکث کنید و این سوالات را پاسخ دهید:

(*) آیا واقعا روح القدس را می شناسید؟

(*) آیا از او بیم دارید؟

(*) آیا فکر می کنید که اختیار زندگی خود را از دست خواهید داد، یا اگر به او حاکمیت بیشتری بر زندگی خود بدهید نادان به نظر خواهید آمد؟

(*) آیا نشانه هایی وجود دارد که او در زندگی شما کار می کند؟ چگونه می توانید تشخیص دهید؟

خود من اول اذعان می کنم - مسیحی بودن همیشه آسان نیست! کتاب مقدس به ما می گوید که نفس خود را مصلوب کنیم! که خود را انکار کنیم! این معمولاً خوشایند نیست. اما اگر با ذهنیت مثل کودک دو ساله اصرار داریم "من" و "مال من" مطرح است، هرگز راضی نخواهیم شد. لب و لوجه در هم می کشیم و فریاد می زنیم تا آنچه می خواهیم انجام شود و وقتی رای ما بجایی نمی رسد، مثل یک طفل نحسی می کنیم. مسئله این

نگرش این است که ما همیشه بیشتر و بیشتر می خواهیم. علاوه بر این همه می دانند که کسی دوست ندارد دور و بر شخصی با چنین طرز رفتاری باشد.

خدا می خواهد ما بلوغ فکری پیدا کنیم تا به دیگران حد/قل همان/ند/زه که به خودمان فکر می کنیم، توجه داشته باشیم (فیلیپیان ۲ آیه ۳).

«(۳) هیچ کاری را از سرِ جاه طلبی یا تکبر نکنید، بلکه با فروتنی دیگران را از خود بهتر بدانید.»

این شامل مفید بودن برای افراد خارج از خانواده و کلیسای ما نیز می شود. لیکن غلبه بر طبیعتِ خود محورِ ما، فقط از طریق کار خدا در ما انجام می شود - وقتی که به طور منظم با او در ارتباط باشیم.

یک شاخص خوب از قدرت روح خدا در ما این است که دیگران چگونه با ما ارتباط برقرار می کنند و چه عکس العمل هایی در برابر ما دارند. آیا دیگران از ما می پرسند که چرا اینقدر شاد هستیم یا آرامش داریم؟ آیا با روی باز اجازه بشارت مسیح را به ما می دهند، زیرا محبتی را که در قلبمان نسبت به آنها داریم می بینند؟ آیا غیر ایمانداران در برابر ما رفتار مثبت تر و محترمانه تری در مقایسه با بقیه دوستان خود دارند؟ آیا مردم مجذوب ثمرات شیرین و زیبای روح خدا در ما هستند؟

آیا من واقعا یک مسیحی هستم؟

اگر به رومیان فصل ۸ برگردیم (لطفا آیات ۹ تا ۱۴ را دوباره بخوانید)، در آیه ۱۲ می بینیم پولس با ایمانداران سخن می گوید چون آنان را "برادران و خواهران عزیز" خطاب می کند. اما اگر آنان کنوناً ایماندار هستند، پس چرا آیه ۹ می گوید "اگر روح خدا در شما ساکن است." و در ادامه می گوید: "اگر کسی روح مسیح را نداشته باشد، او از آن مسیح نیست."

این قسمت نیز خاطر نشان می سازد که اگر توسط روح خدا زیست کنیم و نفس مان را بمیرانیم، حیات خواهیم داشت. چنین رابطه با خدا به عنوان یک هدیه رایگان به ما عطا شده، اما بسیاری از مزایایی که به ما وعده داده شده اند با شرط همراه هستند (تمام "اگر ها" را در این فصل بررسی کنید!).

بنابراین لازم است از خود بپرسیم: "آیا رابطه من با خدا واقعاً درست است و مطابق رضایت اوست؟" آیا حقیقتاً برای او زندگی می کنم - یا صرفاً در این مورد حرف می زنم بدون اینکه عمل کنم؟ آیا از قدرت روح القدس استفاده می کنم و زندگی من پیوسته مثل مسیح است؟ مقصود این نیست که خودمان را محکوم احساس کنیم، اما می بایست همچنان که مداوم و صادقانه زندگی خود را محک می زنیم، این باعث شود بایستیم و ببینیم آیا روح القدس واقعاً در ما ساکن هست؟ (دوم قرن‌تین ۱۳ آیه ۵).

«(۵) خود را امتحان کنید تا ببینید آیا در ایمان هستید یا نه. ایمان خود را بسنجید. آیا از حضور و قدرت عیسی مسیح در وجود خود آگاهید؛ اگر چنین نیست در این امتحان مردود هستید.»

ما مسیحیان قرن بیست و یکم باید بدانیم رفتارهای انسانی از زمانی که آدم در باغ عدن گناه ورزید تا به امروز چندان تغییری نکرده است. کتاب مقدس خدا کاملترین کتاب راهنما برای بشریت است، و در مورد رفتارهای انسانی دانش کامل دارد. وقتی کتاب مقدس را می خوانیم، به این احتمال پی می بریم که دچار "نقطه ضعف روحانی" وخیمی شده ایم - اینکه ممکن است زندگی داریم که از همه لحاظ به نظر می رسد پیروان مسیح باشیم، اما در عین حال زندگی ما کاملاً خالی از روح خدا باشد. چه وضع تأصف باری! آیاتی که از رومیان خواندیم نیز می گویند زمانی (و تنها آن زمانی) که روح خدا در ما ساکن باشد، رابطه ما با خدا صحیح خواهد بود. زیرا **اوست** که به ما زندگی حقیقی می بخشد - یعنی زندگی ای که در رابطه با خدای قدوس ما و هماهنگ با خواست او باشد.

اگر چه درست است که وقتی به عیسی ایمان می آوریم زندگی ابدی و روح القدس را دریافت می کنیم، اما با گذشت زمان ممکن است مثل افرادی شویم که در مثلِ برزگر ذکر شده اند (متی ۱۳ آیات ۱۸ تا ۲۳).

«(۱۸) و حال، به معنی مثل کشاورز گوش کنید: (۱۹) گذرگاه کشتزار که بذرها بر آن افتاد، به کسی اشاره می کند که کلام مربوط به ملکوت را می شنود، اما آن را درک نمی کند. پس شیطان سر می رسد و بذرهایی را که در دل او کاشته شده بود، می رباید. این همان بذری است که در گذرگاه کاشته شده بود. (۲۰) «خاکی که زیرش سنگ بود، بیانگر کسانی است که پیام خدا را می شنوند و بی درنگ آن را با شادی می پذیرند، (۲۱) اما چون ریشه ندارند، زیاد دوام نمی آورند. اینها گرچه اول خوب پیش می روند ولی همین که به خاطر کلام آزار و اذیتی ببینند، فوری ایمان خود را از دست می دهند. (۲۲) زمینی که از خارها پوشیده شده بود، حالت کسی را نشان می دهد که کلام را می شنود، اما نگرانی های زندگی و زرق و برق ثروت، کلام خدا را در او خفه می کنند، و هیچ ثمری به بار نمی آید. (۲۳) و اما زمین خوب بیانگر کسی است که کلام خدا را می شنود و درک می کند و محصولی به بار می آورد که صد، یا شصت یا سی برابر آن چیزی است که کاشته شده بود.»

ممکن است به مسیح ایمان آورده باشیم، اما رابطه نزدیک و پایدار با او و نیز زندگی ثمر آور ما است که نشان می دهد آیا حقیقتاً نجات را از او دریافت کرده ایم و سرسپرده آن هستیم یا خیر. (یعقوب ۳ آیه ۱۳؛ دوم پطرس ۱ آیه ۱۰).

«(۱۳) آیا در میان شما شخصی حکیم و فهیم هست؟ پس بگذارید دانایی و فهم خود را با شیوه زندگی خداپسندانه و با اعمالی برخاسته از فروتنی نشان دهد، فروتنی و تواضعی که ناشی از حکمت و فهم است.»

«(۱۰) بنابراین، ای برادران عزیز، بکوشید تا ثابت کنید که حقیقتاً جزو برگزیدگان و دعوت‌شدگان خدا هستید؛ زیرا اگر چنین کنید، هرگز لغزش نخواهید خورد و از خدا دور نخواهید شد.»

وقتی در خدمت مسیح بر مردم تاثیر گذار هستیم و آنها را به سمت نجات و شاگردی مسیح هدایت می‌کنیم، در واقع ثمره ابدی تولید می‌کنیم. در عین حال باید احتیاط کنیم مبادا جلوی کار روح القدس را در زندگی هایمان بگیریم و نه تنها خودمان بی‌تاثیر شویم بلکه دیگران را هم از مسیح رویگردان سازیم. (افسیان ۴ آیه ۳۰؛ اول تسالونیکیان ۵ آیه ۱۹).

«(۳۰) طوری زندگی نکنید که باعث رنجش و اندوه روح قدّوس خدا گردد، زیرا او مَهر مالکیت خدا بر شماست تا آن روز فدیهِ و رهایی.»

«(۱۹) آتش روح را خاموش نکنید.»

کتاب مقدس درباره کسانی سخن می‌گوید که تصور می‌کنند به بهشت خواهند رفت، اما زمانی که با مسیح روبرو شوند او خواهد گفت: "دور شوید از من، شما را نمی‌شناسم!" (متی ۷ آیات ۲۱ تا ۲۳؛ لوقا ۲۲ آیات ۱۳ تا ۲۷).

«(۲۱) گمان مبرید هر که مرا "خداوند! خداوند!" صدا کند، وارد ملکوت آسمان خواهد شد. فقط آنانی وارد خواهند شد که اراده پدر آسمانی مرا در عمل به‌جا آورند. (۲۲) در روز داوری، بسیاری به من خواهند گفت: "خداوند! خداوند! ما به نام تو نبوت کرده، پیام تو را به مردم رساندیم، و با ذکر نام تو، ارواح پلید را اخراج کردیم، و معجزات بسیاری به نام تو انجام دادیم." (۲۳) اما من با صراحت پاسخ خواهم داد: "هرگز شما را نشناختم." از من دور شوید، ای بدکاران.»

«(۱۳) آن دو شاگرد به شهر رفتند و همه چیز را همان طور که عیسی گفته بود یافتند و شام پَسَح را در آنجا تدارک دیدند. (۱۴) هنگامی که وقت مقرر فرا رسید، عیسی با دوازده رسول بر سر سفره نشست. (۱۵) آنگاه به ایشان فرمود: «با اشتیاق زیاد، در انتظار چنین لحظه‌ای بودم، تا پیش از آغاز رنجها و زحماتم، این شام پَسَح را با شما بخورم. (۱۶) زیرا به شما می‌گویم که دیگر از این شام نخواهم خورد تا آن زمان که مفهوم واقعی آن در ملکوت خدا جامه تحقق بیوشد.» (۱۷) آنگاه پیاله‌ای به دست گرفت و شکر کرد و آن را به شاگردان داد و فرمود: «بگیرید و میان خود تقسیم کنید، (۱۸) زیرا به شما می‌گویم که من تا زمان برقراری ملکوت خدا، دیگر از این محصول انگور نخواهم نوشید.» (۱۹) سپس نان را برداشت و خدا را شکر نمود و آن را پاره کرد و به ایشان داد و گفت: «این بدن من است که در راه شما فدا می‌شود. این را به یاد من به جا آورید.» (۲۰) به همین ترتیب، پس از شام، جامی دیگر برداشت و گفت: «این جام، نشانه عهد جدید میان خدا و قومش است، عهدی که با خون خود آن را مهر می‌کنم. خون من در راه شما ریخته می‌شود. (۲۱) اما اینجا، سر همین سفره، کسی نشسته است که خود را دوست ما می‌داند، ولی او همان کسی است که به من خیانت می‌کند. (۲۲) پسر انسان باید مطابق نقشه خدا کشته شود، اما وای به حال کسی که او را تسلیم دشمن می‌کند!» (۲۳) شاگردان شروع کردند به پرسیدن از یکدیگر که کدام یک از ایشان دست به چنین کاری خواهد زد! (۲۴) در ضمن بین شاگردان این بحث درگرفت که کدام یک از ایشان بزرگتر است. (۲۵) عیسی به ایشان گفت: «در این دنیا، پادشاهان و بزرگان به زیر دستانشان دستور می‌دهند و آنها هم چاره‌ای جز اطاعت ندارند. (۲۶) ما در میان شما کسی از همه بزرگتر است که خود را کوچکتر از همه بداند و به دیگران خدمت کند. (۲۷) در این دنیا، ارباب بر سر سفره می‌نشینند و نوکرانش به او خدمت می‌کنند. اما اینجا بین ما اینطور نیست، چون من خدمتگزار شما هستم.»

شاید درین جا فکر کنید صرفاً دارم آیاتی را مطرح می کنم که افراد را خجالت زده کنم. اما اگر اناجیل را بخوانید، بیشتر آن دقیقاً همین یک مضمون را دارند که "توبه کنید و با مسیح رابطه ای برقرار کنید که زندگی شما را دگرگون سازد و پرمعنا ترین و غنی ترین زندگی را در رابطه با او داشته باشید."

ما مسیحیان باید زندگی مان را به خوبی اداره کنیم تا نام عیسی مورد بی حرمتی قرار نگیرد و یا خودمان در روز داوری و بازخواست شرمسار نگردیم (اول یوحنا ۲ آیه ۲۸).

«(۲۸) بله فرزندان من، بکوشید تا با مسیح رابطه ای صمیمی داشته باشید، تا به هنگام بازگشت او، بتوانیم با اطمینان از او استقبال کنیم، نه با ترس و خجالت.»

خداوند ما می خواهد با تمام دل ، عاشقانِ دلباخته او باشیم تا آنکه او را جلال دهیم و دیگران را به سوی او هدایت کنیم و زندگی را به فراوانی داشته باشیم!

آن حیات وافر که دستیابی به آن دشوار است!

دلایل بسیاری هست که چرا از آن زندگی پر از فراوانی که عیسی مسیح در یوحنا ۱۰: ۱۰ ذکر کرده است برخوردار نیستیم. مطمئناً آنگونه زندگی به این صورت نیست که راحت بنشینیم و تمام برکاتی را هم که (تصور می کنیم) می طلبیم، به ما برسد (لوقا ۱۲ آیات ۱۴ تا ۲۱). « 14 عیسی پاسخ داد: «ای مرد، چه کسی مرا بین شما داور یا مُقسِم قرار داده است؟» 15 پس به مردم گفت: «به هوش باشید و از هر گونه حرص و آز بپرهیزید، زیرا زندگی انسان به فزونی دارایی اش نیست.» 16 سپس این مَثَل را برایشان آورد: «مردی ثروتمند از زراعت خویش محصول فراوان حاصل کرد. 17 پس با خود اندیشید، "چه کنم، زیرا جایی برای انباشتن محصول خود ندارم؟" 18 سپس گفت: "دانستم چه باید کرد! انبارهای خود را خراب می کنم و

انبادهایی بزرگتر می‌سازم، و همهٔ گندم و اموال خود را در آنها ذخیره می‌کنم. 19/ آنگاه به خود خواهم گفت: ای جان من، برای سالیان دراز اموال فراوان اندوخته‌ای. حال آسوده بزی؛ بخور و بنوش و خوش باش. 20/ اما خدا به او گفت: "ای نادان! همین امشب جانت را از تو خواهند ستاند. پس آنچه اندوخته‌ای، از آن که خواهد شد؟" 21/ این است فرجام کسی که برای خویشتن ثروت می‌اندوزد، اما برای خدا ثروتمند نیست.» مقصود از این "فراوانی" این نیست که آنقدر برکت بگیریم که زندگی به ما خوش بگذرد، بلکه تا آنقدر پر از محبت، آرامش، شادی و امید شویم که وجود ما از این خصایل لبریز شده، به این وسیله مردم دنیا را که رو به فنا هستند به سوی مسیح جذب کنیم.»

این آیات در یوحنا ۱۰: ۱۰ درباره زندگی پر از روح خدا و در اصل "زندگی واقعی" صحبت می‌کنند! ذات گناه آلود ما باور دارد شادی در همه چیز هست به غیر از مسیح. این دروغی بیش نیست و مطمئن هستم برای شما هم زمانی متأسفانه پیش آمد کرده است. حقیقتاً چندبار شده است که بدون رضایت خدا علاقه بسیار به افراد یا چیزها یا جاهایی داشته اید و آنها شادی و رضایت حقیقی به شما بخشیدند؟

به راستی کتاب مقدس می‌گوید: "هر که پسر را دارد حیات را دارد و آنکه پسر خدا را ندارد از حیات برخوردار نیست." (اول یوحنا ۵ آیه ۱۲).

«(۱۲) پس روشن است که هر کس مسیح را دارد، به این حیات نیز دسترسی دارد؛ اما هر که مسیح را ندارد، از این حیات بی‌بهره خواهد ماند.»

چنین زندگی دارای خوشی، سرزندگی، شادمانی، سخاوتمندی، قدرت غلبه یافتن و آرامش است. کتاب مقدس برای ما روشن می‌کند که می‌توان جسماً "زنده" بود، اما اگر

مسیح مهمترین رابطه در زندگی ما نباشد، در درون "مُرده" هستیم (افسیان ۲ آیات ۱ تا ۵؛ کولسیان ۲ آیه ۱۳).

«(۱) روزگاری شما نیز به عِلّت سرکشی و گناهانتان، مرده بودید. (۲) شما در گناه زندگی می‌کردید، آن هنگام که از روشهای این دنیا و از فرمانروای قدرت هوا پیروی می‌نمودید، یعنی همان روحی که هم اکنون در طغیانگران عمل می‌کند. (۳) ما نیز همگی مانند آنها بودیم. روش زندگی ما، نشان دهنده طبیعت ناپاک ما بود. ما اسیر هوسها و افکار کثیف خود بودیم و دست به هر کار زشتی می‌زدیم. ما با همین طبیعت سرکش به دنیا آمدم و درست مانند دیگران، زیر خشم و غضب خدا بودیم. (۴) اما خدا که لطف و رحمتش بیش از حد تصور ماست، ما را آنقدر دوست داشت (۵) که ما را با مسیح زنده کرد، گرچه در خطایا مرده بودیم. پس صرفاً در اثر فیض خدا نجات یافته‌ایم.»

«(۱۳) زمانی شما در گناهان خود مرده بودید، و هوسهای گناه‌آلود بر وجودتان مسلط بود. اما خدا شما را در حیات مسیح سهیم گرداند، زیرا همه گناهانتان را آمرزید،»

شنیده‌ام بسیاری افراد دعا می‌کنند که خدا برکت شان بدهد - یعنی در واقع حیات وافر را به آنها "تقدیم کند". آنها می‌خواهند اوقات لذت بخشی داشته باشند، اما حاضر نیستند "کار دشوار" مصلوب ساختن نفس خود و به دوش کشیدن صلیب شان و پیروی و اطاعت راستین از مسیح را انجام دهند. در عوض دعا می‌کنند پول بیشتر داشته باشند و درگیری‌ها و تقلای کمتری. اما فقط به فکر خودشان هستند! البته که می‌بایست برای همه چیز و بدون وقفه دعا کنیم. اما همچنین باید یادمان باشد که خدا، خدا است و بپذیریم که پاسخ دعاهايمان را بر طبق اراده **خود** می‌دهد.

حیات وافر زمانی صورت می‌گیرد که شروع میکنیم از خدا سؤال کنیم برای **او** چه می‌توانیم انجام دهیم، نه به عکس آن. بسیار پیش آمده که تنها هدف از رابطه ما با او، مشکلات ما بوده و در پی این بوده ایم که خواسته‌هايمان برآورده شوند.

به جای آنکه پرستنده خداوندی باشیم که بخشنده عطایاست، شروع به پرستش "عطایا" میکنیم.

نفس یا روح؟

ما در جامعه ای زندگی می کنیم که هر آنچه مخالف خدا است تجلیل می کند. لیکن خدا می خواهد ما را در عیسی مسیح "از نو" بسازد، تا بتوانیم آن کارهایی را که از پارینه زمان - حتی پیش از به دنیا آمدن ما - برای ما برنامه ریزی کرده است انجام دهیم (افسسیان ۲ آیه ۱۰). «(۱۰) زیرا ما ساخته دست خدا/یم، و در مسیح عیسی آفریده شده/یم تا کارهای نیک انجام دهیم، کارهایی که خدا از دیرباز تدارک دیده تا در آنها سلوک کنیم.» "چیزهایی که او برای ما در نظر دارد" شامل طرز زندگی ما است تا او را جلال دهیم و برای ملکوت او بر دیگران تاثیر بگذاریم. برای این کار، گزینه ما این خواهد بود که مقاصد او را با قدرت روح القدس در زندگی خود به اجرا بگذاریم - و هر روزه با چنین عزمی پیش رویم.

البته می دانم که برخی از شما احتمالاً فکر می کنید "چطور می توانم چنین رابطه ای را با مسیح که همه چیز را تحت الشعاع خود قرار می دهد در زندگی خود جای دهم؟ گلیم خود را به سختی دارم از آب می کشم چه رسد به اینکه چیز دیگری هم به آن اضافه کنم". جواب در اولویت های ما نهفته است. اگر تمام تلاش ما صرفاً برای انجام برنامه های سنگین و تحقق خواسته های خودمان باشد، بزودی پی خواهیم برد که داریم با "نفس" خود پیش می رویم - نه با قدرت روح القدس. نتیجه این کار مطمئناً فرسودگی روانی خواهد بود!

اگر صرفاً به فکر این دنیا باشیم، اتکاء و اعتماد خود را بر چیزهای غلط می گذاریم. هنگامی که نیرومندی ما صرفاً از عزم و قدرت و تصمیمات خودمان حاصل شود، نتیجه آن

اغلب مستأصل شدن و خشم و ناامیدی خواهد بود . لیکن وقتی خدا اولویت ما باشد، قدرت او و حکمت او را دریافت می کنیم. کارها خیلی آسان تر پیش می روند، زیرا اکنون شخصی را داریم که کاملاً قدرتمند و آگاه است تا به ما یاری دهد، و هدایت‌مان نماید و از ما مراقبت کند.

(*) آیا شما "پادشاهی و حکومت" شخصی خودتان را در دنیا بنا می کنید یا بیشتر خواهان بنا کردن پادشاهی خدا هستید؟ فکر می کنید کدام یک مهمتر است؟

برخی راه ها که می توانیم شاگردان پویا تر برای مسیح باشیم کدامند؟

۱- بُت های زندگی خود را به دور بیفکنیم (کولسیان آیه ۵). «5 اینها از امیدی سرچشمه می گیرد که در آسمان برای شما محفوظ است و پیشتر درباره اش از پیام حقیقت یعنی انجیل شنیده اید،»

بت می تواند هر چیزی باشد که اکثریت وقت و استعداد، افکار و علاقه و پول شما را از خدا - که در درجه اول همه اینها باید به او تقدیم شوند - سلب کند.

یک راه برای تغییر افکار و رفتار شما این است که اول دعا کنید و از خدا بپرسید چه چیزی است که او می خواهد در درون شما تغییر دهد. سپس توجه خود را بر آن یک مورد که نیاز به تغییر دارد معطوف کنید و هر روز برای یک یا دو هفته آن را حذف کنید. هفته بعد از آن همین روش را برای مورد بعدی انجام دهید.

برای مثال، فرض بگیرید می خواهید سیگار (یا هر بُت یا اعتیاد دیگری) را ترک کنید. شروع به کاهش چند سیگار در هفته به مدت یک ماه نمایید تا زمانی که سیگار را

ترک کرده باشید. البته مسلماً ترک یکباره اعتیاد یا دور انداختن یک بت هیچ ایرادی ندارد. در این قسمت می توانید آن کار خطا و یا عادت را که خدا نمی پسندد بنویسید.

تغییر طرز فکر دشوارتر است. اغلب دیدن خودمان آنطور که واقعاً هستیم برایمان سخت است. دوست داریم درباره خود فکر کنیم که "آدمهای خوبی" هستیم، اما همه ما جنبه های ناخوشایندی در شخصیت خود داریم. ممکن است شما غرور یا خودپسندی، شهوت یا بی ادبی یا بد زبانی را در خوی گناه کارتان داشته باشید.

یک روش حل این موضوع، درخواست از یک دوست قابل اعتماد است (کسی که با شما رو راست باشد!) تا نقاط کور شما را به شما بگوید. می توانید با مراجعه به کتاب مقدس آیات مربوط به این طرز فکرها را بخوانید. با فروتنی از خدا بخواهید که گناه شما را مشخص نموده به شما کمک کند تا تغییر یابید.

کتاب مقدس می گوید از سه طریق ممکن است تمام هوش و حواس ما معطوف به امور این زندگی شود: "زیرا که آنچه در دنیا است، از شهوت جسم و خواهش چشم و غرور زندگانی از پدر نیست بلکه از جهان است" (اول یوحنا ۲ آیه ۱۶- ترجمه قدیم)

خواهش چشم می تواند پورنوگرافی یا مادی گرایی باشد - که هر چه چشم ببیند دل آنرا می خواهد. **شهوت نفس** می تواند اعمال جنسی غیر اخلاقی یا زیاده روی باشد. و **غرور زندگانی** اساساً به شما می گوید به خدا نیازی ندارید و کاملاً قادر هستید زندگی خود را اداره کنید. غرور زندگی این است که می خواهید نشان دهید اکثر کارها را خودتان انجام داده اید و جلال را به خودتان اختصاص دهید در حالیکه خداست که توانایی و استعداد انجام آنها را به شما بخشیده است.

قائده اصلی اینجا آنست که قدرت و غلبه ای که بت هلمان بر ما دارند **تضعیف** کنیم. شاید خدا یک ویژگی شخصیتی یا یک عادت را در شما آشکار کرده که مغایر خواسته های

روح القدس است. از خدا و نزدیکان تان بخواهید با مهربانی در مورد گناه و عاداتها و نگرش های نادرست، شما را پاسخگو سازند تا از آنها آگاه باشید. تصمیم بگیرید که عمل و عکس العمل های شما خداپسندانه باشند - یعنی همراه با محبت، خوشی، صبر، مهربانی، ملایمت و خویشنداری باشند. به تدریج متوجه تغییرات خواهید شد. این امر آسانی نیست و مسلماً به کمک بسیار از طرف خدا نیاز دارد!

۲- در عمل به خدا محبت نمایید

وقتی بت هایمان را به دور می ریزیم ، آزادی پیدا میکنیم تا انرژی، عواطف و منابع بیشتری را صرف محبت خدا کرده، به او بیشتر نزدیک شویم و علاقه پیدا کنیم. البته بدانید که وقتی این تغییرات را شروع می کنید برای تان دشوار خواهد بود - چون دارید طرز زندگی تان را عوض می کنید و این کار زمان می برد.

برای اینکه علاقه پیدا کنیم به خدا محبت داشته باشیم می توانیم عملاً دعا کنیم! خدا می خواهد عمیقاً او را دوست بدارید. پس حتماً در این کار به شما کمک خواهد کرد! در زمان دعای فردی دوست دارم چشمانم را ببندم و خدای پدر، خدای پسر و خدای روح القدس را تصور کنم. اگر چه پدر و روح القدس روح هستند و نه جسم، آنها را به صورت افرادی که می شود دید، تجسم می کنم. این به من کمک می کند تا تمرکز خود را متوجه عظمت، شاهانه بودن و زیبایی آنها نمایم.

در تمام روز دعا کنید که خدا به شما نشان دهد چه چیزهایی را می خواهد انجام دهد و چه اشخاصی را با مسیح آشنا سازید.

این یاری می دهد تا بیشتر مسیح را دوست بداریم، چون از این رو بیشتر چیزهای مهم زندگی را در نظر می گیریم و یاری می دهد بدانیم انتخاب های ما در زندگی نتایج ابدی

خواهند داشت. خدا نیز از این شاد می شود که ما هدمندانه خود را وقف او سازیم و قلباً
بخواهیم او را دوست بداریم و خشنود سازیم. ☺

۳- کتاب مقدس را هر روز بخوانید.

یکی از بهترین راهها برای شناخت خدا و عاشق او شدن، این است که یاد بگیرید چگونه
کتاب مقدس خود را بخوانید. این جنبه مهمی از شاگردی مسیح است. وقتی نو ایمان بودم
یکی از کتاب های مفیدی که در مطالعه کلام خدا مرا یاری کرد «کتاب مقدس درباره
چیست؟» اثر «هنریتا میرز» به تاریخ ۱۹۸۳ می باشد. همچنین در کتاب قبلی ام «شروعی
تازه: اصول مقدماتی/ایمان مسیحی» (شارون دوترا، ۲۰۱۷ - آمازون) یک فصل را با عنوان
"کتاب مقدس چیست؟" نگاشته ام.

خواندن و تأمل در کتاب مقدس قدرت دارد دیدگاه ها و زندگی ما را تغییر دهد. کلام
خدا، زنده و قدرتمند است و قادر است به افکار و نیت های دل انسان پی ببرد (عبرانیان
۴ آیه ۱۲). «(۱۲) زیرا کلام خدا زنده و قدرتمند و برنده تر است از هر شمشیر دولبه و تیز،
و چنان نافذ که حتی جان و روح، و مفاصل و مغز استخوان را از هم جدا می کند، و افکار
و نیت های اعماق دل انسان را آشکار می سازد.»

به عبارت دیگر می تواند گناه را آشکار سازد، و افکار ما را با افکار و نیت های خدا هم
راستا گرداند.

۴- پیوسته دعا کنید.

این به آن معنا است که در طول روز آگاه از خدا و از حضور او در زندگی مان باشیم. می توانیم در ذهن خود دعا کنیم. وقتی سر کار یا در مدرسه هستیم و می خواهیم مطالبی را با خدا در میان بگذاریم، می توانیم برای دعا مدت کوتاهی بیرون قدم بزنیم یا به محل خلوتی برویم. در تمام طول روز که دیگران را می بینیم می توانیم برای آنها دعا کنیم. هرگز قدرت دعا را دست کم نگیرید: فراموش نکنید - شما دارید با **خدا** صحبت می کنید!

چطور می توانیم بیاموزیم خدا را به طرز مؤثرتری محبت کنیم؟

به تعالیم مسیح در این آیات توجه کنید:

- مسیح می فرماید: "خوراک من این است که اراده فرستنده خود را به جا آورم و کار او را به کمال رسانم" (یوحنا ۴ آیه ۳۴). ما به معنای واقعی در زندگی روحانی خود با انجام آنچه او می خواهد "تغذیه" می شویم! شاگرد حقیقی مسیح نیاز دارد این آیه را نیز به یاد داشته باشد. اغلب چنان غرق در امور زندگی روزمره خویش می شویم که اصل کار را فراموش می کنیم - که خدا ما را برای جلال دادن خویش نجات بخشید و نیز تا دیگران را به سوی او هدایت کنیم. وقتی اراده او را به جا می آوریم قدرت می یابیم و کیفیت زندگی ما غنی می شود. هرگز ما رضایت قلبی را در زندگی به دست نخواهیم آورد مگر آنکه طوری زندگی کنیم که خدا از ما می خواهد.

- عیسی مسیح درباره "ماندن" در او و ثمرات حاصله آن صحبت می کند که از رابطه نزدیک و صمیمی با او ناشی می شود (یوحنا فصل ۱۵ آیات ۱ تا ۸).

«(۱) من تاک حقیقی هستم و پدرم باغبان است. (۲) او هر شاخه‌ای را که میوه ندهد، می‌برد و شاخه‌هایی را که میوه می‌دهند، هرس می‌کند تا میوه بیشتری بدهند. (۳) به وسیله احکامی که به شما دادم، خدا شما را اصلاح و پاک کرده است تا قویتر و مفیدتر باشید. (۴) در من بمانید و بگذارید من هم در شما بمانم. زیرا وقتی شاخه از درخت جدا شود، دیگر نمی‌تواند میوه بدهد. شما نیز جدا از من نمی‌توانید بارور و مفید باشید. (۵) «بله، من تاک هستم، شما نیز شاخه‌های من. هر که در من بماند و من نیز در او، میوه فراوان می‌دهد، چون جدا از من هیچ کاری از شما ساخته نیست. (۶) اگر کسی از من جدا شود، مانند شاخه‌ای بی‌فایده آن را می‌برند و دور می‌اندازند. و آن شاخه می‌خشکد و سپس، آن را با سایر شاخه‌ها جمع می‌کنند تا در آتش بسوزانند. (۷) ولی اگر در من بمانید و از کلام من اطاعت کنید، هر چه بخواهید به شما داده خواهد شد. (۸) شاگردان واقعی من محصول فراوان می‌دهند و این، باعث بزرگی و جلال پدرم می‌شود.

وقتی هر روز در رابطه واقعی با خدا زندگی می‌کنیم، "ثمره" آن نه تنها تقویت و غنای روحانی ما است، بلکه آن افرادی نیز هستند که تحت تاثیر قرار داده ایم و در ابدیت با ما خواهند بود (یوحنا ۴ آیه ۳۶). «(۳۶) دروگران مزد خوبی می‌گیرند تا این محصول را در انبارهای آسمانی ذخیره کنند. چه برکت عظیمی نصیب کارنده و دروکننده می‌شود!

نکته ای در آیه قبلی در یوحنا ۱۵ آیه ۷ وجود دارد که مسیح می‌فرماید "اگر در من بمانید و کلام من در شما بماند، هرآنچه می‌خواهید، درخواست کنید که برآورده خواهد شد". برخی افراد این آیه ی خاص را از متن خارج می‌کنند و می‌گویند: "ببین! او هر چه بخواهم به من می‌دهد". با این حال اگر قسمت اول جمله

را بخوانید می گوید: **"اگر در من بمانید و کلام من در شما بماند.."** این درباره رابطه نزدیکی صحبت می کند که در آن ما پیرو اراده و کلام او (کتاب مقدس) هستیم. وقتی احساسات ما نظیر احساسات خدا باشد و همانند او فکر کنیم، از او چیزهایی را خواستار خواهیم شد که مطابق اراده ی او باشند و نه اراده خودمان.

هیچ کار در این دنیا **مهم تر** از اثر بخشی بر دیگران به سوی مسیح نیست و اینکه جانشان را برای نجات صید کنیم و آنها را در ایمان مسیحی شاگردسازی کنیم. همچنین یک زندگی مقدس، شهادت پر قدرتی چه برای بی ایمانان و چه برای مسیحیان ضعیف در ایمان است. کتاب مقدس می گوید که شاگردان حقیقی عیسی نمونه و سرمشق هایی زنده از قدرت او، و نشان دهنده اعتماد، وجدان پاک، خلوص، فیض و حکمت خواهند بود (دوم قرنیتان ۱ آیه ۱۲؛ اول تیموتائوس ۱ آیه ۵؛ سوم یوحنا ۱ آیه ۱۱)

«12 مقصود اینکه یکی از شما می گوید، «من به پولس تعلق دارم»؛ دیگری می گوید، «من متعلق به آپولس هستم»؛ یکی می گوید، «من به کیفا تعلق دارم»؛ و دیگری، که «من از آن مسیح هستم.»» (۵) منظورم از این حکم این است که همه ایمانداران از محبت لبریز شوند، محبتی برخاسته از دلی پاک و انگیزه های درست و ایمانی اصیل.»

«(۱۱) ای عزیز، بدی را سرمشق خود نساز، بلکه از نیکی سرمشق بگیر؛ زیرا کسی که نیکی می کند، فرزند خداست، اما کسی که همواره خواهان بدی باشد، خدا را نمی شناسد.»

• زندگی صحیح با "تغذیه" روحانی از مسیح صورت می گیرد (یوحنا ۶ آیه ۵۷). « 57 همان گونه که پدر زنده مرا فرستاد و من به پدر زنده ام، آن که مرا می خورد نیز به من زنده خواهد بود.» اگر در زندگی مسیحی خود احساس بی ثمری و ضعف یا بیهودگی می کنیم احتمالا مشکل اصلی، عدم صمیمیت ما با مسیح است. نه تنها

دعا و مطالعه کتاب مقدس ضروری است، بلکه "تغذیه شدن" از مسیح به معنی سپری کردن اوقات با کیفیت با مسیحیانِ ثمر بخش و پر از روح القدس می باشد. این نیز شامل فعالیت در کلیسایی است که کتاب مقدس را به درستی تعلیم می دهد. همچنین تعمید گرفتن، «ده یک» دادن و شرکت در شام خداوند نیز جزو آن می باشد (باز هم خاطر نشان کنم، اطلاعات عمیق تر درباره این موضوعات در کتابم با عنوان «شروعی تازه : اصول مقدماتی ایمان مسیحی» آورده شده است). لیکن ما اینها را صرفاً زمانی انجام می دهیم که در طول هر روز در رابطه با خدا باشیم. این "رابطه پر محبتی" است که می بایست به ما انگیزه دهد او را خدمت کنیم. همانطور که قبلاً اشاره کردم، اگر این پیوند محبت را نداشته باشیم، این رابطه مبدل به مذهبی بودن می گردد. ☹

- آموختن اینکه چگونه مسیح را با شوقی بیشتر دوست بداریم همچنین به معنی شنیدن صدای اوست - وقتی که از ما می خواهد فقط برای خود زندگی نکنیم بلکه به دیگران خدمت کنیم. وقتی با مسیحیان این را انجام می دهیم، بدن مسیح را بنا می کنیم. زمانی که به افراد دور و بر ما که نجات نیافته اند محبت و خدمت کنیم (خانواده، همسایگان، کارکنان فروشگاه ها، زنان پیشخدمت ها، رؤسا، همکاران و غیره) این حق را پیدا می کنیم که با آنها درباره مسیح صحبت کنیم.

اگر در ناطاعتی زندگی میکنیم، این قابلیت را نخواهیم داشت که با آنها درباره رابطه مان با خدا صحبت کنیم، زیرا ریاکاری ما را یا می بینند یا حس می کنند. و مطمئناً آنان رفتارهایی از این دست بسیار دیده اند.

نگرش ما یک انتخاب است

چگونه در روح القدس زندگی می کنیم؟ چگونه می توانیم به جای غرغر و شکایت سپاسگزار باشیم. چطور می توانیم برای زندگی هر روزه با مسیح انگیزه بگیریم؟

- یک روش این است که همواره شکر گذار باشیم. قدردانی نقش مهمی در این دارد چون به ما کمک می کند خدا را دوست بداریم. شروع کنید از او برای یکایک چیزها در زندگی خود تشکر کنید. برای این کار می توانیم هنگامی که صبح بیدار می شویم بلافاصله بگوییم "ای خداوند، برای یک روز دیگر متشکرم". می توانیم با این باور از بستر برخیزیم که او به ما اجازه داده است یک روز دیگر زندگی کنیم. وقتی عزیزان مان را می بینیم یا به ماه و ستارگان نگاه می کنیم یا خورشید و گلها و درختان و دیگر چیزها را می نگریم، بگوییم: "خداوند! برای همه این برکات و زیبایی ها در زندگی ام تشکر می کنم".

وقتی به سمت کابینت مواد غذایی می رویم، می توانیم بگوییم: "خداوند! برای نعمات بسیار تو متشکرم". از بابت سلامتی، ازدواج، فرزند، خانه، شغل، شادی نجات و زندگی ابدی، آزادی، دوستان، کلیسا و هر چه دیگر که به فکرتان خطور می کند یا در طول روز می بینید شکر گزاری کنید. اگر واقعاً بابت هر عطایی که در زندگی دارید از او سپاسگزار باشید می توانید در درون خود قلبی شکرگذار پرورش دهید.

حتی وقتی در زندان بودم، متوجه چیزهای بسیاری شدم که برای آنها از خدا تشکر کنم! خدا در کنارم بود. کتاب مقدس برای خواندن در اختیارم بود. غذا و جایی برای خوابیدن و کلیسایی برای شرکت کردن داشتم و برای مسیح بر مردم اثر گذار بودم.

- به موسیقی مسیحی گوش دهید. ذهن خود را آموزش دهید تا به چیزهای زیبا، راستین و شایسته فکر کنید (فیلیپیان ۴ آیات ۶ تا ۹).

«(۶) برای هیچ چیز نگران نباشید. در عوض، در هر شرایطی، با دعا و التماس، همراه با شکرگزاری، درخواستهای خود را به پیشگاه خدا ببرید. (۷) اگر چنین کنید، از آرامش خدا بهره‌مند خواهید شد، آرامشی که فکر انسان قادر به درک آن نیست. این آرامش الهی به فکر و دل شما که به مسیح عیسی ایمان آورده‌اید، راحتی و آسایش خواهد بخشید. (۸) و حال، دوستان عزیزم، یک نکته پایانی: فکرتان را متمرکز سازید بر آنچه راست و قابل احترام است، بر آنچه درست است و پاک، بر آنچه دوست داشتنی است و قابل ستایش. به اموری بیندیشید که عالی و قابل تحسین است. (۹) هر چه از من آموختید، یا از من دریافت کردید، یا شنیدید، یا در من مشاهده کردید، آنها را به عمل آورید. آنگاه خدای آرامش با شما خواهد بود.»

این عادت است که اگر می‌خواهید پیروزی و شادی را تجربه کنید باید در خود پرورانید. در واقع یکی از نتایج جانبی شادی، **قوت** است (نحمیا ۸ آیه ۱۰). «10 آنگاه نحمیا بدیشان گفت: «بروید و خوراکیهای لذیذ بخورید و شربتها بنوشید و سهم‌ها برای آنان که چیزی مهیا نکرده‌اند بفرستید، چراکه امروز برای خداوندگار ما مقدس است. اندوهگین مباشید، زیرا شادی خداوند، قوت شماست.»»

- راه دیگر برای اینکه بیشتر شبیه مسیح شویم این است که ذهن خود را تربیت کنیم تا چیزهای منفی را پس بزنیم. عزم کنید که هر وقت "دشمن" به سراغ تان بیاید تا آرامش و شادی شما را بدزدد به او این اجازه را ندهید. او سعی خواهد کرد با نگرانی‌های زندگی، شما را مغلوب سازد. همچنین باید کمتر با اشخاص منفی

سرو کار داشته باشیم، حتی اگر آنها افراد خانواده یا برادران و خواهران ما در مسیح باشند. در واقع به کسی "تبدیل می شویم" که بیشتر اوقاتمان را با او سپری می کنیم.

بی ایمانان این دنیا **نمی خواهند** با افراد گله مند، غمگین، سخن چین و یا افسرده سر و کار پیدا کنند. راه صید جانها برای مسیح این است که لبخند بر چهره و ستایش بر زبان داشته باشید. **این** مردم را مجذوب می کند، بخصوص برای انبوه مردمان که مشکلات بسیار دارند و در ترس و غمی بزرگ زندگی می کنند.

بنابراین نکته اساسی این است: اگر می خواهیم زندگی سرشار از رضایت، خوشی و قدرت داشته باشیم، **انتخابش با ما است**. ما نمی توانیم خود را شاد سازیم، اما می توانیم به انتخاب خود ذهنمان را بر اهداف و برنامه های خدا متمرکز سازیم؛ و از همه بهتر این است که بدون کمک نمانده ایم. روح القدس آماده و مایل است تا به ما زندگی پر شور و سرزنده ببخشد. او می تواند کمک کند تا به اهدافی که خدا برایمان پیش از آفرینش جهان در نظر گرفته است برسیم. اما باید این مسیر را **انتخاب** کنیم که بیشتر او را بخواهیم و کمتر خودمان را.

مسیح را پیروی کن! او را سرمشق زندگیت قرار بده. با تمام قلب او را دوست بدار. در همه کار خواستار رضایت او باش. آن زمان تبدیل به یک مسیحی خواهی شد که پیرو **منحصر به فرد** مسیح است – و تو را خداوند برای چنین منظوری خلق کرده است.

بیاید امروز این هدف را در پیش بگیرید که با مسیح بیشتر وقت صرف کنید. شاید برای اینکار باید کمی زودتر از خواب برخیزید. می توانید تلفن، رادیو، کامپیوتر یا تلویزیون

را خاموش کنید. جایی بنشینید و افکار خود را متوجه او سازید! درست مثل یک دوستِ نزدیک با او صحبت کنید (که در واقع این دعا کردن می باشد). عزم تان را جزم کنید که با تمام دل عاشق مسیح شوید. او را خواستار باشید، از او پیروی کنید، به او ملصق شوید. او با حضور خود به شما پاداش می دهد.

زندگی واقعی به معنای اینگونه زیستن است ☺

فصل ۱ و ۲

اشتیاق برای عیسی مسیح

تفکر و تعمق در آنچه خواندیم

۱- به نظر شما رابطه کنونی تان با عیسی مسیح چگونه است؟

۲- آیا باور دارید شناخت نزدیک تر مسیح و محبت عمیق تر به او زندگی شما را بهبود خواهد بخشید؟

آیا از نزدیک تر شدن به مسیح بیم دارید؟

آیا می‌ترسید اختیار زندگی خود را بیشتر به او بدهید؟

به چه دلیل؟

۳- اگر بخواهید ترتیب اولویت‌های خود را عوض نمایید، چه تغییراتی می‌توانند به شما کمک کنند که خدا را در جایگاه نخست بگذارید؟ (یک کلاس بردارید تا به شما کمک کند بیاموزید چگونه در مورد ایمانتان با دیگران صحبت کنید؛ دفعات کمتری به باشگاه ورزشی بروید. وقت بیشتری را با ایمانداران حقیقی بگذرانید؛ در گروه کوچک مطالعه کتاب مقدس شرکت کنید. زمان کمتری را صرف صحبت درباره فرزندان، حیوانات خانگی، شغل و غیره نموده، بیشتر درباره خدا و پادشاهی او فکر کنید و با دیگران صحبت کنید.)

۴- اگر به راستی می خواهید خدا را در صدر زندگی قرار دهید، لازم است برای اینکار تصمیم قاطعانه بگیرید. زمان، سریع تر از انتظار ما می گذرد و افراد، امور یا وقایع می توانند به قدری وقت ما را بگیرند که دیگر فرصتی برای رابطه مان با خدا نباشد. لازم است هر روز هدفمندانه زمانی را به او اختصاص دهیم. برخی روش های عملی برای انجام این کار کدام است؟ (برای مثال: صبح ها زودتر برخاستن، استفاده کمتر از تلفن ، کامپیوتر ، تلویزیون، و روشهای دیگر)

فصل سوم

شخم زدن زمین

شیار کردن زمین بایر



آیا تا بحال توجه کرده اید که تمام ابزار موجود در انباری شما خطرناک هستند؟ آنها می توانند شما را دچار نقص عضو کنند یا شدیداً آسیب برسانند و حتی باعث مرگ شوند! شنکش، قیچی، کج بیل و قلاب، ماشین چمن زنی، دستگاه علف تراش و برگ روب، همه اینها اگر به درستی استفاده نشوند می توانند خطرناک باشند. بیل، بیلچه و دستگاه شمشاد زن از بقیه اینها کمتر نیستند. کود هم می تواند پوست شما را بسوزاند و سم حشره کش اگر خورده شود می تواند کشنده باشد.

با این وجود، شما احتمالاً به تمام این ابزار برای ایجاد یک باغ زیبا و دارای گل و میوه نیاز دارید.

از طرفی باید باغبانی را عملاً انجام داد. با کندن زمین و کاشتن گیاهان، زانوهایتان خشک می شوند و کمرتان درد می گیرد. عرق می ریزید و معمولاً دست ها و لباس تان کثیف می شوند. به احتمال زیاد بریدگی، خراش، گزش، نیش و فرورفتگی خار در پوست تان پیش می آید. از طرف دیگر باید مرتباً به کارِ علف کنی، هرس کاری، آبیاری و کود دهی ادامه بدهید. با تمام اینها اطمینان نیست که باغ تان محصول بدهد!

بنابراین، سوال این است: آیا تمام این ریسک ها و تلاشها ارزشش را دارد؟

ابزار خدا

ما اغلب نمی خواهیم خدا در زندگی ما هرس کاری انجام دهد. اما مهم است که خود را محک بزنیم و تصمیم بگیریم باور کنیم که وقتی خدا از ابزار باغبانی خود استفاده می کند تا قلبه‌مان را نرم بسازد و آن را آماده دریافت بذر نیکو، آب گوارا و تغذیه روحانی کند، ارزشش را دارد!

بپردازیم به چند "ابزار" که خدا استفاده می نماید تا از زندگی ما حاصل زیبا ایجاد کند ... چالش ها، نا ملایمات، دردها، برخوردهای پر اصطکاک و از دست دادن ها اشخاص یا چیزهایی که برای ما عزیز یا مهم می باشند. او لزوماً مسبب رخ دادن اینها نیست، اما قطعاً از آنها به نفع ما استفاده می کند (رومیان ۸ آیه ۲۸).

«(۲۸) و ما می دانیم که خدا هر چیز را برای خیریت کسانی که او را دوست دارند و فرا خوانده شده اند تا خواست او را انجام دهند، به کار می برد.»

اگر چه آن تجربیات جالب نیستند، اما از نمونه باغبانی در می یابیم که اغلب همان وسیله ای است که خدا استفاده می کند تا زیبایی محصول نهایی را - که شخصیت خداشناس و نیز ثمر آوردن ماست - رقم بزند.

هدف از **شخم زمین**، نرم سازی زمین و آماده سازی آن جهت دریافت بذر، آب و مواد مغذی است. این تشبیه روحانی آشکاری است. ما باید بگزاریم خدا زمین قلبمان را مرتباً شخم زند. عهد عتیق از "شیار کردن زمین بایر" سخن می گوید. زمین بایر زمینی بود که

به مدت یکسال رها می شد تا در آن مواد مغذی تأمین شود و آماده برداشت محصول بیشتری گردد. لیکن در طول این خفتگی، مستعد انبوهی خار و خاشاک و علفهای هرزه نیز می شد. کشاورز می بایست قبل از کاشت وارد عمل شده و تمام خطرات احتمالی برای محصول تازه را ریشه کن می کرد.

در ارمیا ۴ آیه ۳ می خوانیم: " خداوند به اهالی یهودا و اورشلیم چنین می فرماید: «زمینِ **بایرتان** را شخم بزنید، و تخم نیکو را در میان خارها نکارید.» " (ترجمه معاصر). خارها بذر نیکو را خفه می کردند و واجب بود از ریشه کنده شوند تا بذر نیکو ریشه دوانیده و رشد و نمو کند.



احتمالا همه ما مَثَلِ برزگر را در انجیل خوانده ایم، اما این مثال به زندگی روحانی ما بسیار مرتبط است. بیایید متی ۱۳ آیات ۱ تا ۹، و آیات ۱۸ تا ۲۳ را بخوانیم.

«(۱) همان روز، عیسی از خانه خارج شد و در کنار دریاچه نشست. (۲) چیزی نگذشت که گروه بزرگی دور او جمع شدند. او نیز سوار قایق شد و نشست، و در حالی که همه در ساحل ایستاده بودند، به تعلیم ایشان پرداخت. (۳) او مطالب بسیاری به شکل مَثَل برای ایشان بیان کرد، مانند این مَثَل: «روزی کشاورزی رفت تا در مزرعه اش بذر بکارد. (۴) هنگامی که بذر می پاشید، مقداری از بذرها در جاده افتاد و پرنده ها آمده، آنها را از آن زمین خشک برداشتند و خوردند. (۵) بعضی روی خاکی افتادند که زیرش زمین سنگلاخ بود. بذرها روی آن خاک کم عمق، خیلی زود سبز شدند. (۶) ولی وقتی خورشید برآمد، همه سوختند و از بین رفتند، چون ریشه عمیقی نداشتند. (۷) بعضی دیگر از بذرها لابلای

خارها افتاد، و خارها رشد کرده، آن گیاهان ظریف را خفه کردند. (۸) اما مقداری از بذرها در زمین خوب افتاد و محصول به بار آورد، محصولی صد یا شصت یا سی برابر آنچه کاشته شده بود. (۹) هر که گوش شنوا دارد، بشنود!»

«(۱۸) و حال، به معنی مثل کشاورز گوش کنید: (۱۹) گذرگاه کشتزار که بذرها بر آن افتاد، به کسی اشاره می‌کند که کلام مربوط به ملکوت را می‌شنود، اما آن را درک نمی‌کند. پس شیطان سر می‌رسد و بذرهایی را که در دل او کاشته شده بود، می‌رباید. این همان بذری است که در گذرگاه کاشته شده بود. (۲۰) «خاکی که زیرش سنگ بود، بیانگر کسانی است که پیام خدا را می‌شنوند و بی‌درنگ آن را با شادی می‌پذیرند (۲۱) اما چون ریشه ندارند، زیاد دوام نمی‌آورند. اینها گرچه اول خوب پیش می‌روند ولی همین که به خاطر کلام آزار و اذیتی ببینند، فوری ایمان خود را از دست می‌دهند. (۲۲) زمینی که از خارها پوشیده شده بود، حالت کسی را نشان می‌دهد که کلام را می‌شنود، اما نگرانی‌های زندگی و زرق و برق ثروت، کلام خدا را در او خفه می‌کنند، و هیچ ثمری به بار نمی‌آید. (۲۳) و اما زمین خوب بیانگر کسی است که کلام خدا را می‌شنود و درک می‌کند و محصولی به بار می‌آورد که صد، یا شصت یا سی برابر آن چیزی است که کاشته شده بود.»

می بینیم که نکته برجسته این داستان "زمین" است، زیرا این تنها عامل متغیر می باشد. بقیه شرایط ثابت هستند - برزگر، بذر و امکان دزدیده شدن، سوخته شدن یا نابودی بذر در اثر روال های دنیا.

متی ۱۳ آیات ۱۳ تا ۱۵ به ما می گوید که **دل انسان** همچون **زمین** است. «(۱۳) به همین دلیل است که از این مَثَلها استفاده می‌کنم، زیرا نگاه می‌کنند، اما نمی‌بینند و گوش می‌دهند، اما نمی‌شنوند و درک نمی‌کنند. (۱۴) این امر به نبوت اشعیا نبی جامه

عمل می‌پوشاند که می‌فرماید: «وقتی آنچه را که می‌گویم، بشنوید، چیزی نخواهید فهمید. وقتی آنچه را که انجام می‌دهم، ببینید، آن را درک نخواهید کرد. (۱۵) زیرا دل این مردمان سخت شده، و گوش‌هایشان قادر به شنیدن نیست، و چشمان خود را بسته‌اند، به گونه‌ای که چشمانشان نمی‌توانند ببینند، و گوش‌هایشان قادر به شنیدن نیستند، و دلشان نمی‌تواند درک کند، و نمی‌توانند نزد من بازگردند تا شفایشان بخشم.»

دل ما ممکن است در شرایط متفاوتی باشد. ممکن است خشک و سخت بوده، پذیرای هیچ نیکویی نباشد. یا حقیقت کلام می‌تواند از ما دزدیده شود. به همین دلیل امثال ۴ آیه ۲۳ به ما می‌گوید که "بیش از همه **دل خویش** را مراقبت کنیم، زیرا آن مسیر **زندگی** ما را تعیین می‌کند".

البته دل ما می‌تواند نرم هم باشد. می‌توانیم همزمان در قلبمان قسمتهایی "نرم" و قسمتهایی "سخت" داشته باشیم. آنچه عیسی در این آیات می‌فرماید این است که با انتخابی فعالانه به او اجازه دهیم خاکی حاصلخیز را در قلبهای ما کشت کند تا در نتیجه، او محصولی خارق العاده برداشت کند - آنچه که برای ما **خشنودی** درونی ایجاد کند و او را جلال دهد. اگر خواهان آن محصولی هستیم که منظور نظر خداست، باید خارها را در زندگی خود شناسایی کنیم.

بنابراین سوالات بنیادی اینها هستند که آیا ما برآستی زندگی خود را به مسیح تسلیم خواهیم نمود و آیا به او اجازه خواهیم داد از هر وسیله لازمه استفاده کند تا ما را بیشتر شبیه به خود سازد؟ و چقدر ثمره خواهیم آورد؟ پاسخ این پرسش‌ها در تناسب مستقیم با سلامت روحانی دل ما و تسلیم بی وقفه و اطاعت ما از مسیح می‌باشد.

بنابراین، بذر، آبیاری و تغذیه زندگی ما چیست؟

تا اینجا خواندیم که مواد ضروری برای یک محصول فراوان و سالم، بذر نیکو و آبیاری و خاک حاصلخیز و تغذیه است. بیایید ببینیم کتاب مقدس درباره این عوامل چه می گوید؟

بذر

پیدایش ۱ آیه ۱۱ می گوید: *آنگاه خدا گفت: «زمین نباتات برویاند، گیاهانی که دانه تولید کنند و درختان میوه‌ای که بر حسب گونه خود میوه دانه‌دار بیاورند، بر روی زمین.»*

متوجه نکته شدید؟ حتی خدا از آغاز میوه های دانه دار خلق کرد. به عنوان مخلوقی زنده، بشر نیز همان پتانسیل را دارد. به عنوان مثال ما فرزندان تولید می کنیم - و معمولاً آنها شبیه والدین خود بوده و درست شبیه آنها عمل می کنند. هدف بذر، ثمره و میوه دادن است و مسلّم است که ما "همانند آنچه که از آن آمده ایم ثمر می دهیم".

به عبارت دیگر آنچه می کاریم، همان را برداشت می کنیم. اگر برای نفس بکاریم، حسادت و تفرقه، بت پرستی، غرور و نگون‌بختی درو خواهیم کرد. و اگر در روح بکاریم، محبت و خوشی، آرامش و نیکویی را تکثیر خواهیم نمود.

همچنین خدا در قلب ما بذر روحانی می کارد و انتظار دارد که آن رشد کرده و بازتاب شخصیت خودش باشد!

محصول عظیم

خدا از کتاب مقدس و اوضاع و اتفاقات و افراد دیگر و همچنین روح خود استفاده می کند تا به ما یاری دهد محصولی دلپذیر داشته باشیم که می تواند ما و دیگران را در زندگی

ما حفظ نماید. در داستان مذکور برزگر در می یابیم که "بذر" کلام خدا ست که توسط روح خدا کاشته شده است. وقتی کتاب مقدس را به طور مرتب می خوانیم، خدا عملاً آنچه می تواند بذر باشد را در روح و ذهن و قلب ما می کارد.

یکی از راه های مطمئن برای ریشه عمیق یافتن، خواندن کتاب مقدس تان است. اما فقط به خواندن آن بسنده نکنید، بلکه دعا کنید تا پیغام خدا را برای خود در آن روز دریافت نمایید. می توانید آیات دیگری را که معنای مشابهی با آنچه می خوانید دارند پیدا کنید و بخوانید. به راهنمای موضوعات و فرهنگ لغت در انتهای کتاب مقدس تان رجوع کنید تا موضوعات مشابه را بیابید. جستجوی نقشه ها برای دیدن اینکه آنچه می خوانید در کجا روی داده اند کمک می کند تا کتاب مقدس و موقعیت جغرافیایی آنها زنده تر گردد.

از خدا بپرسید این قسمت چه ارتباطی با زندگی تان دارد و او چگونه می خواهد شما را تغییر می دهد. واقعا جستجوی عمیق در کلام خدا، مطالعه آن را پر شور و هیجان انگیز می سازد! لازم است بدانیم که بدون چنین نظم و انضباطی، قطعاً مبدل به خاکی خشک و پرخار و سخت خواهیم شد که در تولید حیات و ثمره به جایی نمی رسد. خواندن منظم کتاب مقدس، اطاعت از آن و حقیقتاً اجازه دادن به آن برای تبدیل زندگی مان به ما قدرت می بخشد تا همچون مسیح زندگی کنیم (دوم تیموتائوس ۳ آیات ۱۶ و ۱۷).

«(۱۶) در واقع، تمام کتب مقدس الهام خداست و سودمند است تا حقیقت را به ما تعلیم دهد، و آنچه را که در زندگی ما نادرست است، به ما تذکر دهد. همچنین وقتی راه را به اشتباه می پیماییم، ما را اصلاح می کند و آنچه را که درست است، به ما تعلیم می دهد. (۱۷) خدا به وسیله کلامش ما را از هر جهت آماده و مجهز می سازد تا به همه نیکی نماییم.

آب زنده

آیا می دانستید که انسان می تواند بدون غذا به مدت سه هفته زنده بماند، اما بدون آب حداکثر فقط ۳ روز می تواند زنده باشد؟ نزدیک به شصت در صد بدن ما از آب تشکیل شده و تک تک سلولهای ما به طور حیاتی به آن نیاز دارند. همه ما می دانیم که آب ما را سر زنده و پاکیزه نگاه می دارد. آیا این می تواند یکی از دلایلی باشد که خود خدا به عنوان آب زنده در عهد عتیق ذکر شده است، همانطور که عیسی مسیح نیز در عهد جدید فرمود "من آب حیات هستم"؟

در ارمیا ۱۷ آیه ۱۳ می خوانیم: "ای خداوند، ای امید اسرائیل، آنان که تو را ترک کنند همگی سرافکنده خواهند شد؛ آنان که از تو روی بگردانند نامشان نوشته خواهد شد؛ زیرا خداوند را ترک کرده اند، او را که چشمه آب حیات است". و در یوحنا ۷ آیات ۳۸ و ۳۹ ، مسیح با گفتن: "هر که به من ایمان آورد، همان گونه که کلام خدا می گوید، از بطن او نهرهای آب زنده جاری خواهد شد"، به خود و روح القدس اشاره می کند. (وقتی اشاره به «آب زنده» داشت، از روح القدس سخن می گفت که به هر ایماندار عطا شده است).

وقتی آب کافی در اختیار نداریم چه حالی پیدا می کنیم؟ خسته، تشنه، ضعیف و پریشان می شویم. می توانیم سلامت روحانی مان را با این سؤال از خود دریابیم که آیا آب زنده در ما و از طریق ما جاری است؟ آیا زندگی ما آن آبادی سرسبز و پر آب در دل کویر است تا دیگران بیایند و از مسیح که آب حیات است بهره مند شوند؟ خدای پدر می خواهد مسیح و روح القدس او از درون ما سرشار شوند – به طوری که دیگران را طراوت به بخشند، بازسازی کنند و جوانی آنها را تازه بسازند!

یکی از آیات مورد علاقه من در کتاب مقدس مزمور ۱ آیات ۱ تا ۳ است. این آیات می گویند که ما در همه فصل ها میوه خواهیم داد - اما این فقط در صورتی است که "از شریعت خدا لذت ببریم و روز و شب در مورد آن تفکر کنیم". همچنین "کاشته شدن در کنار رودخانه" به این معنی است که ریشه های عمیق آن درخت آماده مقابله با سیل ها است و در عین حال با آب رودخانه دائما تغذیه می شود. این تصویر شخصی است که کاملاً در معرض حضور خدا، طریق های او، نقشه های او، و روح قدوس او قرار دارد. وقتی در ارتباطی نزدیک و منظم با خداوند هستیم، چون ما با قدرت عظیم و محبت و جلال او می درخشیم، عظمت او بر مردم آشکار می شود. زندگی یک ایماندار در تمام فصول آن می تواند ثمرات عالی داشته باشد.

(*) آیات مزمور ۱ چه شباهتی با زندگی من دارد؟ آیا من سرشار از قدرت و محبت مسیح هستم یا اینکه در حال خشک شدن ام و علاقه من به پادشاهی او رو به افول است؟

غذای مقوی

در یوحنا ۴ آیات ۳۴ تا ۳۸، مسیح توضیح می دهد که قدرت او از کجا سرچشمه می گیرد! "عیسی به ایشان فرمود: «غذای من این است که اراده فرستنده خود را به جا آورم و کار او را به کمال رسانم. آیا این سخن را نشنیده اید که "چهار ماه بین کاشتن و درو کردن". اما من به شما می گویم، بیدار شوید و ببینید که هم اکنون کشتزارها آماده درو است؛ هم اکنون، دروگران مزد نیکو می ستانند و محصولی که برداشت می کنند آنانی هستند که به حیات جاودان هدایت شده اند. چه شادی به تساوی در انتظار کارنده و درو کننده است.»

کلمه " غذا " اینجا به معنی " غذای واقعی " می باشد و منظور از آن شرایطی است که نیازهای زندگی فراهم گردد. وقتی ما در **انجام** اراده خدا فعال هستیم ، اینکار به جسم و ذهن، قلب و اراده، روابط و روح ما زندگی می بخشد. این نیز ما را تقویت می کند و توانایی می بخشد که مسیحیانی قوی و جسور بشویم.

شرایط ضروری دیگر برای خاک حاصلخیز

- ۱- زندگی در فروتنی، وابستگی کامل به خدا در همه چیز
- ۲- ماندن در رابطه تنگاتنگ با او در هر روز و ساعت، و قرار دادن او در برترین اولویت زندگی مان
- ۳- مشارکت با دیگر ایمانداران قوی و پر غیرت

فروتنی

فروتنی جزء مهم آن " خاکی " است که خدا در قلب ما شخم می زند. کتاب مقدس در اول پطرس ۵ آیه ۶ می گوید : "اگر خویشتن را فروتن سازیم، او در زمان مناسب ما را سرافراز می سازد." و رساله یعقوب ۴ آیه ۱۰ می گوید: "در حضور خدا فروتن شوید تا شما را سرافراز کند."

من ترجیح می دهم خودم را فروتن کنم تا اینکه شرایط مرا فروتن سازد! رفیع ترین جایگاه در ملکوت خدا، خادم بودن است و این فقط یک نقلِ زیبا از کتاب مقدس نیست - این واقعاً یک حقیقت است (متی ۲۳ آیات ۱۱ و ۱۲).

«(۱۱) هر چه بیشتر به دیگران خدمت کنید، بزرگتر خواهید بود، زیرا بزرگی در خدمت کردن است. (۱۲) زیرا هر که بکوشد خود را بزرگ جلوه دهد، خوار خواهد شد، اما کسی که خود را فروتن سازد، سربلند خواهد گردید.»

همیشه این اصل را در نظر دارم که "اگر فروتن باشم فاصله نزدیک تری به زمین دارم و سقوط سختی نخواهم داشت." ☺

می دانم که مهم است اغلب اوقات از خود بپرسم: آیا در زندگی من فروتنی دیده می شود؟

در ذیل گزینه‌ای از فصل "فروتنی" و بر گرفته از کتاب من با عنوان «تبدیل شوید! : با روح خدای زنده» می باشد:

فروتنی تصویری است که نیرو و آرامش و هدایت خود را از خداوند دریافت می کند، کسی است که توانایی ها و محدودیت های خویش را می شناسد و کماکان اجازه می دهد خدا در زندگی اش رئیس باشد؛ کسی است که در جایگاه خویش در مسیح به قدری مطمئن و پا برجا است که نیازی ندارد که جویای مقام باشد و یا در هر وضعیتی قدرت خودخواسته خود را اعمال کند.

تعریف کتاب مقدس در مورد فروتنی بسیار متفاوت از خصلت خود محوری است که جامعه ما پذیرفته است. نه تنها اصلاً ضعیف بودن را نمی رساند، فروتنی در واقع "قدرت است که تحت کنترل" می باشد. واژه نامه انگلیسی فروتنی را "تواضع" یا "احترام آمیز" توصیف می کند. این خصلت در واقع نگرش در روال زندگی است که دیگران را بر خود مقدم بشماریم. برای اینکار شخصیت فرد باید

بسیار نیرومند و خویشتن دار باشد، زیرا رفتار کسانی که در برابر خدا فروتن هستند پیوسته مغایر با طبیعت گناه آلودشان است.

این افراد وقتی با تنفر روبرو می شوند محبت نشان می دهند. به جای اینکه همه چیز را برای خود نگاه دارند از روی عزم، وقت و استعداد و پولشان را با دیگران شریک می شوند، و قدرت و دلیری خدا را دارند تا حتی در مواجهه با شریر، به دیگران نیکی کنند. پس جای تعجب نیست که آنانی که فروتنی حقیقی از خود نشان می دهند کمیاب هستند.

همچنین، وقتی خود را فروتن می سازیم، خدا جلال می یابد. تنها یک نفر می تواند بر تخت سلطنت بنشیند و اگر سعی داریم خودمان سلطنت کنیم، تنها چیزی که دیگران در زندگی مان می بینند، ما می شویم. اما وقتی او بر تخت سلطنت بنشیند، آنوقت اوست که تلالو قدرت و محبتش از ما ساطع می شود. من می خواهم کاسته شوم تا او فزون تر شود! من که می دانم زندگی ام قبل از اینکه خدا کنترل آن را به دست بگیرد چگونه بود، زیبا نیست که دوباره خود را برافرازم و بر تخت سلطنت بنشانم!! ☹

روش دوم برای اینکه خاک وجودمان را حاصلخیز نگاه داریم این است که در تمام ساعات روز با مسیح در رابطه بمانیم و بالاترین مقام و اولیت را به او بدهیم. "مشغولیت ها" می توانند یکی از مخرب ترین عوامل برای زندگی ما در مسیح باشند. زندگی ما را ملزم می کند که دائماً کارها را به اتمام برسانیم، به جاهای لازم برویم و با افراد ملاقات کنیم. کار می کنیم، همسر و فرزندان داریم و فکر می کنیم باید در همه شرایط جذاب باشیم. به وظایف خانه داری، پرداخت قبضه ها و هزاران چیز دیگر رسیدگی می کنیم. اغلب اوقات به خاطر برنامه های شلوغ زندگی مان دیگر نمی رسیم با مسیح در ارتباط باشیم - و در تعجب ایم که چرا احساس می کنیم در فشارِ عصبی، بی قدرتی و گناه هستیم.

قیاس بزرگی را در این مورد کشیش کلیسای من در توضیحات خود از چاه ها در زمان عهد عتیق بیان نمود. یکی از راه هایی که دشمنان اسرائیل بر آنها چیره شدند پُر کردن چاه های آب آنها با خاک بود. مسلماً بدون آب مردم می مُردند. این موضوع بسیار به زندگی امروزی ما مرتبط است! زندگی خود را با چیزهایی پر می سازیم که ارزش ابدی ندارد و این کار دیگر جایی برای زندگی و آن آب حیات که مسیح سعی دارد به ما عطا کند، باقی نمی گذارد.

هوشع ۱۰ آیه ۱۲ می گوید: " با نظر به سوی پارسایی بکارید ، و بر طبق مهربانی، درو کنید؛ زمین **بایر** خود را **شیار** دهید، زیرا زمانِ آن است که خداوند را بجوید تا بیاید و پارسایی را بر شما **بباراند** ". زمین سخت نمی تواند آب دریافت کند! عدالت خدا به نسبتِ نرم بودنِ قلب ما، در ما سلطنت خواهد کرد. خدا عمل بازسازنده و فدیہ کنندهٔ خویش را در قلب ما انجام می دهد تا بتوانیم او را دریافت کنیم. کار ما این است که خود را (از دنیا (پاک نگاه داریم (دوم تیموتائوس ۲ آیه ۲۱).

«(۲۱) اگر کسی خود را از گناه دور نگاه دارد، مانند ظرف گرانبها خواهد بود و مسیح برای هدفهای عالی، او را به کار خواهد گرفت.»

سومین روش برای اینکه خاکمان را حاصلخیز نگاه داریم سپری کردن زمانِ پر کیفیت با مسیحیانی است که حقیقتاً مانند مسیح عمل می کنند. مراقب روابطتان، حتی با مسیحیانی که سَمّی و منفی یا سخن چین و انرژی خوار هستند، باشید. با مسیحیانی ارتباط برقرار کنید که به پرورش روحانی دیگران می پردازند و همچنین با آنانی که شما را پاسخگو نگاه می دارند.



پس، تا اینجا آموختیم که به خدا اجازه دهیم "زمین وجود ما را شخم بزند" و در این کار از روش های هَرس کردن خود استفاده کند. بگزارید خدا آن طور که می خواهد در زندگی شما عمل کند! در سختی ها و شرایط روزانه که شما را عصبی و آزرده می کنند، خود را آرام سازید و مراقب عکس العمل های خود در برابر آنچه شما را به خشم و عصبانیت می آورند باشید. ما باید تسلیم رهبری خدا باشیم - نه اینکه به زور اختیار امور را به دست بگیریم. وقتی نظر خدا را در تصمیمات مان می طلبیم، خدا راه ما را روشن می سازد و رهنمای ما می گردد. بگزارید خدا برای شما در همه چیز اولویت داشته باشد و آنگاه زندگی شما به معنای واقعی آسان و پربار می گردد.

شرایط بسیاری هستند که نمی توانیم تغییرشان دهیم، اما **خود ما** می توانیم تغییر کنیم! بسیار مهم است که همواره در دعا باشیم و کتاب مقدس را بخوانیم. در طول روز از او تشکر کنید ... از او طلب حکمت و هدایت در کارها بنمایید. بیاموزید که رایانه یا رادیوی خود را خاموش کنید، یا گوشی موبایل خود را کنار بگذارید و مدتی با عیسی مسیح وقت صرف کنید!

این درس به این معنی نیست که به برنامه های سنگین روزانه مان استرس اضافه کنیم. این یک اولویت است که باید انجام شود. وقتی **او** را در جایگاه اول قرار می دهیم، کارها به روش بهتری پیش می روند (متی ۶ آیه ۳۳).

«(۳۳) پس شما اول از همه به دنبال ملکوت و عدالت خدا باشید، و او همه نیازهایی شما را برآورده خواهد ساخت.»

ما تغییر می یابیم و شروع خواهیم کرد در افراد پیرامون خود تأثیر ابدی داشته باشیم. عیسی سزاوار است که در درجه اول به او سر سپرده باشیم و می داند زمانی که او در خط مقدم زندگی مان باشد عملکرد ما بهترین خواهد شد .

شاید مفید باشد یادداشت کنید یک روز عادی شما به چه صورت می گذرد، و به بینید کدام کار ها به نظرتان مهم می رسند، اما ارزش واقعی ندارند. شروع کنید اولویت را در زندگی تان به ملکوت خدا بدهید و با حواس جمع زندگی کنید. ما به غذایی نیاز داریم که خدا به ما می دهد - یعنی انجام اراده او - زیرا سفیران نور و نمک او به این دنیا هستیم. این کارهایی است که برای زندگی مسیحی شما ضروری میباشد. علاوه بر این، پاداش هایی را برایتان به ارمغان می آورد که ماورای تصور شماست!

فصل ۳

شخم زدن زمین

تفکر و تعمق در آنچه خواندیم

۱- آیا به خدا اجازه می دهید که از ستیزها در زندگی تان برای شکل نوین بخشیدن به شما استفاده کند؟ یا اغلب اوقات به خودتان اجازه می دهید به خاطر شرایط تان عصبی یا درمانده شوید؟

۲- آیا فکر می کنید سختی هایی که اکنون با آنها روبرو هستید نتیجه انتخاب های نادرست شماست، یا خدا است که دارد شما را در کارها آموزش می دهد و هراس می کند؟

۳- آیا من اراده خدای پدر را به جا می آورم؟ یا بیشتر وقتم صرف تلاش در رسیدن به اهدافم می شود؟

برای مشخص کردن کلی این جواب، راه این است که نکات ذیل را بنویسید:

۱- وقت خود را صرف انجام چه کاری میکنید؟

۲- وقت خود را صرف فکر کردن به چه چیزی می کنید؟

۳- پول خود را به چه مصارفی می رسانید؟

۴- کدام "خاک" ، "آبِ چاه های زندگی" شما را گِلِ آلود می کند؟ اینها " پُر کننده هایی" هستند که دیگر فرصتی برای زندگی حقیقی شما در مسیح باقی نمی گذارند. با چه چیزی آنقدر درگیر هستید که مزاحم رابطه شما با مسیح است؟ (اکثر این چیزها به خودی خود منفی نیستند، اما اگر بیش از حد لازم

روی آنها کار می‌کنید، طوری که از وقت شخصی خود با خداوند غافل می‌شوید، آنوقت لازم است به بینید آیا ارزشش را دارند؟)

شاید آنچه بیش از حد برای آن وقت می‌گزارید از این موارد باشد: شوهر یا دوست پسر؟ فرزندان؟ شغل؟ خدمت مسیحی؟ کارهای داوطلبانه؟ مشغول کارها بودن؟ دین؟ کامپیوتر/ تلفن؟ حیوان خانگی؟ ظاهر خودتان؟ پاسخ‌های خود را در ذیل درج کنید:

۵- چه نوع ثمره‌ای در زندگی خود همین حالا دارید ارائه می‌کنید که در ارتباط با هدایت دیگران به سوی عیسی است؟

این می‌تواند شامل ثمرات روح القدس باشد (محبت، خوشی، آرامش، صبر، مهربانی، نیکویی، وفاداری، ملایمت و خویشتن داری)؛ داشتن شخصیت مورد پسند خدا؛ و جذب دیگران به سوی مسیح از طریق صحبت و بشارت دادن به دیگران.

همچنین شاید این تغییرات را باید در خود ایجاد کنید:

طرز لباس پوشیدن تان، طرز صحبت کردن تان، موضوعاتی که در موردشان با دیگران صحبت می کنید و نحوه ی رفتار شما با دیگران.

۶- چه نوع ثمره ای را علاقمند هستید تولید کنید؟

۷- دو روش را مشخص کنید که بتوانید شروع کنید و تعداد بسیاری از بی ایمانان را به عنوان محصولی عظیم برای خداوند تان بیاورید:

۸- یک چیز را نام ببرید که مایلید در زندگی خود امروز تغییر دهید تا خدا اولویت بیشتری در زندگی تان پیدا کند.

فصل چهارم

پی ریزی شالوده

قسمت اول



عقل سلیم به ما می گوید برای اکثر موقعیت های زندگی خود به یک شالوه محکم نیاز داریم. برای مثال، اگر بخواهیم در رشته ریاضی درس بخوانیم، به عوامل اصلی جمع، تفریق، ضرب و تقسیم نیاز داریم. اگر می خواهیم یک خانه بسازیم و انتظار داریم آن خانه دوام بیاورد و سرنگون نشود، به یک پایه قوی نیاز داریم. زندگی که در مسیح شروع می کنیم تفاوتی با اینها ندارد.

اما دقیقا در همین موضوع است که ایمانداران کم می آورند. آنها در سلوک مسیحی خود هیچ شالوده ای ندارند. در زمان نجات، مسیح را با شادی می پذیرند اما اغلب شاگرد سازی نمی شوند و حقایق اساسی مسیحیت را کسی به آنها تعلیم نمی دهد. بنابراین از این که برای خود اصول مسیحیت را بیاموزند غافل می شوند.

در نظر گرفتن و برنامه ریزی جهت این موضوع، مسئولیت شبان کلیسا است. افراد با علاقه به کلیسا می روند و هفته ای یکبار به موعظه گوش می دهند. اما اگر ایمانداران این عادت را آموزش نیابند که هر روزه با خدا و کلام او خلوت کنند و وقتی پر کیفیت با او داشته باشند، مثل این است که در هفته تنها یک وعده غذا بخورند.

آموزشهای ضروری

بدون این وقت منظم و رابطه نزدیک و صمیمی با خدا، به آسانی در ایمان خود سردرگم و تضعیف می شویم. اگر حقیقت خدا را تنها یک یا دو بار در هفته بشنویم، آنگاه ناچار در موقعیتی قرار خواهیم گرفت که آنچه دنیا به ما تحمیل می کند باور داشته باشیم. برای ما امری حیاتی است که چنین ارتباط پر معنا و روزانه را با خداوند در اولویت قرار دهیم. در غیر اینصورت، مستعد میشویم بیشتر تمرکز مان روی "واقعیت های" این دنیا و زندگی روزانه باشد، تا بر نقشه ها و هدف او برای زندگی مان. به یقین اگر صدای ابلیس و دنیا را در اکثر ساعات بیداری خود می شنویم، هرگز قادر به پیروزی بر سختی هاستان نخواهیم شد.

علاوه بر این، اگر آنچه داخل فکر و روح ما می شود عموماً منفی و کاذب است، ما رفته رفته نسبت به این واقعیت بی تفاوت می شویم که در جهان نبردی سهمگین برای روح انسانها بین خدا و شیطان در گیر است. اما این جنگ بزرگ ترین اهمیت را دارد. لازم است هر روزه مسلح و آماده باشیم - نه تنها برای خودمان بلکه برای دیگر کسانی که به عیسی مسیح نیاز دارند. ما برای مقابله با حملات ذهنی، عاطفی، فیزیکی و روحانی که با آنها روبرو هستیم، عاجزانه به حقیقت خدا نیاز داریم. تکرار می کنم که اگر قرار است مطابق خواسته های مسیح زندگی کنیم باید از کتاب مقدس و دعا آموزش بگیریم.

از آنجا که سرنوشت مردمان که دارای روح های ابدی می باشند مطرح است، ما مسیحیان باید همواره به عیسی که صخره ما است چشم بدوزیم و پس از آن بکوشیم تا توجه اصلی ما در این زندگی به سوی مردمان باشد (اشعیا ۲۶ آیات ۳ و ۴ ؛ متی ۶ آیه ۳۱ تا ۳۳ ؛ متی ۲۸ آیات ۱۸ تا ۲۰).

«3 اندیشه استوار را در آرامش کامل نگاه خواهی داشت، زیرا که بر تو توکل می‌دارد. 4 تا به ابد بر خداوند توکل کنید، زیرا که خداوند یهوه، صخره جاودانی است.» (۳۱) پس نگران این چیزها نباشید و نگویید چه بخوریم یا چه بنوشیم یا چه بپوشیم. (۳۲) زیرا بی‌ایمانان برای این چیزها غصه می‌خورند، اما پدر آسمانی شما از قبل می‌داند به اینها نیاز دارید. (۳۳) پس شما اول از همه به دنبال ملکوت و عدالت خدا باشید، و او همه نیازهای شما را برآورده خواهد ساخت.»

«(۱۸) نگاه عیسی جلو آمد و به ایشان فرمود: «تمام اختیارات در آسمان و زمین به من داده شده است. (۱۹) پس بروید و تمام قومها را شاگرد من سازید و ایشان را به اسم پدر و پسر و روح‌القدس تعمید دهید؛ (۲۰) و به ایشان تعلیم دهید که تمام دستورهای را که به شما داده‌ام، اطاعت کنند. مطمئن باشید هر جا که بروید، حتی اگر دورترین نقطه دنیا باشد، من همیشه همراه شما هستم!»

اغلب یادآور می‌شوم وقتی پس از این جهان در برابر خداوند حاضر شویم، تنها بخش زندگی روزانه ما که برای او حائز اهمیت است این است که چگونه ساعات خود را برای جلال پدر و هدایت دیگران به سوی او صرف کرده ایم.

کشتی تفریحی یا کشتی جنگی

شکی نیست که در جنگی سهمگین هستیم. حتی با نگاهی اجمالی می‌توان دید که این جهان هر روز واهمه انگیز تر می‌شود. لیکن رفتار ما مسیحیان اغلب طوری است که گویی در یک کشتی کروز هستیم و نه در یک کشتی جنگی! تصور می‌کنیم که چون "نجات" را داریم از خطر رسته ایم و ایمن از حملات شیطان، داریم پیش به سوی بهشت می‌رویم. ولی آیا چنین است؟ آیا اگر کسی به سربازی برود و ماهها برای جنگ آموزش ببیند، وقتی گلوله‌ها از هر طرف شلیک می‌شوند، آسوده می‌نشیند؟

جنگ روحانی هم دارای همین اصل است! نجات صرفاً قدم اول از تجربه مسیحی ماست. این بخش "نام نویسی" ما به شمار می آید. لازم است بدانیم که وقتی عیسی مسیح را در زندگی خود می پذیریم، عملاً داریم برای جنگ نام نویسی می کنیم! و بدون اسلحه های ضروری که در افسسیان ۶ آیات ۱۰ تا ۱۸ ذکر شده اند، به هیچ وجه نمی توانیم در این نبرد بجهنگیم. احمقانه است که سستی کنیم و خود را برای این جنگ آماده نسازیم، زیرا یک سرباز مجروح یا تنبل یا نا آزموده نمی تواند برای فرمانده یا هم رزمانش مفید باشد.

اسلحه اصلی ما کتاب مقدس است. حقیقت بی انتهای آن آنقدر مستحکم هست که می توانیم شالوده زندگی خود را بر آن بنا کنیم. اما اگر کتاب مقدس را فقط هفته ای یکبار به کلیسا همراه می بریم، هیچ خیری از آن عایدمان نخواهد شد (دوم تیموتائوس ۳ آیات ۱۴ تا ۱۷؛ عبرانیان ۴ آیه ۱۲).

«(۱۴) اما تو باید به آنچه آموختی، ایمان راسخ داشته باشی. تو به صحت و درستی آنها اطمینان داری زیرا می دانی که آنها را از افراد قابل اعتمادی آموخته ای؛ (۱۵) خودت نیز از کودکی کتب مقدس را فرا گرفته ای. این کتابها به تو حکمت بخشیده اند تا بدانی که دست یافتن به نجات، از راه ایمان به عیسی مسیح امکان پذیر است. (۱۶) در واقع، تمام کتب مقدس الهام خداست و سودمند است تا حقیقت را به ما تعلیم دهد، و آنچه را که در زندگی ما نادرست است، به ما تذکر دهد. همچنین وقتی راه را به اشتباه می پیماییم، ما را اصلاح می کند و آنچه را که درست است، به ما تعلیم می دهد. (۱۷) خدا به وسیله کلامش ما را از هر جهت آماده و مجهز می سازد تا به همه نیکی نماییم.»

«(۱۲) زیرا کلام خدا زنده و قدرتمند و برنده تر است از هر شمشیر دولبه و تیز، و چنان نافذ که حتی جان و روح، و مفاصل و مغز استخوان را از هم جدا می کند، و افکار و نیت های اعماق دل انسان را آشکار می سازد.»

نیاز داریم آن را مطالعه کنیم، مفهوم آن را درک کنیم، و از آن کاملاً اطاعت کنیم - همان طور که یک سرباز، کتابچه راهنما و دستورات خود را می داند و از آنها پیروی می کند زیرا به راستی مسئله مرگ و زندگی مطرح است.

دومین سلاح ضروری ما دعاست. لیکن اگر کسی صرفاً کلمات را ادا نماید در حالی که دل او نسبت به منجی شکوهمند ما بی تفاوت است، یا برای کسانی که راهی جهنم هستند دلش نمی سوزد، قلب خدای مان را بر نمی انگیزد. به علاوه ما اغلب فقط برای خود و خواسته های خود دعا می کنیم لیکن از دعا برای دیگران که در بین ما هستند غافلیم. ای کاش به جای قلبهای سنگی، قلب هایی نرم داشتیم (حزقیال ۳۶ آیات ۲۶ و ۲۷). باشد که مشتاقانه در پی چیزهایی باشیم که خدا مهم می داند.

«(۲۶) به شما قلبی تازه خواهم داد و روحی تازه در باطن شما خواهم نهاد. دل سنگی و نامطیع را از شما خواهم گرفت و قلبی نرم و مطیع به شما خواهم داد. (۲۷) روح خود را در شما خواهم نهاد تا احکام و قوانین مرا اطاعت نمایید.»

این فصل « پی ریزی شالوده » ، حقایق ضروری کتاب مقدس را مشخص می کند که باید به آنها ایمان داشته باشیم و مورد عمل قرار دهیم - پیش از آنکه بنای ایمان خود را ادامه دهیم. این بخش به تفصیل در باره هویت مان در مسیح صحبت خواهد کرد. حتی اگر سالها است که ایماندار هستید، شما را تشویق می کنیم این اصول را بازنگری کرده و شالوده ایمان خود را تقویت نمایید. دریافت این تعلیم برای شاگرد فعال و پویای مسیح امری ضروری است، زیرا درک و باور عمیق آنچه خدا درباره هویت ما می گوید ، نظر ما را نسبت به جهان شکل می بخشد. این طرز نگرستن به جهان، اساس نگرش ما به همه چیز در زندگی ما و نحوه به عمل آوردن آن دیدگاه می شود. بنابراین اثر بزرگی بر محبت ما به خدا و خدمت مسیحی ما به دیگران می گذارد.

جایگاه ما در مسیح

برای مردم اغلب این سؤال پیش می آید که چرا عیسی مسیح «تنها راه» محسوب می شود. آنها می گویند: "تمام مذاهب به خدا ختم می شوند." یا "این خشک مذهبی بودن را می رساند که فکر کنیم تنها یک راه به سوی خدا وجود دارد." اما خدا در کتاب مقدس که کلام او است به ما می فرماید برای داشتن مشارکت صمیمی با او، می بایست کاملاً پارسا و نیک شویم. ما قادر نیستیم از تاریکی های زندگی مان اجتناب کرده یا بدون گناه زیست کنیم (اول یوحنا ۱ آیات ۶ تا ۸).

«(۶) پس اگر بگوییم که با خدا رابطه ای نزدیک داریم، اما در تاریکی روحانی زندگی کنیم، دروغ می گوییم. (۷) اما اگر ما نیز مانند مسیح در نور حضور خدا زندگی می کنیم، آنگاه با یکدیگر رابطه ای نزدیک داریم و خون عیسی، پسر خدا، ما را از هر گناه پاک می سازد. (۸) اگر بگوییم گناهی نداریم، خود را فریب می دهیم و از حقیقت گریزانیم.»

لیکن به خدا نیاز داریم تا ما را برای آشتی دادن با خود نیکو سازد، زیرا ما به خودی خود نمی توانیم وجودمان را به آن حد نیکو سازیم که با خدای قدوس رابطه برقرار کنیم. اگر فکرش را بکنید می بینید این درست است چون ما انسان ها مسلماً ضعیف و خطا کار هستیم. به «شخصی» نیاز داریم که از ما بسیار توانمند تر است تا ما را نجات بخشد و برای ما شفاعت کند.

"جایگاه" ما در مسیح مشابه کسی است که خانه ای را طراحی یا تزئین می کند. او هر چیز را جای خاصی قرار می دهد زیرا برای آن مقصودی یا نقشی در نظر دارد. پدر آسمانی ما هم در نقشه خود برای ما ترتیبات ویژه داده است. او ما را در جایی که می خواهد قرار می دهد و برای ما مقصود خاص در اهداف عظیم خود دارد. این کار او تصادفی و یا از روز ناگزیری در آخرین فرصت نیست بلکه مطابق برنامه او می باشد! (افسیسیان ۱)

آیات ۳ تا ۸) . «(۳) ستایش باد بر خدا، پدر خداوند ما عیسی مسیح، که ما را به دلیل پیوندمان با مسیح، با هر برکت روحانی در قلمروهای آسمانی مبارک ساخته است. (۴) خدا حتی پیش از آفرینش جهان، از طریق پیوندمان با مسیح، ما را محبت کرد و برگزید تا در نظر او مقدّس و بی‌عیب باشیم. (۵) او ما را از پیش تعیین کرد تا به واسطه عیسی مسیح، فرزندخواندگان او گردیم. این امر کاملاً مطابق بود با اراده او و موجب خشنودی‌اش می‌گردید. (۶) پس خدا را به سبب فیض پر جلالی که به رایگان بر ما فرو ریخته، می‌ستاییم، فیضی که متعلق به پسر محبوبش می‌باشد. (۷) در او، ما از طریق خونس، رهایی را دریافت کرده‌ایم، همان بخشایش گناهان را، که مطابق است با دولتمندی فیض خدا، (۸) فیضی که با گشاده‌دستی، و همراه با حکمت و درک کامل، به‌فراوانی بر ما بارانید!»

زمانی که سعی کنیم از جایگاهی که او برای ما دارد خارج شویم، احساس خواهیم کرد در جای خود نیستیم.

یکی از واقعیت‌های مهمی که باید جای خاصی در زندگی مسیحیان داشته باشد این است که خدا از ازل ما را دوست داشته است و ما را بخشیده و تجهیز و انتخاب کرده است. اگر چه درست است که او انسانها را یک به یک و به همان اندازه محبت می‌کند (یوحنا آیه ۱۶)، «(۱۶) زیرا خدا به قدری مردم جهان را دوست دارد که یگانه پسر خود را فرستاده است، تا هر که به او ایمان آورد، هلاک نشود بلکه زندگی جاوید بیابد.»

در عین حال محبت خاصی نیز به کسانی دارد که او را متقابلاً و واقعاً دوست دارند. چه شگفت‌انگیز است که او پیروان خود را حتی پیش از خلقت زمین می‌شناخت (رومیان ۸ آیات ۲۹ و ۳۰). «(۲۹) زیرا خدا کسانی را که از پیش شناخت، از پیش نیز برگزید تا به شکل پسر او درآیند، تا مسیح فرزند ارشد از میان برادران بسیار باشد. (۳۰) پس هنگامی که ما را برگزید، ما را به نزد خود فرا خواند؛ و چون به حضور او آمدیم، ما را «بی‌گناه» به حساب آورد و وعده داد که ما را در شکوه و جلال خود شریک سازد!»

زمانی که برنامه ها و اهداف **خدا** را برای زندگی خود می پذیریم، به ما کمک می شود تا خود محور نباشیم. وقتی این واقعیت را باور می کنیم که خدا هم اکنون به ما محبت دارد و نجات الهی، ما را متعلق به او ساخته است، از تلاش برای کسب تأیید دیگران آزاد می شویم. زمانی که از عمق وجود خود بپذیریم هم اکنون در مسیح **کامل شده ایم**، می توانیم با این تفکر اشتباه مبارزه کنیم که «باید برای خدا به اندازه کافی نیک باشیم». این حقیقت **خدا** است - **او از قبل اعلام فرموده** که ما به قدر کافی نیک هستیم!- و این ما را آزادی می بخشد تا او را با تمام وجود خدمت کنیم زیرا دیگر برای ما سؤال نخواهد بود که آیا به قدر کافی مستحکم یا شایسته دعوت او هستیم یا خیر! آنگاه می توانیم مشغول کاری شویم که او برای ما برنامه ریزی کرده است (افسسیان ۲ آیات ۹ و ۱۰).

«(۹) نجات پاداش اعمال نیک ما نیست، و از این رو، هیچ کس نمی تواند به سبب آن به خود ببالد. (۱۰) زیرا ما ساخته دست خداییم، و در مسیح عیسی آفریده شده ایم تا کارهای نیک انجام دهیم، کارهایی که خدا از دیرباز تدارک دیده تا در آنها سلوک کنیم.»

همچنان که در مسیح شکوفا و پا بر جا می شویم، توجه ما طبیعتاً به سوی دیگرانی جلب می شود که در گرداگرد ما هستند و در زحمات می باشند. اگر پیروان راستین او هستیم خواهیم خواست تا آنجا که از دست ما بر می آید بر روی کسانی که به او نیاز دارند ، تاثیر گذار باشیم. وقتی خداوند در ما و با ما ساکن می شود، شروع می کنیم بیاموزیم چیزهایی را دوست بداریم که او دوست می دارد. سپس شروع به درک این مطلب می کنیم که چرا ماموریت اصلی مسیح، یافتن و نجات گناهکاران بوده و هست (لوقا ۱۹ آیه ۱۰). «(۱۰) زیرا پسر انسان آمده تا گم شده را بجوید و نجات بخشد.»

به هر یک از ما کاری ویژه و منحصر به فرد سپرده شده است تا برای خداوند انجام دهیم. او از پیش ما را برای آنچه می خواهد برایش انجام دهیم طراحی کرده و ساخته است! در واقع ما خلق شده ایم تا برنامه خاص **او** برای ما را در زندگی خود به اجرا بگذاریم

- و از این رو ، در زندگی هرگز به رضایت کامل دست نخواهیم یافت، مگر اینکه با خدای خود در رابطه روزانه زیست کنیم و آنچه اراده او برای زندگی ما است را به عمل بیاوریم (ارمیا ۲۹ آیه ۱۱). «(۱۱) خواست و اراده من، سعادت‌مندی شماست و نه بدبختی‌تان، و کسی به جز من از آن آگاه نیست. من می‌خواهم به شما امید و آینده خوبی ببخشم.»

اگر بدون توجه به برنامه و خواست الهی، در پی انجام برنامه های خود در زندگی باشیم، از مسیر صحیحی که او برای ما دارد خارج می شویم. واقعیت این است که هرگز با استفاده از برنامه های خودمان، تحقق خواسته ها یا رسیدن به سرنوشت حقیقی مان را تجربه نخواهیم کرد (امثال ۱۴ آیه ۱۲). «(۱۲) راههایی هستند که به نظر انسان راست می‌آیند اما عاقبت به مرگ منتهی می‌شوند.»

این آگاهی ما را تجهیز می کند تا در تفکرات خود متوازن و مستحکم گردیم، زیرا اطمینان می یابیم خدا «طرح بزرگ» را رقم زده است - چه برای رویدادهای جهانی، چه برای زندگی یکایک ما. می توانیم از دلهره و نگرانی درباره اینکه "آینده چه خواهد بود و کارها به کجا خواهد کشید،" دست برداریم. می آموزیم تا از طریق کلام خدا ، روح القدس و دعا ، هدایت او را بیابیم. با کسب اطمینان در این امور، می توانیم با شهامت بیرون رفته و دیگران را به زندگی پر شکوهی که مسیح ارائه می کند دعوت نماییم.

من کیستم؟

همان لحظه ای که نجات را دریافت می کنیم (رومیان ۱۰ آیه ۹)، «9 که اگر به زبان خود اعتراف کنی «عیسی خداوند است» و در دل خود ایمان داشته باشی که خدا او را از مردگان برخیزانید، نجات خواهی یافت.» خدا به وسیله روح قدوس پر فیض خویش، ما را در رابطه درست با خود قرار می دهد (پیدایش ۱۵ آیه ۶؛ رومیان ۵ آیه ۲۱؛ رومیان ۸ آیه ۳۳). «6 ابرام به خداوند ایمان آورد، و او این را برای وی پارسایی به شمار آورد.» «21 تا همان گونه

که گناه در مرگ حکمرانی کرد، فیض نیز در پارسایی حکم براند و به واسطه خداوند ما عیسی مسیح، به حیات جاویدان رهنمون شود.» «33 کیست که برگزیدگان خدا را متهم کند؟ خداست که آنها را پارسا می‌شمارد!» در زمانی که به او ایمان می‌آوریم خلقتی جدید می‌شویم - و این در اثر کار خدا است نه به خاطر آنچه کرده ایم یا می‌اندیشیم یا حتی احساس کنیم.

اما این "باور"، فراتر از یک رضایت ضمنی یا بر زبان آوردن چند کلمه است - این یک شیوه زندگی کاملاً تازه و نو شکفته است که توسط خود خدا تأمین می‌شود (افسیسیان ۴ آیه ۲۰ تا ۲۴).

«(۲۰) اما مسیح چنین روشی برای زندگی به شما نیاموخته است. (۲۱) اگر واقعاً صدای او را شنیده‌اید و حقایقی را که درباره خود فرموده است، درک کرده‌اید، (۲۲) پس اکنون باید طبیعت کهنه و روش قبلی زندگی‌تان را همچون جامه از تن به در کنید، جامه‌ای که در اثر هوسهای فریبنده فاسد می‌گردد. (۲۳) فکر و ذهن خود را نو سازید. (۲۴) بله، باید طبیعت تازه را بر تن کنید، طبیعتی که آفریده شده تا در عدالت و تقدس، مانند خدا باشد.»

چقدر این باعث آسودگی خاطر است که بدانیم کار ما این نیست که در ملکوت خدا با رقابت شدید و سبقت گیری، به کمال دست بیابیم!

اغلب آنقدر عادت کرده ایم زندگی مان را بر اساس احساساتمان بسنجیم که اوقاتی که "حس نمی‌کنیم" دوست داشتنی، مقدس، بخشوده شده یا ارزشمند هستیم، تصور می‌کنیم حقیقت باشد. اما مسئولیت ما این است که آنچه را خدا در کلامش درباره ما می‌گوید باور کنیم (دوم تسالونیکیان ۲ آیات ۱۳ و ۱۴).

«(۱۳) اما ای برادران و ای محبوبان خدا، ما باید همیشه برای وجود شما خدا را شکر کنیم، زیرا خدا از همان ابتدا شما را برگزید تا نجات بخشد و به وسیله قدرت روح پاکش و ایمانتان به راستی، شما را پاک سازد. (۱۴) به همین منظور، او مژده نجات را به وسیله ما به شما رساند و از طریق ما، شما را دعوت کرد تا در جلال خداوند ما عیسی مسیح شریک گردید.»

گر چه این درست است که طبیعت کهنه ما همواره بخشی از وجود ما خواهد بود و گاهی خطا می کنیم و کم می آوریم، اما در عین حال کار کامل مسیح روی صلیب یکبار و برای همیشه ما را از مجازاتی که برای گناه مان مستحق آن هستیم، رهایی بخشیده است (عبرانیان ۹ آیه ۱۲؛ اول پطرس ۱ آیه ۲)!

«(۱۲) او یکبار و برای همیشه به مقدسترین جایگاه وارد شد و خون قربانی را بر تخت رحمت پاشید، اما نه خون بز یا گوساله، بلکه خون خود را، که با آن نجات ابدی ما را فراهم ساخت.»

« 2 به آنان که بنا بر پیشدانی خدای پدر، به واسطه عمل تقدیس کننده روح، و برای اطاعت از عیسی مسیح و پاشیده شدن خونس بر ایشان، برگزیده شده اند: فیض و سلامتی به فزونی بر شما باد.»

پیغام خوش انجیل روشن می سازد که وقتی عاشق مسیح هستیم، خواهان آن می شویم که خود را در حضور او غوطه ور ساخته و در آنچه در کتاب مقدس به ما دستور داده اطاعت کنیم. روح خدا خود، تغییرات عمیقی را که شدیداً نیاز داریم در ذهن و قلب ما ایجاد می کند. او آن میل و قدرت برای پاک شدن را به ما می بخشد و بنابر این ما را بیشتر شبیه به مسیح می سازد (فیلیپیان ۲ آیه ۱۳).

«(۱۳) زیرا خدا خودش در وجود شما کار می کند تا بتوانید با میل و رغبت او را اطاعت نمایید و اعمالی را بجا آورید که مورد پسند اوست.»

همچنانکه در رابطه با او پیش می‌رویم، خدا آن عمل تبدیل را که باید صورت بگیرد رقم خواهد زد تا بتوانیم در پیروزی زندگی کنیم. فقط بدانید که این مستلزم کار و تلاش ما برای حفظ رابطه مان با خداست؛ این یک شراکت است، نه یک تلاش یک طرفه. خدا آنچه را ما قادر نیستیم، انجام می‌دهد. اما کارهایی را که می‌توانیم انجام دهیم برایمان نخواهد کرد (دوم تیموتائوس ۲ آیه ۱۵ ؛ دوم پطرس ۱ آیه ۱۰ ؛ مکاشفه ۱۴ آیه ۱۳).

«(۱۵) تا آنجا که در توان داری، بکوش تا مورد تأیید خدا قرارگیری، همچون کارگری که دلیلی برای شرمسار شدن ندارد و کلام خدا را به‌درستی به کار می‌بندد.»

«(۱۰) بنابراین، ای برادران عزیز، بکوشید تا ثابت کنید که حقیقتاً جزو برگزیدگان و دعوت‌شدگان خدا هستید؛ زیرا اگر چنین کنید، هرگز لغزش نخواهید خورد و از خدا دور نخواهید شد؛»

«(۱۳) آنگاه، صدایی از آسمان شنیدم که به من می‌گفت: «این را بنویس: خوشا به حال کسانی که از این پس در خداوند می‌میرند.» و روح گفت: «حالا دیگر از تمام دردها آسوده می‌شوند، و به خاطر کارهای خوبی که کرده‌اند پاداش می‌گیرند.»

در نهایت، باید این حقیقت را درک کرده و بپذیریم که هرگز نخواهیم توانست "خودمان را پیدا کنیم" - برخلاف آنچه بسیاری گروه‌های خودیاری و کتابها ادعا می‌کنند - مگر آنکه با عیسی مسیح رابطه نزدیک و صمیمانه پیدا کنیم. این بدین دلیل است که ما به صورت خدا آفریده شدیم. تنها او از اعماق قلب و ذهن ما آگاه است و می‌داند چگونه بهترین عملکرد را داریم.

تلاش انسانی و روانشناسی هرگز قادر نخواهند بود عمق‌های درون ما و اسرار و انگیزه‌های حقیقی ما را بسنجند. تنها خدا است که می‌تواند ما را کاملاً شفا بخشد و به مسیری باز گرداند که از ازل برای زندگی ما تعیین کرده بود (افسسیان ۱ آیه ۴).

«(۴) خدا حتی پیش از آفرینش جهان، از طریق پیوندمان با مسیح، ما را محبت کرد و برگزید تا در نظر او مقدس و بی عیب باشیم.»

تنها او می تواند به ما حکمت، قوت، دانش و قدرت مافوق طبیعی ببخشد تا در هماهنگی با او زندگی کنیم و بدین وسیله آرامش، محبت، شادی، امید و هدف به ما عطا کند.

بنابراین بیایید به سراغ موضوع خود برویم و به بینیم خدا در مورد «هویت ما در مسیح» چه می اندیشد:

۱- عادل شمرده شده ایم ... رومیان ۴ آیات ۱ تا ۸ - خدا مردم را بسیار دوست دارد. از آغاز زمان او خواستار رابطه و مشارکت با ما بوده است. اما همانطور که همه می دانیم، آدم و حوا این رابطه را رد نمودند و در عوض گناه را انتخاب کردند. به عبارت دیگر آنها به جای آنکه طوری زندگی کنند که خدا برای آنها در نظر داشت، به راه خود رفتند. ☹

با ترجیح دادن راه خویش، آنها دیگر نمی توانستند با خدا رابطه نزدیک داشته باشند زیرا خدا کاملاً پاک و قدوس است. در واقع، بخاطر این سرکشی، تمام نسل بشر از آن پس دچار فلاکت و تباهی شد. هر انسانی اکنون گناه کار به دنیا می آید (رومیان ۳ آیات ۹ تا ۱۹). «9 پس چه باید گفت؟ آیا وضع ما بهتر از دیگران است؟ به هیچ روی! زیرا پیشتر ادعا وارد آوردیم که یهود و یونانی هر دو زیر سلطه گناهند 10. چنانکه نوشته شده است: «پارسایی نیست، حتی یکی. 11 هیچ کس فهمیم نیست، هیچ کس جوای خدا نیست. 12 همه گمراه گشته اند، و با هم باطل گردیده اند. نیکوکاری نیست، حتی یکی.» 13 گلویشان گوری است گشاده و زبانشان به فریب سخن می گوید.» «زهر افعی زیر لبهایشان است؛» 14 «دهانشان آکنده از نفرین و تلخی است.» 15 «پاهایشان برای ریختن خون شتابان است؛ 16 هر کجا می روند، ویرانی و تیره بختی بر جای می گذارند، 17 و طریق

صلح و سلامت را نمی‌شناسند.» 18 «ترس خدا در چشمانشان نیست.» 19 اکنون آگاهیم که آنچه شریعت می‌گوید خطاب به کسانی است که زیر شریعتند تا هر دهانی بسته شود و دنیا به تمامی در پیشگاه خدا محکوم شناخته شود.»

علاوه بر این، خدا می‌فرماید هیچ فدیۀ ای، به جز توسط عیسی مسیح، برای وضعیت سقوط کرده ما وجود ندارد (رومیان ۳ آیات ۲۱ تا ۲۶).

«(۲۱) اما اکنون خدا راهی پیش پای ما قرار داده تا بدون انجام مطالبات شریعت، بتوانیم عادل شمرده شویم، راهی که در نوشته‌های موسی و انبیای یهود، وعده آن داده شده است. (۲۲) ما با ایمان آوردن به عیسی مسیح، عادل شمرده می‌شویم. این در مورد هر کس که ایمان بیاورد، صدق می‌کند. هیچ فرقی هم نمی‌کند که یهودی باشد یا غیریهودی، (۲۳) زیرا همه گناه کرده‌اند و از معیارهای پرجلال خدا کوتاه می‌آیند. (۲۴) با این حال، خدا با آن فیض خود که سزاوارش نیستیم، به رایگان اعلان می‌کند که عادل شمرده می‌شویم. او این کار را به واسطه عیسی مسیح انجام داد، آن هنگام که بهای آزادی ما را از مکافات گناهانمان پرداخت کرد. (۲۵) زیرا خدا عیسی را همچون قربانی کفاره‌کننده گناه عرضه داشت. و حال، انسان وقتی ایمان می‌آورد که عیسی زندگی خود را قربانی کرد و خونس را ریخت، در حضور خدا عادل شمرده می‌شود. این قربانی نشان‌دهنده عدل و انصاف خدا است، زیرا او با صبر و بردباری تمام، از مجازات آنانی که در گذشته‌ها گناه می‌کردند، خودداری می‌کرده است، (۲۶) به این دلیل که به آینده می‌نگریست و لطفی را که قصد داشت در زمان حاضر عملی سازد، شامل حال ایشان می‌فرمود. او با این عمل، عدالت خود را ثابت کرد، و اکنون آنانی را که به عیسی ایمان می‌آورند، عادل به شمار می‌آورد.»

هر مقداری هم که انسان بخواهد تاوان بپردازد، هنوز برای پاک کردن گناهان ما کفایت نخواهد کرد، و هیچ انسانی چنین قدرتی ندارد که دیگری را وارد بهشت نماید.

دقیقاً به همین دلیل بود که عیسی در الوهیت خویش، برای ما جان داد (رومیان ۴ آیات ۲۰ تا ۲۵).

«(۲۰) بله، او هیچگاه شک ننمود. او به خدا ایمان داشت و ایمانش روز به روز قویتر شده، خدا را تجلیل کرد. (۲۱) زیرا یقین داشت که خدا قادر است به همهٔ وعده‌های خود عمل کند. (۲۲) به خاطر همین ایمان بود که خدا او را عادل به شمار آورد. (۲۳) این عبارت که «از راه ایمان مورد قبول خدا واقع شد»، فقط دربارهٔ ابراهیم نوشته نشده است. (۲۴) بلکه برای این نوشته شد که ما اطمینان بیابیم که خدا ما را نیز از همان راه به حضور خود می‌پذیرد، یعنی از راه ایمان به وعدهٔ خدا، خدایی که خداوند ما عیسی را پس از مرگ زنده کرد. (۲۵) او به خاطر گناهان ما به مرگ سپرده شد، و دوباره زنده شد تا ما در پیشگاه خدا عادل به حساب آییم.»

مسیح مجازاتی را متحمل شد که ما سزاوارش بودیم - این نکته را درک کنید - تنها خود خدا می‌توانست راه حلی در برابر خشم خود نسبت به گناه ایجاد کند - زیرا آن خشم (غضب الهی) ما را نابود می‌ساخت. بنابراین، خدا می‌فرماید ما که نجات یافته ایم اکنون عادل، یعنی در نظر او " کاملاً نیک " هستیم. به دلیل قربانی فیض بخش او، مسیحیان اکنون از دیدگاه او مقدس هستند.

وقتی او به ایمانداران می‌نگرد، خون عیسی را می‌بیند، یعنی پرداخت فداکارانه با قربانی شدن مسیح، که ما را می‌پوشاند. مسیح به معنای واقعی به جای ما مُرد. او بخاطر محبت عظیمش به ما تمام بارهای مان را متحمل شد. به جای مجازاتی که ما سزاوارش بودم، او به ما آزادی و یک رابطه کاملاً بازسازی شده با خدای پدر را بخشید. به یاد داشته باشید، این **خداست** که ما را **برای** خویش مقدس و بی‌تقصیر می‌سازد. نجات را نمی‌توان کسب کرد و برای به دست آوردن آن لازم نیست کاری انجام دهیم (رومیان ۵ آیه ۱۶؛ کولسیان ۱ آیه ۲۲).

«(۱۶) همچنین نتیجهٔ هدیهٔ فیض‌آمیز خدا تفاوت بسیاری دارد با پیامد گناه آن انسان. زیرا مکافات به‌دنبال یک گناه آمد و محکومیت را به‌همراه آورد، اما هدیهٔ رایگان خدا منتهی می‌گردد به عادل شمرده شدن و تبرئهٔ ما از گناه، گرچه همگی مرتکب گناهان بسیار شده‌ایم.»

«(۲۲) اما اکنون خدا شما را با خود آشتی داده است. این آشتی از طریق مرگ مسیح، مرگ بدن جسمانی‌اش، امکان‌پذیر شده است. در نتیجهٔ این فداکاری است که مسیح، شما را مقدّس گردانیده و به پیشگاه خدا آورده است. اکنون شما مقدّس و بی‌عیب و بَری از هر محکومیتی در حضور خدا ایستاده‌اید.»

کفاره عظیم

لطفاً صبورانه به من اجازه دهید بعضی موضوعات عهد عتیق را توضیح بدهم. ممکن است از پیش تاریخ کتاب مقدس را بدانید، اما می‌خواهم مطمئن شوم تمام خوانندگان با موضوع آشنا هستند. برخی اطلاعات ممکن است کسل کننده به نظر بیاید، اما به شما یاری خواهد کرد مطالب لازمه را در بشارت ایمانتان بیان کنید.

در عهد عتیق خدا قربانی حیوانات را به عنوان راهی برای جبران گناه بشر مقرر فرمود و تا شدت و زشتی گناهانشان را به قوم خود نشان دهد. آنها با دیدن خون حیوانات که برای گناهان شان ریخته می‌شد، می‌دیدند که گناه چه بهای سنگینی در بر دارد - به

قیمت یک جان تمام می شود. کتاب مقدس می گوید که " بدون ریخته شدن خون آمرزشی برای گناهان وجود ندارد " (لاویان ۱۷ آیه ۱۱؛ عبرانیان ۹ آیه ۲۲).

«(۱۱) زیرا جان هر موجودی در خون اوست و من خون را به شما داده‌ام تا برای کفاره جانهای خود، آن را بر روی مذبح بپاشید. خون است که برای جان کفاره می‌کند.»

«(۲۲) در واقع می‌توان گفت که مطابق پیمان اول، تقریباً همه چیز به وسیله خون پاک می‌گردد و بدون ریختن خون، هیچ گناهی بخشیده نمی‌شود.»

این نظام هرگز برای محو ساختن گناه تعیین نشده بود، بلکه صرفاً "آن را می پوشانید" تا خدا بتواند با قومی که مقدس نبودند مشارکت کند.

مهم است درک کنیم که این نظام قربانی کردن قرار نبود همیشگی باشد. محض اطلاع تان، این یک " کلام مصور " از قربانی بزرگی بود که قرن‌ها بعد مسیح برای جهان انجام می داد.

باز هم می‌گوییم، بر خلاف آن قربانی‌های موقت، مسیح یکبار و برای همیشه، بهای نهایی برای گناهکاران را پرداخت کرد. مسیح – آن قربانی کامل – خود خدا است. در واقع، نام او عمانوئیل، یعنی "خدا با ما" می‌باشد. او به معنای واقعی گناهان تمام کسانی را که او را پذیرفته‌اند محو ساخته و آنها را شایسته داشتن رابطه‌ای صمیمانه با خدا کرده است (رومیان ۱ آیات ۱۵ تا ۱۷؛ اول تسالونیکیان ۵ آیه ۲۳).

«(۱۵) پس تا آنجا که در توان دارم، خواهم کوشید که به روم، نزد شما بیایم و مژده انجیل را در میان شما اعلام نمایم. (۱۶) زیرا من از انجیل مسیح شرم ندارم چون قدرت خداست برای نجات تمام کسانی که ایمان بیاورند. پیغام انجیل در ابتدا فقط به یهودیان اعلام می‌شد، اما اکنون همه می‌توانند با ایمان آوردن به آن، به حضور خدا راه یابند. (۱۷) پیغام این است که خدا فقط در یک صورت از سر تقصیرات ما می‌گذرد و به ما شایستگی

آن را می‌دهد که به حضور او برویم؛ و آن وقتی است که به عیسی مسیح ایمان آوریم. بله، فقط ایمان لازم است. همان‌طور که نوشته شده: «عادل به ایمان خواهد زیست.»

«(۲۳) دعا می‌کنم که خود خدای آرامش، شما را تماماً مقدس سازد. باشد که روح و جان و بدن شما تا روز بازگشت خداوند ما عیسی مسیح بی‌عیب و استوار بماند.»

او از طریق روح القدس او، که او نیز خداست، اکنون در درون ایمانداران ساکن است. مسیحیان به عنوان مردمانی طاهر و مقدس، اکنون "معبد روح القدس" خوانده می‌شوند (اول قرن‌تین ۶ آیات ۱۹ و ۲۰)

«(۱۹) آیا هنوز نمی‌دانید که بدن شما، مسکن روح القدس می‌باشد که او را خدا به شما عطا کرده است؟ آیا نمی‌دانید که روح القدس در وجود شما زندگی می‌کند؟ پس بدن شما، از آن خودتان نیست! (۲۰) خدا شما را به بهایی گران خریده است، پس تمام اعضای بدن خود را برای نشان دادن جلال و عظمت خدا به کار ببرید، چون او صاحب بدن شماست.»

اگر به گذشته و به زمانی برگردیم که مسیح به جهان وارد شد، یهودیان که قوم برگزیده خدا بودند قرن‌ها بود از ضرورت قربانی گناه آگاهی داشتند. پس اهمیت مرگ مسیح را، زمانی که او بر روی صلیب مصلوب شد، درک می‌کردند. مقصود از این آیینهای مذهبی باستانی در عهد عتیق، اشاره به عیسی مسیح بود - که قربانی نهایی و کامل برای جهان شد. با اینحال، بسیاری از آنها از ایمان آوردن به او سر باز زدند (متی ۱۳ آیات ۵۴ تا ۵۸).

«(۵۴) و به شهر ناصره، محل زندگی خود بازگشت. وقتی در کنیسه به تعلیم دادن مردم پرداخت، ایشان در حیرت افتادند و گفتند: «این حکمت و قدرت برای معجزه کردن را از کجا کسب کرده است؟» (۵۵) سپس تمسخرکنان گفتند: «مگر او همان پسر نجار نیست؟ ما که مادرش، مریم را می‌شناسیم، و همین‌طور برادرانش، یعقوب و یوسف و شمعون و یهودا را. (۵۶) خواهرانش نیز همگی اینجا زندگی می‌کنند. پس این چیزها را از کجا آموخته است؟» (۵۷) به همین دلیل، بسیار آزرده‌خاطر شدند و نخواستند به او ایمان

بیاورند. پس عیسی به ایشان گفت: «نبی همه جا مورد احترام است، جز در وطنش و در میان خانواده خود.» (۵۸) ز این رو، به علت بی‌ایمانی‌شان، معجزه زیادی در آنجا به عمل نیاورد.»

آنانی که مسیح را می پذیرند کاملاً نیک و طاهر میگردند و این کاملاً از طریق خون عیسی که قربانی شد، حاصل می شود. کتاب مقدس می فرماید منجی گرانقدر ما بر روی صلیب خویش، به معنای واقعی بار گناهان جهان را به مدت سه ساعت بر دوش کشید، در حالیکه خدا غضب خود را از گناه انسان، بر او که بی گناه بود، قرار داد (دوم قرن‌تیاں ۵ آیه ۲۱).

«(۲۱) زیرا خدا مسیح را که هرگز گناه نکرد، در راه ما گناه ساخت، تا ما بتوانیم به واسطه مسیح در پیشگاه خدا مقبول واقع شویم.»

به همین دلیل وقتی عیسی بر صلیب آویخته بود، گفت: "ای خدای من! ای خدای من! چرا مرا واگذاشتی؟! " او و پدر در زمانهای مدید ارتباطی بی پایان، عمیق و صمیمی با یکدیگر داشتند، اما در آن ساعاتی که عیسی گناهان را بر خود گرفت، خدا نمی توانست با پسرش در مشارکت بماند (متی ۲۷ آیات ۴۵ و ۴۶).

«(۴۵) آن روز، از ظهر تا ساعت سه بعد از ظهر، تاریکی تمام آن سرزمین را فراگرفت. (۴۶) نزدیک به ساعت سه، عیسی با صدای بلند فریاد زد: «ایلی، ایلی، لَما سَبَقْتَنی»، یعنی «خدای من، خدای من، چرا مرا واگذاشتی؟»

اکنون می توانیم این تصویر زیبا از کاری که مسیح برایمان انجام داد را ببینیم.

عیسای مسیح آمرزش گناهان را برای ما به ارمغان می آورد، که همان راه دست یافتن به رابطه بازسازی شده با خدا و با دیگران است. وقتی در آمرزشی که او به ما می

بخشد جانی تازه میگیریم، گناه ما پاک می شود و حس می کنیم آزادی داریم به او نزدیک گردیم.

توجه داشته باشید که اگر هدیه نجات خدا و زندگی ابدی را رد کنیم، به خدا عمیقاً بر می خورد و بسیار دلشکسته می شود. نپذیرفتن چنین محبتی درست مثل این است که شما برای نجات یک نفر جان خود را بدهید ... اما فرد نجات یافته کاملاً ناسپاس باشد و به همه بگوید که خودش، خودش را نجات داده است!

آخرین نکته این است: تنها عیسی بود که می توانست آن قربانی عظیم باشد، زیرا تمام قربانی های ناقابل ما (حتی همه زندگی مان) به قدر کافی بی نقص نبودند تا قربانی متناسب برای خدا باشند. او یک زندگی بی عیب و کامل و بدون لکه را الزامی ساخته بود (لاولیان ۲۲ آیات ۱۷ تا ۲۰ ؛ رومیان ۸ آیات ۱ تا ۴ ؛ عبرانیان ۹ آیات ۱۳ و ۱۴).

«(۱۷) خداوند به موسی فرمود: (۱۸) «این دستورها را به هارون و پسرانش و تمامی قوم اسرائیل بده: اگر یک نفر اسرائیلی یا غریبی که در میان شما ساکن است، به خداوند هدیه ای برای قربانی سوختنی تقدیم کند، خواه نذری باشد خواه داوطلبانه، (۱۹) فقط به شرطی مورد قبول خداوند خواهد بود که آن حیوان، گاو یا گوسفند یا بز، نر و بی عیب باشد. (۲۰) حیوانی که نقصی داشته باشد نباید تقدیم شود، چون مورد قبول خداوند نمی باشد.»

«(۱) بنابراین، برای کسانی که به مسیح عیسی تعلق دارند، هیچ محکومیتی نیست. (۲) و چون شما به مسیح عیسی تعلق دارید، قدرت حیات بخش روح القدس شما را از سلطه گناه و مرگ آزاد کرده است. (۳) شریعت موسی به سبب ناتوانی طبیعت گناه آلود ما، قادر نبود ما را نجات بخشد. به همین دلیل، خدا کاری را انجام داد که شریعت قادر به انجامش

نبود. او پسر خود را در بدنی شبیه به بدنی که ما گناهکاران داریم، فرستاد. و در آن بدن، پایان سلطه گناه بر ما را اعلان داشت، از این طریق که پسر خود را به عنوان قربانی ای برای گناهان ما فرستاد. (۴) پس حال، قادریم احکام و دستورهای خدا را اطاعت کنیم، زیرا ما دیگر از طبیعت گناه‌آلود خود پیروی نمی‌کنیم بلکه از روح خدا»

«(۱۳) مطابق شریعت موسی، کاهنان خون بزها و گاوهای نر و خاکستر گوساله‌ها را بر آنانی می‌پاشیدند که به لحاظ آیینی نجس شده بودند، تا ایشان جسماً طاهر شوند. (۱۴) پس ببینید چقدر بیشتر خون مسیح وجدان ما را از اعمال منتهی به مرگ پاک خواهد ساخت تا بتوانیم خدای زنده را خدمت و عبادت کنیم. زیرا مسیح به واسطه روح ابدی خدا، خود را بدون عیب به خدا تقدیم کرد.»

مسیح در الوهیت خود، تنها کسی بود که می‌توانست آن الزام را پاسخ دهد. به همین دلیل است که به ما می‌گوید او تنها راه به سوی پدر است (یوحنا ۸ آیه ۲۴ ؛ باب ۱۴ آیه ۶).

«(۲۴) برای همین گفتم که شما در گناهانتان خواهید مرد، چون اگر ایمان نیاورید که من همان هستم که ادعا می‌کنم، در گناهانتان خواهید مرد.»

« 6 عیسی به او گفت: «من راه و راستی و حیات هستم؛ هیچ‌کس جز به واسطه من، نزد پدر نمی‌آید.»

نکته بسیار جالب این است که هزاران سال قبل از میلاد مسیح بیش از سیصد نبوت درباره او وجود داشت! در عهد عتیق، او "ماشیح" خوانده می‌شود که به معنی "مسح شده" است. بنابراین یهودیان بهانه ای نداشتند که او را به رسمیت نشناسند و نپذیرند. با

اینحال، چنان در غرور، قدرت، خودپسندی و مادیات خود غرق شده بودند که همان کسی را که برای نجات آنها آمده بود رد نمودند.

و این در دنیای امروز نیز همچنان مصداق دارد (اول قرن‌تین ۱ آیات ۱۸ تا ۲۵).

«(۱۸) من به خوبی می‌دانم که برای آنانی که به سوی هلاکت می‌روند، چقدر احمقانه به نظر می‌رسد وقتی می‌شنوند که عیسی مسیح بر روی صلیب جان خود را فدا کرد تا انسان را نجات بخشد. اما برای ما که در راه نجات پیش می‌رویم، این پیغام نشانه قدرت خداست. (۱۹) زیرا در کتب مقدس نوشته شده: «حکمت حکیمان را از میان خواهیم برد و فهم فهیمان را باطل خواهیم ساخت.» (۲۰) پس کجایند این خردمندان و علمای دین و فلاسفه که درباره مسائل عمیق دنیا به بحث می‌پردازند؟ خدا ایشان را جاهل ساخته و

نشان داده است که عقل و حکمت آنان پوچ و باطل است. (۲۱) زیرا خدای حکیم صلاح ندانست که انسان با منطق و حکمت خود او را بشناسد. بلکه او خود به میان ما آمد و همهٔ آنانی را که به پیام او ایمان آوردند نجات بخشید، یعنی همان پیامی که مردم دنیا، چه یهودی و چه غیریهودی، آن را بی‌معنی و پوچ می‌دانند. (۲۲) زیرا یهودیان خواستار آنند که پیامان را با معجزه‌ای ثابت کنیم و یونانیان نیز فقط مسائلی را می‌پذیرند که با فلسفه و حکمتشان منطبق باشد. (۲۳) اما پیام ما این است که مسیح برای نجات انسان مصلوب شد و مرد؛ و این پیام برای یهودیان توهین‌آمیز است و برای یونانیان پوچ و بی‌معنی. (۲۴) اما آنانی که از جانب خدا برای دریافت نجات دعوت شده‌اند، چه یهودی و چه یونانی، مسیح قدرت خدا و نقشهٔ حکیمانهٔ اوست برای نجات ایشان. (۲۵) نقشه نجات خدا که در نظر بعضی پوچ و بی‌معنی است، بسی حکیمانه‌تر است از نقشه‌های حکیمانه داناترین مردم؛ و مرگ مسیح بر روی صلیب که در نظر برخی نشانه ضعف خداست، بسیار نیرومندتر از تمام قدرتهای بشری است.»

این گفته به جا است که می گویند "شما باید تصمیمتان را در مورد مسیح بگیرید، و این مهمترین تصمیم زندگی تان است". حقیقت این است که مردم یا طرز فکر منفی نسبت به مسیح دارند، یا تصور می کنند ایمان داشتن به او احمقانه است و یا او را به عنوان خداوند و نجات دهنده می پذیرند.

وقتی این آیات را می خوانیم، متوجه می شویم چرا مسیح آنقدر از رهبران مذهبی یهود زمان خویش ناراضی بود.

مسیح به آنها گوشزد نمود که قوانین و مقررات بشری، جهت هدایت مردم به سوی توبه حقیقی و زندگی پر برکت، بی ارزش اند. از طریق ایمان به / او بود که آنها می توانستند رابطه ای نزدیک و تنگاتنگ با خدا پیدا کنند (غلاطیان ۲ آیه ۱۶).

«(۱۶) به خوبی می دانیم که انسان با اجرای احکام شریعت، هرگز در نظر خدا پاک و بی گناه به حساب نخواهد آمد، بلکه فقط با ایمان به عیسی مسیح. بنابراین، ما نیز به مسیح عیسی ایمان آوردیم، تا از این راه مورد قبول خدا واقع شویم، نه از راه انجام شریعت یهود. زیرا هیچ کس هرگز با حفظ احکام شریعت، نجات و رستگاری نخواهد یافت.»

ایمان است که رابطه افراد را با خدا درست می کند، نه مناسک و مذهب آنها (رومیان ۵ آیات ۱ و ۲) «(۱) پس چون از راه ایمان در نظر خدا عادل محسوب شده ایم، به واسطه عیسی مسیح از رابطه مسالمت آمیزی با خدا بهره مند هستیم. (۲) به سبب همین ایمان است که او ما را در جایگاه عالی و ممتازی قرار داده که سزاوارش نبودیم، جایی که اکنون نیز در آن قرار داریم. ما با اطمینان و شادی فراوان، منتظریم تا در جلال خدا سهیم شویم.» درک این موضوعات هنوز برای مردم مشکل است و با آنها درگیر هستند.

در حالی که دانش روحانی مهم است و البته باید کتاب مقدس را مطالعه و درک کنیم، تنها زمانی که اجازه می دهیم این دانش در قلبمان رسوخ کند و کنترل ذهن و اراده ما را به دست گیرد، این دانش مفید واقع خواهد شد.

بشر می خواهد زرنگی کند و به جای برقراری ارتباط شخصی و تنگاتنگ با مسیح، به سراغ یک سری دانش ذهنی برود. اما مسیح را نمی توان فریب داد. او می خواهد با تمام وجود متعلق به او باشیم. (مرقس ۱۲ آیات ۲۹ و ۳۰).

«(۲۹) عیسی پاسخ داد: «مهمترین حکم این است: "بشنو، ای اسرائیل، خداوند خدای ما، خداوند یکتاست. (۳۰) خداوند، خدای خود را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی فکر و با تمامی قوت خود دوست بدار.»»

چرا ایمان ما انقدر مهم است؟

"پارسا شدگی به وسیله خدا" یک اصل قانونی به معنی "منتسب کردن / imputing" می باشد. معادل آن "نسبت دادن" یا "به رسمیت شناختن" است. یک وارث سلطنت را در نظر بگیرید. پسر پادشاه با عنوان و لقب متولد می شود. حتی اگر بعضی اوقات مانند یک شاهزاده رفتار نکنند، باز او شاهزاده است!

جای شگفتی است که هنگامی که صمیمانه به مسیح ایمان می آوریم، در خانواده الهی متولد می شویم (رومیان ۸ آیات ۲۹ و ۳۰).

«(۲۹) زیرا خدا کسانی را که از پیش شناخت، از پیش نیز برگزید تا به شکل پسر او درآیند، تا مسیح فرزند ارشد از میان برادران بسیار باشد. (۳۰) پس هنگامی که ما را

برگزید، ما را به نزد خود فرا خواند؛ و چون به حضور او آمدیم، ما را «بی‌گناه» به حساب آورد و وعده داد که ما را در شکوه و جلال خود شریک سازد!»

بنابراین ما پارسا (کاملاً نیک) هستیم - درست مانند ابراهیم، سر دودمان بزرگ قوم یهود! این یک **واقعیت** است. اما باز هم بگوییم، این بخاطر کاری است که خدا برای ما انجام داد- این هدیه اوست - و قطعاً به دلیل کارهایی که کرده ایم یا احساس یا افکار ما نیست.

اغلب ما خود را شخصی پارسا شده (کاملاً نیک در برابر خدا) نمی بینیم، اما اگر به مسیح ایمان آورده ایم، پارسا بودن ما واقعیت است زیرا خدا می گوید که چنین چیزی حقیقت دارد. به علاوه ما که مسیحی هستیم، در خانواده سلطنتی به دنیا آمده ایم (اول پطرس ۲ آیه ۹). «(۹) اما شما مانند آنان نیستید. شما برگزیدگان خدا، و کاهنان پادشاهمان عیسی، و قومی مقدس می‌باشید، تا نیکویی خدا را به دیگران نشان دهید، زیرا او شما را از تاریکی به نور شگفت‌انگیز خود دعوت نموده است.»

اگر چه خدا ما را مطمئن ساخته که کاملاً نیک شمرده می شویم چون مسیح مزد گناهان ما را پرداخته است، اما این بدان معنا نیست که همیشه پارسا گونه احساس یا رفتار می کنیم. به این دلیل ممکن است برخلاف آنچه خدا فرموده، بگوییم "من پارسا (کاملاً نیک) نیستم!" اما وقتی این را می گوییم ثابت می کنیم که آنچه خدا از قبل برای ما به انجام رسانده را درک نمی کنیم.

البته، این نیز بدان معنا نیست که هر کاری دلمان بخواهد انجام دهیم و خدا هم مهر تأیید بر آن بزند. این مسئولیت به عهده ما است که رابطه نزدیک خود را با مسیح حفظ نموده، از کلامش اطاعت کنیم (یوحنا ۱۴ آیه ۱۵ و ۲۱).

«(۱۵) اگر مرا دوست دارید، از احکام من اطاعت کنید. (۲۱) کسی مرا دوست دارد که از احکام من اطاعت کند؛ و چون مرا دوست دارد، پدرم نیز او را دوست خواهد داشت

و من نیز او را دوست خواهم داشت و خود را به او نشان خواهم داد.» بنابراین باید مراقب باشیم که از هدیه خدا سوء استفاده نکنیم. خدا می گوید که به یقین آنچه می کاریم درو می کنیم - و آنچه داده ایم، همان را دریافت خواهیم کرد - چه نیک چه بد! (غلاطیان ۶ آیات ۷ تا ۹)

«(۷) اشتباه نکنید: خدا را نمی توان فریب داد. پس هر چه بکاریم، همان را درو خواهیم کرد. (۸) هر که برای ارضای خواسته های طبیعت گناه آلود خود بذر بکارد، از این طبیعت گناه آلود تباهی و مرگ روحانی را خواهد دروید. اما هر که برای خرسندی روح القدس بذر بکارد، حیات جاودانی را از همان روح درو خواهد کرد. (۹) پس ای مؤمنین، از انجام کار نیک خسته نشویم، زیرا در زمان مقرر، پاداش خود را درو خواهیم کرد، به شرطی که دست از کار نکشیم.»

آیات زیر با توضیحات خود نشان می دهند چرا باور داشتن به ایمان مهم است و چرا در نتیجه باید بر اساس موقعیت مان در مسیح، دست به عمل بزنیم. هدف زندگی مسیحی، خدمت به خدا توسط خدمت به خلق است. ایمان ما می بایست به ما الهام بخشد تا برویم و دیگران را به سوی مسیح هدایت نماییم و به وسیله قدرت روح القدس برای ملکوت خدا شاگردان بسازیم (متی ۲۸ آیات ۱۸ تا ۲۰).

«(۱۸) آنگاه عیسی جلو آمد و به ایشان فرمود: «تمام اختیارات در آسمان و زمین به من داده شده است. (۱۹) پس بروید و تمام قومها را شاگرد من سازید و ایشان را به اسم پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید؛ (۲۰) و به ایشان تعلیم دهید که تمام دستورهایی را که به شما داده ام، اطاعت کنند. مطمئن باشید هر جا که بروید، حتی اگر دورترین نقطه دنیا باشد، من همیشه همراه شما هستم!»

اگر ادعا کنیم که از آن مسیح هستیم اما ثمری نمی آوریم - اگر در زندگی مان هیچ چیز نشانگر ایمان ما نیست - پس ایمان ما بیهوده است (یوحنا ۱۵ آیات ۱ تا ۸ ؛ یعقوب ۲ آیات ۱۴ تا ۲۶ ؛ عبرانیان ۶ آیات ۷ و ۸)!

«(۱) من تاک حقیقی هستم و پدرم باغبان است. (۲) و هر شاخه‌ای را که میوه ندهد، می‌برد و شاخه‌هایی را که میوه می‌دهند، هرس می‌کند تا میوه بیشتری بدهند. (۳)

به وسیله احکامی که به شما دادم، خدا شما را اصلاح و پاک کرده است تا قویتر و مفیدتر باشید. (۴) در من بمانید و بگذارید من هم در شما بمانم. زیرا وقتی شاخه از درخت جدا شود، دیگر نمی‌تواند میوه بدهد. شما نیز جدا از من نمی‌توانید بارور و مفید باشید. (۵) «بله، من تاک هستم، شما نیز شاخه‌های من. هر که در من بماند و من نیز در او، میوه فراوان می‌دهد، چون جدا از من هیچ کاری از شما ساخته نیست. (۶) اگر کسی از من جدا شود، مانند شاخه‌ای بی‌فایده آن را می‌برند و دور می‌اندازند. و آن شاخه می‌خشکد و سپس، آن را با سایر شاخه‌ها جمع می‌کنند تا در آتش بسوزانند. (۷) ولی اگر در من بمانید و از کلام من اطاعت کنید، هر چه بخواهید به شما داده خواهد شد. (۸) شاگردان واقعی من محصول فراوان می‌دهند و این، باعث بزرگی و جلال پدرم می‌شود.»

«(۱۴) عزیزان من، انسان را چه سود که بگوید: «من ایمان دارم»، اما این ایمان را با اعمالش نشان ندهد؟ آیا چنین ایمانی می‌تواند باعث رستگاری او گردد؟ (۱۵) اگر برادر یا خواهری داشته باشید که محتاج خوراک و پوشاک باشد، (۱۶) و به او بگویید: «برو به سلامت! خوب بخور و خودت را گرم نگه دار»، اما خوراک و پوشاک به او ندهید، چه فایده‌ای دارد؟ (۱۷) پس ملاحظه می‌کنید ایمانی که منجر به اعمال خیر نگردد، و با کارهای نیک همراه نباشد، اصلاً ایمان نیست، بلکه یک ادعای پوچ و توخالی است. (۱۸) این ایراد، بجا خواهد بود اگر کسی بگوید: «شما می‌گویید آنچه مهم است، فقط ایمان است و بس! اما من می‌گویم که اعمال نیک نیز مهم است. زیرا شما بدون اعمال نیک نمی‌توانید ثابت کنید

که ایمان دارید. اما همه می‌توانند از روی اعمال و رفتار من، ببینند که من ایمان دارم.» (۱۹) ممکن است کسی بگوید: «من ایمان دارم که خدا یکی است!» این خوب است! ولی چنین شخصی باید به خاطر داشته باشد که دیوها نیز به این ایمان دارند، چنان ایمانی که از ترس به خود می‌لرزند! (۲۰) ای نادان! آیا نمی‌خواهی درک کنی که ایمان بدون انجام اراده خدا، بی‌فایده و بی‌ثمر است؟ بله، ایمانی که اعمال خیر به بار نیاورد، ایمان واقعی

نیست. (۲۱) مگر به یاد ندارید که جدمان ابراهیم نیز به سبب اعمال خود مقبول خدا شد؟ چون او حاضر شد پسر خود اسحاق را برای خدا قربانی کند. (۲۲) پس می‌بینید که ایمان او به خدا باعث شد که او از خدا کاملاً اطاعت کند؛ در واقع، ایمان او با اعمال و رفتارش کامل گردید. (۲۳) بدین‌سان، آنچه که در کتب مقدس آمده جامه عمل پوشید که می‌فرماید: «ابراهیم به خدا ایمان آورد و این برای او عدالت شمرده شد»، و حتی دوست خدا نامیده شد. (۲۴) پس می‌بینید که انسان علاوه بر ایمان، به وسیله اعمال خود نیز رستگار می‌گردد. (۲۵) راحاب فاحشه نیز نمونه دیگری است برای این موضوع. او در اثر اعمال خود رستگار شد، زیرا مأموران قوم خدا را پناه داد و بعد، ایشان را از راه دیگر به سلامت روانه نمود. (۲۶) خلاصه، همان‌طور که بدن بدون روح، مرده است، ایمانی هم که اعمال نیک به بار نیاورد، مرده است.

«(۷) زمینی که پس از بارش بارانهای فراوان، محصولی نیکو برای کشاورزان به وجود می‌آورد، از خدا برکت خواهد یافت. (۸) اما اگر خار و خس تولید کند، نشان می‌دهد که زمینی است بی‌ارزش. کشاورز به‌زودی آن زمین را لعنت کرده با آتش خواهد سوزاند.»

ایمان همیشه پویا است

کلمه یونانی «دونامیس Dunamis» ریشه کلمات انگلیسی «دینامیت» و «داینامیک» یا همان «پویا» است. به علاوه دارای همان ریشه کلمه ای است که برای "قدرت روح القدس" - قدرت «دونامیس» - استفاده شده که ترجمه آن «قدرت معجزه آسا» است. از آنجا که

روح القدس در ما ایمانداران زندگی می کند، می توانیم این قدرت را با ایمان خود مرتبط بدانیم. ایمان پویا و در واقع فعال ما نسبت به خدا، بدون جنبش و بی تفاوت نیست بلکه همیشه در تحرک، در حال تغییر، توانمند و همواره در حال رشد است (و یا اینکه می میرد -/ما هرگز خنثی نیست).

این ایمان ماست که خدا را برمی انگیزد تا روح القدس، فیض و اهداف خویش را در زندگی ما و نیز در زندگی کسانی که به مسیح هدایت می کنیم ارزانی دارد. این بدان معنی نیست که ما قدرت داریم خدا را وادار کنیم آنچه میخواهیم انجام دهد! و به این معنی نیست که فیض او مشروط به اعمال ماست - که اگر "به قدر کافی خوبی کنیم" او موظف می شود ما را برکت دهد. و به این معنی هم نیست که اگر "به اندازه کافی" ایمان داشته باشیم، همیشه هر آنچه برایش دعا کنیم خواهیم یافت. نیز چنین تضمینی نمی دهد که اگر "بهترین رفتار" را از خود نشان دهیم یا تصمیمات درست بگیریم، با درد یا زحمات مواجه نخواهیم شد. باید درک کنیم خداست که در صدر امور است و اوست که بر می گزیند در چه زمان و به چه روشی پاسخ دعای ایمان ما را بدهد.

لیکن کتاب مقدس به ما می گوید که ایمان در پادشاهی خدا "محرک اصلی" می باشد (عبرانیان ۱۱ آیات ۱ تا ۴۰). «1 ایمان، ضامن چیزهایی است که بدان امید داریم و برهان آنچه هنوز نمی بینیم 2. به سبب ایمان بود که درباره پیشینیان به نیکویی شهادت داده شد. 3 به ایمان درمی یابیم که کائنات به وسیله کلام خدا شکل گرفت، بدان گونه که آنچه دیده می شود از چیزهای دیدنی پدید نیامد. 4 به ایمان بود که هابیل قربانی ای نیکوتر از قربانی قائن به خدا تقدیم کرد، و به سبب همین ایمان درباره او شهادت داده شد که پارساست، زیرا خدا درباره هدایای او به نیکویی شهادت داد. به همین سبب، هرچند چشم از جهان فرو بسته، هنوز سخن می گوید. 5 به ایمان بود که خنوخ از این جهان منتقل شد تا طعم مرگ را نچشد و دیگر یافت نشد، چون خدا او را برگرفت. زیرا پیش از برگرفته

شدن، درباره او شهادت داده شد که خدا را خشنود ساخته است⁶. و بدون ایمان ممکن نیست بتوان خدا را خشنود ساخت، زیرا هر که به او نزدیک می‌شود، باید ایمان داشته باشد که او هست و جویندگان خود را پاداش می‌دهد.⁷ به ایمان بود که نوح هنگامی که از جانب خدا درباره اموری که تا آن زمان دیده نشده بود هشدار یافت، آن را با خدا ترسی به جد گرفت و برای نجات خانواده خویش کشتی ساخت. او به ایمان خود دنیا را محکوم کرد و وارث آن پارسایی شد که بر ایمان استوار است.⁸ به ایمان بود که ابراهیم هنگامی که فرا خوانده شد، اطاعت کرد و حاضر شد به جایی رود که بعدها به میراث می‌یافت؛ و هر چند نمی‌دانست کجا می‌رود، روانه شد⁹. به ایمان بود که در سرزمین موعود، همچون بیگانه‌ای در دیار غریب خانه به دوش گردید و همانند اسحاق و یعقوب که با او وارث همان وعده بودند، در خیمه‌ها ساکن شد¹⁰. زیرا چشم انتظار شهری بود با بنیاد، که معمار و سازنده‌اش خداست.¹¹ به ایمان بود که ابراهیم توانایی یافت نسلی داشته باشد، با اینکه سارا نازا و خود او نیز سالخورده بود؛ چرا که وعده‌دهنده را امین شمرد¹². این گونه، از یک تن، آن هم از کسی که تقریباً مرده بود، نسلی کثیر همچون ستارگان آسمان، و بی‌شمار مانند شنهای کناره دریا، پدید آمد.¹³ اینان همه در ایمان درگذشتند، در حالی که وعده‌ها را هنوز نیافته بودند، بلکه فقط آنها را از دور دیده و خوشامد گفته بودند. ایشان تصدیق کردند که بر زمین، بیگانه و غریبند¹⁴. آنان که چنین سخن می‌گویند، آشکارا نشان می‌دهند که در جستجوی وطنی هستند¹⁵. اگر به سرزمینی می‌اندیشیدند که ترکش کرده بودند، فرصت بازگشت می‌داشتند¹⁶. اما مشتاق سرزمینی نیکوتر بودند، مشتاق وطنی آسمانی. از همین رو، خدا عار ندارد خدای ایشان خوانده شود، زیرا شهری برایشان مهیا کرده است.¹⁷ به ایمان بود که ابراهیم هنگامی که آزموده شد، اسحاق را به عنوان قربانی تقدیم کرد؛ و او که وعده‌ها را پذیرفته بود حاضر شد پسر یگانه خود را قربانی کند،¹⁸ همان را که درباره‌اش گفته شده بود: «نسل تو از اسحاق خوانده خواهد شد». ¹⁹ ابراهیم چنین اندیشید که خدا قادر است حتی مردگان را زنده کند، و می‌توان گفت

که به نوعی اسحاق را از مرگ بازیافت. 20 به ایمان بود که اسحاق، یعقوب و عیسو را در خصوص امور آینده برکت داد. 21 به ایمان بود که یعقوب به هنگام مرگ، هر یک از پسران یوسف را برکت داد و در حالی که بر سر عصای خود تکیه زده بود، سجده کرد. 22 به ایمان بود که یوسف چون به پایان عمر خود نزدیک شد، از خروج بنی اسرائیل سخن گفت و درباره استخوانهای خود دستورهایی داد. 23 به ایمان بود که والدین موسی او را پس از تولد به مدت سه ماه پنهان کردند، زیرا دیدند کودکی است بی نظیر؛ و از حکم پادشاه نهراسیدند. 24 به ایمان بود که موسی هنگامی که بزرگ شد، نخواست پسر دختر فرعون خوانده شود. 25 او آزار دیدن با قوم خدا را بر لذت زودگذر گناه ترجیح داد. 26 و رسوایی به خاطر مسیح را با ارزشتر از گنجهای مصر شمرد، زیرا از پیش به پاداش چشم دوخته بود. 27 به ایمان بود که او بی آنکه از خشم پادشاه بهراسد مصر را ترک گفت، زیرا آن نادیدنی را همواره در برابر چشمان خود داشت. 28 به ایمان بود که او پس و پاشیدن خون را به جا آورد تا هلاک کننده نخست زادگان، بر نخست زادگان اسرائیل دست دراز نکند. 29 به ایمان بود که قوم از میان دریای سرخ همچون زمینی خشک گذشتند؛ اما چون مصریان کوشیدند همان کار را انجام دهند، غرق شدند. 30 به ایمان بود که دیوارهای آریحا پس از اینکه قوم هفت روز دور آن گشتند، فرو ریخت. 31 به ایمان بود که راحاب فاحشه همراه با نامطیعان کشته نشد، زیرا جاسوسان را به سلامت پذیرا گردید. 32 دیگر چه گویم؟ زیرا فرصت نیست درباره جدعون و باراق و شمشون و یفتاح و داوود و سموئیل و پیامبران سخن گویم، 33 که به ایمان، ممالک را فتح کردند، عدالت را برقرار نمودند، و وعده ها را به چنگ آوردند؛ دهان شیران را بستند، 34 شعله های سوزان آتش را بی اثر کردند و از دم شمشیر رهایی یافتند؛ ضعفشان به قوت بدل شد، در جنگ توانمند شدند و لشکریان بیگانه را تارومار کردند. 35 زنان، مردگان خود را قیام کرده بازیافتند. اما گروهی دیگر شکنجه شدند و رهایی را نپذیرفتند، تا به رستاخیزی نیکوتر دست یابند. 36 بعضی استهزا شدند و تازیانه خوردند، و حتی به زنجیر کشیده شده، به زندان افکنده شدند. 37 سنگسار گشتند، با ارّه

دو پاره شدند و با شمشیر به قتل رسیدند. در جامه‌هایی محقر از پوست گوسفند و بز در هر جا گذر کرده، تنگدست، ستم‌دیده و مورد آزار بودند 38. اینان که جهان لایقشان نبود، در بیابانها و کوهها، و غارها و شکافهای زمین، آواره بودند. 39 اینان همه به سبب ایمانشان به نیکویی یاد شدند. با این حال، هیچ‌یک آنچه را که بدیشان وعده داده شده بود، نیافتند. 40 زیرا خدا از پیش چیزی بهتر برای ما در نظر داشت تا ایشان بدون ما به کمال نرسند.»

باز هم می‌گویم، وقتی به کلام خدا ایمان داریم (ایمانی که باور دارد)، کلام او به ما الهام می‌بخشد و تشویق می‌کند (ایمان ما را فعال می‌سازد) تا در ملکوت او کار کنیم (تیتوس ۳ آیات ۴ تا ۸). «(۴) اما چون مهربانی و انسان‌دوستی نجات‌دهنده ما خدا آشکار شد، (۵) ما را نه به سبب کارهای نیکویی که کرده بودیم، بلکه از رحمت خویش نجات بخشید، به غسل تولد تازه و نو شدنی که از روح‌القدس است؛ (۶) که او را به فراوانی بر ما فرو ریخت، به واسطه منجی ما عیسی مسیح، (۷) تا به فیض او پارسا شمرده شده، بنا بر امید حیات جاویدان، به وارثان بدل گردیم. (۸) این سخن درخور اعتماد است. و از تو می‌خواهم که بر این امور تأکید ورزی، تا آنان که بر خدا اعتماد بسته‌اند، از یاد نبرند که خویشتن را وقف کارهای نیکو نمایند، که اینها همگان را نیکو و سودمند است.» ایمان ما می‌بایست ما را ملزم سازد مهمترین وظیفه‌ای را که بر عهده داریم انجام دهیم که همانا شاگردی پویا شدن برای عیسی مسیح جهت بشارت به بی‌ایمانان است - (رومیان ۱ آیه ۹). «(۹) خدایی که او را با تمام قلبم در کار انجیل پسرش خدمت می‌کنم، بر من شاهد است که چگونه پیوسته در دعاهایم شما را در همه اوقات یاد می‌کنم.»

هیچ بهانه‌ای برای قصور از بشارت انجیل به کسانی که خدا در زندگی مان قرار داده وجود ندارد! ما مستلزم هستیم بخاطر مسیح بر دیگران تاثیر گذار باشیم. شاید معلم یا مبشر نیستیم، اما خدا هر روزه چندین فرصت به ما می‌دهد تا دیگران را به سوی عیسی رهنمون شویم. در روزی که باید در برابر او به ایستیم و حساب پس بدهیم، مهم‌ترین

موضوع این خواهد بود که چه اندازه به او محبت داشته ایم و جانها را به سوی او رهنمون شده ایم. در این کتاب فصلی است به نام «در میان گذاشتن ایمان ما با دیگران» که در یادگیری این کار به شما کمک می کند.

در آخر باید احتیاط کنیم صرفاً آیات "مثبت" کتاب مقدس را برگزینیم تا آنها را متعلق به خود بدانیم. البته باید به وعده های خدا با استحکام چسبید، اما لازم است **تمامی رهنمودها و آموزه های** کتاب مقدس را قلباً بپذیریم - که اغلب سخن از آتش تصفیه کننده و به صلیب کشیدن اراده، خواسته ها، و نقشه های ما است. تعادلی بین محبت عظیم خدا و غضب شدید او نسبت به گناه وجود دارد! باید محبت را با داوری او، سختی ها را با جلال، و صلیب را همراه با تاج بپذیریم (رومیان ۸ آیات ۱۶ و ۱۷؛ فیلیپیان ۱ آیه ۲۹؛ اول پطرس ۲ آیه ۲۱). «(۱۶) و روح خود با روح ما شهادت می دهد که ما فرزندان خدا/ایم. (۱۷) و اگر فرزندان/ایم، پس وارثان نیز هستیم، یعنی وارثان خدا و هم/ارث با مسیح. زیرا اگر در رنجهای مسیح شریک باشیم، در جلال او نیز شریک خواهیم بود.»

«(۲۹) زیرا این افتخار نصیب شما شده که نه تنها به مسیح ایمان آورید، بلکه در راه او رنج هم ببرید.»

«(۲۱) چه، برای همین فرا خوانده شده/اید، زیرا مسیح برای شما رنج کشید و سرمشقی گذاشت تا بر آثار قدمهای وی پا نهد.»

مسیح، آزادی ما

خدا علاوه بر پارسایی منتسب به ما، این را نیز می گوید که :

۲- **ما آزاد هستیم ...** (رومیان ۶ آیات ۵ تا ۱۱). «(۵) پس اگر در مرگی همچون مرگ او، با وی یگانه شده/ایم، به یقین در رستاخیزی همچون رستاخیز او نیز با او یگانه خواهیم بود. (۶) زیرا می دانیم آن انسان قدیم که ما بودیم، با او بر

صلیب شد تا پیکرِ گناه درگذرد و دیگر گناه را بندگی نکنیم. (۷) چون آن که مرده است، از گناه آزاد شده است. (۸) حال اگر با مسیح مرده‌ایم، ایمان داریم که با او زندگی نیز خواهیم کرد. (۹) زیرا می‌دانیم چون مسیح از مردگان برخیزانیده شده است، دیگر هرگز نخواهد مرد و مرگ دیگر بر او تسلطی ندارد. (۱۰) او با مرگ خود، یک بار برای همیشه نسبت به گناه مُرد و در حیات کنونی خود برای خدا زندگی می‌کند. (۱۱) به همین‌سان، شما نیز خود را نسبت به گناه مرده انگارید، اما در مسیح عیسی نسبت به خدا، زنده.» کتاب مقدس می‌گوید ما غلام هستیم: یا غلام پارسایی (خدا) هستیم یا غلام نفس مان (سرپیچی و گناه) (رومیان ۶ آیات ۱۲ تا ۲۳). «(۱۲) پس مگذارید گناه در بدنهای فانی شما فرمان براند تا امیال آن را اطاعت کنید. (۱۳) اعضای بدن خود را تسلیم گناه نکنید تا ابزار شرارت باشند، بلکه همچون کسانی که از مرگ به زندگی بازگشته‌اند، خود را تسلیم خدا کنید. و اعضای بدن خود را به او بسپارید تا ابزار پارسایی باشند. (۱۴) زیرا گناه بر شما فرمان نخواهد راند، چون زیر شریعت نیستید بلکه زیر فیضید. غلامان پارسایی (۱۵) پس چه گوییم؟ آیا گناه کنیم چون زیر شریعت نیستیم، بلکه زیر فیضیم؟ هرگز! (۱۶) آیا نمی‌دانید که وقتی خود را همچون بندگان فرمانبردار تسلیم کسی می‌کنید، بندگان آن کس خواهید بود که او را فرمان می‌برید، خواه بنده گناه، که منجر به مرگ می‌شود، خواه بنده اطاعت، که به پارسایی می‌انجامد؟ (۱۷) اما خدا را شکر که هرچند پیشتر بندگان گناه بودید، لیکن به تمامی دل مطیع آن تعلیم گشتید که بدان سپرده شدید. (۱۸) شما با آزاد شدن از گناه، بندگان پارسایی شده‌اید. (۱۹) من به علت محدودیتهای بشری شما، این مطالب را در قالب تشبیهاتی بشری بیان می‌کنم: همان‌گونه که پیشتر اعضای بدن خود را به بندگی ناپاکی و شرارت روزافزون می‌سپردید، اکنون آنها را به بندگی پارسایی بسپارید که به قدّوسیت می‌انجامد. (۲۰) هنگامی که بندگان گناه بودید، از پارسایی آزاد بودید.

(۲۱) در آن زمان، از انجام اعمالی که اکنون از آنها شرمسارید، چه ثمری بردید؟ نتیجه انجام آن اعمال، مرگ است! (۲۲) ما حال که از گناه آزاد گشته و بندگان خدا شده‌اید، ثمری که می‌برید نیل به تقدس است که به حیات جاویدان می‌انجامد. (۲۳) زیرا مزد گناه مرگ است، اما عطای خدا حیات جاویدان در خداوند ما مسیح عیسا است.»

حقیقت این است که اگر عیسای مسیح را رد کنیم، ناچار در عصیان نسبت به خدا - که گناه می‌باشد - زندگی می‌کنیم (یوحنا ۸ آیه ۲۴ ؛ باب ۱۶ آیه ۹ ؛ رومیان ۵ آیات ۱۲ تا ۱۹ ؛ باب ۸ آیات ۶ تا ۸). «(۲۴) به شما گفتم که در گناهان خویش خواهید مرد، زیرا اگر ایمان نیاورید که من هستم، در گناهانتان خواهید مرد.» «9 به لحاظ گناه، زیرا به من ایمان نمی‌آورند.» «(۱۲) پس، همان‌گونه که گناه به واسطه یک انسان وارد جهان شد، و به واسطه گناه، مرگ آمد، و بدین‌سان مرگ دامنگیر همه آدمیان گردید، از آنجا که همه گناه کردند (۱۳) زیرا پیش از آنکه شریعت داده شود، گناه در جهان وجود داشت، اما هر گاه شریعتی نباشد، گناه به حساب نمی‌آید. (۱۴) با این حال، از آدم تا موسی، مرگ بر همگان حاکم بود، حتی بر کسانی که گناهشان به گونه سرپیچی آدم نبود. آدم، نمونه کسی بود که می‌بایست بیاید. (۱۵) اما عطا همانند نافرمانی نیست. زیرا اگر به واسطه نافرمانی یک انسان بسیاری مردند، چقدر بیشتر فیض خدا و عطایی که به واسطه فیض یک انسان، یعنی عیسی مسیح فراهم آمد، به فراوانی شامل حال بسیاری گردید. (۱۶) برآستی که این عطا همانند پیامد گناه آن یک تن نیست. زیرا مکافات از پی یک نافرمانی نازل شد و به محکومیت انجامید؛ اما عطا از پی نافرمانیهای بسیار آمد و پارساشمردگی را به ارمغان آورد. (۱۷) زیرا اگر به واسطه نافرمانی یک انسان، مرگ از طریق او حکمرانی کرد، چقدر بیشتر آنان که فیض بیکران خدا و عطای پارسایی را دریافت کرده‌اند، توسط آن انسان دیگر، یعنی عیسی مسیح، در حیات حکم

خواهند راند. (۱۸) پس همان گونه که یک نافرمانی به محکومیت همه انسانها انجامید، یک عمل پارسایانه نیز به پارسا شمرده شدن و حیات همه انسانها منتهی می گردد. (۱۹) زیرا همان گونه که به واسطه نافرمانی یک انسان، بسیاری گناهکار شدند، به واسطه اطاعت یک انسان نیز بسیاری پارسا خواهند گردید.» اما وقتی عیسی مسیح در ما ساکن است، آنگاه بوسیله قدرت روح القدس از **قدرت** تاریکی رهایی یافته ایم و آزادیم تا خدا را در راههای سالم، پر از شادمانی و ابدی خدمت نماییم.»

«6 طرز فکر انسانِ نفسانی، مرگ است، اما طرز فکری که در حاکمیت روح قرار دارد، حیات و سلامتی است. 7 زیرا طرز فکر انسانِ نفسانی با خدا دشمنی می ورزد، چرا که از شریعت خدا فرمان نمی برد و نمی تواند هم ببرد، 8 و کسانی که در حاکمیت نفس هستند، نمی توانند خدا را خشنود سازند.»

ایمانداران به مسیح از طریق روشی که «بازخريد شدگی» نام دارد، آزاد شده اند (عبرانیان ۹ آیات ۱۱ و ۱۲). «(۱۱) اما چون مسیح در مقام کاهن اعظم آن امور نیکو ظاهر گشت که هم اکنون واقع شده اند، به خیمه ای بزرگتر و کاملتر داخل شد که به دست انسان ساخته نشده است و به دیگر سخن، به این خلقت تعلق ندارد. (۱۲) و به خون بزها و گوساله ها داخل نشد، بلکه یک بار برای همیشه به خون خود به قدس الاقداس داخل شد و رهایی ابدی را حاصل کرد.»

این کلمه به معنی «پس خریدن یا آزاد سازی» است. موضوع «بازخريد شدن» کسی یا چیزی، از عهد عتیق می آید. اگر عضوی از خانواده به ویژه یک بیوه زن در خطر یا نیازمند می بود، یکی از مردان خویشاوند باید مسئولیت کمک یا نجات این اشخاص را بر عهده می گرفت. لقب آن مرد "رهایی دهنده"، **بازخريد کننده** می باشد. من واقعا این لقب را دوست دارم! (به کتاب روت فصل ۳ و ۴ رجوع نمایید). نکته شگفت انگیز سرگذشت

روت این است که او عضوی از اصل و نسب عیسی مسیح می باشد. مسیح اکنون بازخريد کننده مسیحیان است - او رهایی دهنده ما از گناه، ترس از مرگ و عذاب ابدی است - زیرا او بهای آزادی مان را پرداخت (لوقا ۱ آیه ۶۸؛ کولسیان ۱ آیات ۱۳ و ۱۴).

«(۶۸) خداوند، خدای اسرائیل را سپاس باد، زیرا به یاری قوم خود شتافته و ایشان را رهایی بخشیده است.»

«(۱۳) او ما را از دنیای تاریک شیطان نجات داد و به ملکوت پسر عزیزش منتقل ساخت، (۱۴) همان که از طریق خونش رهایی و آمرزش گناهان را دریافت کردیم.»

در ادامه موضوع آزاد شدن، در اشعیا باب ۶۱ آیه ۱ می خوانیم که یکی از اهداف مسیح از آمدن به جهان این بود که اسیران را رهایی بخشد و آزادی روحانی به آنها ارزانی کند. توجه داشته باشید، این آیات نزدیک به هفتصد سال پیش از آمدن مسیح به جهان نوشته شده و اکنون می دانیم این عیسی است که اشعیا درباره اش نبوت کرده بود. می بینیم زمانی که مسیح نبوتی را قرائت نمود که راجع به **خود او** بود (لوقا ۴ آیات ۱۸ تا ۲۱) «(۱۸) روح خداوند بر من است، زیرا مرا مسح کرده تا به بی‌نوایان بشارت دهم. / او مرا فرستاده تا به اسیران مژده آزادی دهم و بینایی را به نابینایان اعلام نمایم و ستمدیدگان را آزاد سازم؛ (۱۹) و بشارت دهم که زمان لطف خداوند فرا رسیده است.» (۲۰) سپس طومار را پیچید و به خادم کنیسه سپرد و نشست. و در آن حال که همه حضار در کنیسه به او چشم دوخته بودند، (۲۱) به سخن گفتن با ایشان شروع کرد و فرمود: «آیاتی که هم اکنون شنیدید، همین امروز جامه عمل پوشید!» این امر به انجام رسید. خدا و کلام او بی همتا هستند!

مشابه آنچه درباره پارسایی خود در مسیح آموختیم، ممکن است پس از دریافت نجات روحانی، احساس آزادی نکنیم یا رفتار ما این آزاد شدن را نشان ندهد. هنوز هم مستعد هستیم تا به چیزهایی که ما را در بند خود نگاه می دارند بچسبیم و در دام آنها بیفتیم

(عبرانیان ۱۲ آیات ۱ تا ۴). «(۱) پس حال که در این میدان مسابقه، چنین جمعیت انبوهی از شاهدان را داریم که برای تماشای ما گرد آمده‌اند، بیایید هر بار سنگینی را که سبب گندی یا عقب افتادن ما در این مسابقه می‌شود، و نیز هر گناهی را که به آسانی به دست و پای ما می‌پیچد، از خود دور کنیم، و با صبر و شکیبایی در این مسابقه که در مقابل ما مقرر شده، بدویم. (۲) و به عیسی چشم بدوزیم، به او که چنین ایمانی را در قلب ما ایجاد کرده و آن را کامل می‌سازد. زیرا او خود نیز در همین مسیر، صلیب و خفت و خواری آن را تحمل کرد، چون می‌دانست در پی آن، خوشی و شادی عظیمی نصیبش خواهد شد. به همین جهت، اکنون در جایگاه افتخار، یعنی در دست راست تخت خدا نشسته است. (۳) پس اگر می‌خواهید در این مسابقه خسته و دل‌سرد نشوید، به صبر و پایداری مسیح بیندیشید، به او که از سوی گناهکاران مصیبت‌ها کشید. (۴) از این گذشته، شما تاکنون در مقابله با گناه تا پای جان مقاومت نکرده‌اید.»

لیکن اکنون قدرت مقاومت در برابر گناه را داریم. پیش از اینکه روح القدس در ما ساکن شود، قادر نبودیم برای خشنود ساختن خدا زندگی کنیم یا هدف ما جلال دادن نام او باشد. به این دلیل که به معنای واقعی در گناه زاده شده ایم، تا زمانی که توسط مسیح و روح مقدس او بازسازی و احیا شویم.

اما خواست همیشگی خدا، آن قومی بوده است که عمیقاً او را دوست بدارند و سرسپرده اهداف او باشند. نزدیک به ۱۶۰۰ سال پیش از میلاد، خدا این را به وسیله قوم محبوب خود اسرائیل جلوه گر ساخت (خروج ۸ آیه ۱) «(۱) خداوند به موسی فرمود: «پیش فرعون برگرد و به او بگو که خداوند چنین می‌فرماید: بگذار قوم من بروند و مرا عبادت کنند؛» و خواست او هرگز تغییر نکرده است! مسیح به جهان آمد تا مزد گناهان ما را بپردازد، تا بتوانیم با خدای قدوس مان کاملاً رابطه برقرار کنیم.

در این بخش از کتاب «خروج»، نکته جالبی یافتیم: خدا قوم خود را رهایی داد تا بتوانند او را پرستش کنند. هدف از آزادی یافتن امروز ما از گناهان ما نیز دقیقاً همین است. "قوم او" کسانی هستند که براستی او را پرستش می کنند - یعنی آنانی که به او ایمان دارند، او را محبت می کنند، پیرو او هستند، و میگذارند خدا تغییرات بنیادی در زندگی شان ایجاد کند.

مسئله قانونی دیگر

همانند پارسایی که خدا به ما ایمانداران عطا کرده، آزادی ما در مسیح نیز یک اصل قانونی است. به عنوان مسیحیانی که تولد دوباره یافته ایم، آزادی ما در جهان روحانی انجام گرفته است، زیرا وقتی عیسی مُرد و دوباره برخاست، بر تمام نیروهای پلید چیره شد. پس اگر چه شیطان هنوز بر این دنیا ریاست می کند، (دوم قرن تیان ۴ آیه ۴؛ افسسیان ۲ آیات ۱ تا ۳) «(۴) خدای این عصر ذهنهای بی ایمانان را کور کرده تا نور انجیل جلال مسیح را که صورت خداست، نبینند.» «(۱) و اما شما به سبب نافرمانیها و گناهان خود مرده بودید، (۲) و زمانی در آنها گام میزدید، آنگاه که از روشهای این دنیا و از رئیس قدرت هوا پیروی می کردید، از همان روحی که هم اکنون در سرکشان عمل می کند. (۳) ما نیز جملگی زمانی در میان ایشان می زیستیم، و از هوای نفس خود پیروی می کردیم و خواسته ها و افکار آن را به جا می آوردیم؛ ما نیز همچون دیگران، بنا به طبیعت خود محکوم به غضب خدا بودیم.» و او و زیردستانش مسلماً می توانند بر زندگی ما تاثیر بگذارند، اما دیگر کنترلی بر ما ندارند.

اکنون توانمندیم زندگی مقدس را انتخاب کنیم (اول یوحنا ۴ آیات ۴ تا ۶). «(۴) شما، ای فرزندان، از خدا هستید و بر آنها غلبه یافته اید، زیرا آن که در شماست بزرگتر

است از آن که در دنیا است. (۵) آنها از دنیا هستند و از همین رو آنچه می‌گویند از دنیا است و دنیا به آنها گوش می‌سپارد. (۶) ما از خدا هستیم و کسی که خدا را می‌شناسد، به ما گوش می‌سپارد؛ ولی آن که از خدا نیست، به ما گوش نمی‌سپارد. روح حق و روح گمراهی را این‌گونه از هم باز می‌شناسیم.»

این بدان معناست که چون در مسیح زندگی می‌کنیم، از پیروزمندان نیز برتر هستیم زیرا ارباب ما آن پیروزمندِ عظیم است (رومیان ۸ آیه ۳۷). «(۳۷) به‌عکس، در همه این امور ما برتر از پیروزمندانیم، به واسطه او که ما را محبت کرد.»

این موضوع مانند ارتشی است که جنگ را می‌برد زیرا فرمانده اش در نبردی پیروزمندانه آن لشکر را با مهارت هدایت کرده است.

تکرار می‌کنم: آزادی که خدا می‌بخشد، برای انجام کار درست است، نه آزادی انجام هر کاری که دلمان بخواهد بکنیم (غلاطیان ۵ آیه ۱۳؛ اول پطرس ۲ آیه ۱۶). «(۱۳) ای برادران، شما به آزادی فرا خوانده شده‌اید، اما آزادی خود را فرصتی برای ارضای نفس مسازید، بلکه با محبت، یکدیگر را خدمت کنید.» «(۱۶) همچون آزادگان زندگی کنید، اما آزادی خود را پوششی برای شرارت مسازید، بلکه چون غلامان خدا زندگی کنید.»

همه ما ظرفیت گناه کردن را داریم – گناه کردن هرگز مشکل نیست! – همه ما نتایج نامطلوب زندگی کردن بر طبق "خواسته های خودمان" را چشیده ایم. اما قدرت خدا باید در زندگی ما عمل کند تا به جای نادرست، درست را برگزینیم و به جای آنچه معمولی و پیش پا افتاده است، بهترین را انتخاب کنیم.

پشت سر گذاشتن گذشته خود

یکی از جوانب بسیار مهم آزادی در مسیح این است که باید آنچه را در زندگی گذشته ما نادرست و گناه آلود بوده کنار بگذاریم و به عیسی روی بیاوریم (فیلیپیان ۳ آیات ۱۲ تا ۱۴). «(۱۲) نمی‌گویم هم‌اکنون به اینها دست یافته‌ام یا کامل شده‌ام، بلکه خود را به پیش می‌رانم تا چیزی را به دست آورم که مسیح عیسی برای آن مرا به دست آورد. (۱۳) برادران، گمان نمی‌کنم هنوز آن را به دست آورده باشم؛ اما یک کار می‌کنم، و آن اینکه آنچه در عقب است به فراموشی می‌سپارم و به سوی آنچه در پیش است خود را به جلو کشانده، (۱۴) برای رسیدن به خط پایان می‌کوشم، تا جایزه‌ای را به دست آورم که خدا برای آن مرا در مسیح عیسی به بالا فرا خوانده است.»

در این نکته است که بسیاری از مردم راه صحیح ایمان را گم می‌کنند. آنها تصور می‌کنند "انجام ندادن" یک سری کارهای خاص، منتهی به شادی و آرامش و داشتن موقعیت درست با خدا می‌شود.

حائز اهمیت بسیار است که بدانیم آزادی در مسیح این نیست که از یک سری قوانین و مقررات پیروی کنیم! دین آنگونه است ☺. این مسئله مانند دام غیر منتظره ای است که می‌تواند بسیاری از ما را، در دورانی که شفای روحانی می‌یابیم، گرفتار سازد. "مذهبی بودن" به طور اساسی این است که به جای اسارت در اشتباهات و گناهان گذشته مان، حال اسیر مذهب خود شویم. اگر صرفاً پیرو "مقررات دین" باشیم و بدون محبت و شادی زندگی کنیم، مردم مجذوب مسیح و روح القدس او در ما نخواهند شد. شاید به کلیسا برویم، کتاب مقدس بخوانیم و "حرفهای مسیحی" بزنیم، اما لازم است مراقب باشیم که صرفاً تبدیل به یک "مسیحی ظاهری" نشویم.

یکی دیگر از موانع آزادی در مسیح این است که یک پا را محکم در گذشته قرار داده ایم در حالی که در تلاشیم یک زندگی تازه را در زمان حال زندگی کنیم. این هرگز نتیجه بخش نخواهد بود! ما باید فعالانه و با عزم کامل به سوی اهداف نوین و اطاعت خداوند حرکت کنیم. لیکن این امر به راحتی و بدون تغییر در قلب و ذهن مان از طرف خداوند، انجام نخواهد شد.

راز زندگی مسیحی کلاً در این است که از زمان و انرژی خود استفاده کنیم تا عاشق عیسی مسیح شویم. وظیفه ما این است که بیاموزیم خواسته های او از ما در کتاب مقدس چیست، تا در دعا با او وقت بگذرانیم، با او گفتگو کنیم، از او حکمت و هدایت بطلبیم، و سپس آنچه را آموخته ایم در اطاعت انجام دهیم.

علاوه بر این، تنها "رها کردن" گذشته مان کافی نیست، بلکه باید با اراده محکم آن را از خود به دور بیفکنیم (کولسیان ۳ آیات ۵ تا ۱۰). «(۵) پس، هرآنچه را در وجود شما زمینی است، بکشید، یعنی بی عفتی، ناپاکی، هوی و هوس، امیال زشت و شهوت پرستی را که همان بت پرستی است. (۶) به سبب همینهاست که غضب خدا بر سرکشان نازل می شود. (۷) شما نیز در زندگی گذشته خود به این راهها می رفتید. (۸) اما اکنون باید همه اینها را از خود دور کنید، یعنی خشم، عصبانیت، بدخواهی، ناسزاگویی و سخنان زشت را از دهان خود. (۹) به یکدیگر دروغ مگویید، زیرا آن انسان قدیم را با کارهایش از تن به در آورده اید (۱۰) و انسان جدید را در بر کرده اید، که در معرفت حقیقی هر آن نو می شود تا به صورت آفریننده خویش درآید.»

این بدان معنا نیست که وانمود کنیم اتفاقات بد برایمان رخ نداده، یا ناراحتی هایی را که برای دیگران ایجاد کرده ایم فراموش کنیم و یک نقاب لبخند ساختگی به صورتمان

بزنیم، بلکه به جای روشهای پیشین خود باید طریق زندگی مسیح را کاملاً مرام خود سازیم.

به عنوان مثال، مسیح به ما می فرماید باید آنانی را که به ما بدی کرده اند ببخشیم و تا آنجا که ممکن است روابط را بازسازی کنیم. در غیر این صورت، هرگز واقعاً از گذشته آزاد نخواهیم شد. اینجاست که اغلب در می یابیم این اصطلاح "بخش و فراموش کن" از همه لحاظ صحیح نیست. ما هرگز زندگی پیشین خود را فراموش نخواهیم کرد، اما یقیناً با قدرت خدا می توانیم دیگری را ببخشیم. من باید افراد بسیاری را که آسیبهای زیاد به من وارد ساخته بودند می بخشیدم، اما در نتیجه آزادی یافته ام.

این انباشته سختی های گذشته و الگوهای کهنه فکری و رفتاری است که نیاز داریم بگذاریم خدا زندگی ما را بند آنها آزاد سازد. در واقع، او صراحتاً به ما می گوید که تا آنها را "رها نکنیم" شایسته پادشاهی او نخواهیم بود (لوقا ۹آیه ۶۲) «62 عیسی در پاسخ گفت: «کسی که دست به شخم زنی ببرد و به عقب بنگرد، شایسته پادشاهی خدا نباشد.»»

می توانیم این آیات را به زندگی خود تشبیه کنیم. "شخم زنی" می تواند زندگی و کاری باشد که خدا برای آینده ما در نظر گرفته است، و "به عقب نگرستن" می تواند گذشته ما باشد. اگر چه شاید لازم است گذشته خود را مدّ نظر بگیریم تا بتوانیم شفا بیابیم، برای آن سوگواری کنیم، و شهادت بدهیم که خدا از چه شرایطی ما را تا به اینجا رسانده است، در عین حال نباید همواره به آن فکر کنیم. اگر سرسختانه حاضر نشویم خودمان و دیگرانی را که به ما آسیب رسانده اند ببخشیم، خدا هم نمی تواند از ما استفاده کند.

در واقع اگر به جای نگاه کردن به پیشِ رو، به توجه داشتن به گذشته ادامه بدهیم، مثل آن ده نفر زندانی خواهیم بود که به آنها گفتند می توانند از زندان خارج شوند، اما آنها از قدم گذاشتن به بیرون از زندان امتناع ورزیدند! یا شاید درباره افرادی شنیده باشید که جسماً از زندان می روند، اما پس از مدت کوتاهی عمداً کاری می کنند تا دوباره زندانی شوند. این عملکرد و عادت شخص به زندانی بودن، "institutionalization" یا "طرز فکر محبوس ماندن" خوانده شده است.

دلیلش این است که آنها بدون قوانین و مقررات سختگیرانه‌ی حبس، احساس ناامنی و ناراحتی می کنند. به همین ترتیب، ما نیز وقتی از رها کردن گذشته امتناع می ورزیم، محبوسین گذشته خود می شویم. زیرا بسیاری اوقات در شرایط آشنا احساس ایمنی بیشتری می کنیم، گر چه آن شیوه زندگی غالباً ناسالم است. پیش رفتن برای ما ترس ایجاد می کند، اما اگر طالب زندگی جدیدی هستیم ضروری است جسورانه قدم به جلو برداریم.

چگونه می توانم گذشته خود را کنار بگذارم؟

واکنش صحیح در برخورد با گذشته، این است که بگذاریم خدا مواردی را که نیاز به توبه و شفا داریم به یادمان بیاورد. اما این زمان می برد، زیرا نمی توانیم با فشارِ تمامی شکست‌ها، کوتاهی‌ها و دردهای خود به یکباره و در آن واحد روبرو شویم. همچنانکه خدا موقعیت‌های گذشته و افراد را به ما یادآور می شود، لازم است ما نیز با افکار و احساساتی که به ما دست می دهد مواجه شویم و اگر نیاز احساس کنیم، برای آن اتفاقات گریه کنیم.

می توانیم این روند زندگی در آزادی مسیح را با این آموزش شروع کنیم که چگونه بخاطر افراد، فرصتها و آنچه از دست داده ایم سوگواری کنیم. تکرار می کنم: بایست زمانی را به سوگواری برای راههایی که خودمان آسیب دیده ایم یا به دیگران آسیب رسانده ایم اختصاص دهیم. سپس لازم است **بگذاریم** خدا ما را با گذشت زمان شفا دهد.

یک نکته محض احتیاط: توانایی برای شفا یافتن از گذشته مان به این معنی نیست که می بایست تک تک اتفاقات کوچکی را که در زندگی مان افتاده بررسی کنیم! از خدا بخواهید آن تجربه ها و موقعیت های گذشته را به خاطرتان بیاورد که **براستی** به شفا از آنها نیاز دارید. و برای آن دسته از شما که زندگی فوق العاده داشته اید - با اندکی سختی، درد و به هم خوردگی روابط - بابت آن سپاسگزار باشید. اما حقیقت این است که بسیاری از ما چیزهایی از گذشته داریم که نیاز است با آنها روبرو شویم و آنها را حل و فصل کنیم.

در زندگی خودم، وقتی گذاشتم درد دوران وحشتناک کودکی ام را حس کنم - و نیز درد تمام فرصت هایی که از دست داده بودم، ناراحتی هایی که به دیگران رسانیده بودم، و رفتارهای خودویرانگرم را - شفای بزرگی یافتم. گاهی این سوگواری طاقت فرسا می شد و دلیل اصلی که اینهمه سال از آن اجتناب می کردم هم همان بود.

من با کمک خدا به تدریج توانستم با گذشته خود کنار بیایم، اما مراحل چنین کاری بدون استفاده از مواد، اجتناب، یا سرزنش دیگران در واقع به من کمک کرد زندگی جدیدی را شروع کنم. ضروری است درک کنیم نادیده گرفتن آنچه گناه به سر زندگی ما آورده است و تظاهر به اینکه کاملاً "نوین و خوشحال" هستیم مشکلات بیشتری برای مان ایجاد می کند.

رهاش کن و دنبالش را بگیر!

قدم بعدی برای زندگی در آزادی این است که دیگر آن گناه یا خطا را که برایش سوگواری کرده ایم پیش نکشیم، چون به مرحله ای رسیده ایم که سفر روحانی ما پایان گرفته است و داخل زندگی جدید می گردیم. اگر گزینه ما این باشد که غوطه ور در الگوهای ناسالم فکری و احساسی و ارتباطی باشیم و دلمان برای خودمان بسوزد، واقعاً در این مرحله می توانیم و با بمانیم (افسسیان ۲ آیات ۱ تا ۱۰؛ غلاطیان ۵ آیه ۱). «(۱) و اما شما به سبب نافرمانیها و گناهان خود مرده بودید، (۲) و زمانی در آنها گام میزدید، آنگاه که از روشهای این دنیا و از رئیس قدرت هوا پیروی می کردید، از همان روحی که هم اکنون در سرکشان عمل می کند. (۳) ما نیز جملگی زمانی در میان ایشان می زیستیم، و از هوای نفس خود پیروی می کردیم و خواسته ها و افکار آن را به جا می آوردیم؛ ما نیز همچون دیگران، بنا به طبیعت خود محکوم به غضب خدا بودیم. (۴) اما خدایی که در رحمانیت دولتمند است، به خاطر محبت عظیم خود به ما، (۵) حتی زمانی که در نافرمانیهای خود مرده بودیم، ما را با مسیح زنده کرد - پس، از راه فیض نجات یافته اید؛ (۶) و با مسیح برخیزانید و در جایهای آسمانی با مسیح عیسی نشانید، (۷) تا در عصر آینده، فیض غنی و بی مانند خود را در مسیح عیسی، به واسطه مهربانی خود نسبت به ما نشان دهد. (۸) زیرا به فیض و از راه ایمان نجات یافته اید - و این از خودتان نیست، بلکه عطای خداست - (۹) و نه از اعمال، تا هیچ کس نتواند به خود ببالد. (۱۰) زیرا ساخته دست خدا ییم، و در مسیح عیسی آفریده شده ایم تا کارهای نیک انجام دهیم، کارهایی که خدا از پیش مهیا کرد تا در آنها گام برداریم.» «(۱) مسیح ما را آزاد کرد تا آزاد باشیم. پس استوار بایستید و خود را بار دیگر گرفتار یوغ بندگی مسازید.»

در گذشته ی خود ماندن، نبخشیدن کسانی که ما را آزار رسانیده اند، و اینکه بگذاریم آسیب ها و شکست هامن روزگار ما را سیاه کنند، **نا اطاعتی** است. زیرا عیسی مُرد تا به ما زندگی **جدیدی** ببخشد و باید یاد بگیریم در این موهبت هر روزه زندگی کنیم (رومیان ۶ آیات ۱۲ و ۱۳؛ دوم قرنتیان ۵ آیات ۱۵ تا ۱۷؛ فیلیپیان ۳ آیات ۱۲ تا ۱۴). «(۱۲) پس مگذارید گناه در بدنهای فانی شما فرمان براند تا امیال آن را اطاعت کنید. (۱۳) اعضای بدن خود را تسلیم گناه نکنید تا ابزار شرارت باشند، بلکه همچون کسانی که از مرگ به زندگی بازگشته‌اند، خود را تسلیم خدا کنید. و اعضای بدن خود را به او بسپارید تا ابزار پارسایی باشند.»

«(۱۵) و به خاطر همه مرد تا زندگان دیگر نه برای خود، بلکه برای آن کس زیست کنند که به خاطرشان مرد و برخاست. (۱۶) بنابراین، از این پس درباره هیچ کس با معیارهای بشری قضاوت نمی‌کنیم، و هرچند پیشتر درباره مسیح این‌گونه قضاوت می‌کردیم، اکنون دیگر چنین نیست. (۱۷) پس اگر کسی در مسیح باشد، خلقتی تازه است. چیزهای کهنه درگذشت؛ هان، همه چیز تازه شده است!»

«(۱۲) نمی‌گوییم هم‌اکنون به اینها دست یافته‌ام یا کامل شده‌ام، بلکه خود را به پیش می‌رانم تا چیزی را به دست آورم که مسیح عیسی برای آن مرا به دست آورد (۱۳) برادران، گمان نمی‌کنم هنوز آن را به دست آورده باشم؛ اما یک کار می‌کنم، و آن اینکه آنچه در عقب است به فراموشی می‌سپارم و به سوی آنچه در پیش است خود را به جلو کشانده، (۱۴) برای رسیدن به خط پایان می‌کوشم، تا جایزه‌ای را به دست آورم که خدا برای آن مرا در مسیح عیسی به بالا فرا خوانده است.»

به علاوه وقتی در ترس، خشم، نبخشیدن یا خودخواهی زندگی می کنیم، خوشی و آرامش و محبت در ما پژمرده می گردند. مانند هر تجربه جدید، زمان می برد تا مهارت های نوین را بخوبی بیاموزیم. ممکن است از آزاد بودن واهمه داشته باشیم، اما از همین راه است که شروع می کنیم زیر بنای تازه ای برای آینده مان در مسیح بسازیم.

باز سازی زندگی ما شجاعت و تلاش بسیار لازم می کند! اما بخشی از یافتن بهبود درونی این است که **بگذاریم** خداوند ما را شفا دهد. کتاب مقدس که کلام خداست قدرت دارد ما را پاک سازد، شفا دهد، تسلی بخشد، و تادیب و هدایت نماید. رهنمود ما در فیلیپیان ۴ آیات ۶ تا ۹ می گوید باید چشم دل را به آنچه مثبت است بدوزیم. یعنی در واقع باید راجع به مسیح تفکر کنیم زیرا همگی ویژگی های آیه ۸ در او تجلی یافته اند.

البته این " مثبت اندیشی " نیست، بلکه " نو شدن ذهن ما " با قدرت مافوق طبیعی کلام خدا است (رومیان ۱۲ آیه ۲؛ عبرانیان ۴ آیه ۱۲). «(۲) و دیگر هم مشکل این عصر مشوید، بلکه با نو شدن ذهن خود دگرگون شوید. آنگاه قادر به تشخیص اراده خدا خواهید بود؛ اراده نیکو، پسندیده و کامل او»

«(۱۲) هیچ چیز در تمام آفرینش از نظر خدا پنهان نیست، بلکه همه چیز در برابر چشمان او که حساب ما با اوست، عریان و آشکار است.»

بخشی از جلو رفتن این است که هدفمندانه چشم به آن پاداش بدوزیم - یعنی به آینده مان در ابدیت پر جلال خدا (کولسیان ۳ آیات ۱ تا ۴؛ دوم تیموتائوس ۴ آیات ۶ تا ۸) «(۱) اکنون که همراه مسیح برای حیات نو برخیزانده شده اید، مشتاق امور آسمانی باشید، همان جا که مسیح است و بر دست راست خدا نشسته است. (۲) همواره به آنچه در آسمان است بیندیشید، و به امور این دنیای زودگذر دل نبندید. (۳) به این دنیای فانی

همانقدر دل ببندید که یک شخص مرده دل می‌بندد! زیرا زندگی واقعی شما در آسمان است، همراه مسیح در حضور خدا! (۴) وقتی مسیح که زندگی واقعی ماست بازگردد، شما نیز با او خواهید درخشید و در جلال و شکوه او شریک خواهید شد.»

«(۶) زیرا اکنون مانند هدیه ریختنی، در حال ریخته شدنم و زمان رحلت من فرا رسیده است. (۷) در جنگ نیکو جنگیده‌ام، و مسابقه را به پایان رسانده‌ام، و خدمت خود را با وفاداری انجام داده‌ام. (۸) حال، تاجی در آسمان انتظار مرا می‌کشد، تاجی که خداوند ما مسیح، آن داور عادل، در روز بازگشت خود به من خواهد داد؛ اما نه فقط به من، بلکه به تمام کسانی که با زندگی‌شان نشان می‌دهند که مشتاقانه منتظر بازگشت او هستند.»

دانستن اینکه روزی با خداوند برای همیشه در آرامی و محبت کامل خواهیم بود، به ما امید آینده می‌بخشد و در عبور از سختی‌های این دنیا یاری مان می‌دهد

(اول قرن‌تیاں ۱ آیه ۴۳؛ دوم قرن‌تیاں ۱۴ آیه ۱۷). «(۴۳) در ذلت کاشته می‌شود، اما در جلال برمی‌خیزد. در ضعف کاشته می‌شود، اما در قوت برمی‌خیزد.» 17 زیرا تو براستی نیکو شکر می‌کنی، اما شکر تو باعث بنای دیگری نمی‌شود.»

در نهایت، حتی پس از آنکه آزادی خود را بدست می‌آوریم، زمانهایی خواهد بود که ممکن است دوباره خود را موقتاً اسیر عاداتها و افکار کهنه خود کنیم (دوم پطرس ۲ آیات ۱۹ تا ۲۲). «(۱۹) و به آنها وعده آزادی می‌دهند، حال آنکه خودشان بنده گناه و فسادند، زیرا انسان بنده چیزی است که بر او مسلط است. (۲۰) هرگاه کسی با شناخت خداوند و نجات دهنده‌مان عیسی مسیح، از ناپاکی‌های این دنیا رهایی یابد، ولی بعد از آن، بار دیگر اسیر آن آلودگی‌ها گردد، وضعش بدتر از سابق می‌شود. (۲۱) اگر چیزی دربارهٔ راه عدالت نمی‌دانست، برایش بهتر بود از اینکه آن را بشناسد و سپس به احکام مقدّسی که به او

سپرده شده است، پشت پا بزند. (۲۲) این مثل در مورد آنان مصداق دارد که: «سگ به قی خود باز می‌گردد»، و نیز این مثل که: «خوک شسته شده، در گل می‌غلتد.»

نکته مهم این است که "یکبار دیگر بر خیزیم" - ما توبه می‌کنیم و به پیشروی خود به سوی مسیح ادامه می‌دهیم. ادامه دادن به اینکه به خداوند نزدیک بمانیم بزودی روش زندگی ما می‌شود و پاداش هم خواهد داشت. و آنگاه که به حضور مسیح برسیم، "نبرد نیکو را جنگیده ایم" (اول تیموتائوس ۶ آیه ۱۲). «(۱۲) در جنگ نیکوی ایمان به‌خوبی بجنگ و به دست آور آن زندگی جاوید را که خدا تو را به آن فراخواند، آن هنگام که در حضور گواهان بسیار، اعتراف نیکو کردی.»

مشتاقانه در انتظار روزی هستم که بشنوم او به من می‌گوید: "آفرین بر تو! خادم امین و وفادار من!" (متی ۲۵ آیه ۲۱) «(۲۱) ارباب به او گفت: "آفرین، ای خادم نیک و امین! حال که در امور کوچک امین و درستکار بودی، مسئولیتهای بیشتری به تو خواهم سپرد. بیا و در شادی من شریک شو!"»

فصل پنجم

پی ریزی شالوده

(قسمت دوم)



در فصل ۴، چند مورد روحانی را دیدیم که وقتی به مسیح ایمان بیاوریم خدا از طریق روح خود برای ما تکمیل می کند. حالا می توانیم درک کنیم که خدا ما را کاملاً نیک کرده است؛ پس ما در نظر او "درست و راست" هستیم. خدا به ما ایماندارانی که تولد تازه داریم اجازه می دهد توسط دعا بتوانیم دلیرانه به حضور او وارد شویم و با او رابطه نزدیک داشته باشیم (عبرانیان ۴ آیه ۱۶). «(۱۶) پس آزادانه به تخت فیض نزدیک شویم تا رحمت بیابیم و فیضی را حاصل کنیم که به هنگام نیاز یاریمان دهد.»

همچنین آموختیم که خدا ما را از اسارت گناه رهایی داده است. ما مسلماً تا پیش از ورود به ابدیت "بدون گناه" نخواهیم بود، اما چون مسیح توسط روح القدس خود در ما زندگی می کند، اکنون قدرت و توانایی خدا را داریم تا برنامه او را برای زندگی خود برگزینیم. این برنامه عالی و بهینه شامل توانایی رد کردن گناه و به کار بستن نقشه خدا برای یکایک ما است تا او را خدمت کرده ملکوت او را پیشبرد دهیم (ارمیا ۲۹ آیه ۱۱؛ تیتوس ۲ آیات ۱۱ تا ۱۴). «(۱۱) خواست و اراده من، سعادت‌مندی شماست و نه بدبختی‌تان، و کسی به جز من از آن آگاه نیست. من می‌خواهم به شما امید و آینده خوبی ببخشم.» «(۱۱) زیرا فیض خدا ظاهر شده است، فیضی که سرچشمه نجات برای همه

مردم است، (۱۲) و به ما می‌آموزد که از زندگی بی‌بند و بار و خوشگذرانی‌های گناه‌آلود دست بکشیم و زندگی پاک و خداپسندانه‌ای در این دنیا داشته باشیم. (۱۳) اگر چنین زندگی کنیم، می‌توانیم با امید و اشتیاق، منتظر روز مبارکی باشیم که در آن، خدای بزرگ و نجات دهنده‌مان عیسی مسیح باشکوه و جلال ظاهر می‌شود. (۱۴) او جان خود را در راه گناهان ما فدا ساخت تا ما را از هر شرارتی رهایی بخشد، و ما را طاهر سازد، و از ما قومی پدید آورد که به شکلی خاص متعلق به او بوده، عمیقاً مشتاق انجام اعمال نیک باشند.» ما واقعاً می‌توانیم آزادی حقیقی را تجربه کنیم!

در این فصل به کاوش خود در آنچه مسیح برایمان انجام داده ادامه می‌دهیم، و می‌آموزیم او چندین عطیه دیگر به ما بخشیده است تا بتوانیم شالوده محکم و صحیح ایمان را پی‌ریزی کنیم. این به ما یاری خواهد کرد درک کنیم جایگاه جدید ما در مسیح کدام است.

۳- خدا همچنین :

"ما را با مسیح در جایهای آسمانی نشانده است" (افسیان باب ۱ آیات ۳، ۱۹ و ۲۰). «³متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح، که ما را در مسیح به هر برکت روحانی در جایهای آسمانی مبارک ساخته است. 19 و از قدرت بی‌نهایت عظیم او نسبت به ما که ایمان داریم، آگاه شوید. این قدرت، برخاسته از عمل نیروی مقتدر خداست 20 که آن را در مسیح به کار گرفت، آن هنگام که او را از مردگان برخیزانید و در جایهای آسمانی، به دست راست خود نشانید،»

این به چه معناست؟

این تصویر بسیار زیبایی از جایگاه ما در مسیح است. بخاطر مرگ و دفن و قیام مسیح، او نه تنها ما را از مرگ روحانی و مجازات ابدی نجات بخشید، بلکه قدرتهای جهنم و شریر را نیز مغلوب ساخت (مکاشفه ۱ آیات ۱۲ تا ۱۸). «(۱۲) پس رو به عقب برگردانیدم تا ببینم آن چه صدایی است که با من سخن می‌گوید؛ و چون برگشتم، هفت چراغدان طلا دیدم، (۱۳) و در میان آن چراغدانها یکی را دیدم که به 'پسر انسان' می‌مانست. او ردایی بلند بر تن داشت و شالی زرین بر گرد سینه. (۱۴) سر و مویش چون پشم سفید بود، به سفیدی برف، و چشمانش چون آتش مشتعل بود. (۱۵) پاهایش چون برنج تافته بود در کوره گداخته، و صدایش به غرش سیلابهای خروشان می‌مانست. (۱۶) و در دست راستش هفت ستاره داشت و از دهانش شمشیری بُران و دو دم بیرون می‌آمد، و چهره‌اش چونان خورشید بود در درخشش کاملش. (۱۷) چون او را دیدم همچون مرده پیش پاهایش افتادم. اما او دست راستش را بر من نهاد و گفت: «بیم مدار، من اولم و من آخر؛ (۱۸) و من آن که زنده اوست. مرده بودم، اما اینک ببین که زنده جاویدم و کلیدهای مرگ و جهان مردگان در دست من است.» مسیح برنده شد!

حتی با اینکه هنوز شرارت زیادی در جهان کنونی می‌بینیم، زمانی که مسیح باز گردد شیطان را سرنگون و برای همیشه ساکت خواهد ساخت (مکاشفه ۲۰ آیه ۱۰) «10 و ابلیس، که آنان را فریب داده بود، به دریاچه آتش و گوگرد افکنده شد، جایی که آن وحش و نبی کذاب افکنده شده بودند. اینان روز و شب تا ابد عذاب خواهند کشید». آنگاه امید مبارک ما سرانجام محقق خواهد شد - که ما تا ابد با خداوندمان ساکن باشیم.

کتاب مقدس به ما می‌گوید مسیح چهل روز پس از آنکه از مرگ برخاست به آسمان صعود نمود. آنجا، خدا او را به دست راست خویش نشانید (لوقا ۲۲ آیه ۶۹؛ عبرانیان ۱۲

آیات ۱ و ۲). «69 اما از این پس، پسر انسان به دست راست قدرت خدا خواهد نشست.»

«1 پس چون چنین ابری عظیم از شاهدان را گرداگرد خود داریم، بیایید هر بار اضافی و هر گناه را که آسان به دست و پای ما می‌پیچد، از خود دور کنیم و با استقامت در مسابقه‌ای که برای ما مقرر شده است، بدویم2. و دشمنان خود را بر قهرمان و مظهر کامل ایمان یعنی عیسی بدوزیم که به خاطر آن خوشی که پیش رو داشت، صلیب را تحمل کرد و ننگ آن را ناچیز شمرد و اکنون بر جانب راست تخت خدا نشسته است.» به عبارت دیگر وقتی زندگی ما به زندگی او متصل می‌شود، او به معنای واقعی **ما را با خود در قلمرو آسمانی خود قرار می‌دهد** (افسسیان ۲ آیات ۴ تا ۶) «4 اما خدایی که در رحمانیت دولتمند است، به خاطر محبت عظیم خود به ما، 5 حتی زمانی که در نافرمانیهای خود مرده بودیم، ما را با مسیح زنده کرد - پس، از راه فیض نجات یافته‌اید؛ 6 و با مسیح برخیزانید و در جایهای آسمانی با مسیح عیسی نشانید.» این نشان دهنده هویت تازه ما در مسیح است.

البته، تا زمانی که وارد حضور مسیح در ابدیت نشده باشیم، او را کاملاً نخواهیم شناخت.

اما به عنوان پیروانش، روح ما اکنون **با** او و در او زندگی می‌کند (افسسیان ۲ آیات ۱ تا ۷) «1 و شما به سبب نافرمانیها و گناهان خود مرده بودید، 2 و زمانی در آنها گام می‌زدید، آنگاه که از روشهای این دنیا و از رئیس قدرت هوا پیروی می‌کردید، از همان روحی که هم‌اکنون در سرکشان عمل می‌کند3. ما نیز جملگی زمانی در میان ایشان می‌زیستیم، و از هوای نَفَس خود پیروی می‌کردیم و خواسته‌ها و افکار آن را به جا می‌آوردیم؛ ما نیز همچون دیگران، بنا به طبیعت خود محکوم به غضب خدا بودیم4. اما خدایی که در رحمانیت دولتمند است، به خاطر محبت عظیم خود به ما، 5 حتی زمانی که در نافرمانیهای خود مرده بودیم، ما را با مسیح زنده کرد - پس، از راه فیض نجات یافته‌اید؛ 6 و با مسیح برخیزانید و در جایهای آسمانی با مسیح عیسی نشانید، 7 تا در عصر آینده،

فیض غنی و بی‌مانند خود را در مسیح عیسی، به واسطهٔ مهربانی خود نسبت به ما نشان دهد.»

در حالیکه این خلقت تازه در لحظه نجات شروع می‌شود، ما همچنان به رشد و بلوغ در شناخت و رابطه با مسیح در طول زندگی خویش ادامه می‌دهیم (دوم قرن‌تیاں ۵ آیه ۱۷؛ فیلیپیان ۱ آیات ۹ تا ۱۱). «(۱۷) کسی که از آن مسیح می‌گردد، تبدیل به شخص جدیدی می‌شود. او دیگر آن انسان قبلی نیست؛ بلکه زندگی کاملاً تازه‌ای را آغاز کرده است.» «(۹) از این رو، دعا می‌کنم تا محبتتان از طریق شناخت و درک و بینشی عمیق، روزبه‌روز فزونی یابد، (۱۰) تا بتوانید عالی‌ترین امور را تشخیص دهید، و برای روز مسیح، پاک و بی‌عیب باشید. (۱۱) همچنین آکنده از ثمرات نجات خود باشید یعنی عدالتی که از طریق عیسی مسیح به دست می‌آید و باعث جلال و ستایش خدا می‌گردد.» این همان چیزی است که به عنوان "در مسیح بودن" یاد می‌شود.

مفهوم "نشانه شدن" با مسیح این است که **وارد یک رابطه شخصی با خودِ خدای متعال می‌شویم**. این امتیازی است که باور کردن آن مشکل می‌باشد! اغلب ما این رابطه را عادی و بدیهی انگار می‌کنیم، زیرا اکنون در عصر "فیض" هستیم. گرایش فکر ما این است که مسیح بیشتر دوست ما است تا ارباب و پادشاه ما.

اگر چه او دوست و نیز خدای متعال است، باید مراقب باشیم که تمام جوانب شخصیت او را محترم بداریم و محبت کنیم - نه فقط لطافت و گرمای وجود او را. خدا در عین حال قدرت دارد تا با یک فرمان، تمامی ملل را محو سازد (مکاشفه ۱۹ آیه ۱۵)! «(۱۵) از دهان او شمشیر تیزی بیرون می‌آید تا با آن قومهای بی‌ایمان را سرکوب کند. او با عصای آهنین بر آنان حکمرانی خواهد نمود و با پاهای خود، شراب خشم خدای توانا را در چرخشت

خو/هد فشرده.» او کامل و عالی ترین هاست، قدوس (تماماً مقدس) است، قدرت او از فراتر از تصور می باشد و سزاوار ستایش ها و سرسپردگی کامل ماست.

چه امتیازی!

برای اینکه ارزش رابطه نزدیک با مسیح که افتخار بزرگی است را درک کنیم باید از عهد عتیق مطلع باشیم. در دوران کتاب مقدس، اجازه ورود یافتن به خانه کسی (برای "همنشینی" با آنها) یک امتیاز محسوب می شد و به این معنی بود که شما دوست آنها هستید و کاملاً مورد پذیرش و اعتماد می باشید. سر سفره کسی نشستن (به اصطلاح نان و نمک آنها را خوردن) امری بسیار شخصی محسوب می شد، زیرا شما با آنها روبرو می بودید. قابل تذکر است که شام مقدس خداوند (عشای ربانی) اشاره به همین ایده گرد آمدن خانواده خدا دارد تا با هم غذا صرف کنند و متحداً او را بپرستند.

امروزه در فرهنگ آمریکایی اکثراً متوجه مفهوم چنین رابطه عمیقی نمی شویم، زیرا اغلب غذا را حاضری در طی رانندگی به سمت مقصد می خوریم یا زمانی که عجله داریم جایی برویم یک خوراکی میان وعده به دست می گیریم و به سرعت می رویم. به ندرت دور میز غذا می خوریم تا با یکدیگر صحبت و گفتگو کنیم. اما این عادت متأسفانه اوقات با هم بودن و صمیمی بودن را از ما سلب می کند.

در توضیح بیشتر این موضوع، باید به حرمت و احترامی که قوم یهود نسبت به خدا قائل بودند پی ببریم. این حرمت گذاری آنقدر عمیق بود که آنها حتی رسمی ایجاد کرده بودند که مطابق آن، اسم "خدا" را بر زبان نمی آوردند زیرا عقیده داشتند که چنین کاری توهین به مقام او است.

بنابراین دوستی با خدا در زمان عیسی، ایده ای بود که اساساً با فرهنگ آن زمان مغایرت داشت و کاملاً غیر قابل تصور بود (یوحنا ۱۵ آیات ۱۴ و ۱۵). «14دوستان من شما باید اگر آنچه به شما حکم می‌کنم، انجام دهید15. دیگر شما را بنده نمی‌خوانم، زیرا بنده از کارهای اربابش آگاهی ندارد. بلکه شما را دوست خود می‌خوانم، زیرا هرآنچه از پدر شنیده‌ام، شما را از آن آگاه ساخته‌ام.» سر سفره خدا نشستن و با او غذا خوردن برای آنان امری عجیب و ناممکن بود! اما مسیح که واسطهٔ بزرگ برای ما است، راهی فراهم کرده است تا بتوانیم به حضور خدا راه یابیم (مکاشفه ۳ آیه ۲۰). «20هان بر در ایستاده می‌کوبم. کسی اگر صدای مرا بشنود و در به رویم بگشاید، به درون خواهم آمد و با او همسفره خواهم شد و او با من.» اکنون می‌توانیم با خدای پدر، خدای پسر و خدای روح القدس رابطه عمیق داشته باشیم، زیرا عضوی از خانواده الهی هستیم.

به علاوه، کتاب مقدس به ما می‌گوید "نشانه شده با او در قلمروهای آسمانی"، یعنی وقتی در مسیح هستیم، با او در تمام آنچه دارد «هم‌ارث» می‌باشیم (غلاطیان ۴ آیات ۶ و ۷؛ افسسیان ۱ آیه ۱۱؛ رومیان ۸ آیات ۱۵ تا ۱۷). «(۶) پس حال، چون فرزندان خدا هستید، خدا روح پسر خود را به قلبهای ما فرستاده، که با اشتیاق بانگ برمی‌آورد: «آبا، پدر». (۷) بنابراین دیگر غلام و کنیز نیستی، بلکه فرزند خدایی، و به همین علت خدا تو را وارث خود نیز ساخته است.»

«(۱۱) همچنین، به دلیل پیوند و اتحادمان با مسیح، وارثان خدا گشته‌ایم، زیرا مطابق با طرح او که همه چیز را بر اساس قصدی که اراده کرده بود به انجام می‌رساند، از پیش برای این مقصود برگزیده شدیم.»

«(۱۵) پس همچون برده‌ها، رفتارمان آمیخته با ترس و لرز نباشد، بلکه مانند فرزندان خدا رفتار نماییم، فرزندانی که به عضویت خانوادهٔ خدا پذیرفته شده‌اند و خدا را پدر خود می‌خوانند. (۱۶) زیرا روح خدا در عمق وجود ما، به ما می‌گوید که ما فرزندان خدا هستیم. (۱۷) و اگر فرزندان خدا هستیم، وارثان او نیز خواهیم بود. به عبارت دیگر، خدا تمام آن جلال و شکوهی را که به پسر خود عیسی مسیح خواهد داد، به ما نیز عطا خواهد فرمود. اما اگر می‌خواهیم در آینده در جلال او شریک شویم، باید اکنون در دردها و رنجهای او نیز شریک گردیم.»

وارث کسی است که ارث پدر را دریافت می‌کند. وقتی به آسمان برویم به راستی در میراث بزرگی سهم خواهیم شد!

خدا همچنین می‌فرماید که ما با او **سلطنت** خواهیم کرد (دوم تیموتائوس ۲ آیه ۱۲؛ مکاشفه ۲۰ آیه ۶؛ باب ۲۲ آیات ۳ تا ۵). «(۱۲) اگر سختیها را تحمل کنیم، با او نیز سلطنت خواهیم کرد. اگر انکارش کنیم، او نیز ما را انکار خواهد کرد.»

«(۶) خوشبخت و مقدّسند آنانی که در این قیامت اول سهمی دارند. اینان از مرگ دوم هیچ هراسی ندارند، بلکه کاهنان خدا و مسیح بوده، با او هزار سال سلطنت خواهند کرد.»

«^۳ و دیگر هیچ لعنتی وجود نخواهد داشت. تخت خدا و تخت بره در آن شهر خواهد بود و خادمانش او را خواهند پرستید. ^۴ آنها روی او را خواهند دید و نام او بر پیشانی آنها خواهد بود. ^۵ و دیگر شب وجود نخواهد داشت و آنها به نور چراغ یا خورشید نیازمند نخواهند بود، زیرا خداوند خدا به آنها روشنایی خواهد بخشید. و آنها تا ابد سلطنت خواهند کرد.»

کلمه "سلطنت" به معنی حاکمیت، فرمان دهی، کنترل، لیدر بودن و اداره کردن است. به عبارت دیگر، ما با مسیح عملاً فرمانروایی خواهیم کرد. ☺

یک لحظه صبر کنید، مطلب دیگری هم هست!

۴- در مسیح ما کاملاً نیک شمرده می شویم.

من شنیده ام که کلمه "نیک شمرده شدن" به عنوان "گویی هرگز اینکار را نکرده ایم" توضیح داده می شود. این توصیف بسیار خوبی از آن است. آیا می دانستید که این نیز یک اصطلاح قانونی دیگر به معنی "صحیح یا مستقیم گردانیدن"، "راست گردانیدن"، "به ترتیب قرار دادن" یا "قانونی و به رسمیت شناختن" است؟

به عنوان مثال، کتاب مقدس می گوید: "او (خداوند) طریقه‌های را راست خواهد گرد/نید (امثال ۳ آیات ۵ و ۶؛ ترجمه قدیم)". پس روش دیگر برای بیان آیه می تواند چنین باشد: "او طریقه‌های شما (گزینه ها و جهت های زندگی تان) را راست می سازد."

به خاطر طبیعت گناه‌آلود ما، تمایل ذاتی (درون زادی) داریم که خودمان را بی تقصیر بنمایانیم. اما به نظر من، خود را بی تقصیر نمایاندن همان بهانه آوردن است. همه کاری می کنیم تا باعث شویم دیگران فکر کنند مقصر نیستیم و یا آنقدری که احتمالاً به نظر می آید، بد نباشیم. همواره سعی می کنیم برای رفتارهای خود دلیل تراشی کنیم - گویی هرگز آن کار را انجام نداده ایم یا به آن بدی که به نظر می آید انجامش نداده ایم.

بی تقصیر !

اصل و مبادی مربوط به «کاملاً نیک ساختن» از عهد عتیق شروع شد. قوانین اخلاقی در شریعت که ده فرمان موسی پیامبر می باشند، در اصل "شخص را محکوم می کردند" (رومیان ۷ آیه ۷). «7 پس چه گوییم؟ آیا شریعت گناه است؟ به هیچ روی! برآستی اگر شریعت نبود، هرگز در نمی یافتیم گناه چیست. زیرا اگر شریعت نگفته بود «طمع موز» نمی توانستم دریابم طمع ورزیدن چیست.» شریعت، مقررات را وضع کرد و اگر شما مطابق یکایک آنها زندگی نمی کردید گناهکار و "**محکوم**" بودید (رساله یعقوب ۲ آیات ۱۰ و ۱۱). «(۱۰) زیرا هر که تمام شریعت را نگاه دارد و در یک جزو بلغزد، ملزم همه می باشد. «(۱۱) زیرا او که گفت: «زنا مکن»، نیز گفت: «قتل مکن». پس هر چند زنا نکنی، اگر قتل کردی، از شریعت تجاوز نمودی.»

به همین دلیل کتاب مقدس می گوید که "همه گناه کرده و از جلال خدا قاصر آمدیم" (رومیان ۳ آیه ۲۳). «(۲۳) زیرا همه گناه کرده اند و از جلال خدا قاصر می باشند،» لیکن همه ما در عمق دل می دانیم که وقتی کار بدی انجام دهیم، باید تاوان بپردازیم. در واقع، این وضعیت از زمانی که آدم و حوا از خدای قادر مطلق نافرمانی کردند شروع شد. قدم اول را خدا برداشت تا گناه آنها را با تهیه لباسی از پوست حیوان بپوشاند و برهنگی و شرم آنان را پنهان سازد. این ضمناً نشان می دهد که یک حیوان باید ذبح می شد - اولین جایی که در کتاب مقدس گناه با مرگ یکسان شمرده شد (پیدایش ۳ آیه ۲۱). «(۲۱) و خداوند خدا رختها برای آدم و زنش از پوست بساخت و ایشان را پوشانید.»

بعدها در تاریخ، خداوند سیستم قربانی کردن را برای قوم خویش ایجاد کرد. بره، بز یا گاو نر کامل و بی عیبی برای گناهان قوم باید ذبح می شد (لاویان ۲۳ آیه ۱۲). «12 روزی

که بافه را تکان می‌دهید، برهٔ نرینهٔ یک ساله و بی‌عیبی به عنوان قربانی تمام‌سوز به خداوند تقدیم کنید.» همانگونه که در فصل قبل اشاره شد، این یک تصویر بود تا به قوم یهود نشان دهد گناه چقدر وحشتناک است. بخاطر گناهان آنها نیاز بود جان وجودی زنده از او گرفته شود (لاویان ۱۷ آیه ۱۱). «(۱۱) زیرا که جان جسد درخون است، و من آن را بر مذبح به شما داده‌ام تا برای جانهای شما کفاره کند، زیرا خون است که برای جان کفاره میکند.»

مسئله گناه ما این است که اصلاً قادر نیستیم با هیچ بهایی تاوان آن را بدهیم. هر کاری هم بکنیم برای جبران خطایای ما کافی نیست. ما به کسی نیاز داشتیم که نجات مان دهد. دقیقاً به همین دلیل است که مسیح برای تمام نوع بشر و برای همیشه «قربانی حقیقی» شد.

از آنجا که او کامل و بی گناه بود، درست همان قربانی بود که خدا ضروری ساخته بود. در واقع، به همین دلیل است که او "بره خدا" خوانده می‌شود (یوحنا ۱ آیه ۲۹). «(۲۹) روز بعد، یحیی، عیسی را دید که به سوی او می‌آید. پس به مردم گفت: «نگاه کنید! این همان بره‌ای است که خدا فرستاده تا برای آمرزش گناهان تمام مردم دنیا قربانی شود.»

او «قربانی» منتخب برای پرداخت گناهان ما بود. مسیح "شریعت" را به خاطر ما به طرز کامل به انجام رسانید زیرا تنها او بود که بدون گناه زندگی کرد (عبرانیان ۹ آیات ۲۴ تا ۲۶؛ و باب ۱۰ آیات ۱ تا ۱۸). «24 زیرا مسیح به محرابگاهی داخل نشد که ساخته دست بشر و تنها شبیه محرابگاه حقیقی باشد، بلکه به خود آسمان داخل شد تا اکنون به نمایندگی از ما در حضور خدا ظاهر شود. 25 و نیز به آنجا داخل نشد تا خویشتن را بارها چون قربانی تقدیم کند، همانند کاهن اعظم که هر ساله به قدس‌الاقداص داخل می‌شود، آن هم با خونی که خون خودش نیست. 26 زیرا در این صورت، مسیح می‌بایست از زمان

آفرینش جهان، بارها رنج کشیده باشد. اما او اکنون یک بار برای همیشه در نقطهٔ اوج تمامی اعصار ظاهر شد تا با قربانی خود، گناه را از میان بردارد.» «1 شریعت فقط سایه

چیزهای نیکوی آینده است، نه صورت واقعی آنها. از همین رو، هرگز نمی‌تواند با قربانیهایی که سال به سال پیوسته تکرار می‌شود، آنان را که برای عبادت نزدیک می‌آیند، کامل سازد. 2 وگرنه آیا تقدیم آنها متوقف نمی‌شد؟ زیرا در آن صورت، عبادت‌کنندگان یک بار برای همیشه پاک می‌شدند و از آن پس دیگر برای گناهان خود احساس تقصیر نمی‌کردند. 3 اما آن قربانیها هر سال یادآور گناهانند، 4 چرا که ممکن نیست خون گاوها و بزها گناهان را از میان بردارد. 5 از این رو، هنگامی که مسیح به جهان آمد، فرمود: به قربانی و هدیه رغبت نداشتی، اما بدنی برای من مهیا ساختی؛ 6 از قربانیهای تمام‌سوز و قربانیهای گناه خشنود نبودی. 7 آنگاه گفتم: «اینک من می‌آیم، تا ارادهٔ تو را ای خدا به جای آورم؛ در طومار کتاب درباره‌ام نوشته شده است». 8 نخست می‌گوید: «به قربانی و هدیه، قربانیهای سوختنی و قربانیهای گناه رغبت نداشتی و از آنها خشنود نبودی»، هرچند شریعت خواهان انجامشان بود. 9 سپس می‌فرماید: «اینک من می‌آیم تا ارادهٔ تو را به جای آورم.» پس اولی را باطل می‌کند تا دومی را برقرار سازد. 10 به واسطهٔ همین اراده، ما یک بار برای همیشه، از طریق قربانی بدن عیسی مسیح تقدیس شده‌ایم. 11 هر کاهن، هر روز به خدمت می‌ایستد و همان قربانیها را که هرگز نمی‌توانند گناهان را از میان بردارند، بارها می‌گذرانند. 12 اما این کاهن، چون برای همیشه یک قربانی به جهت گناهان تقدیم کرد، به دست راست خدا بنشست. 13 از آن هنگام، در انتظار است که دشمنانش کرسی زیر پایش گردند، 14 زیرا با یک قربانی، تقدیس‌شدگان را تا ابد کامل ساخته است. 15 روح‌القدس نیز در این خصوص به ما گواهی می‌دهد. ابتدا می‌فرماید: 16 خداوند اعلام می‌کند، این است عهدی که پس از آن ایام با ایشان خواهم بست. احکام خود را در دل‌های ایشان خواهم نهاد، و بر ذهن

ایشان خواهیم نگاشت. 17 سپس می‌افزاید: گناهان و نافرمانیهای ایشان را دیگر هرگز به یاد نخواهم آورد. 18 آنجا که اینها آمرزیده شده باشند، دیگر جایی برای قربانی گناه باقی نمی‌ماند.» شایان تکرار است - وقتی در مسیح هستیم دیگر در نظر خدا محکوم نمی‌باشیم، زیرا وقتی مسیح روی صلیب جان داد، ما را کاملاً نیک ساخت. او بدهی گناه ما را پرداخت، و مجازاتی را که ما مستحق آن بودیم متحمل شد.

او "جایگزین" ما شد. اما باز هم می‌گوییم، صرفاً آنانی که به او توکل کنند، نیک و بی‌گناه محسوب می‌شوند.

رابطه ما اکنون با خدا تصحیح شده است - با او همسو هستیم و او ما را تأیید کرده است. ممکن است پذیرفتن این حقیقت برای ما دشوار باشد زیرا خودمان می‌دانیم چه‌ها کرده‌ایم! اما باید این حقیقت را باور کنیم، زیرا خدا می‌گوید حقیقت / است. وقتی پروردگار به یک ایماندار صمیمی که تولد تازه یافته است می‌نگرد، مسیح را می‌بیند - یعنی آن کفاره قربانی و تماماً نیک.

پَسَح (The Passover)

رسم قربانی کردن، در داستان "پَسَح" نیز که اغلب در کتاب مقدس دیده‌ایم به تصویر کشیده شده است. اسرائیلیان (که عبرانیان یا یهودیان نیز خوانده می‌شوند) در اوایل تاریخ قوم خود، برده مصریان شده بودند. زمانی که خدا اراده فرمود قوم خود را آزاد سازد، موسی را انتخاب نمود تا از فرعون رهبر مصر شخصاً آزادی یهودیان را مطالبه نماید. اما فرعون به

درخواست های موسی واقعی ننهاد. خدا به قوم خود فرمود چون مصریان آنها را به گروگان نگه داشته بودند، او قصد داشت فرعون و قومش را مجازات نماید.

اما پس از ۹ بلای ویرانگر، فرعون همچنان از آزادسازی یهودیان امتناع می کرد. آخرین و شدیدترین مجازات ها این بود که خدا همگی فرزندانِ اول زاد و حیوانات نخست زاده در آن سرزمین را بکشد.

برای حفظ قوم خویش، خدا فرمان داد که آن شب خون یک بره را بر سر درِ خانه هایشان بزنند. خون نقش بسته شده به این معنی بود که خدا از آن خانه "عبور کند" و ساکنین آن را دچار مرگ دچار نسازد (خروج ۱۲ آیات ۱ تا ۱۳ و آیه ۲۳). «1 خداوند در سرزمین مصر به موسی و هارون گفت «2: این ماه برای شما سرِ ماهها یعنی اولین ماه سال باشد 3. به همهٔ جماعت اسرائیل بگویید در روز دهمِ این ماه، هر مرد باید بره‌ای برای اهل خانه‌اش برگزیند، برای هر خانه‌وار یک بره 4. اگر شمار افراد خانه‌واری برای یک بره کم باشد، بره را با همسایهٔ مجاور خود قسمت کنند، و تعداد افراد را در نظر بگیرند. بر حسب مقداری که هر کس می‌خورد باید بره را حساب کنید 5. برهٔ شما باید بی‌عیب باشد و نرینهٔ یک ساله. از گوسفندان یا بزها آن را بگیرید 6. تا روز چهاردهم این ماه از آن نگهداری کنید، و هنگام عصر تمام جماعت اسرائیل بره‌های خود را ذبح کنند 7. آنگاه مقداری از خون را گرفته، آن را بر دو تیر عمودی و بر سردرِ خانه‌هایی که در آن به خوردن آنها مشغولند، بمالند 8. گوشت را همان شب بر آتش کباب کنند و با نانِ بی‌خمیرمایه و سبزیجات تلخ بخورند 9. گوشت را خام یا آب‌پز نخورید، بلکه آن را با کله، پاچه و درون شکمش روی آتش کباب کنید 10. چیزی از آن را تا صبح نگاه مدارید و اگر چیزی تا صبح باقی ماند، بر آتش بسوزانید 11. آن را بدین‌گونه بخورید: کمرندهای خود را ببندید، کفش به پا کنید و عصا به دست بگیرید. شتابان بخورید که این پَسَخ خداوند است 12. در همان

شب، من از سرزمین مصر عبور خواهم کرد و هر نخست‌زاده را در سرزمین مصر، اعم از انسان و چارپا، خواهم زد و بر همهٔ خدایان مصر داوری خواهم کرد. من خداوند هستم. 13 آن خون نشانه‌ای خواهد بود برای شما بر خانه‌هایی که در آن به سر می‌برید: خون را که ببینم از شما خواهم گذشت، و آنگاه که مصر را بزنم، کوچکترین بلایی بر شما نخواهد آمد. 23 هنگامی که خداوند می‌گذرد تا مصریان را هلاک کند، خونی را که بر سردر و دو تیر عمودی در است خواهد دید و از در آن خانه خواهد گذشت، و اجازه نخواهد داد که هلاک‌کننده به خانه‌هایتان درآید و شما را بزند.» بسیاری از یهودیان یادبود عید پسح را امروزه به رسم یادآوری آزادی از اسارت مصر جشن می‌گیرند.

نکته عالی و شگفت‌انگیز این است که خون عیسی مسیح از زمانی که مرد و برخاست، ما پیروان او را "می‌پوشاند" (رومیان ۵ آیه ۹؛ افسسیان ۱ آیه ۷ و باب ۲ آیه ۱۳؛ عبرانیان ۹ آیه ۲۲). «9 پس چقدر بیشتر، اکنون که توسط خون او پارسا شمرده شده‌ایم، به واسطهٔ او از غضب نجات خواهیم یافت.» «7 در او، ما به واسطهٔ خون وی رهایی یافته‌ایم، که این همان آمرزش گناهان است، که آن را به اندازهٔ غنای فیض خود، 13 اما اکنون در مسیح عیسی، شما که زمانی دور بودید، به واسطهٔ خون مسیح نزدیک آورده شده‌اید.» «22 در حقیقت، بنا بر شریعت، تقریباً همه چیز به وسیلهٔ خون پاک می‌شود و بدون ریختن خون، آمرزشی نیست.» اما "پوشش خون" در عهد عتیق، اشاره به آن کاری بود که منجی ما هزار سال بعد روی صلیب برای ما انجام داد.

بنابراین، اگر حقیقتاً نجات یافته باشیم، از داوری و مجازات الهی جان سالم به در برده ایم. نجات را ابتدا با اقرار به گناهکار بودن خویش دریافت می‌کنیم - درک اینکه خدای قدوس با گناهان ما کنار نخواهد آمد - و سپس تصمیم می‌گیریم که بگذاریم او عنان زندگی ما را به دست گیرد و به سوی زندگی جدید رهبری نماید.

همچنین باید ایمان داشته باشیم که خدا آنقدر ما را دوست داشت که پسر خود عیسی را فرستاد تا به وسیلهٔ خون او که فدیة کننده است، ما آزاد سازد (رومیان ۸ آیه ۹؛ اول پطرس ۱ آیه ۲؛ اول یوحنا ۱ آیه ۷؛ مکاشفه ۱ آیه ۵). «9ما شما نه در حاکمیتِ نفْس، بلکه در حاکمیتِ روح قرار دارید، البته اگر روح خدا در شما ساکن باشد. و اگر کسی روح مسیح را نداشته باشد، او از آنِ مسیح نیست.» «2به آنان که بنا بر پیشدانیِ خدای پدر، به واسطهٔ عمل تقدیس‌کنندهٔ روح، و برای اطاعت از عیسی مسیح و پاشیده شدنِ خونس بر ایشان، برگزیده شده‌اند: فیض و سلامتی به‌فرونی بر شما باد» «7او برای شهادت دادن آمد، برای شهادت بر آن نور، تا همه به واسطهٔ او ایمان آورند.» «5و از جانب عیسی مسیح، آن شاهد امین و نخست‌زاده از میان مردگان و فرمانروای پادشاهان جهان. بر او که ما را محبت می‌کند و با خون خود ما را از گناهانمان رها کنید،» در پایان، ایمان داریم او مُرد و از مردگان برخاست. عیسی اکنون در حضور پدر است و در زمان مقرر ما را خواهد آورد تا با او برای همیشه زندگی کنیم (رومیان ۱۰ آیه ۹؛ افسسیان ۱ آیه ۲۰). «9که اگر به زبان خود اعتراف کنی «عیسی خداوند است» و در دل خود ایمان داشته باشی که خدا او را از مردگان برخیزانید، نجات خواهی یافت.» «20که آن را در مسیح به کار گرفت، آن هنگام که او را از مردگان برخیزانید و در جایهای آسمانی، به دست راست خود نشانید،»

در اینجا مهم است متوجه باشیم اگر چه عیسی برای تمامی جهانیان جان خود را داد، تنها افرادی از مزیت نجات و رستگاری بهره مند می شوند که به انتخاب خود با او رابطه داشته باشند. او برای همه در دسترس هست، اما متأسفانه همه نجات نمی یابند زیرا لازم است با تمام وجود و هدفمندانه این رابطه را با او اختیار کنیم (مرقس ۱۲ آیه ۳۰؛ یوحنا ۳ آیات ۱۶ تا ۱۸). «30خداوند خدای خود را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی فکر و با تمامی قوّت خود محبت کن.» «16» زیرا خدا جهان را آنقدر محبت کرد که پسر یگانهٔ

خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاویدان یابد¹⁷. زیرا خدا پسر را به جهان نفرستاد تا جهانیان را محکوم کند، بلکه فرستاد تا به واسطه او نجات یابند¹⁸. هر که به او ایمان دارد محکوم نمی‌شود، اما هر که به او ایمان ندارد، هم‌اینک محکوم شده است، زیرا به نام پسر یگانه خدا ایمان نیاورده است.»

در نهایت، اگر چه این خون عیسی است که ما را پاک ساخته است و با آن بخشیده می‌شویم و شفای روحانی می‌یابیم، و اگر چه این کار عظیم را او برای ما انجام داده است، هنوز مسئولیت به عهده ما است تا شهوات نفسانی مان را که خدا نمی‌پسندد به صلیب میخکوب نموده، هر روزه آنها را به صلیب بکشیم (غلاطیان ۵ آیات ۲۴ و ۲۵). «²⁴ آنان که به مسیح عیسی تعلق دارند، نفس را با همه هوسها و تمایلاتش بر صلیب کشیده‌اند²⁵. اگر به روح زیست می‌کنیم، به روح نیز رفتار کنیم.»

همه روابط سالم، نیازمند همکاری دوجانبه هستند که با یکدیگر به سوی هدف مشترک کار کنند. در رابطه ما با خداوند هم همینطور است. ما با او در برنامه ها و اهدافش همکار هستیم و نتیجه جانبی و شگفت انگیز عطیه او که ما را پارسا ساخته و نیکی مسیح را به حساب ما گذاشته است این است که ما را قدرت بخشیده تا بر طبیعت جسمانی خود (گناه) غلبه کنیم (کولسیان ۲ آیات ۱۱ تا ۱۵). «¹¹ و در او ختنه نیز شده‌اید، به ختنه‌ای که با دست انجام نشده است. این ختنه همانا از تن به در آوردن شخصیت نفسانی است در ختنه مسیح¹². و در تعمید، با او مدفون گشتید و با ایمان به قدرت خدا که مسیح را از مردگان برخیزانید، با او برخیزانیده شدید.

¹³ آن زمان که در گناهان و حالت ختنه‌ناشده نفس خود مرده بودید، خدا شما را با مسیح زنده کرد. او همه گناهان ما را آمرزید¹⁴ و آن سندِ قرضها را که به موجب قوانین بر ضد ما نوشته شده و علیه ما قد علم کرده بود، باطل کرد و بر صلیب میخکوبش کرده،

از میان برداشت 15. و ریاستها و قدرتها را خلع سلاح کرده، در نظر همگان رسوا ساخت و به وسیله صلیب بر آنها پیروز شد.»

نجات راستین

دلیل دیگری که به هیچ وجه نمی توانیم خود را در برابر خدای قدوس، پاک و بدون گناه ارائه کنیم این است که تنها /و است که قادر است ما را بازسازی کند و شایسته خود نماید - زیرا او تنها داور حقیقی است (رومیان ۳ آیات ۲۴ و ۲۵). «24 اما به فیض او و به واسطه آن بهای رهایی که در مسیح عیسی است، به رایگان پارسا شمرده می شوند 25. خدا او را چون کفاره گناهان عرضه داشت، کفاره ای که توسط خون او و از راه ایمان حاصل می شود. او این را برای نشان دادن عدالت خود انجام داد، زیرا در تحمل الهی خویش، از گناهی که پیشتر صورت گرفته بود، چشم پوشیده بود.» بسیار مهم است درک کنیم پارسا ساختن انسان فقط کار خداست. از ما اصلاً بر نمی آید که رضایت کامل خدا را جلب کنیم!

با این حال، صرفاً چون خدا ما را پارسا ساخته و بخشیده است، بدان معنا نیست که خدا "واقعا گناه ما را نمی بیند"، یا گناه ما عیبی ندارد. کاملاً برعکس، گناه ما می تواند رابطه ما را با خدا از بین ببرد.

برخی افراد چنین باوری دارند که " یکبار نجات یافته ام، پس همیشه نجات را دارم". به عبارت دیگر "اکنون که نجات یافته ام، این حق را رایگان یافته ام، پس می توانم هر طور بخواهم زندگی کنم و هر کاری که هرگز انجام دهم نجات را از من سلب نخواهد کرد" ...

اما اگر بدون اینکه جدی باشیم زمانی به مسیح ایمان بیاوریم و بعد مداوم بر خلاف کلام و شیوه زندگی و اصول او زندگی کنیم - که در آنصورت داریم او را در اصل کاملاً رد می کنیم - آنوقت باید اینکه آیا در همان اول نجات یافته بودیم را زیر سؤال ببریم (عبرانیان ۱۰ آیه ۲۶ تا ۳۹؛ اول یوحنا ۲ آیات ۱ تا ۶، و آیات ۱۵ تا ۱۷ و آیات ۲۰ تا ۲۹). «26 زیرا اگر پس از بهره‌مندی از شناخت حقیقت، عمداً به گناه کردن ادامه دهیم، دیگر هیچ قربانی برای گناهان باقی نمی‌ماند؛ 27 آنچه می‌ماند، انتظار هولناک مجازات و آتشی مهیب است که دشمنان خدا را فرو خواهد بلعید. 28 هر که شریعت موسی را رد می‌کرد، بنا بر گواهی دو یا سه شاهد، بدون ترحم کشته می‌شد. 29 حال به گمان شما چقدر بیشتر کسی که پسر خدا را پایمال کرده و خون عهده‌ی را که بدان تقدیس شده بود، ناپاک شمرده و به روح فیض، بی‌حرمتی روا داشته است، سزاوار مجازاتی بس سخت‌تر خواهد بود؟ 30 زیرا او را می‌شناسیم که فرموده است: «انتقام از آن من است؛ من هستم که سزا خواهم داد»، و نیز: «خداوند قوم خود را داوری خواهد کرد.» 31 آری، افتادن به دستهای خدای زنده چیزی هولناک است. 32 آن روزهای پیشین را به یاد آورید، زمانی را که تازه منور شده بودید؛ در آن روزها، با تحمل رنج و زحمت، در مبارزه‌ی عظیم ایستادگی به خرج دادید. 33 گاهی در برابر چشم همگان مورد اهانت و آزار قرار می‌گرفتید و گاهی دوش به دوش کسانی می‌ایستادید که با ایشان چنین رفتار می‌شد. 34 با آنان که در زندان بودند، همدردی می‌کردید و تاراج اموال خود را با شادی می‌پذیرفتید، زیرا می‌دانستید از داراییهای بهتر که جاودانی است، برخوردارید. 35 پس این آزادگی خود را ترک مگویید، زیرا پاداشی عظیم در پی خواهد داشت. 36 چون لازم است پایداری کنید تا آنگاه که اراده‌ی خدا را به انجام رساندید، وعده را بیاوید. 37 زیرا پس از اندک زمانی «او که باید بیاید، خواهد آمد و تأخیر نخواهد کرد. 38 اما شخص پارسای من به ایمان زیست خواهد کرد. و اگر عقب نشیند، از او خشنود نخواهم شد.» 39 لیکن ما از کسانی نیستیم که به عقب برمی‌گردند و هلاک

می‌شوند، بلکه از آنانیم که ایمان دارند و حیات می‌یابند.» 1 روز سوم، در قانای جلیل عروسی بود و مادر عیسی نیز در آنجا حضور داشت 2. عیسی و شاگردانش نیز به عروسی دعوت شده بودند 3. چون شراب تمام شد، مادر عیسی به او گفت: «شراب ندارند 4»! عیسی به او گفت: «بانو، مرا با این امر چه کار است؟ ساعت من هنوز فرا نرسیده.» 5 مادرش خدمتکاران را گفت: «هر چه به شما گوید، بکنید 6.» در آنجا شش خمره سنگی بود که برای آداب تطهیر یهودیان به کار می‌رفت، و هر کدام گنجایش دو یا سه کیل داشت. 15 پس تازیانه‌ای از طناب ساخت و همه آنها را همراه با گوسفندان و گاو، از معبد بیرون راند. و سکه‌های صرافان را بر زمین ریخت و تختهایشان را واژگون کرد، 16 و کبوترفروشان را گفت: «اینها را از اینجا بیرون برید، و خانه پدر مرا محل کسب مسازید 17»! آنگاه شاگردان او به یاد آوردند که نوشته شده است: «غیرت برای خانه تو مرا خواهد سوزانید.» 20 یهودیان گفتند: «بنای این معبد چهل و شش سال به طول انجامیده است، و حال تو می‌خواهی سه روزه آن را بر پا کنی؟ 21» لیکن معبدی که او از آن سخن می‌گفت پیکر خودش بود 22. پس هنگامی که از مردگان برخاست، شاگردانش این گفته او را به یاد آورده، به کتب مقدس و سخنان او ایمان آوردند. 23 در مدتی که او برای عید پسخ در اورشلیم بود، بسیاری با دیدن آیاتی که از او صادر می‌شد، به نام او ایمان آوردند 24. اما عیسی را بر ایمانشان اعتماد نبود، زیرا همه را می‌شناخت 25 و نیازی نداشت کسی درباره انسان چیزی به او بگوید، زیرا خود می‌دانست در درون انسان چیست.»

کسی که واقعاً نجات یافته و با مسیح رابطه دارد نمی‌تواند شیوه زندگی متفاوتی از خود نشان ندهد. ممکن است تعجب کنید که چرا از واژه های نجات یافته «حقیقی و راستین» استفاده می‌کنم. به این دلیل است که بسیاری از مردم تصور اشتباه دارند که به

دلایل مختلف به بهشت می روند (من آدم خوبی هستم؛ خدا مرا دوست دارد و هرگز مرا محکوم نخواهد کرد؛ من به جهنم اعتقادی ندارم و ...).

اما در کتاب مقدس واضح است که تنها یک راه برای رفتن به حضور ابدی خدا وجود دارد و آنهم از طریق عیسی مسیح است (یوحنا ۱۴ آیه ۶). «6 عیسی به او گفت: «من راه و راستی و حیات هستم؛ هیچ کس جز به واسطه من، نزد پدر نمی آید.» اگر چه این ممکن است از روی تعصب و کوتاه بینانه به نظر برسد، اما حقیقت است.

اینگونه فکر کنید: بیایید فرض کنیم شما در حال رانندگی به سوی شهری ناآشنا هستید. از یک نفر مسیر را می پرسید. او می گوید: "از این جاده پایین برو و به راست بپیچ. آن یک خیابان یک طرفه است. پس مسیر را گم نکن!". اگر شما تصمیم بگیرید که در آن تقاطع به چپ بپیچید، گم خواهید شد. آیا این "کوتاه بینانه" است؟ خیر! این واقعیت است و به شما بستگی دارد که دستور العملها را دنبال کنید!

به علاوه، زندگی های ما پس از نجات باید با گذشته تفاوت پیدا کند. ما مطلقاً "کامل" نمی شویم، اما اینکه آیا زندگی جدید را دریافت کرده ایم از این به ثبوت می رسد که در مسیر شبیه شدن به منجی مان رشد کنیم. مسیح ما را قادر می سازد زندگی پر قدرت داشته باشیم. او اصول اخلاقی و نگرش های ما را تغییر می دهد. سپس قدرت و شفقت به ما می بخشد تا نجات و شاگرد سازی را به کسانی ارائه دهیم که او را نمی شناسند.

گفته اند "زندگی مسیحی ناپیچیده و ساده است، اما آسان نیست". این کاملاً واقعیت دارد! مسیح توضیح داد که ده فرمانِ موسی پیامبر اکنون تنها در دو اصل قانون الهی با نام "احکام ملوکانه" محقق می گردد (مرقس ۱۲ آیات ۳۰ و ۳۱؛ رومیان ۱۳ آیات ۸ تا ۱۰؛ یعقوب ۲ آیه ۸). «(۳۰) خداوندِ خدای خود را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی

فکر و با تمامی قوت خود محبت کن. (۳۱) دومین حکم این است: "همسایه‌ات را همچون خویشتن محبت کن." بزرگتر از این دو حکمی نیست.

«(۸) هیچ دینی به کسی نداشته باشید جز اینکه یکدیگر را پیوسته محبت کنید. زیرا هر که به دیگری محبت کند، در واقع شریعت را به جا می‌آورد. (۹) زیرا احکام 'زنا مکن'، 'قتل مکن'، 'دزدی مکن'، 'طمع مورز'، و هر حکم دیگری که باشد، همه در این کلام خلاصه می‌شود که «همسایه‌ات را همچون خویشتن محبت کن.» (۱۰) محبت، به همسایه خود بدی نمی‌کند؛ پس محبت تحقق شریعت است.»

«(۸) اگر برآستی شریعت شاهانه را مطابق با این گفته کتاب به جای آورید که می‌فرماید: «همسایه‌ات را همچون خویشتن محبت کن،» کار نیکو کرده‌اید.»

اگر ما واقعاً مطابق کلام خدا و اصول او زندگی می‌کنیم و او و دیگران را عمیقاً دوست می‌داریم، پس طبیعتاً از احکام او اطاعت خواهیم کرد. محبت کردن به خدا و به دیگران زندگی ایثارگرانه و فداکارانه است. **نخواهیم خواست** کسی را بکشیم، به دیگران حسادت بورزیم یا دزدی کنیم. نخواهیم خواست خدا را ناراحت کنیم، یا به خود یا دیگران آسیب برسانیم. اما اینها البته فقط با زندگی تحت کنترل روح القدس حاصل می‌شود.

۵- در مسیح تقدیس شده ایم

کلمه "تقدیس کردن" به معنی "جدا کردن"، "منسوب کردن"، "پاک ساختن" و "اهدا کردن" است. کتاب مقدس می‌گوید ما به عنوان ایمانداران تقدیس شده هستیم. واژه "تقدیس" به واژه "مقدس" ارتباط دارد و در ایمان مسیحی این دو اغلب به جای هم استفاده می‌شوند. مفهوم آن اینست که **خدا** در لحظه نجات مان، ما را مقدس می‌سازد.

و زمانی که وارد چنین رابطه ای با او می شویم، او ما را برای برنامه‌های نیکو و خواست مبارک الهی اختصاص می دهد و جدا می سازد.

شنیدن اینکه ما " مقدس " هستیم ممکن است در باطن، ما را به طغیان وا دارد چرا که می گوییم : "من مقدس نیستم! تنها خداست که مقدس است!". اما کلام خدا این را برایمان روشن می سازد که به عنوان پیروان مسیح ما یک قوم کاملاً جدا و متفاوت هستیم. عیسی با قربانی ساختن خویش ما را مقدس ساخته است. این به خواست ما نبوده (یوحنا ۱۷ آیات ۹ تا ۱۹؛ اول قرن‌تیاں ۱ آیه ۲، و آیات ۳۰ و ۳۱، و باب ۶ آیه ۱۱؛ کولسیان ۱ آیات ۲۱ تا ۲۳؛ اول تسالونیکیان ۵ آیات ۲۳ و ۲۴؛ اول پطرس ۱ آیات ۲ تا ۴) «9 درخواست من برای آنهاست؛ من نه برای دنیا بلکه برای آنهایی درخواست می‌کنم که تو به من بخشیده‌ای، زیرا از آن تو هستند 10. هرآنچه از آن من است، از آن توست و هرآنچه از آن توست، از آن من است؛ و در ایشان جلال یافته‌ام 11. بیش از این در جهان نمی‌مانم، اما آنها هنوز در جهانند؛ من نزد تو می‌آیم. ای پدرِ قدّوس، آنان را به قدرت نام خود که به من بخشیده‌ای حفظ کن، تا یک باشند، چنانکه ما هستیم 12. من آنها را تا زمانی که با ایشان بودم، حفظ کردم، و از آنها به قدرت نام تو که به من بخشیده‌ای، محافظت نمودم. هیچ‌یک از ایشان هلاک نشد، جز فرزند هلاکت، تا گفته کتب مقدّس به حقیقت پیوندد 13. اما حال نزد تو می‌آیم، و این سخنان را زمانی می‌گویم که هنوز در جهانم، تا شادی مرا در خود به کمال داشته باشند 14. من کلام تو را به ایشان دادم، اما دنیا از ایشان نفرت داشت، زیرا به دنیا تعلّق ندارند، چنانکه من تعلّق ندارم 15. درخواست من این نیست که آنها را از این دنیا ببری، بلکه می‌خواهم از آن شرور حفظشان کنی . 16 آنها به این دنیا تعلّق ندارند، چنانکه من نیز تعلّق ندارم 17. آنان را در حقیقت تقدیس کن؛ کلام تو حقیقت است 18. همان‌گونه که تو مرا به جهان فرستادی، من نیز آنان را به

جهان فرستاده‌ام 19. من خویشتن را به‌خاطر ایشان تقدیس می‌کنم، تا ایشان نیز به حقیقت تقدیس شوند.» «2 به کلیسای خدا در قُرْنَتُس، که در مسیح عیسی تقدیس شده و فرا خوانده شده‌اند تا قوم مقدّس خدا باشند، همراه با همهٔ آنان که در هر جای دیگر نام خداوند ما عیسی مسیح را می‌خوانند، که خداوند ما و خداوند ایشان است: 30 از اوست که شما در مسیح عیسی هستید، که از جانب خدا برای ما حکمت شده است، یعنی پارسایی، قدّوسیت و رهایی ما 31. تا چنانکه آمده است: «هر که فخر می‌کند، به خداوند فخر کند.» «11 بعضی از شما در گذشته چنین بودید، امّا در نام عیسی مسیح خداوند و توسط روح خدای ما شسته شده، تقدیس گشته و پارسا شمرده شده‌اید.» «21 شما نیز زمانی بیگانه با خدا، و در افکار خویش دشمن او بودید، و این در اعمال شیرانهٔ شما پدیدار می‌گشت. 22 امّا اکنون مسیح شما را به واسطهٔ بدن بشری خود و از طریق مرگ آشتی داده است، تا شما را مقدّس و بی‌عیب و بری از هر ملامت به حضور خدا بیاورد، 23 به شرطی که در ایمان مستحکم بوده، استوار بمانید و از امید انجیل جنبش نخورید، همان انجیل که شنیدید و به تمامی خلقت زیر آسمان موعظه شده است، و من، پولس، خادم آن گشته‌ام.» «23 خدای سلامتی، خود شما را به تمامی تقدیس کند و روح و جان و تن شما تا آمدن خداوند ما عیسی مسیح، بی‌عیب محفوظ بماند 24. او که شما را فرا می‌خواند، امین است و این را خواهد کرد.» «2 به آنان که بنا بر پیشدانی خدای پدر، به واسطهٔ عمل تقدیس‌کنندهٔ روح، و برای اطاعت از عیسی مسیح و پاشیده شدن خونس بر ایشان، برگزیده شده‌اند: فیض و سلامتی به‌فزونی بر شما باد. 3 متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح که از رحمت عظیم خود، ما را به واسطهٔ رستاخیز عیسی مسیح از مردگان، تولّدی تازه بخشید، برای امیدی زنده 4 و میراثی فسادناپذیر و بی‌آلایش و ناپژمردنی که برای شما در آسمان نگاه داشته شده است؛» و ما باید مطابق این حقیقت، نمایندگان مسیح باشیم.

با کاوش عمیق تر، در می یابیم که تقدیس دو جنبه دارد. یک جنبه زمانی است که عیسی را در قلب خویش می پذیریم و روح ما **بلافاصله** تقدیس می شود. پیش از نجات، روح ما مُرده بود، اما اکنون در مسیح " زنده شده " است (کولسیان ۲ آیه ۱۳؛ تیتوس ۳ آیات ۴ و ۵). «(۱۳) آن زمان که در گناهان و حالت ختنه‌ناشده نفس خود مرده بودید، خدا شما را با مسیح زنده کرد. او همه گناهان ما را آمرزید»

«(۴) اما زمانی رسید که مهربانی و لطف نجات‌دهنده ما خدا آشکار شد، (۵) و ما را نجات داد، اما نه به خاطر کارهای نیکویی که انجام داده بودیم، بلکه فقط در اثر رحمتی که نسبت به ما داشت. او با شستن گناهانمان، تولدی نو و زندگی‌ای تازه که از روح‌القدس است، بخشید.»

به همین دلیل کتاب مقدس از نجات ما به عنوان " تولد دوباره " ، " از نو زاده شدن " و " خلقتی تازه " یاد می کند. از این رو می توانیم در همان لحظه پذیرفتن مسیح، با خدای زنده ارتباط برقرار کنیم. آن زمان او طرز فکر و روح القدس خویش را به ما می دهد و ما به معنای واقعی و به قدر کفایت مقدس می شویم تا بتوانیم روح قدوس او را در خود مأوا دهیم.

جنبه دیگر تقدیس این است که "نفس" ما (جسم ما) هنوز نیاز به بازسازی دارد !

عبرانیان ۱۰ آیه ۱۴ درباره این تقدیس دو مرحله‌ای سخن می گوید: " زیرا با آن یک قربانی، او (مسیح) آنانی را که مقدس می شوند تا ابد کامل ساخته است. " (ترجمه از کتاب مقدس انگلیسی). این قسمت آیه که می گوید "تا ابد کامل ساخته است" یعنی همان موقع که ایمان می آوریم در نظر او کامل و مقدس هستیم.

آن قسمت آیه از کتاب مقدس که می گوید "آنانی را که مقدس می شوند" به این معنا است که نفس کهنه گناه آلود ما همواره در حال تغییر یافتن و پاک شدن است. این به وسیله دعا و نیز پاک سازی ما توسط خواندن حقایق کتاب مقدس و مطالعه و اطاعت از آن صورت می گیرد. به علاوه ما با خدمت به خدا و انضباط دادن خود در پیروی از راههای او، مقدس می شویم (رساله دوم پطرس ۱ آیه ۱۰). «10 پس ای برادران، هر چه بیشتر بکوشید تا فراخواندگی و برگزیدگی خویش را تثبیت نمایید، چرا که اگر چنین کنید هرگز سقوط نخواهید کرد.»

تا کنون مطالب زیادی راجع به جایگاه خود در مسیح آموخته ایم. در بخش بعدی راجع به نقش مهمی که ما در رابطه پر اهمیت با خداوند خود ایفا می کنیم بیشتر خواهیم آموخت.

۶- مسئولیت ما به عنوان مسیحیان

پیش از این اشاره شد که رابطه ما با خدا جنبه دو طرفه دارد. می بینیم بسیاری از وعده های کتاب مقدس مشروط (وابسته) به عکس العمل ما به خداوند و کلام او است. عطایای عالی را خدا به ما داده است، اما باید کوشش کنیم تا در رابطه نزدیک با او زندگی کرده و مطیع او باشیم. تنها آن زمان، همانطور که آموختیم، می توانیم پیروزمندانه در این حقایق در مورد جایگاه ما در خداوند زندگی کنیم.

اگر چه نجات ما رایگان است - نیاز نیست ما کاری در ازای آن انجام دهیم - و تنها خدا است که آن را امکان پذیر می سازد اما باید بدانیم که به قیمت جان خود عیسی مسیح تمام شده است. و سایر قسمتهای رابطه ما با مسیح، از جمله سطح صمیمت با او، عمق تعهد ما نسبت به او، مفید بودن ثمرات روح در ما، و توانایی آوردن بی ایمانان به

سوی مسیح - مستقیماً به این بستگی دارد که تا چه حد مسئولیت خود را در این رابطه انجام می دهیم.

مسیحی بودن فقط در اسم نیست بلکه یک شیوه زندگی است - نه اینکه صرفاً "بگوییم" ایمان داریم. (رساله یعقوب ۲ آیات ۱۹ و ۲۰). «19 تو ایمان داری که خدا یکی است. نیکو می کنی! حتی دیوها نیز این گونه ایمان دارند و از ترس به خود می لرزند! 20 نادان، می خواهی بدانی چرا ایمان بدون عمل بی ثمر است؟»

باور داشتن، ارتباطی بسیار نزدیک به طرز فکر و صحبت و رفتار ما دارد. به یاد داشته باشید، در انجیل در نامه یعقوب می خوانیم **"ایمان بدون عمل مُرده است"**. حقیقت این است: زندگی ای که غرق وجود مسیح باشد مسلماً پر تحرک و سرزنده خواهد بود و دیگران را نیز بهره مند خواهند ساخت!

از کجا می توانیم بدانیم که در حال رشد هستیم؟

برای نو ایمانان، یک راه برای تشخیص پیشرفت شما در شباهت یافتن به مسیح این است که می بینید دارید به تدریج علاقه خود را به بعضی کارها که قبلاً انجام می دادید از دست می دهید. دوستان و معاشین قبلی تان که جدا از مسیح زندگی می کنند به تدریج به نظرتان غریبه می آیند. به عنوان یک مسیحی، هوشیاری بیشتری نسبت به زندگی درست، نادرست و یا زندگی پیش پا افتاده و بی خاصیت خواهید داشت. همچنانکه در رابطه مان با مسیح پیشرفت می کنیم، علاقه بسیار به آنچه از خدا است و او در جهان انجام می دهد پیدا می کنیم و از چیزهایی که قبلاً انجامش را جایز می دانستیم خودداری می کنیم.

اما این را هم بدانید به احتمال زیاد اطرافیان شما در مدرسه، محل کار و خانه با شما مخالفت می کنند. دیگران درک نمی کنند چرا در حال تبدیل هستید! ممکن است حتی عصبانی شوند، زیرا رابطه راحت و آشنایی را که با شما داشتند دارید تغییر می دهید.

در این مرحله، لازم است با دعا بسنجید که آیا ارزش دارد دوستی تان را با آنها حفظ کنید؟ اغلب اوقات درخواست می یافتم که آنهایی که "فکر می کردیم" دوست هستند، در حقیقت اصلاً دوستان ما نیستند. یک دوست واقعی همیشه بهترین را برای شما می خواهد. در عین حال، زمانهایی هم هست که خدا می تواند فرصتهایی ایجاد کند تا با محبت در مورد ایمان خود با آنها صحبت کنید.

همچنان که در رابطه خود با مسیح پیشرفت می کنیم، قادر خواهیم بود نشانه های بارز دیگری را ببینیم که گویای رشد ما هستند. درست همانند درختی که شاخ و برگ می دهد و قد می کشد، می توانیم رشد صحیح روحانی مان را با "ثمرات مان" در زندگی خود بسنجیم. افکار و کردار و انگیزه های ما همچنانکه به مسیح شبیه تر می شویم، شروع به تغییر می کنند (لوقا ۶ آیات ۴۳ و ۴۴). «(۴۳) اگر درخت خوب باشد، میوه اش نیز خوب خواهد بود، و اگر بد باشد، میوه اش نیز بد خواهد بود. (۴۴) درخت را از میوه اش می شناسند. نه بوته خار/انجیر می دهد و نه بوته تمشک، انگور!»

محک زدن خود به طور مرتب که آیا ثمرات روح خدا در زندگی ما نمایان هستند، یک تمرین ضروری است. این ثمرات در غلاطیان ۵ آیات ۲۲ تا ۲۴ بیان شده اند. می بایست فهرستی از آنچه باور داریم و تأثیری که در زندگی ما با مسیح دارند تهیه کنیم. آسان است که به حاشیه برویم و دعاها و تمرکزمان صرفاً متوجه خودمان باشد. یکی از نشانه های رشد این است که برای کمک به تقویت و حمایت و دعا برای دیگران نگاهمان را

از زندگی خود برداریم، و این برای ما شادی عظیم و برای خدا جلال بسیار به همراه خواهد داشت!

سرسپردگی ما

الف) ما **حکم یافته ایم** تا پارسایانه، در قدوسیت و پاکی زندگی کنیم (دوم تیموتائوس ۲ آیات ۲۱ و ۲۲). «(۲۱) پس هر که خود را از آنچه گفتم پاک نگاه دارد، ظرفی خواهد بود که به کار مصارف مهم می آید، ظرفی مقدس و مفید برای صاحبخانه و مهیا برای هر کار نیکو. (۲۲) از امیال جوانی بگریز، و به همراه آنان که با دلی پاک خداوند را می خوانند، در پی پارسایی و ایمان و محبت و صلح باش.» همه ما آگاهیم که نمی توانیم بدون یاری گرفتن این را انجام دهیم!

خدا را شکر می کنیم زیرا او توسط روح القدسی که در ما زیست می کند "کمک" مورد نیاز مان را فراهم می کند. زمانی که در زندگی مسیحی خود در برابر قدرت و رهبری روح القدس مقاومت نشان دهیم در نهایت با شکست مواجه می شویم. همچنین نخواهیم توانست دیگران را به سوی منجی پر شکوه خود هادی شویم (غلاطیان ۵ آیات ۱۶ تا ۲۱). «(۱۶) اما می گویم به روح رفتار کنید که تمایلات نفس را به جا نخواهید آورد. (۱۷) زیرا تمایلات نفس برخلاف روح است و تمایلات روح برخلاف نفس؛ و این دو بر ضد هم اند، به گونه ای که دیگر نمی توانید هرآنچه را که می خواهید، به جا آورید. (۱۸) اما اگر از روح هدایت شوید، دیگر زیر شریعت نخواهید بود. (۱۹) اعمال نفس روشن است: بی عفتی، ناپاکی، و هرزگی؛ (۲۰) بت پرستی و جادوگری؛ دشمنی، ستیزه جویی، رشک، خشم؛ جاه طلبی، نفاق، دسته بندی، (۲۱) حسد؛ مستی، عیاشی و مانند اینها. چنانکه پیشتر به شما هشدار دادم، باز می گویم که کنندگان چنین کارها پادشاهی خدا را به میراث نمی برند.»

واقعیت این است که وقتی ما با استفاده از توان و هوش خود برنامه های خود را **مستقل از خدا** پیش ببریم، محصولی "نفسانی" برداشت می کنیم. چنان زندگی به این ترتیب پیش می رود: با افکار و امیال ما آغاز می شود و مراحل بعدی آن برنامه ریزی و سر و سامان دادن های انسانی ما خواهد بود.

در نهایت به این نتیجه می رسیم که چنین طرز عملی بی ثمر و نامطلوب است (غلاطیان ۶ آیه ۸). «(۱) کسی که برای نفس خود می کارد، از نفس تباهی درو خواهد کرد؛ اما کسی که برای روح می کارد، از روح حیات جاویدان خواهد دروید.»

وقتی خواست خود را بخواهیم و نه آنچه را که خدا واقعاً می خواهد، تبدیل به "مسیحیانی" می شویم که کردارشان چندان شباهتی با خداوند ما ندارد. منظور از اصطلاح "مسیحیان دنیوی" نیز همین است.

درینجا مقصود این نیست که زندگی ما آنچنان باشد که گویا همه چیز روحانی است و در نتیجه دست به کاری نزنیم، یا اینکه اگر به اندازه کافی دعا کنیم خدا از ما مراقبت می کند - بدون آنکه تلاشی کرده یا سهمی بگذاریم! کاملاً برعکس، ما باید ذهن، نیرو، وقت و منابع مالی خود را به کار بگیریم تا زندگی پر ثمری در این جهان داشته باشیم. صحبت من در باره آن نوع زندگی است که طوری برنامه ریزی میشود که خداوند در آن هیچ سهمی یا تأثیری ندارد.

شاید بگویید افراد بسیاری هستند - حتی غیر ایمانداران (که به مسیح علاقه ای ندارند یا از او پیروی نمی کنند) - که برای دنیا کارهای "نیکو" انجام می دهند. آنها از خلاقیت و نبوغ خود برای انجام اهداف شایان استفاده میکنند و "انسانهای شریر" هم تلقی نمی شوند.

خوب، ممکن است این درست باشد. اما وقتی کارها را جدا از قدرت و برنامه های الهی انجام می دهیم، ثمری "ابدی" از زحمات مان حاصل نمی شود.

همچنین، به اکثر نتایج تلاشهای بشری فکر کنید. وقتی بدون هدایت خدا " کارهای نیکو" انجام می دهیم، مستعد افتخار کردن به دستاوردهای خود می گردیم. وقتی پای پول وسط می آید اغلب حریص هم می شویم. وقتی برای توانایی هایمان پاداش دریافت می کنیم اغلب نمی خواهیم شخص دیگری در کانون توجه قرار بگیرد. اکثراً تمام فکر و تلاش ما این می شود که دستاوردهای بزرگ تر، بیشتر و بهتر داشته باشیم. حتی اگر شما اینطور نباشید، واقعیت این است که اگر نفس خود را بپرورانیم، معمولاً شهوات در آخر بر ما غلبه کرده، ما را کنترل خواهند کرد. (رومیان ۶ آیه ۱۶؛ دوم پطرس ۲ آیه ۱۹). «(۱۶) آیا نمی دانید که وقتی خود را همچون بندگانی فرمانبردار تسلیم کسی می کنید، بندگان آن کس خواهید بود که او را فرمان می برید، خواه بنده گناه، که منجر به مرگ می شود، خواه بنده اطاعت، که به پارسایی می انجامد؟»

«(۱۹) بدیشان وعده آزادی می دهند، حال آنکه خود بنده فسادند؛ چه، آدمی بنده هر آن چیز است که بر او مسلط است.»

ب) باید از گناه بگریزیم (رومیان ۶ آیات ۱۲ تا ۲۳). « 12 پس مگذارید گناه در بدنهای فانی شما فرمان براند تا امیال آن را اطاعت کنید. 13 اعضای بدن خود را تسلیم گناه نکنید تا ابزار شرارت باشند، بلکه همچون کسانی که از مرگ به زندگی بازگشته اند، خود را تسلیم خدا کنید. و اعضای بدن خود را به او بسپارید تا ابزار پارسایی باشند. 14 زیرا گناه بر شما فرمان نخواهد راند، چون زیر شریعت نیستید بلکه زیر فیضید. 15 پس چه گوییم؟ آیا گناه کنیم چون زیر شریعت نیستیم، بلکه زیر فیضیم؟ هرگز! 16 آیا نمی دانید که وقتی خود را همچون بندگانی فرمانبردار تسلیم کسی می کنید، بندگان آن کس خواهید

بود که او را فرمان می‌برید، خواه بنده گناه، که منجر به مرگ می‌شود، خواه بنده اطاعت، که به پارسایی می‌انجامد؟ 17 اما خدا را شکر که هرچند پیشتر بندگان گناه بودید، لیکن به تمامی دل مطیع آن تعلیم گشتید که بدان سپرده شدید. 18 شما با آزاد شدن از گناه، بندگان پارسایی شده‌اید. 19 من به علت محدودیتهای بشری شما، این مطالب را در قالب تشبیهاتی بشری بیان می‌کنم: همان‌گونه که پیشتر اعضای بدن خود را به بندگی ناپاکی و شرارت روزافزون می‌سپردید، اکنون آنها را به بندگی پارسایی بسپارید که به قدوسیت می‌انجامد. 20 هنگامی که بندگان گناه بودید، از پارسایی آزاد بودید. 21 در آن زمان، از انجام اعمالی که اکنون از آنها شرمسارید، چه ثمری بردید؟ نتیجه انجام آن اعمال، مرگ است! 22 اما حال که از گناه آزاد گشته و بندگان خدا شده‌اید، ثمری که می‌برید نیل به تقدس است که به حیات جاویدان می‌انجامد. 23 زیرا مزد گناه مرگ است، اما عطای خدا حیات جاویدان در خداوند ما مسیح عیسا است.» این بدان معناست که از آن مثل جنگلی سوزان فرار کنید. اغلب اوقات به جای فرار از گناه می‌خواهیم که با آن سر کنیم. برای بازی با گناه، گزینه های بدی را انتخاب می‌کنیم و وقتی عواقب آن پیش می‌آید می‌خواهیم دنیا، شرایط مان، افراد دیگر و شیطان را مقصر بدانیم.

اگر چه دنیا، شرایط، دیگران و شیطان بر رفتارمان **تاثیر می‌گذارند**، کتاب مقدس می‌گوید که نفس (جسم) است که ما را به گناه وامی‌دارد — و این مسئولیت کاملاً با ما است که آن را رد کنیم (رومیان ۸ آیات ۱۲ و ۱۳؛ نامه یعقوب ۱ آیات ۱۴ و ۱۵). «(۱۲) پس ای برادران، ما مدیونیم، اما نه به نفس، تا بر طبق آن زندگی کنیم. (۱۳) زیرا اگر بر طبق نفس زندگی کنید، خواهید مرد؛ اما اگر به واسطه روح، اعمال گناه‌آلود بدن را بکشید، خواهید زیست.» «(۱۴) هنگامی که کسی وسوسه می‌شود، هوای نفس خود اوست که او را می‌فریبد و به دام می‌افکند. (۱۵) هوای نفس که آبتن شود، گناه می‌زاید و گناه نیز چون به ثمر رسد، مرگ به بار می‌آورد.»

در این میان، حتی اگر گهگاهی - و نه به عنوان عادت و طرز زندگی - گناه کنیم، این تسلی پر ارزش را داریم که **وقتی** توبه کنیم، مسیح ما را به سوی خدا باز میگرداند (به این معنا که باید حقیقتاً از گناه خود روی برگردانیم و با توجه کامل از مسیح پیروی کنیم، نه اینکه فقط وعده های پوچ بر زبان آوریم اما به همان کارهای سابق ادامه دهیم) دوم قرن‌تین ۷ آیه ۱۰؛ اول یوحنا ۱ آیه ۹). «(۱۰) چون اندوهی که برای خدا باشد، موجب توبه می‌شود، که به نجات می‌انجامد و پشیمانی ندارد. اما اندوهی که برای دنیاست، مرگ به بار می‌آورد.» «(۹) ولی اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او که امین و عادل است، گناهان ما را می‌آمرزد و از هر نادرستی پاکمان می‌سازد.»

همانطور که همه می‌توانیم شهادت بدهیم، گناه واقعاً باعث ایجاد احساس بی‌کفایتی، درماندگی، مقصر بودن، ترس، خشم و کینه در زندگی مان می‌شود. علاوه بر این امید ما را برای این هدف که شبیه به مسیح شویم از ما سلب می‌کند. گناه ما را در اسارت صرفاً نگه می‌دارد.

اگر شخص به مدت طولانی به گناهان خود ادامه دهد شادی و آرامش نخواهد داشت و در نهایت اگر قصداً این را ادامه دهیم و مسیح و کلام او و ایمانداران و طریقه‌های خداوند را رد کنیم، چنین کاری قطعاً می‌تواند به مرگ روحانی منجر شود (رومیان ۸ آیات ۵ تا ۸؛ غلاطیان ۶ آیات ۷ تا ۱۰؛ عبرانیان ۶ آیات ۴ تا ۶). «5 آنان که نفسانی هستند، به آنچه از نفس است می‌اندیشند، اما آنان که روحانی‌اند، به آنچه از روح است 6. طرز فکر انسانِ نفسانی، مرگ است، اما طرز فکری که در حاکمیتِ روح قرار دارد، حیات و سلامتی است . 7 زیرا طرز فکر انسانِ نفسانی با خدا دشمنی می‌ورزد، چرا که از شریعت خدا فرمان نمی‌برد و نمی‌تواند هم ببرد، 8 و کسانی که در حاکمیتِ نفس هستند، نمی‌توانند خدا را خشنود سازند.» «7 فریب نخورید: خدا را استهزا نتوان کرد. انسان هر چه بکارد، همان را خواهد

درِوید 8. کسی که برای نَفْسِ خود می‌کارد، از نَفْسِ تباهی درو خواهد کرد؛ اما کسی که برای روح می‌کارد، از روح حیات جاویدان خواهد دروید 9. لذا از انجام کار نیک خسته نشویم، زیرا اگر دست از کار برنداریم، در زمان مناسب محصول را درو خواهیم کرد 10. پس تا فرصت داریم به همه نیکی کنیم، به‌ویژه به اهل بیت ایمان. «4 زیرا آنان که یک بار منور گشتند و طعم آن موهبت آسمانی را چشیدند و در روح‌القدس سهیم شدند 5 و طعم نیکویی کلام خدا و نیروهای عصر آینده را چشیدند، 6 اگر سقوط کنند، ممکن نیست بتوان ایشان را دیگر بار به توبه آورد، چرا که به زیان خویش، پسر خدا را باز بر صلیب می‌کنند و او را در برابر چشم همگان بی‌حرمت می‌سازند.»

پ) باید مشخص کنیم چه چیزهایی خداوند را خشنود می‌سازد (رومیان ۱۴ آیات ۱۷ تا ۱۹؛ افسسیان ۵ آیه ۱۰؛ اول تسالونیکیان ۵ آیه ۱۸). «17 زیرا پادشاهی خدا خوردن و نوشیدن نیست، بلکه پارسایی، سلامتی و شادی در روح‌القدس است 18. هر که بدین طریق مسیح را خدمت کند، خدا را خشنود می‌سازد و پذیرفته مردم نیز هست. 19 پس بیایید آنچه را که موجب برقراری صلح و صفا و بنای یکدیگر می‌شود، دنبال کنیم.» «10 بسنجید که مایه خشنودی خداوند چیست.» «18 در هر وضعی شکرگزار باشید، زیرا این است اراده خدا برای شما در مسیح عیسی.»

کولسیان ۱ آیات ۹ و ۱۰ چند روش را به ما نشان می‌دهد که توسط آنها می‌توانیم خدا را خشنود سازیم:

(*) دعا

(*) فهم و پی بردن به اراده او

(*) دریافت حکمت روحانی او

(*) اختصاص دادن زمان برای فهم کتاب مقدس و امور الهی

(*) تولید ثمرات نیکو که خداپسندانه و دارای کیفیت ابدی باشند

(*) یادگیری رشد در ایمان ما

(*) کوشش در اینکه با خدا از نزدیک تر آشنا شویم و او را عمیق تر بشناسیم

ضروری است که **روزانه** از مسیح تغذیه شویم. به این معنی که کنترل زمان و خواسته هایمان را به دست بگیریم. باید وقت بگذاریم و کتاب مقدس را مطالعه کنیم، در دعا باشیم و در باره ی کلام خدا عمیقاً تفکر کنیم تا بتوانیم مسیح را از نزدیک بشناسیم.

همچنین شرکت در کلیسایی که از کتاب مقدس تعلیم صحیح می دهد و اعضای آن مطیع کلام خدا هستند، و نیز صرف وقت با مسیحیانی که با عزم و آگاهانه برای مسیح زندگی می کنند و خصائل خداوند در زندگی هاشان دیده می شود، به ما کمک می کند **پیروزمندانه** این دستورالعمل خداوندان را به کار بگذاریم (امثال ۳ آیات ۵ تا ۶؛ رومیان ۱۲ آیات ۱ و ۲). «5 با تمام دل خود بر خداوند توکل کن، و بر عقل خویش تکیه منما؛ 6 در همه راههای خود او را در نظر داشته باش، و او طریقه های راست خواهد گردانید.» 1 پس ای برادران، در پرتو رحمت های خدا، از شما استدعا می کنم که بدنهای خود را همچون قربانی زنده و مقدس و پسندیده خدا تقدیم کنید که عبادت معقول شما همین است 2. و دیگر همشکل این عصر مشوید، بلکه با نو شدن ذهن خود دگرگون شوید. آنگاه قادر به تشخیص اراده خدا خواهید بود؛ اراده نیکو، پسندیده و کامل او.»

باید شرارت را از تن به درآورده و طبیعت کهنه را دور بیندازیم

باید بگذاریم روح القدس اندیشه ها و طرز فکر ما را تازه بسازد

باید آن طبیعت تازه را بر تن کنیم (افسسیان ۴ آیات ۱۷ تا ۲۴)

«17 پس این را می‌گوییم و در خداوند تأکید می‌کنم که رفتار شما دیگر نباید همانند اقوام دور از خدا باشد که در بطالت ذهن خود رفتار می‌کنند18. عقل آنها تاریک شده است، و به علت جهالتی که نتیجهٔ سختدلی‌شان است، از حیات خدا به دور افتاده‌اند. 19 آنان چون هر حساسیتی را از دست داده‌اند، خویشتن را یکسره در هرزگی رها کرده‌اند، چندان که حریصانه دست به هر ناپاکی می‌آلایند20. اما شما مسیح را بدین‌گونه نیاموختید، 21 چه بی‌گمان دربارهٔ او شنیدید و مطابق آن حقیقت که در عیسی است، تعلیم یافتید22. شما آموختید که باید به لحاظ شیوهٔ زندگی پیشین خود، آن انسان قدیم را که تحت تأثیر امیال فریبنده دستخوش فساد بود، از تن به در آورید23. باید طرز فکر شما نو شود، 24 و انسان جدید را در بر کنید، که آفریده شده است تا در پارسایی و قدوسیت حقیقی، شبیه خدا باشد.»

اگر چه خدا بیشتر "کار" را خودش با ارائه نجات و آوردن ما به کمال بلوغ در ایمان انجام می‌دهد، ما نیز خوانده شده ایم تا برای نزدیک ماندن به او و اطاعت از آنچه از ما می‌خواهد بهترین سعی خود را انجام دهیم.

موضوع قوانین و مقررات نیست! بلکه درباره رابطه است! به یاد داشته باشید هر چه رابطه ما با مسیح نزدیک تر باشد کمتر او را آزاده می‌سازیم یا کمتر به او بی توجهی نشان می‌دهیم یا از او نافرمانی می‌کنیم. این همان عاملی است که به ما نیرو و قدرت می‌بخشد تا از او اطاعت کنیم!

برای پاداش ما، همچنان که در او زندگی می‌کنیم او نیز شروع به تغییر قلب و ذهنمان می‌کند تا خواسته‌های ما با خواست او هماهنگ شوند. این پیشرفتِ مافوق طبیعی و درخشندهٔ ایمان است و زندگی را دیگرگون می‌سازد!

زمانی که ما اهتمام به زندگی خداپسندانه می‌کنیم، خداوند ما را توانایی می‌بخشد و تقویت می‌کند، و ما در مسیر رشد "از جلال به جلال" متبدل خواهیم شد (دوم قرن‌تیا

۳ آیات ۱۵ تا ۱۸). «15 اما اگر کار کسی بسوزد، زیان خواهد دید؛ و هرچند خود نجات خواهد یافت، اما همچون کسی خواهد بود که از میان شعله‌های آتش جان به در برده باشد. 16 آیا نمی‌دانید که معبد خدایید و روح خدا در شما ساکن است؟ 17 اگر کسی معبد خدا را خراب کند، خدا او را هلاک خواهد کرد؛ زیرا معبد خدا مقدس است و شما آن معبد هستید. 18 خود را فریب مدهید. اگر کسی از شما خود را با معیارهای این عصر حکیم می‌پندارد، برای اینکه حکیم باشد، باید جاهل گردد.» در ادامه، فهرستی از ویژگی‌های شخصیتی داریم که می‌بایست همگام با درخشش مسیح در زندگی مان، به عنوان مقیاس سنجش رشد ما شروع به تجلی کنند (فیلیپیان ۱ آیات ۹ تا ۱۱). «9 دعایم این است که محبت شما هر چه بیشتر فزونی یابد و با شناخت و بصیرت کامل همراه باشد، 10 تا بتوانید بهترین را تشخیص دهید و در روز مسیح، پاک و بی‌عیب 11 و آکنده از ثمرات پارسایی باشید که به واسطه عیسی مسیح به بار می‌آید و به تجلیل و سپاس خدا می‌انجامد.»

(*) محبت

(*) مهربانی

(*) رشد در ایمان

(*) بی وقفه دعا کردن

(*) بلافاصله و به سادگی بخشیدنِ دیگران

(*) اهتمام کامل برای ماندن در روح القدس

(*) با یکدیگر صبور بودن

(*) خواندن منظم کلام خدا به همراه دعا و تفکر عمیق در آن

(*) اندیشیدن به آسمان و محل حضور خدا

(*) ایجاد صلح در هر زمان ممکن

(*) روح القدس را با طرز زندگی خود محزون نساختن

(*) در همه شرایط شکرگزار بودن

(*) پیوسته شادمان بودن!

(*) خدمت کردن در هر فرصت مقدور

شما را به چالش می کشم تا هر هفته یکی از این دیدگاه ها / عملکردها را
انتخاب کرده به آنها عمل کنید.

وقتی همکاری ما با خدا از نزدیک و در همگامی کامل با اوست،

تغییرات و دگرگونی های معجزه آسا صورت خواهند گرفت!

فصل ۴ و ۵

پی ریزی شالوده

تفکر و تعمق در آنچه خواندیم

۱- پنج موقعیت و جایگاهی که خداوند برای شما فراهم کرده است کدامند؟

۲- دو اسلحه اصلی که به آنها نیاز داریم تا بتوانیم در خدمت خدا باشیم کدامند؟

۳- به نظر شما آیا فعالیت مسیحی شما به طوری است که انگار در " کشتی
تفریحی " هستید یا در " کشتی جنگی " ؟ به چه دلیل؟

۴- آیا فکر می کنید رابطه ای مستحکم با مسیح دارید؟ یا فکر می کنید پیوسته
باید در تلاش برای بدست آوردن لطف و محبت او باشید؟

آیا اغلب احساس گناه می کنید؟

یا به راحتی برای همه چیز به حضورش می آیید؟

آیا احساس می کنید محبوب و خاص هستید؟

۵- اگر فکر می کنید رابطه شما با خداوند مستحکم نیست و او شما را دوست نمی دارد، آیا مایل هستید شروع کنید چنین باوری داشته باشید که حقیقت خدا در مورد شما واقعیت دارد؟ (به عبارت دیگر او شما را دوست می دارد، شما را بخشیده است، برای او بیشترین ارزش ها را دارید و مجهز برای خدمت او می باشید؟)

فصل ششم

تسلیم

بسیاری اوقات وقتی کلمه "تسلیم" را می شنویم، تصاویر منفی به ذهن ما خطور می کند. شاید به کشوری فکر کنیم که تسلیم دشمن شد و قدرت خود را از دست داد. یا شاید به یاد یکی از بازی های زمان کودکی بیفتیم که اگر کسی در آن تسلیم می شد، در برابر رقیب خود بازنده بود. یا احتمالاً شخص مجرمی به نظرتان می آید که تسلیم پلیس می شود.

این کلمه در واقع به معنی "اعلام شکست خود" یا "از روی زور یا اجبار چشم پوشیدن از مالکیت یا کنترل چیزی" می باشد. لیکن خواهیم دید که در کتاب مقدس تسلیم شدن، یک زندگی آرام و هدفمند به ارمغان می آورد.

در دنیای امروزی، تسلیم عملاً به ندرت دیده می شود. پول، خدای همه شده است و طمع بیرحمانه عمل می کند است. در بازار کار، تسلیم شدن به معنای شکست است. اهمیت "دلارِ قدرتمند" از مردم بیشتر شده است. ما آمریکایی ها اغلب "فقط برای خودمان" زندگی می کنیم و دادن زمان و منابع برای کمک به دیگران برایمان موضوعی بیگانه و غریب است. نه تنها این، اگر کسی مطابق انتظار ما عمل نکند یا نتواند نیاز ما را برطرف سازد، نسبت به او هیچگونه دلسوزی یا صبری نداریم.

خواست خدا است که خود را تسلیم کنیم

وقتی خدا می فرماید باید تسلیم شویم، در واقع می خواهد حق تقدم را به او بدهیم و عملاً **خواهان** تسلیم شدن به او باشیم. این یک تعامل کاملاً متفاوت با دیدگاه جهانی از «تسلیم شدن» است. اولاً، انتخاب آن با ما است. ما هدفمندانه حق و حقوق فردی خود را واگذار می کنیم تا بتوانیم برای هدف بزرگ تری خدمت کنیم. باز هم می گویم، این به معنی از دست دادن هویت ما نیست، زیرا خدا «منحصر به فرد بودن» ما را برای اهداف خویش **آفرید**. زمانی که تحت اقتدار و رهبری او قرار می گیریم، سرنوشت ما در این زندگی محرز می شود.

واژه دیگر برای تسلیم، **مطیع شدن** است. اولین قدمی که در رابطه با مسیح بر می داریم این است که به انتخاب خود از زندگی گذشته خود دست برداریم و آن زندگی را که او برای ما دارد، در پیش بگیریم. این شامل **مطیع شدن** نیز می گردد. درست مانند کلمه تسلیم، این عبارت هم ممکن است در افراد واهمه ایجاد کند. مردم تصور می کنند در آن صورت باید مطابق خواسته شخص دیگری عمل کنند - به آن چیزهایی که کاملاً مغایر با خواسته های آنهاست.

شاید کسی به شما بدی کرده است، و شما به خودتان قول داده اید که هرگز مطیع فرد دیگری نخواهید شد. یا ممکن است عضوی از خانواده تان شما را کنترل می کرده است و شما را به کارهایی و می داشته است و از این فکر که اراده خود را دست کس دیگری بجز خودتان بسپارید وحشت دارید. مسئله هر چه که باشد، «تسلیم شدن» موضوعی دشوار برای تعلیم در مفهوم کتاب مقدسی آن است زیرا بسیاری افراد از زیر دست بودن بیم دارند. به علاوه باید اراده قوی و سرسختانه خود را نیز تحت کنترل بیاوریم!

واژه کتاب مقدسی «تسلیم شدن» به معنای «پذیرش اقتدار یا خواسته کسی دیگر» یا «به احترام شخصی دیگر تسلیم نظر، قضاوت و یا تجربه او شدن» است. این شامل سپردن اراده‌ی خود به خداست، و شبیه به تعریف دنیوی آن است، اما تفاوت عمده در این است که وقتی تسلیم خدا می‌شویم، خود را داوطلبانه به دست‌ان آن کسی می‌سپاریم که ما را آفریده است و محبت عظیمی به ما دارد و کسی است که قلباً همیشه بهترین مصلحت را برای ما در نظر دارد.

او نمی‌خواهد به طور غیر عادلانه ما را کنترل کند یا بر ما چیره شود یا از ما بهره‌کشی کند. هدف اصلی او برای ما پُری روح القدس است تا توانمند شویم و زندگی ما زیبایی و جلال او را بازتاب دهد. مزایای سپردن اراده‌مان به پدر آسمانی بسیار بیشتر از آن است که گزینه‌های کم ارزش را انتخاب کنیم و صرفاً برای خود زندگی کنیم.

خدا به ما آزادی کامل می‌بخشد که به انتخاب خود او را بپذیریم، اطاعت کنیم، پرستش نماییم و محبت کنیم (و یا بالعکس!). او هرگز ما را مجبور به تسلیم شدن نمی‌کند. اما باید آگاه باشیم که اگر مطیع اقتدار او نشویم برای مان عواقبی خواهد داشت.

ممکن است توجه نکرده باشیم، ولی به هر حال همیشه تسلیم شرایط و افراد هستیم. این معمولاً ارادی است - مثلاً زمانی که قوانین رانندگی را رعایت می‌کنیم. در عین حال وقتی به عنوان مثال از رئیس مان «اطاعت» می‌کنیم، ممکن است کارهایی به ما بسپارند که مایل به انجام آنها نیستیم - مانند ساعات کاری دیرتر و بیشتر از موعده‌ی که قرارداد بسته بودیم.

در چنین شرایطی تصمیم می‌گیریم اراده خود را تسلیم کنیم (مطیع شویم) تا شغل خود را حفظ کنیم، زیرا از دست دادن شغل، بدتر از موافقت با کاری است که واقعاً دلمان نمی‌خواهد انجام دهیم.

آیا اشتها دارید؟

یکی از جوانب تسلیم شدن، کنترل امیال یا "اشتهای درونی ما" توسط کمک خداست. این ارتباطی با غذایی که می خوریم ندارد (اگر چه شکم پرستی به معنای پرخوری مضر برای جسم ماست). "اشتهای" ما در واژگان کتاب مقدسی به معنی "نفس" نیز می باشد که جایگاه روان ما، احساسات، اراده و افکار ماست. ما از آن به عنوان "تمایلات" خود نیز یاد می کنیم.

خدا از ما می خواهد او را با تمام قلب، تمام جان، تمام فکر و تمام قوت خود محبت کنیم (تثنیه ۶ آیات ۵ تا ۹). «۵ یهوه خدای خود را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی قوت خود محبت کن 6. و این سخنان که من امروز تو را امر می فرمایم، بر دل تو باشد 7. آنها را به دقت به فرزندان بیاموز، و حین نشستن در خانه و رفتن به راه، و هنگام خوابیدن و برخاستن، از آنها گفتگو کن 8. آنها را چون نشان بر دست خود ببند و چون علامت بر پیشانیت بگذار 9. آنها را بر چارچوب درِ خانه خود و بر دروازه های خویش بنگار.» او می توانست آدم های ماشینی بسازد. اما مشیت اوست که با انسان *رابطه ای* عمیق و چنان اتحادی برقرار کند که در آن محبت دوجانبه باشد، جایی که طرفین به میل خود متعهد و سرسپرده باشند. او می خواهد که تمایلات و اشتیاق ما به او باشد همچنانکه اشتیاق او به ماست.

و به همین دلیل پولس رسول درباره کنترل نفس و تمایلات می گوید. وقتی گناه را به صورت "پیش فرض" زندگی خود داریم، طبیعتاً از خدا منحرف می شویم (رومیان ۸ آیات ۵ تا ۸). «۵ آنان که نفسانی هستند، به آنچه از نفس است می اندیشند، اما آنان که روحانی اند، به آنچه از روح است 6. طرز فکر انسانِ نفسانی، مرگ است، اما طرز فکری که در حاکمیت روح قرار دارد، حیات و سلامتی است 7. زیرا طرز فکر انسانِ نفسانی با خدا دشمنی می ورزد، چرا که از شریعت خدا فرمان نمی برد و نمی تواند هم ببرد، 8 و کسانی که

در حاکمیتِ نَفْس هستند، نمی‌توانند خدا را خشنود سازند.» اما وقتی می‌گذاریم روح او ما را کنترل کند، آنوقت به سوی خدا و شیوه‌های او گرایش می‌یابیم (رومیان ۸ آیات ۹ تا ۱۴). «9 اما شما نه در حاکمیتِ نَفْس، بلکه در حاکمیتِ روح قرار دارید، البته اگر روح خدا در شما ساکن باشد. و اگر کسی روحِ مسیح را نداشته باشد، او از آنِ مسیح نیست. 10 اما اگر مسیح در شماست، هرچند بدن شما به علت گناه مرده است، اما چون پارسا شمرده شده‌اید، روح برای شما حیات است 11. و اگر روح او که عیسی را از مردگان برخیزانید در شما ساکن باشد، او که مسیح را از مردگان برخیزانید، حتی به بدنهای فانی شما نیز حیات خواهد بخشید. او این را به واسطهٔ روح خود انجام خواهد داد که در شما ساکن است.

12 پس ای برادران، ما مدیونیم، اما نه به نَفْس، تا بر طبق آن زندگی کنیم 13. زیرا اگر بر طبق نَفْس زندگی کنید، خواهید مرد؛ اما اگر به واسطهٔ روح، اعمال گناه‌آلود بدن را بکشید، خواهید زیست 14. زیرا آنان که از روح خدا هدایت می‌شوند، پسران خدایند.» فیض اوست که این را اجازه می‌دهد. (رومیان ۶ آیات ۱۲ تا ۱۸). «12 پس مگذارید گناه در بدنهای فانی شما فرمان براند تا امیال آن را اطاعت کنید. 13 اعضای بدن خود را تسلیم گناه نکنید تا ابزار شرارت باشند، بلکه همچون کسانی که از مرگ به زندگی بازگشته‌اند، خود را تسلیم خدا کنید. و اعضای بدن خود را به او بسپارید تا ابزار پارسایی باشند. 14 زیرا گناه بر شما فرمان نخواهد راند، چون زیر شریعت نیستید بلکه زیر فیضید. 15 پس چه گوئیم؟ آیا گناه کنیم چون زیر شریعت نیستیم، بلکه زیر فیضیم؟ هرگز! 16 آیا نمی‌دانید که وقتی خود را همچون بندگان فرمانبردار تسلیم کسی می‌کنید، بندگان آن کس خواهید بود که او را فرمان می‌برید، خواه بندهٔ گناه، که منجر به مرگ می‌شود، خواه بندهٔ اطاعت، که به پارسایی می‌انجامد؟ 17 اما خدا را شکر که هرچند پیشتر بندگان گناه بودید، لیکن به تمامی دل مطیع آن تعلیم گشتید که بدان سپرده شدید. 18 شما با آزاد شدن از گناه، بندگان پارسایی شده‌اید.»

اما متوجه نیستید!

کسانی که زندگی خود را به خدا نسپردہ اند اصلاً نمیدانند چه چیزی را دارند از دست میدهند. این مثل داستان ماهیگیری است که بار اول برای گرفتن ماهی به دریا رفت. وقتی به ساحل برگشت و از قایق پیاده شد، آنانی که در ساحل بودند از او پرسیدند دریا و ماهیگیری چگونه بود. او گفت: "وحشتناک بود! دریا پر موج و پر خطر و هوا هم سرد و مرطوب بود و تقریباً تمام مدت دریا زده بودم!" بنابراین، آن افراد هم انتظار پیدا کردند خودشان نیز همان تجربه را در سفر دریایی خود داشته باشند.

با این حال، هفته بعد یک کشتی کروز به شهر آنها آمد. دوباره آن افراد از مسافران پرسیدند سفرشان چگونه بوده است. آنها پاسخ دادند: "فوق العاده بود! بهترین غذاهایی را داشتند که در عمرمان خورده بودیم. هوا آفتابی بود و می توانستیم انواع مختلف جانوران دریایی را ببینیم. بسیار آرامش بخش بود و برای سفر بعدی با آنها لحظه شماری می کنیم!"

همانطور که توجه می کنید، ماهیگیر تنها یک جنبه موضوع یعنی آنچه بر او گذشته بود را دید. به خاطر آگاهی و تجربه محدود خود، در موقعیتی نبود که به دیگران بگوید چه تجربه شگفت انگیزی می توانند داشته باشند. زیرا او هرگز زیبایی و احساس شادی را که مسافران آن کشتی کروز داشتند ندیده بود و اگر چه فکر می کرد حقیقت را کاملاً می داند، از موضوع به تمامی اطلاع نداشت.

همین اصول نیز برای افرادی که زندگی خود را به عیسی مسیح تسلیم نکرده اند مصداق دارد. این افراد هرگز قدرت پر محبت، هدایتگر، توانمند و حفاظت کننده خدا را تجربه نکرده اند. در نتیجه اطلاعات آنها در این موضوعات بسیار محدود است. فکر می کنند زندگی ای که به خدا تسلیم شده باشد ملال آور است. می پندارند چنین زندگی

بدون شور و شادی و لذت است و یا صرفاً انجام تعداد بی شماری از قوائد و مقررات می باشد.

بسیاری "فکر می کنند" خدا را می شناسند و حتی ممکن است ادعا کنند کتاب مقدس را "خوانده اند". اما اول قرن‌تین ۲ آیات ۱۰ تا ۱۶، روشن می سازد که روح خدا بایستی در ما ساکن باشد تا افکار عمیق خدا را بفهمیم. در ضمن، منظور از کلمه "روحانی" در این آیات کتاب مقدس، آن مفهومی نیست که امروزه مردم در مورد روحانی بودن به کار می برند.

امروزه بسیاری از مردم می گویند که افرادی روحانی هستند، اما هیچگونه رابطه ای با مسیح یا با روح مقدس خدا ندارند (یوحنا ۱۴ آیه ۶). «6 عیسی به او گفت: «من راه و راستی و حیات هستم؛ هیچ کس جز به واسطه من، نزد پدر نمی آید.» آنها خدایان متعدد دیگری را می پرستند و باور دارند او "در" همه کس و همه چیز است - که خدا "همه چیز را دوست دارد و تحمل می کند" و "هرگز هیچکس را به جهنم نمی فرستد".

چنین اشخاص فریب خورده اند و در تاریکی زندگی می کنند (اول قرن‌تین ۱ آیات ۱۸ تا ۲۵). «18 زیرا پیام صلیب برای آنان که هلاک می شوند جهالت است، اما برای ما که نجات می یابیم قدرت خداست. 19 زیرا نوشته شده است: «حکمت حکیمان را نابود خواهیم ساخت

و فهم فهمیمان را باطل خواهیم گردانید.» 20 براستی، حکیم کجاست؟ عالم دین کجاست؟ مباحثه گر این عصر کجاست؟ مگر خدا حکمت دنیا را جهالت نگردانیده است؟ 21 زیرا از آنجا که بنا بر حکمت خدا، دنیا نتوانست از طریق حکمت خدا را بشناسد، خدا چنان مصلحت دید که از راه جهالت موعظه، کسانی را که ایمان می آورند، نجات بخشد. 22 زیرا یهودیان خواستار آیت‌اند و یونانیان در پی حکمت، 23 ولی ما مسیح مصلوب را وعظ می کنیم که یهودیان را سنگ لغزش است و غیر یهودیان را جهالت، 24 اما فراخواندگان

را، چه یهودی و چه یونانی، مسیح قدرت خدا و حکمت خداست. 25 زیرا جهالتِ خدا از حکمتِ انسان حکیمانه‌تر و ناتوانیِ خدا از قدرتِ انسان تواناتر است.» آنها **مصرانه** از باور داشتن حقیقت سر باز می زنند. شخصیت خدا در واقع وجوه بسیار دارد از جمله عدالت، رحمت، محبت و تنفر از گناه. او عطا کننده هست لیکن تسلیم و اطاعت ما را الزاماً از ما می خواهد. در واقع زمانی که مردم عیسی مسیح را عمداً رد می کنند، خود را راهی جهنم می سازند (یوحنا ۳ آیات ۱۶ تا ۱۸ ؛ و باب ۱۶ آیه ۹). «16 زیرا خدا جهان را آنقدر محبت کرد که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاویدان یابد 17. زیرا خدا پسر را به جهان نفرستاد تا جهانیان را محکوم کند، بلکه فرستاد تا به واسطه او نجات یابند 18. هر که به او ایمان دارد محکوم نمی شود، اما هر که به او ایمان ندارد، هم‌اینک محکوم شده است، زیرا به نام پسر یگانه خدا ایمان نیاورده است.» «9 به لحاظ گناه، زیرا به من ایمان نمی آورند.» خدا می خواهد نه فقط اکنون بلکه در حضور خود در آسمان نیز با انسان ها مشارکت داشته باشد. او هرگز خواستار این نیست که **هیچکس** به جهنم برود. لیکن فقط دل انسان است که می تواند کار خدا را رد کند (لوقا ۱۹ آیه ۱۰). «10 زیرا پسر انسان آمده تا گم شده را بجوید و نجات بخشد.»

برای اینکه واضح تر بگوییم، مسیح می فرماید آنانی که او را رد می کنند - کسانی که به او محبت ندارند و روح القدس را نمی پذیرند - به معنای واقعی فرزندان ابلیس هستند (یوحنا ۸ آیات ۴۲ تا ۴۶)! «42 عیسی به ایشان گفت: «اگر خدا پدر شما بود، مرا دوست می داشتید، زیرا من از جانب خدا آمده‌ام و اکنون در اینجا هستم. من از جانب خود نیامده‌ام، بلکه او مرا فرستاده است 43. از چه رو سخنان مرا در نمی یابید؟ از آن رو که نمی توانید کلام مرا بپذیرید 44. شما به پدران ابلیس تعلّق دارید و در پی انجام خواسته های اوید. او از آغاز قاتل بود و با حقیقت نسبتی نداشت، زیرا هیچ حقیقتی در او نیست. هر گاه دروغ می گوید، از ذات خود می گوید؛ چرا که دروغگو و پدر همه دروغهاست 45. اما شما سخنم را باور نمی کنید، از آن رو که حقیقت را به شما می گویم 46. کدام یک از شما می تواند مرا

به گناهی محکوم کند؟ پس اگر حقیقت را به شما می‌گویم، چرا سخنم را باور نمی‌کنید؟»
 حال پیش از اینکه این گفته را رد کنید و تصور کنید کومه فکرانه یا متعصبانه باشد، باید یادمان باشد که مسیح تصریح نمود در جهان فقط دو سمت وجود دارد - سمتِ او و سمتِ شیطان (متی ۱۲ آیه ۳۰). «30 هر که با من نیست، بر ضد من است، و هر که با من جمع نکند، پراکنده می‌سازد.»

این مطالب را مسیحیان از خود نساخته اند! ازین روی نیست که خشک مذهبی باشند - بلکه صرفاً دارند آنچه را بازگو می‌کنند که خدا از پیش فرموده است. گزینه ای غیر از این دو موقعیت نیست. این حتی برای مسیحیانی که هرگز قلب و ذهن و اراده خود را واقعاً به مسیح تسلیم نکرده‌اند مصداق دارد. چنین افرادی عاجزانه به عقاید و دیدگاه‌های قدیم خود چسبیده اند و از تسلیم کامل خودداری می‌کنند. رفتار نامطیعانه شان را می‌توان به وضوح دید زیرا زندگی شان ثمرات روح القدس را که محبت، شادی، آرامش، صبر، مهربانی، ملایمت، نیکویی، وفاداری و خویشنداری است نشان نمی‌دهد. آنچه "انجام می‌دهند" به خویبه "آنچه تعلیم می‌دهند" نیست.

منظور من اشخاصی نیست که دوستدار خداوند اند و با پذیرفتن تغییرات روح القدس در خود، می‌کوشند آنچه را در زندگی شان نادرست است تصحیح کنند. حقیقت این است تا زمانی که زنده هستیم، همواره با نفس خود در کشمکش خواهیم بود (رومیان ۷ آیات ۲۱ تا ۲۵). « 21 پس این قانون را می‌یابم که وقتی می‌خواهم نیکویی کنم، بدی نزد من است. 22 من در باطن از شریعت خدا مسرورم، 23 اما قانونی دیگر در اعضای خود می‌بینم که با شریعتی که ذهن من آن را می‌پذیرد، در ستیز است و مرا اسیر قانونِ گناه می‌سازد که در اعضای من است. 24 آه که چه شخص نگو نبختی هستم! کیست که مرا از این پیکرِ مرگ رهایی بخشد؟ 25 خدا را سپاس باد - به واسطهٔ خداوند ما عیسی مسیح! باری، من با ذهن خود شریعت خدا را بندگی می‌کنم، اما با نفس خود قانون گناه را.» اما همچنانکه پیرو مسیح و تسلیم او باشیم، او وعده داده است خواسته‌های دل ما را تغییر دهد (مزمور

۳۷ آیات ۳ تا ۵). « 3بر خداوند توکل نما و نیکویی کن؛ در زمین ساکن باش و امانت را برپور! 4از خداوند لذت ببر، و او مراد دلت را به تو خواهد داد. 5راه خود را به خداوند بسپار، و بر او توکل کن، که او عمل خواهد کرد.» با گذشت زمان، زندگی ما می بایست در روند تبدیل و بازتابی بیشتر شخصیت او باشد و لازم است هر چند وقت یکبار خود را محک بزنیم تا مطمئن شویم چنین چیزی صورت می گیرد.

تو باید انجام دهی!

همانطور که ذکر شد، برای ما مشکل است "آزادی" خود را تسلیم شخص دیگری کنیم زیرا فرهنگ ما "فردگرا" است. در واقع، شرایطی وجود دارند که برای "اهداف مشترک"ی به دیگران می پیوندیم (یا اجباراً ملحق می شویم)، و در نتیجه بخشی یا تمامی فردیت خود را از دست می دهیم – مثلاً در جنگ، در گروه های مذهبی تندرو که تحت نفوذ رهبر پر جذبه باشد، یا در باند خلافکاران. برای ایجاد "اتحاد" در چنین گروه هایی، "فردیت" سرکوب می شود. تقریباً مثل این است که شخص باید از تمام شخصیت خود صرفنظر کند تا آنکه "رهبر" تنها کسی باشد که مورد اطاعت یا ترفیع قرار می گیرد.

نکته جالب درباره کتاب مقدس و مسیحیت این است که ترکیب نامتجانس یا "اُکسی مورون" در آن بسیار دیده می شود. این اصطلاح به معنی سخنی است که در ظاهر متناقض است، اما در واقع حقیقت می باشد. چند مثال از آن عبارتند از: باید خود را فروتن سازیم تا بزرگ شویم، باید "بمیریم" تا "زندگی" کنیم، و باید خودخو/هی را (نه شخصیت مان را) قربانی کنیم تا اتحاد را ایجاد نماییم. پیروی از مسیح، به همراه این است که با تمام دل و فکر و قوت خود او را محبت کنیم.

از طرف دیگر، مذاهب بزرگ دیگری وجود دارند که "تخلیه ذهن تان" را به منظور "یکی شدن با کائنات" تعلیم می دهند. این کاملاً خلاف کتاب مقدس است. خدا می خواهد وقتی با او صحبت می کنیم و به او فکر می کنیم، ذهن ما کاملاً فعال و متوجه باشد!

بر خلاف گروه های مذهبی که فردیت پیروان خود را انکار می کنند، خدا از استعدادها و توانایی های منحصر به فرد ما برای انجام اراده خود استفاده می کند. وقتی مردم مسیح را در زندگی ما مشاهده می کنند، ابعاد حقیقی "مجموعه کل" - که کلیسا و بدن مسیح است - آشکار می شود.

رفتار ما اغلب تنها تصویری است که دنیا از مسیح خواهد دید، پس بسیار ضروری است که در زندگی خود نماینده درستی برای او باشیم. به یاد داشته باشید، تسلیم شدن ما به مسیح، تنها زمانی سودمند است که حقیقی باشد (متی ۲۳ آیات ۲۵ تا ۲۷). «25» وای بر شما ای علمای دین و فریسیان ریاکار! شما بیرون پیاله و بشقاب را پاک می کنید، اما درون آن مملو از طمع و ناپرهیزی است 26. ای فریسی کور، نخست درون پیاله و بشقاب را پاک کن که بیرونش نیز پاک خواهد شد. 27 «وای بر شما ای علمای دین و فریسیان ریاکار! شما همچون گورهایی هستید سفیدکاری شده که از بیرون زیبا به نظر می رسند، اما درون آنها پُر است از استخوانهای مردگان و انواع نجاسات!» افراد غیر مسیحی در دل خود بزودی تشخیص می دهند که آیا ما مسیحیان واقعی هستیم یا خیر.

نگران نباشید - خدا نخست زاده شما را نمی خواهد از شما بگیرد ... ☺

فداکاری ... کلمه ای است که از شنیدن آن اکراه داریم!

وقتی زندگی مان را حقیقتاً تسلیم مسیح کنیم، طبیعتاً شروع می کنیم وقت و استعدادها و مادیات خود را برای پیشبرد ملکوت خدا با فداکاری تقدیم نماییم. زمانی که عیسی سلطان و حکمرای زندگی ما باشد، راههای او راههای ما می شود. از آنجا که او عطا کننده است و عاشق انسان ها می باشد، و آن یگانه شخصی است که بالاترین فداکاری را انجام داد، ما نیز باید شروع کنیم و به این روش ها رفتار نماییم. در واقع، نحوه رفتار ما با دیگران، یکی از راههایی است که میتوان تشخیص داد آیا مسیح واقعاً در زندگی ما حضور دارد و بر ما فرمانروایی می کند؟

برای چنین "فداکاری"، بعضی راه ها این است که از "حق" خود برای داشتن نقطه نظرهایی که اساساً با کلام خدا متضاد است، صرف نظر کنیم. همینطور باید از "حق" خود برای ادامه رفتار گناه آلود خود بگذریم. شاید تصور می کنیم "حق" داریم خشم و نبخشیدن و عادل شمردن خود را در دل نگاه داریم.

ما به بهای خون عیسی خریده شدیم، پس به احترام او باید بگذاریم زندگی ما تغییر یابد تا او را جلال دهیم (اول پطرس ۱ آیات ۱۸ تا ۲۰). «18 زیرا می دانید از شیوه زندگی باطلی که از پدرانتان به ارث برده بودید، بازخريد شده اید، نه به چیزهای فانی چون سیم و زر، 19 بلکه به خون گرانبهای مسیح، آن بره بی عیب و بی نقص 20. او پیش از آفرینش جهان انتخاب شد، اما در این زمانهای آخر برای شما ظهور کرد.» تسلیم شدن ما با شکوه ترین پاداشها را به ارمغان خواهد آورد.

تسلیم شدن چگونه به زندگی ام کمک می کند؟

یکی از زیباترین پادشاهای مسیحی شدن این است که ما بخشی از یک خانواده جدید می گردیم. همچنین وارثان تخت پادشاهی خدا می شویم (غلاطیان ۳ آیه ۲۹؛ رومان ۸ آیه ۱۷). «29 و حال اگر شما از آن مسیح هستید، پس نسل ابراهیم‌اید و بنا بر وعده، وارثان نیز هستید.» «17 و اگر فرزندانیم، پس وارثان نیز هستیم، یعنی وارثان خدا و هم‌ارث با مسیح. زیرا اگر در رنجهای مسیح شریک باشیم، در جلال او نیز شریک خواهیم بود.» تمامی وعده‌هایی که خدا به مسیح داده است، متعلق به ما نیز می شود زیرا اکنون در خاندان او متولد شده ایم.

دوم تواریخ ۷ آیات ۱۴ تا ۱۶ به ما می گوید که ما **به نام او** خوانده شده ایم! در عهد عتیق (تورات و کتب انبیاء اسرائیل) این افتخار بزرگی محسوب می شد. در دوران کتاب مقدسی، نام شما به معنای شخصیت شما بود و مراوده شما با شخصی محترم به این معنا بود که شما نیز معتبر بودید.

در واقع، اگر ما حقیقتاً مسیح را پذیرفته ایم و حاضریم تحت اقتدار او قرار بگیریم، آنوقت فرزندان **پادشاه** (اول پطرس ۱ آیات ۳ تا ۵)، «3 متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح که از رحمت عظیم خود، ما را به واسطه رستاخیز عیسی مسیح از مردگان، تولدی تازه بخشید، برای امیدی زنده 4 و میراثی فسادناپذیر و بی‌آلایش و ناپژمردنی که برای شما در آسمان نگاه داشته شده است؛ 5 و شما نیز به قدرت خدا و به واسطه ایمان، محفوظ هستید برای نجاتی که از هم‌اکنون آماده شده است تا در زمان آخر به ظهور رسد؛» **عضو خانواده سلطنتی**، کاهنان خدای متعال (اول پطرس ۲ آیات ۵ و ۹) «5 شما نیز چون سنگهای زنده به صورت عمارتی روحانی بنا می‌شوید تا کاهنانی مقدس باشید و به واسطه عیسی مسیح، قربانیهای روحانی مقبول خدا را تقدیم کنید. 9 اما شما ملتی برگزیده و مملکتی از کاهنان و امتی مقدس و قومی که ملک خاص خداست هستید، تا فضایل او

را اعلام کنید که شما را از تاریکی به نور حیرت‌انگیز خود فرا خوانده است.» و دوستان و محبوبان سرور عالم هستیم! این حقیقتاً بهتر از این است که شخصی مشهور یا شخصی را که "مهم" محسوب می‌کنیم بشناسیم!

سپردن زندگی‌مان به مسیح، برکات بزرگ و در عین حال مسئولیت‌های بزرگی با خود به همراه دارد. آیات فوق در دوم تواریخ همچنین درباره فروتنی، دعا، روی او را طلبیدن و بازگشت از راههای بد خویش است - تا آنکه خدا به ما گوش فرا دهد، ما را عفو کند و سرزمین ما را شفا دهد. این زندگی‌ها و ملت ما را نیز شامل می‌شود.

اطاعت خداوند یکی از شرایط ضروری دریافت برکات اوست.

تسلیم شدن در برابر خداوند به معنی نخست، اطاعت کردن از اوست. به این معنی که جسم، ذهن، اراده، احساسات، روح، مسائل مالی، دارایی‌ها، روابط، بیم و امیدهایمان را به او بسپاریم. کتاب مقدس می‌گوید که باید "صلیب خود را برداشته و از پی او برویم" (متی ۱۰ آیات ۳۸ و ۳۹). «38 هر که صلیب خود را برنگیرد و از پی من نیاید، شایسته من نباشد. 39 هر که بخواهد جان خود را حفظ کند، آن را از دست خواهد داد و هر که جان خود را به خاطر من از دست بدهد، آن را حفظ خواهد کرد.» این تصمیم برای ترک عادات بد گذشته است و اینکه بگذاریم او شروع به تغییر طرز فکر و رفتار ما بنماید. اگر می‌خواهیم زندگی‌مان شفا یابد و آرزومندیم که خدا دعاهایمان را بشنود - و اگر برکاتی را که وعده داده است خواهان هستیم، پس لازم است از دستورالعمل‌های کتاب مقدس پیروی کنیم.

دوم تواریخ ۳۰ آیات ۶ تا ۹ ، برخی از رهنمودهای خدا و نیز مزایای تسلیم شدن به او را نشان می دهد:

رهنمودها

مزایا

به سوی خدا بازگردیم	او به سوی ما باز خواهد گشت
مانند خدا ناشناسان رفتار نکنیم	مورد تمسخر و استهزا قرار نخواهیم گرفت
لجبازی نکنیم	اگر مطیع شویم، خدا به ما رحم خواهد کرد
از خدا اطاعت کنیم	او دیگر مثل گذشته روی خود را از ما بر نخواهد گرداند
به معبد او در آییم	قادر خواهیم بود به این سرزمین بازگردیم (در آرامی و یگانگی با خدا باشیم)
او را پرستش کنیم	و خشم او فرو خواهد نشست *

* باید به خاطر داشته باشیم در عهد عتیق عیسی هنوز به جهان نیامده بود. در آن زمان دآوری بزرگتری وجود داشت. زیرا تا روزی که مسیح مجازات گناهان ما را با مرگ خویش بر صلیب متحمل شد، خشم خدا رفع نشده بود. به همین دلیل ما خشم خدا و روی گرداندن او از مردم را بخاطر گناهانشان در زمان های پیش از مسیح بیشتر می بینیم.

اما بدانید که حتی امروز کسانی که مسیح را رد می کند هنوز از طرف خدا «محکوم شده» هستند. او خدای قدوس است و نمی تواند در جایی که گناه وجود دارد حضور یابد. خشم خدا همچنان بر کسانی که از پذیرفتن او در زندگی خود امتناع می ورزند شعله ور است (مکاشفه ۱۴ آیات ۹ تا ۱۲). «9 و فرشته سوّمی از پی آن دو آمد و به آواز بلند گفت: «اگر کسی آن وحش و آن تمثال او را پرستد و نشان او را بر پیشانی یا بر دست خود بپذیرد، 10 آن کس نیز از شراب خشم خدا که اینک پُرمایه و خالص در جام غضب او

ریخته شده، خواهد نوشید. آن کس نیز در حضور فرشتگان مقدّس و در حضور بره با گوگردِ مشتعل عذاب خواهد شد¹¹. و دود عذاب آنان تا ابد به بالا خواهد رفت. برای آنان که آن وحش و آن تمثال او را می‌پرستند و برای آنان که نشانِ نام او را می‌پذیرند، نه در شب و نه در روز آسایش نخواهد بود¹²». این پایداری مقدسین را می‌طلبد که احکام خدا و ایمان به عیسی را حفظ می‌کنند. در این آیات می‌بینیم که جهنم واقعیت دارد. می‌توانید تفاوت بین کسانی که به مسیح ایمان دارند و کسانی که نشان وحش را می‌گیرند ببینید (غیر ایمانداران).

اما خدا صبورانه منتظر این رویداد زمان آخر است، زیرا قطعاً نمی‌خواهد هیچکس هلاک گردد (دوم پطرس ۳ آیه ۹). «9 بدی را با بدی و دشنام را با دشنام پاسخ مگویید، بلکه در مقابل، برکت بطلبید، زیرا برای همین فرا خوانده شده‌اید تا وارث برکت شوید.» همانطور که قبلاً اشاره کرده‌ام، خبر عالی انجیل این است که وقتی خون مسیح زندگی ما را پوشش می‌دهد، خدا فقط آن خون پوشاننده را می‌بیند. بنابراین خدا می‌تواند به ما نزدیک شود، زیرا ما مقدس و بی ملامت شده ایم (کولسیان ۱ آیه ۲۲). «22 اما اکنون مسیح شما را به واسطهٔ بدن بشری خود و از طریق مرگ آشتی داده است، تا شما را مقدّس و بی‌عیب و برّی از هر ملامت به حضور خدا بیاورد،»

بخاطر کار مسیح بر صلیب، اینک در دوره فیض و رحم خدا زندگی می‌کنیم. لیکن این بدان معنی نیست که می‌توانیم به اعمال گذشته خود و هر چه دلمان بخواهد عمل کنیم و هنوز خدا برکاتش را شامل حال ما سازد. بسیاری از اصول عهد عتیق ابدی هستند و امروزه نیز به قوت خویش باقی می‌باشند.

چطور می توانم اطاعت خدا را بیاموزم؟

وقتی **خواهان** خداوند هستیم، روح القدس ما را هدایت می کند، تغییر می دهد و از نو می سازد. شروع می کنیم لجاجت خودخواهانه مان را در خود بمیرانیم تا در دستان خدا بیشتر انعطاف پذیرتر شویم. اطاعت یعنی با میل و رغبت، خود را تحت انضباط و هدایت خدا قرار دادن. یعنی فعالانه سعی کنیم آنچه را او می خواهد از طریق شنیدن و اطاعت به ما تعلیم دهد بیاموزیم. چند رهنمود پایین، زمانی که به انتخاب خود تسلیم اراده خدا برای زندگی تان می گردید، مفید می باشند:

۱- در سکوت تفکر کنید خدا از شما و برای شما چه می خواهد. این به وسیله خواندن و اطاعت از کلام خدا، و دعا انجام می شود. هر آنچه خدا می خواهد و برای ما الزامی میدارد در کتاب مقدس است. هیچ کدام پوشیده نیست!

۲- اقتدار او را تصدیق کنید و تصمیم بگیرید از کردار شریرانه خود بازگشت نمایید. این با توبه و فروتن ساختن ما انجام می شود و تنها وقتی میسر می شود که او به ما یاری دهد. او بیش از آنچه فکر می کنیم خواهان قدرت بخشیدن به ما برای انجام اراده اش می باشد! فیلیپیان ۲ آیه ۱۳ می گوید: " زیرا خداست که با عمل نیرومند خود، هم تصمیم و هم قدرت انجام آنچه را که خشنودش می سازد، در شما پدید می آورد ".

بسیاری از مسیحیان در اطاعت از خدا شکست می خوردند زیرا بسیار سخت تلاش می کنند تا " کار درست را انجام دهند " و وقتی از عهده بر نمی آیند مأیوس می گردند. در نهایت فکر می کنند مسیحیت "جواب نمی دهد".

آنچه نیاز داریم تکیه کردن به روح القدس است تا ما را قوت بخشد. کار ما این است که به خداوند نزدیک تر شویم و آن چیزها را در زندگی برگزینیم که خدا را حرمت می نهند.

اغلب اوقات در "تصمیم گیری" برای حرمت نهادن به خداست که قدرت انجام آن کار به ما عطا می شود.

۳- خویشتن داری و کنترل نفس را در زندگی خویش نشان دهید. این یکی از ثمرات روح القدس است. خدا را شکر که **خوانده نشده ایم تا گناهانمان را به قدرت اراده خود تغییر دهیم!** این نکته مفید را بیاد داشته باشیم که اشتیاق خدا برای موفقیت ما در انجام اراده او حتی از ما بیشتر است! ما تنها نیستیم. اگر چه لازم است بشنویم و اطاعت کنیم، اما همانطور که به خدا توسل می کنیم و در هر موقعیتی از او کمک می طلبیم، او نیز به تغییر دادن ما ادامه می دهد.

۴- صبر را همراه با اطمینان در پیش بگیرید، چرا که به خداوند وابسته هستیم تا تغییرات لازم را در زندگی ما ایجاد کند و بدانید که این زمان خواهد بُرد.

مسیح می خواهد از تصمیم خود برای پیروی او شادمان باشیم. اما به کسانی که ایمان سطحی دارند نیز هشدار می دهد که یا بیشتر به او سرسپرده شوند یا کاملاً از او روی برگردانند (مکاشفه ۳ آیات ۱۶ و ۱۷). «16 اما چون ولرمی، نه گرم و نه سرد، چیزی نمانده که تو را چون تف از دهان بیرون بیندازم 17. می گویی: "دولتمندم؛ مال اندوخته‌ام و به چیزی محتاج نیستم." و غافلی که تیره‌بخت و اسفانگیز و مستمند و کور و عریانی.» در این آیات می بینیم که وقتی ولرم هستیم، در واقع از لحاظ روحانی نابینا هستیم. بنابراین، متوجه نمی شویم در چه وضع واقعاً اسفناکی قرار داریم. کسی که با تمام دل پیروی مسیح را اختیار نکرده باشد، برای خدا بی فایده است (یوحنا ۱۵ آیه ۶؛ دوم پطرس ۱ آیات ۳ تا ۹). «6 اگر کسی در من نماند، همچون شاخه‌ای است که دورش می اندازند و خشک می شود. شاخه‌های خشکیده را گرد می آورند و در آتش افکنده، می سوزانند.»

«3 متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح که از رحمت عظیم خود، ما را به واسطه رستاخیز عیسی مسیح از مردگان، تولدی تازه بخشید، برای امیدی زنده 4 و میراثی فسادناپذیر و بی‌آلایش و ناپژمردنی که برای شما در آسمان نگاه داشته شده است؛ 5 و شما نیز به قدرت خدا و به واسطه ایمان، محفوظ هستید برای نجاتی که از هم‌اکنون آماده شده است تا در زمان آخر به ظهور رسد؛ 6 و در این بسیار شادمانید، هرچند اکنون زمانی کوتاه بنا به ضرورت در آزمایشهای گوناگون غمگین شده‌اید، 7 تا اصالت ایمانتان در بوته آزمایش به ثبوت رسد و به هنگام ظهور عیسی مسیح به تمجید و تجلیل و اکرام بینجامد، همان ایمان که بس گرانبهاتر از طلاست که هرچند فانی است، به وسیله آتش آزموده می‌شود. 8 شما گرچه او را ندیده‌اید، دوستش می‌دارید؛ و گرچه اکنون او را نمی‌بینید، به وی ایمان دارید و از شادمانی وصف‌ناپذیر و پر جلال آکنده‌اید، 9 زیرا غایت ایمان خویش یعنی نجات جانهایتان را می‌یابید.»

پیش از تصمیم به پیروی از مسیح، باید بدانیم این کار به چه "بهای" است، همانطور که معمار پیش از ساختن خانه هزینه "بها" را مشخص می‌کند. اگر در برآورد خود اشتباه کند، ساختمان او ممکن است نیمه کاره بماند. تصورش را بکنید - یک خانه نیمه ساخته چقدر در معرض باد و باران و حشرات و دزدان قرار می‌گیرد. این دقیقاً شرح زندگی‌های ماست اگر "تا حدی" سرسپرده و پیرو مسیح باشیم.

بدیهی است که وقتی با خداوند تازه به عرصه‌ی نجات وارد می‌شویم، درکی از آنچه پیش‌روست در شروع نخواهیم داشت. اما از همان ابتدا باید این را بدانیم که پیرو مسیح بودن یعنی تسلیم زندگی خود برای او - به هر قیمتی.

خدا اطاعت ما را برای پیشگیری از هرج و مرج مقرر فرمود. حتی عیسی از خدای پدر اطاعت نمود. از آنجا که عیسی خداست و / او مطیع شد، ما نیز لازم است به نگرشهای خود درباره این اصل ضروری در زندگی مسیحی دقت کنیم.

و برای تان غیر منتظره نباشد! ممکن است نتیجه تصمیم شما برای پیروی واقعی از مسیح، از دست دادن موقعیت اجتماعی شما یا دوستان یا خانواده باشد. این تصمیم به این معنا است که اختیار پول، وقت و استعدادهای خود را به او می سپارید. ممکن است مورد نفرت یا تمسخر قرار بگیرید یا شما را از عزیزان تان جدا کنند. و یا همچنان که در بسیاری کشورها امروزه دیده می شود ممکن است مورد شکنجه قرار بگیرید یا به قتل برسید.

آیا مطمئن هستید هنوز می خواهید از عیسی پیروی کنید؟ ☺

مراثی ارمیا ۳ آیات ۲۵ تا ۲۸ تدابیر بیشتری به ما ارائه می دهد:

در انتظار خدا باشیم،

اراده او را بجوییم،

تحت یوغ انضباط او قرار بگیریم.

در عین حال که اقتدار او را می پذیریم، مهم است بیاموزیم چگونه در او "آرام" بگیریم. باید به خود بیاموزیم که آرام باشیم و عمیقاً به کلام او بیندیشیم. این به معنی تغییر در رفتار گذشته ما خواهد بود تا یاد بگیریم "منتظر" او شویم. باید به او "توکل" کنیم و روشهایی را بیابیم که بتوانیم از دیدگاه او، حکمت او و طریقه‌های او برخوردار گردیم. به این معنی که ما از او سبقت نمی گیریم. وقتی درباره تصمیمی دعا می کنیم بلافاصله نمی رویم کارها را آن طور که فکر می کنیم باید جامه عمل بگیرند، انجام دهیم.

اگر در مورد مطلبی دعا کرده ایم اما هنوز مطمئن نیستیم چه باید کرد، صبر می کنیم. و تا زمانی که از خدا "دستور پیش رفتن" را نگرفته باشیم حرکت نمی کنیم.

همچنین شاید لازم باشد از دوستان مسیحی قابل اعتماد خود مشورت روحانی بگیریم. اغلب برای راهنمایی به سراغ افرادی می‌رویم که روح القدس در آنها ساکن نیست، و شاید در آن موقعیت همچون کاری درست به نظر برسد، اما به احتمال زیاد آن راهنمایی نیست که خدا در نظر دارد.

البته این در مورد گناه ما مصداق ندارد. باید هیچ نیازی به دعا کردن برای رفتار گناه آلودمان نباشد - اگر داریم گناه می‌کنیم باید از شرارت دست برداریم. اما اگر حقیقتاً می‌خواهیم نقشه‌های خدا در زندگی ما پدیدار شود، و اگر واقعاً آرزومند حکمت او هستیم، پس باید منتظر خداوند شویم، اراده او را بجوییم و اطاعت کنیم.

این را همواره تکرار می‌کنم - کلام خدا را بخوانید! این بیش از حد مهم است! گوش فرا دهید تا او توسط کتاب مقدس با شما صحبت کند. با استفاده از واژه نامه کتاب مقدس یا کتاب آیه یاب می‌توانید به آیاتی رجوع کنید که مربوط به شرایط شما می‌شوند و می‌توانید ببینید دیگران در کتاب مقدس در مورد آن شرایط چه می‌کردند. مواظب باشید صرفاً برای پشتیبانی از نظرات خود آیاتی را از کتاب مقدس انتخاب نکنید. برای مشکلات و درگیری‌های خود عمیقاً و بدون وقفه دعا کنید.

خدا با شما صحبت خواهد کرد - اگر دل شما مایل به شنیدن حقیقت باشد. دعا کنید خدا در زمان سختی‌ها یا وسوسه به شما قدرت ببخشد. درخواست‌های دعا تان را بنویسید تا به یادتان بماند و مشاهده کنید خدا چگونه جواب داده است. دعا کنید خدا تمایل انجام کارهایی را که به عهده شما می‌گذارد به شما عطا کند. دعا کنید که خداوند حصاری برای محافظت شما از شیطان دور شما قرار دهد تا در این مراحل که آسیب‌پذیر هستید و در آزمایش می‌افتید یا باید تصمیماتی بگیرید، محفوظ بمانید.

به یاد داشته باشید، تنها کسی که می‌توانیم کنترل کنیم خودمان هستیم. کار ما این نیست که دیگران را کنترل کنیم، بلکه تا بگذاریم تمام جوانب زندگی ما تحت اقتدار خدا

قرار بگیرد. ماموریت مسیحی ما این است که به دیگران بشارت عیسی را بدهیم و زندگی ما به طرزی شایان بهترین نمونه از کنترل خداوند ما در زندگی های ما باشد.

یک هشدار: اگر "زندگی مسیحی" در پیش گرفته ایم اما خداوند را به طرزی مثبت جلوه گر نمی سازیم، باید در بشارت ایمان مان به دیگران احتیاط کنیم. اگر دارید صرفاً برای خود زندگی می کنید و کردارتان خداپسندانه نیست، در برابر غیر مسیحیان ریاکار جلوه می کنید. این یکی از دلایل مهمی است که بی ایمانان از خدا و کلیسا بدشان بیاید.

دوماً، باعث می شوید دیگران تصور کنند مسیحی بودن سهل است - که می توانند بر خلاف اراده خدا زندگی کنند اما به هر حال به بهشت بروند. این توهین به نام خدا و به شخصیت اوست. ما قطعاً کامل نیستیم، اما وقتی اسم مسیحی روی خود می گذاریم بهایی به همراه دارد، و آن بها اطاعت و فداکاری است.

رشد مسیحی یعنی:

(*) مسیح را مرکز زندگی خود قرار دادن

(*) مشارکت حقیقی و نزدیک با مسیح داشتن - متکی نبودن به کارهای مذهبی

(*) دوباره به سراغ گناه نرفتن (یا از ادامه به گناه باز ایستادن)

(*) متوسل نبودن به خودمان، و

(*) اجازه ندادن که چیزی بین ما و مسیح دیوار جدایی بسازد

کار ما پیروان مسیح این است که مطمئن شویم آنچه نیاز داریم از او دریافت کنیم. هیچ انسانی هرگز قادر نخواهد بود چنان قدرتی به ما بدهد که مثل خداوندمان عمل کنیم. هیچ شخص دیگری قادر نخواهد بود دردهای عمیق ما یا گذشته مان را شفا بخشد. نیز به

احتمال قوی، معدود افرادی وجود دارند که بدون قید و شرط خودشان را برای کمک به موفقیت ما وقف کنند.

اما ما می توانیم به آن افرادی تبدیل شویم که خدا می خواهد - کسانی که مراقب یکدیگر هستند، کسانی که بدون توجه به شرایط محبت می کنند و کسانی که با دعا و از خود گذشتگی در موقعیتهای اتحاد و یکدلی ایجاد می کنند. این امر با چسبیدن به مسیح و دریافت قدرت او، و محبت و هدف او برای زندگی ما به دست می آید. این تنها راه شفا یافتن دنیای ما است و یقیناً تنها راهی است که کلیسای مسیح قادر خواهد بود آن چیزی بشود که عیسی برای آن می خواهد.

این واقعاً عالی است!

بر خلاف آنچه از نظام دنیا به دست می آوریم، هنگامی که تصمیم می گیریم خود را به خدا تسلیم کنیم مزایای کاملاً متفاوتی دریافت می کنیم. به جای کسب پول یا قدرت، شخصیت ما تبدیل می شود. چشم انداز جدیدی نسبت به این دنیا و جهان آینده پیدا می کنیم. شادی های حاصل از تسلیم شدن خارج از حد شمارش است. شروع می کنیم رابطه ای نزدیک با پدر، پسر و روح القدس برقرار کنیم. قدرتی واقعی برف گناه و خودخواهی مان دریافت می کنیم، زیرا قدرت خدا اینک در درون ما عمل می کند.

همانطور که به پیروی راه های او ادامه می دهیم، شروع می کنیم ثمرات شیرین در زندگی ما دیده شوند. چیزهایی که باعث می شدند در ترس و گناه و خجالت زدگی زندگی کنیم از میان می روند و جای خود را به حس عمیق عزت نفس، اشتیاق به زندگی و چنان خوشی می دهد که از زرق و برق این دنیا پیشی می گیرد - حسی که حتی در بحبوحه آشفته گی ها در امن و امان هستیم. چه چیزهای خوبی جای آنچه قبلاً داشتیم را می گیرند!

وقت آن رسیده است که زندگی خود را بسنجیم. آنچه از این درس آموخته ایم، هم مزایای کنونی و هم بلند مدت دارد. بر خلاف آن، عواقب سنگینی برای کسانی است که مسیح را رد می کنند یا تظاهر به مسیحی بودن می کنند در حالیکه تسلیم هدایت خدا نیستند.

عیسی می خواهد **تمامی** زندگی شما در اختیار او باشد. این چیزی نیست که از آن بیم داشته باشیم – در عوض، مسیر حقیقی به سوی موفقیت و شادی است. این را امروز شروع کنید و از او بخواهید تا وضعیت راستین رابطه شما را با خودش برایتان آشکار سازد و از او قدرت بطلبید تا زندگی خود را کاملاً به او تسلیم نمایید.

فصل ۶

تسلیم

تفکر و تعمق در آنچه خواندیم

فرم تمرین

پاسخ به این سوالات مشکل می تواند به شما در تعیین خط مشی زندگی تان یاری دهد:

۱- آیا از اینکه زندگی خود را کاملاً تسلیم خدا کنید بیم دارید؟ بنویسید درباره سپردن موارد زیر به خدا چه احساسی دارید:

وقت شما

چه مقدار زمان صرف کمک کردن به دیگران، کلیسا و یا نیازمندان و غیره می کنید؟

زندگی فکری شما

چه مدت صرف خواندن کتاب مقدس می کنید؟

چه مدت برای ستایش خدا وقت می گزارید؟

چه مدت دعا می کنید؟

چه مدت در طول روز به مسیح فکر می کنید؟

قلب شما

آیا فکر می کنید محبت و اشتیاق زیادی نسبت به مسیح دارید؟ یا عیسی مسیح از اهمیت کمی در زندگی شما برخوردار است؟

آیا عاشق ملاقات با خدا، گفتگو با او و خواندن درباره او در کتاب مقدس هستید؟

اگر قلباً احساس خشکی و دلسردی می کنید، آیا مایلید برای داشتن محبت و اشتیاقی جدید نسبت به او دعا کنید؟

استعدادهای شما

استعدادهای شما کدامند؟ و هر چند وقت یکبار برای پیشبرد ملکوت خدا از آنها استفاده می کنید؟

پول شما

آیا ده یک می دهید؟ (پس دادن بخشی از پولتان به خدا در کلیسا)

واهمه شما از دادن پول تان به خدا چیست؟

آیا فکر می کنید اگر به کلیسایتان پول بدهید از آن سوءاستفاده می شود؟

آیا فکر می کنید استطاعت آن را ندارید که به طور منظم قسمتی از پول خود را به خدا بدهید؟

آیا وقتی شبان تان برای کلیسا درخواست هدایا می کند، احساس می کنید کلاهبرداری می شود - یا احساس گناه می کنید؟

آیا تا به حال به فردی فقیر و محروم پول داده اید؟ (به غیر از خانواده تان)

گناه شما

کدام عادت یا اعتیاد یا دیدگاه خودخواهانه است که مصرانه حاضر نیستید به دستان خدا رها کنید؟

چرا برایتان سخت است تغییر کنید یا آن را کنار بگذارید؟

آیا باور دارید که خدا می تواند شما را شفا دهد یا از بند آن آزاد سازد؟

۲- اگر در مورد تسلیم کردن این موارد زندگی تان به خدا واهمه دارید، از خود بپرسید، "چرا می ترسم"؟

(مثال آن ممکن است شامل اینها باشد: "آماده نیستم کارهایی را که انجام می دهم کنار بگذارم"، یا "آنقدر مشغول هستم که نمی توانم هیچیک از زمانهای

محدودم را در اختیار خدا بگذارم"، یا "نمی خواهم دوستان / خانواده / دوست
پسرم یا غیره را از دست بدهم"، یا "پول من مال خودم است، خودم آن را
کسب کرده ام..."

۳ - آیا واقعا می‌خواهید زندگی مقدس تری را شروع کنید؟ چرا؟

(مثال ممکن است شامل اینها باشد: "احساس بدبختی می‌کنم که می‌دانم چه
باید کرد اما آن را نمی‌کنم - می‌خواهم رابطه صمیمانه تری با خدا داشته باشم"
، یا "از تلاش برای داشتن دو زندگی متفاوت خسته شده‌ام - می‌خواهم روال
معمول زندگیم را ترک کنم و خود را کاملاً به خدا بسپارم"، یا "احساس می‌کنم
فردی متقلب هستم - آنطور که در خانه واقعاً هستم با زمانی که در جمع هستم
تفاوت دارد. می‌خواهم همیشه یک گونه فرد باشم).

۴- برخی از قدم هایی که شاید بتوانید بردارید تا به تغییراتی که می خواهید دست یابید کدام ها هستند؟ (می توانید مثلاً بگویید: "می خواهم برنامه بگذارم که هر روز ۲۰ دقیقه کتاب مقدس بخوانم"، یا "تعهد می کنم هر روز قسمتی از وقتم را به دعا بگذارم تا بتوانم هدفمندانه با خدا ملاقات کنم"، یا "تمام تلاشم را می کنم تا حداقل روزی یک بار به افراد دیگر خدمت کنم).

۵- اگر شروع کنید مرتباً اراده خود را تسلیم خدا کنید بدترین اتفاقی که می تواند بیفتد چیست؟

(به عنوان مثال: "خجالت می کشم به دیگران بگویم پیرو سرسپرده ی مسیح شده ام"، یا "مجبور خواهم شد معاشرین قبلی خود را ترک کنم"، یا "این کار رابطه ی سطحی را که با مسیح دارم به هم می زند - فعلاً راحت ام فقط جزیی از زندگی ام را به او بدهم).

بخش دوم

مقام شاگردی

فصل هفتم

خدمتگزاری



اگر بخواهم یک "مسیحی" را در کلمه ای واحد خلاصه کنم، آن کلمه **خادم** خواهد بود. ممکن است این به نظر شما عجیب بیاید، زیرا اگر قرار باشد یک پیرو واقعی عیسی مسیح را توصیف کنید کلمات بسیار فوق العاده ی دیگری نیز وجود دارند که به ذهنتان خطور کند. پر محبت، شادمان، سخاوتمند، مهربان، محترم و ... اینها می توانند (و می بایست) ویژگی های شخصیتی مسیحیان باشد. اما خدمتگزاری اساس تمام این ویژگی هاست.

به عنوان مسیحیان، با بهایی گران و غیر قابل قیاس خریداری شده ایم (اول پطرس ۱ آیات ۱۸ تا ۲۰). «(۱۸) زیرا می دانید از شیوه زندگی باطلی که از پدرانان به ارث برده بودید، بازخرید شده اید، نه به چیزهای فانی چون سیم و زر، (۱۹) بلکه به خون گرانبهای مسیح، آن بره بی عیب و بی نقص. (۲۰) او پیش از آفرینش جهان انتخاب شد، اما در این زمانهای آخر برای شما ظهور کرد.»

بنابراین نه تنها این افتخار را یافته ایم، بلکه موظفیم که مسیح به عنوان سرور و خداوند ما حتماً به طور پیوسته در جایگاه راستین خویش برافراشته شود. این شالوده ایمان ماست.

اما تا زمانی که خادمین فروتنی نشویم رشد مسیحی نخواهیم داشت یا آن رابطه نزدیک را که خدا می خواهد با ما داشته باشد تجربه نخواهیم کرد.

وقتی نگرش ما صحیح باشد، قلباً می خواهیم خداوند را محبت کنیم و خود را تسلیم او کنیم. یکی از ثمرات زیبای این محبت، خدمتگزاری و خدمت کردن به دیگران است. در نتیجه، روشی که به دیگران خدمت می کنیم در ما ایجاد کننده محبت، خوشی، سخاوتمندی، مهربانی و احترام به دیگران است - که همان ویژگی های یاد شده در بالا می باشند.

من و خودم و مال من!

مشکل نیست ببینیم که ایده خدمت در فرهنگ ما در چند دهه گذشته به شدت کاهش یافته است. این یکی از دلایل اصلی است که چرا در کشورمان دچار نابسامانی هستیم. ما "مصرف کننده" شده ایم که بسیار با "خادم" بودن تفاوت دارد. این طرز فکر بر کلیساهای ما نیز امروزه تاثیر گذاشته است. برخی فکر می کنند اگر به کلیسا و خدمات بشارتی جهانی پولی هدیه بدهند یا ماهی یکبار در صف غذا برای بی خانمانها خدمت کنند چه شاهکار و فداکاری بزرگی کرده اند!

ریشه این ذهنیت «مصرف کنندگی»، اولویت دادن به «خود» است. ما به طور سیستماتیک خدا را از تخت سلطنتش در زندگی های شخصی مان و در کشور خویش به پایین آورده و در عوض او عقاید و خواسته ها و زیاده خواهی های خود را جایگزین ساخته ایم. اما با اینکار اوضاعمان رو به وخامت رفته و از ملتی که زمانی بزرگ بود به ملتی مضحک تبدیل شده ایم.

وقتی خود را بالاتر از استانداردهای کتاب مقدسی قرار می دهیم و از تسلیم شدن به اراده خدا امتناع می ورزیم، محصولی فلاکت بار برداشت می کنیم (رومیان ۱ آیات ۱۸ تا ۳۲؛ غلاطیان ۵ آیات ۱۴ تا ۲۴؛ دوم تیموتائوس ۳ آیات ۱ تا ۵). «18 زیرا غضب خدا از آسمان به ظهور می رسد بر هر گونه بی دینی و شرارت انسانهایی که با شرارت خود حقیقت را سرکوب می کنند19. زیرا آنچه از خدا می توان شناخت بر آنان آشکار است، چون خدا آن را بر ایشان آشکار ساخته است20. زیرا از آغاز آفرینش جهان، صفات نادیدنی خدا، یعنی قدرتِ سرمدی و الوهیت او را می توان با ادراک از امور جهانِ مخلوق، به روشنی دید. پس آنان را هیچ عذری نیست.

21 زیرا هرچند خدا را شناختند، اما او را چون خدا حرمت نداشتند و سپاس نگفتند، بلکه در اندیشه خود به بطالت گرفتار آمدند و دلهای بی فهم ایشان را تاریکی فرا گرفت. 22 اگرچه ادعای حکمت می کردند، اما احمق گردیدند23 و جلال خدای غیرفانی را با تمثالهایی شبیه انسان فانی و پرندگان و حیوانات و خزندگان معاوضه کردند.

24 پس خدا نیز ایشان را در شهوات دلشان به ناپاکی واگذاشت، تا در میان خود بدنهای خویش را بی حرمت سازند25. آنان حقیقتِ خدا را با دروغ معاوضه کردند و مخلوق را به جای خالق پرستش و خدمت نمودند، خالق که تا ابد او را سپاس باد. آمین.

26 پس خدا نیز ایشان را در شهواتی شرم آور به حال خود واگذاشت. حتی زنانشان، روابط طبیعی را با روابط غیرطبیعی معاوضه کردند27. به همین سان، مردان نیز از روابط طبیعی با زنان دست کشیده، در آتش شهوت نسبت به یکدیگر سوختند. مرد با مرد مرتکب اعمال شرم آور شده، مکافاتِ درخورِ انحرافشان را در خود یافتند.

28 و همان گونه که برای آنان شناخت خدا ارزشی نداشت، خدا نیز آنان را به ذهنی فرومایه واگذاشت تا مرتکب اعمال ناشایست شوند²⁹. ایشان از هر گونه نادرستی، شرارت، طمع و خباثت آکنده‌اند. مملو از حسد، قتل، جدال، فریب و بدخواهی‌اند. شایعه‌ساز، 30 تهمت‌زن، متنفر از خدا، گستاخ، متکبر و خودستایند. برای انجام اعمال شیرانه، راههایی نو ابداع می‌کنند. نافرمان به والدین، 31 بی‌فهم، بی‌وفا، بی‌عاطفه و بی‌رحمند. 32 هرچند از حکم عادلانه خدا آگاهند که مکافات مرتکبان چنین اعمالی مرگ است، نه تنها خود آنها را انجام می‌دهند، بلکه کسانی را نیز که مرتکب آنها می‌شوند، تأیید می‌کنند.» «14 زیرا تمام شریعت در یک حکم خلاصه می‌شود و آن اینکه «همسایهات را همچون خویشان محبت کن.» 15 ولی اگر به گزیدن و دریدن یکدیگر ادامه دهید، مواظب باشید که به دست یکدیگر از میان نروید. 16 اما می‌گویم به روح رفتار کنید که تمایلات نفس را به جا نخواهید آورد. 17 زیرا تمایلات نفس برخلاف روح است و تمایلات روح برخلاف نفس؛ و این دو بر ضد هم‌اند، به گونه‌ای که دیگر نمی‌توانید هرآنچه را که می‌خواهید، به جا آورید. 18 اما اگر از روح هدایت شوید، دیگر زیر شریعت نخواهید بود. 19 اعمال نفس روشن است: بی‌عفتی، ناپاکی، و هرزگی؛ 20 بت‌پرستی و جادوگری؛ دشمنی، ستیزه‌جویی، رشک، خشم؛ جاه‌طلبی، نفاق، دسته‌بندی، 21 حسد؛ مستی، عیاشی و مانند اینها. چنانکه پیشتر به شما هشدار دادم، باز می‌گویم که کنندگان چنین کارها پادشاهی خدا را به میراث نخواهند برد. 22 اما ثمره روح، محبت، شادی، آرامش، صبر، مهربانی، نیکویی، وفاداری، 23 فروتنی و خویشنداری است. هیچ شریعتی مخالف اینها نیست. 24 آنان که به مسیح عیسی تعلق دارند، نفس را با همه هوسها و تمایلاتش بر صلیب کشیده‌اند.» «1 این سخن درخور اعتماد است که اگر کسی در آرزوی کار نظارت بر کلیسا باشد، در پی کاری نیکوست 2. از این رو، ناظر کلیسا باید به دور از ملامت، شوهر وفادار یک زن، معتدل، خویشندار، آبرومند، میهمان‌نواز و قادر به تعلیم باشد؛ 3 نه میگسار، یا

خشن، بلکه ملایم؛ و نه ستیزه‌جو، یا پولدوست⁴. نیز باید از عهده اداره خانواده خویش نیک برآید و فرزندان را در کمال وقار مطیع بار آورد⁵. زیرا اگر کسی نداند چگونه خانواده خویش را اداره کند، چگونه می‌تواند کلیسای خدا را مراقبت نماید؟» پولس رسول در این قسمت از کلمات "گزیدن" و "دریدن" استفاده می‌کند. اینها حیوانات وحشی را به یاد من می‌آورد که به یکدیگر حمله می‌کنند و من این رفتار را مرتباً در جامعه خودمان می‌بینم!

"خود" همیشه تفرقه افکنی می‌کند. تصورش را بکنید: اگر هر کس "طبق میل خودش رفتار کند" پس اتحاد یافتن غیر ممکن است. وقتی نگاهمان تنها به خودمان جلب باشد نمی‌توانیم به چیزی دیگر نگرسته، به نیازهای دیگران پی ببریم. اگر همه ما به راههای خود برویم دیگر زمینه و هدف مشترکی نخواهیم داشت (امثال ۱۴ آیه ۱۲) «12پیش روی انسان راهی هست که در نظرش درست می‌نماید، اما در آخر به مرگ می‌انجامد.» و در یاری دادن به یکدیگر ناتوان می‌مانیم.

شاید باورمان این باشد که باید "آنچه را می‌خواهیم بدست آوریم تا خوشحال باشیم" — که در اصل دوست داشتن خود ما است. اگر چه این رفتار فقط باعث گسستگی، دلسردی، ناامیدی و تنهایی ما می‌شود. در واقع "دوست داشتن خودمان" به این شیوه ناسالم اصلاً دوست داشتن نیست (اول قرن‌تیاں ۱۳ آیات ۴ تا ۷). «4محبت بردبار و مهربان است؛ محبت حسد نمی‌برد؛ محبت فخر نمی‌فروشد و کبر و غرور ندارد. 5رفتار ناشایسته ندارد و نفع خود را نمی‌جوید؛ به آسانی خشمگین نمی‌شود و کینه به دل نمی‌گیرد؛ 6محبت از بدی مسرور نمی‌شود، اما با حقیقت شادی می‌کند. 7محبت با همه چیز مدارا می‌کند، همواره ایمان دارد، همیشه امیدوار است و در همه حال پایداری می‌کند.» محبت حقیقی متوجه جهان دور و بر خود است و خودبین نیست. و از آنجایی که خدا محبت است، وقتی

از او دور می شویم ظرفیتِ محبتِ کردنِ حقیقی را از دست می دهیم (اول یوحنا ۴ آیه ۸). «8 زیرا شاگردانش برای تهیه خوراک به شهر رفته بودند.»

حال قبل از آنکه بگویید: " خب!، من همسرم، یا فرزندانم، یا والدینم را دوست دارم پس به کمک خدا برای دوست داشتن کسی نیاز ندارم"، بیایید اول محک بزنیم که درباره چه نوع محبتی صحبت می کنیم. آن محبتی که بر مبنای خدمتگزاری و متمرکز بر بیرون (دیگران) باشد به زبان یونانی در عهد جدید آگاهیه (آ-گا-په) خوانده می شود.

آگاهیه محبت خالصی است که از قلب خدای پدر سرچشمه می گیرد. آن نوع محبتی است که پسر خدا را به روی صلیب فرستاد. مسیح به خاطر محبت خود نسبت به ما حاضر شد جانش را با مشقت و زجر عظیمی بدهد تا بسیاری نجات یابند. خدا با گذشت از خویش، تصویری از محبت واقعی را به ما نشان داد (غلاطیان ۱ آیه ۴؛ اول یوحنا ۳ آیه ۱۶). «4 که جان خود را در راه گناهان ما داد تا ما را به اراده خدا و پدر ما، از عصرِ شریرِ حاضر رهایی بخشد.» «16 زیرا خدا جهان را آنقدر محبت کرد که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاویدان یابد.» این محبت فداکارانه است و نیازی ندارد جواب محبتش را بگیرد تا به محبت کردن ادامه دهد.

درواقع، تنها دلیلی که اساساً قادریم محبت کنیم این است که محبت از خدا سرچشمه می گیرد (اول یوحنا ۴ آیه ۱۹). «19 زن گفت: «سرورم، می بینم که نبی هستی.» انسانها به شباهت خدا خلق شده اند، بنابراین محبت آنان پرتوی از شخصیت خدا است (پیدایش ۱ آیه ۲۷). «27 پس خدا انسان را به صورت خود آفرید، او را به صورت خدا آفرید؛ ایشان را مرد و زن آفرید.» در اصل، همه ما از این توانایی برخوردار هستیم تا او را در بعضی جوانب زندگی خود منعکس کنیم، حتی اگر در رابطه او با قرار نداشته باشیم. به عنوان

مثال، استعدادهای ما، اشتیاق ما برای کمک به دیگران و لذت بردن از طبیعت همه به این خاطر هستند که شبیه به او آفریده شده ایم.

اما محبت «آگاهانه» نتیجه مستقیم حضور روح القدس ساکن در ما است. این به ما کمک می کند تا بیش از خودمان به دیگران فکر کنیم (فیلیپیان ۲ آیه ۳؛ غلاطیان ۵ آیه ۲۲). «3 هیچ کاری را از سرِ جاه طلبی یا تکبر نکنید، بلکه با فروتنی دیگران را از خود بهتر بدانید.» «22 اما ثمره روح، محبت، شادی، آرامش، صبر، مهربانی، نیکویی، وفاداری،» این نوع محبت، آنطور که در کتاب مقدس می خوانیم، بر پایه فروتنی استوار است و طبیعتاً خدمت می کند - حتی برای غریبه ها و کسانی که غیر قابل دوست داشتن هستند فداکاری می کند.

اول خدا

ما اغلب دوست داریم خود را مستقل بدانیم. در واقع، فرزندانمان را از ابتدای زندگی شان - وقتی اولین بار راه رفتن یا صحبت کردن را می آموزند - طوری تربیت می کنیم که خودکفا باشند. اگر چه خوب و مفید است که انسانها قادر به مراقبت خود باشند، اما متأسفانه این ذهنیت را به حد افراط رسانده ایم.

این طرز فکر نسبت به «خود» بر روی ذهن، احساسات، اراده و منش ما تاثیر می گذارد. وقتی احساس کنیم به کمک خدا یا دیگران نیازی نداریم، و در تمام شرایط به این صورت

خود اتکا باشیم، وضعیت غیر طبیعی می شود. در نتیجه، شخص فکر می کند اتکا و وابستگی به خداوند به معنای "عصای زیربغل" است.

آنچه که انرژی و علاقه مان و در واقع قلب و جان مان را به آن معطوف کنیم، همان چیزی است که دوستش داریم و تحسین اش می کنیم. پس اساساً آن چیزی است که پرستش اش می کنیم. بر خلاف انتظار، هر قدر هم که خود را مستقل بدانیم، همه ما کسی یا چیزی را داریم خدمت می کنیم (رومان ۶ آیه ۱۶). «16 آیا نمی دانید که وقتی خود را همچون بندگان فرمانبردار تسلیم کسی می کنید، بندگان آن کس خواهید بود که او را فرمان می برید، خواه بنده گناه، که منجر به مرگ می شود، خواه بنده اطاعت، که به پارسایی می انجامد؟» از رفتار ما معلوم می شود چه کسی را داریم واقعاً خدمت می کنیم - خدا یا خودمان را!

بنابراین اگر مهم ترین اولویت ما کسی یا چیزی جز خدا باشد، ستایشهای ما نیز به سویی نادرست خواهد بود و این دقیقاً همان عاملی است که نا رضایتی زیادی در زندگی برایمان ایجاد می کند. ما خلق شده ایم تا خدا را بیش از هر چیز دیگر دوست بداریم و خدمت کنیم.

اغلب متوجه نیستیم که اگر در زندگیمان خودمان یا دیگران یا چیزی را بالاتر از خدا قرار دهیم، شکست به سراغ ما خواهد آمد. حقیقت این است که تنها خدا است که شایسته عزت، احترام و محبت مطلق است. و ثمره - نتیجه تصمیماتی - که به بار می آوریم، شاهد نیت حقیقی قلب ماست. وقتی خدا را در جایگاه نخست قرار می دهیم، بازخورد زندگی ما خدمتگزاری خواهد بود، زیرا این خواست الهی است.

البته این قطعاً به آن معنا نیست که مراقبت از خودمان اشتباه باشد! برخی از افراد، خدا و دیگران را تا جایی خدمت می کنند که کاملاً از نیازهای خود غافل می مانند.

حتی ممکن است آن طرز خدمت را یک نشان افتخار تلقی کنند. تمام توجهشان بر کاری است که انجام می دهند و نقش قربانی را ایفا می کنند. فرش پادری بودن نیز روشی افراط کارانه و ناسالم است!

چه چیز یا چه کسی را پرستش می کنیم؟

این انتخاب ماست که زندگی خود را وقف چه کسی یا چه چیزی می کنیم. دلیلی دارد که ستارگان سینما و ورزشکاران مشهور را مثل "بُت" قلمداد می کنیم! همه ما کسانی را دیده ایم یا درباره شان شنیده ایم که ظاهراً "همه چیز دارند". ممکن است به پول، قدرت، خانه، اتومبیل یا موقعیت شان غبطه می خوریم.

اما اگر مسیح در زندگی آنها نباشد، آنها در واقع در حفره خالی یک پوچی درونی زندگی می کنند. آنها اغلب چیزها و افراد را به حد پرستش دوست دارند، اما با انکار خدایی را رد می کنند که تنها کسی است که می تواند شادی عمیق و رضایت حقیقی را به آنها ببخشد. در واقع، معادل کلمه عبری برای "پرستش" همان کلمه ای است که برای "غلام و برده بودن" استفاده می شود. بنابراین، هر چه و هر که را بپرستیم، بنده و غلام او هستیم (دوم پطرس ۲ آیه ۱۹). «(۱۹) بدیشان وعده آزادی می دهند، حال آنکه خود بنده فسادند؛ چه، آدمی بنده هر آن چیز است که بر او مسلط است.»

حال افرادی را ملاقات کرده ام که می گویند شاد هستند، اما رابطه ای با مسیح ندارند. حس می کنند زندگی شان بدون خدا کامل است. باور دارم که می توانند یک زندگی نسبتاً "خوب" بدون خداوند داشته باشند ... اما ... این افراد بخش بزرگی از وجود انسانی خود،

یعنی روحشان را نادیده می گیرند. آنها هرگز آن امید و شادی عمیق و هدفی را که خدا برایشان مقرر کرده است تجربه نمی کنند. ایشان نمی خواهند نجات دهنده را بشناسند و با او رابطه و مشارکت داشته باشند.

جدی ترین مسئله در این مورد این است که خدا نگفته است اگر "شاد" یا "خوب" باشید صاحب حیات ابدی خواهید شد. خدا صریحاً فرموده است که بدون پذیرفتن عیسی مسیح در قلب و زندگی تان، در جهان آینده و تا ابد با او نخواهید بود.

سپس افراد دیگری نیز وجود دارند که کاملاً مجذوب و شیفته خودشان هستند. مدام درباره موقعیت خود، دستاوردها و مشکلات خود صحبت میکنند، اما به ندرت برای آنچه دیگران انجام می دهند اهمیت قائل می شوند. این افراد "خودشان" را می پرستند. با اینکار آنها به معنای واقعی، انرژی شما را تخلیه کرده و پس از ملاقات با آنها به ندرت احساس بهتری دارید! این دو دسته از افراد یک وجه مشترک دارند: آنها به دیگران خدمت نمی کنند.

عیسی به عنوان خادم

عیسی همچنانکه شاگردانش را تربیت می کرد، درباره خادم بودن مطالب زیادی را خاطر نشان ساخت. پیام تکان دهنده او را در متی ۲۰ آیات ۲۵ تا ۲۸ می بینیم. معادل کلمه یونانی "غلام" در این قسمت از متن، "دیاکُونِئُو" "diakoneo" می باشد که کلمه انگلیسی "دِیکِن" (توضیح مترجم: در فارسی "شَمّاس") را از آن گرفته ایم. این

کلمه به معنی "خدمت کردن"، "ملازم" و "پادو" ی گوش به فرمان و خدمتکار (کسی دیگر) نیز ترجمه شده است.

به درک انسانی ما، غلام کسی دیگر بودن معمولاً جایگاهی نیست که شاد کننده و لذت بخش باشد. اما خداوند ما دارد یکی از مهم ترین راهها را برای داشتن رابطه نزدیک با او، نیز برای پیشبرد اهداف پادشاهی او، و برای یافتن شادی توضیح می دهد.

عیسی - خدا که جسم پوشید، همکار در آفرینش، شاه شاهان - به طرزی ناباورانه در مورد خود گفت: "من آمدم تا خدمت کنم، نه اینکه خدمت بشوم" (متی ۱۲ آیه ۱۸؛ مرقس ۱۰ آیه ۴۵؛ فیلیپیان ۲ آیات ۳ تا ۸). «18» این است خادم من که او را برگزیده‌ام، محبوب من که جانم از او خشنود است. روح خود را بر وی خواهم نهاد و او عدالت را به قومها اعلام خواهد داشت. «45» چنانکه پسر انسان نیز نیامد تا خدمتش کنند، بلکه آمد تا خدمت کند و جانش را چون بهای رهایی در راه بسیاری بنهد. «3» هیچ کاری را از سرِ جاه‌طلبی یا تکبر نکنید، بلکه با فروتنی دیگران را از خود بهتر بدانید. 4 هیچ‌یک از شما تنها به فکر خود نباشد، بلکه به دیگران نیز بیندیشد. 5 همان طرز فکر را داشته باشید که مسیح عیسی داشت: 6 او که همذات با خدا بود، از برابری با خدا به نفع خود بهره‌ن جست، 7 بلکه خود را خالی کرد و ذات غلام پذیرفته، به شباهت آدمیان درآمد. 8 و چون در سیمای بشری یافت شد خود را خوار ساخت و تا به مرگ، حتی مرگ بر صلیب مطیع گردید. او آمد تا خونس به عنوان قربانی ریخته شود و در نتیجه ما بتوانیم مقدس شویم و با او در حال حاضر و برای همیشه رابطه و مشارکت داشته باشیم.

راجع به عیسی حتی در کتاب اشعیا در عهد عتیق نبوت شده است. از او به عنوان "خادم رنج‌بر" و "خادم خداوند" یاد می‌شود (اشعیا ۴۲ آیه ۱؛ باب ۴۹ آیات ۵ تا ۷؛ باب ۵۲ آیات ۱۳ تا ۱۵). «1» این است خادم من که از او حمایت می‌کنم، و برگزیده من

که جانم از او خشنود است. من روح خود را بر او می‌نهم، و او عدالت را در حق قومها جاری خواهد ساخت.» «5 و حال، خداوند چنین می‌فرماید، همان که مرا از رَحِم برای خدمت خویش بسرشت، تا یعقوب را نزدش بازآورم، و اسرائیل را گرد او جمع کنم، زیرا که در نظر خداوند محترم هستم، و خدای من قوّت من است. 6 آری، او چنین می‌فرماید: «سهل است که خادم من باشی، تا قبایل یعقوب را بر پا بداری، و اسرائیلیانی را که محفوظ داشته‌ام، بازآوری؛ بلکه تو را نوری برای ملت‌ها خواهم ساخت تا نجات مرا به کرانه‌های زمین برسانی.» 7 خداوند، که ولیّ و قدوس اسرائیل است، به او که مورد تحقیر و انزجار قوم، و بنده سلاطین است، چنین می‌فرماید: «پادشاهان با دیدن تو بر پا خواهند ایستاد، و سروران روی بر زمین خواهند نهاد، به سبب خداوند که امین است و قدوس اسرائیل، که تو را برگزیده است.» «13 اینک خادم من کامیاب خواهد شد و به جایگاهی بس والا و رفیع رسیده، سرافراز خواهد گردید. 14 چنانکه بسیاری از او در حیرت شدند - چراکه ظاهرش چنان تباه شده بود که دیگر به انسان نمی‌مانست، و چهره‌اش چنان مخدوش که دیگر به بنی‌آدم شبیه نبود - 15 به همان سان او اقوام بسیار را تطهیر خواهد کرد، و پادشاهان به سبب او دهان خود را خواهند بست. زیرا آنچه را که بدیشان گفته نشده بود، خواهند دید، و آنچه را نشنیده بودند، درک خواهند کرد.»

نکته شگفت‌انگیز این است که عیسی در لوقا ۴ آیات ۱۸ و ۱۹ به **خود** اشاره می‌کند. آیاتی که بدان اشاره می‌کند از اشعیا ۶۱ آیات ۱ و ۲ است و آن قسمت به حدود ۷۰۰ سال قبل از آنکه او حتی متولد شود بر می‌گردد!

ما از "خادم بودن" در جامعه خود به خاطر تفکراتی که از آن کلمه استنباط می‌شود طفره می‌رویم. فرهنگ ما اغلب کسانی که حداقل دستمزد را دارند یا برای امرار معاش خدمتگزار دیگران هستند تحقیر می‌کند. لیکن مسیح با هدفی خاص این واژه را به کار

گرفت و از ما انتظار داشت زندگی خود را عملاً با این هویت در پیش بگیریم — درست همانطور که خودش این را به انجام رسانید (اشعیا ۵۳). « چه کسی پیام ما را باور کرده، و بازوی خداوند بر که مکشوف گشته است؟² زیرا در حضور وی چون نهال، و همچون ریشه‌ای در زمین خشک خواهد رویید. او را نه شکل و شمایلی است که بر او بنگریم، و نه ظاهری که مشتاق او باشیم. ³ خوار و مردود نزد آدمیان، مرد دردآشنا و رنج‌دیده. چون کسی که روی از او بگردانند، خوار گشت و به حسابش نیاوردیم. ⁴ حال آنکه رنج‌های ما بود که او بر خود گرفت و دردهای ما بود که او حمل کرد، اما ما او را از جانب خدا مضروب، و از دست او مصدوم و مبتلا پنداشتیم. ⁵ حال آنکه به سبب نافرمانی‌های ما بدنش سوراخ شد، و به جهت تقصیرهای ما له گشت؛ تأدیبی که ما را سلامتی بخشید بر او آمد، و به زخم‌های او ما شفا می‌یابیم. ⁶ همه ما چون گوسفندان، گمراه شده بودیم، و هر یک از ما به راه خود رفته بود، اما خداوند تقصیر جمیع ما را بر وی نهاد. ⁷ آزار و ستم دید، اما دهان نگشود؛ همچون بره‌ای که برای ذبح می‌برند، و چون گوسفندی که نزد پشم‌برنده‌اش خاموش است، همچنان دهان نگشود. ⁸ با محاکمه‌ای ظالمانه برده شد؛ چه کسی از نسل او سخن تواند گفت، زیرا او از زمین زندگان منقطع شد، و به سبب نافرمانی قوم من مضروب گردید؟ ⁹ گرچه هیچ خشونت نورزید، و فریبی در دهانش نبود، قبرش را با شیران تعیین کردند، و پس از مرگش، با دولتمندان. ¹⁰ اما خواست خداوند این بود که او را له کرده، به دردها مبتلا سازد. چون جان خود را قربانی گناه ساخت، نسل خود را خواهد دید و عمرش دراز خواهد شد، و اراده خداوند به دست وی به انجام خواهد رسید. ¹¹ ثمره مشقت جان خویش را خواهد دید و سیر خواهد شد. خادم پارسای من به معرفت خود سبب بسیاری را پارسا خواهد گردانید، زیرا گناهان ایشان را بر خویشان حمل خواهد کرد. ¹² بنابراین من نیز او را در میان بزرگان نصیب خواهم داد، و غنیمت را با زورآوران تقسیم خواهد کرد.

زیرا جان خویش را به کام مرگ ریخت، و از خطاکاران شمرده شد؛ او گناهان بسیاری را بر دوش کشید، و برای خطاکاران شفاعت می‌کند.»

معانی کتاب مقدسی بسیاری برای کلمات غلام و خادم وجود دارد. اما آنچه هویت ما را به عنوان "غلام" خداوندمان مشخص می‌کند به زیبایی در عهد عتیق منعکس شده است (تثنیه ۱۵ آیات ۱۲ تا ۱۷). «12 هرگاه یکی از برادران عبرانی شما، خواه مرد و خواه زن، به شما فروخته شود، و شش سال شما را خدمت کند، سال هفتم او را آزاد کرده، بگذارید از نزد شما برود13. و چون آزادش می‌کنید تا از نزدیکان برود، تهیدست روانه‌اش نکنید14. بلکه فراخور برکتی که یهوه خدایتان به شما داده است، از گله و خرمن و چَرخُشتِ خود هدیه‌ای سخاوتمندانه به او بدهید15. به یاد داشته باشید که شما نیز خود در سرزمین مصر غلام بودید و یهوه خدایتان شما را فدیة کرد. از آن روست که من امروز شما را چنین فرمان می‌دهم16. اما اگر شما را گوید: "نمی‌خواهم از نزد شما بیرون روم"، زیرا شما و اهل خانه شما را دوست دارد و بودن با شما برایش نیکو بوده است، 17آنگاه درفش‌گری گرفته، نرمه گوش او را بر در سوراخ کنید و او برای همیشه غلام شما خواهد بود. با کنیزتان نیز چنین کنید.» در این بخش می‌خوانیم که اگر کسی بدهی داشت، باید برای شخص یا خانواده‌ای که به آنها بدهکار بود مدت ۶ سال خدمت می‌کرد و در سال هفتم باید او را آزاد می‌کردند.

اما زمانهایی وجود داشت که غلام با گذشت سالیان، محبت عمیقی نسبت به آن خانواده پیدا می‌کرد و تصمیم می‌گرفت بقیه عمرش را به میل خود به آنها خدمت کند. در چنین موردی، یک درفش (یک تکه تیز از سنگ چخماق، استخوان و یا فلز) در گوش غلام فرو می‌کردند که نشان دهنده یک عمر غلامی به میل شخصی بود.

این تصویر صحیح از آن رابطه ای است که باید با مسیح داشته باشیم. او می داند که اگر مالک تمام فکر و دل و اراده ما و جان و قوت ما باشد، آنوقت می تواند به ما نیرو بخشد تا نحوه زندگی مان بسیار عالی تر از یک زیستن زود گذر و بت پرستانه باشد، زیرا زمانی که تمام توجه ما بر خودمان است اغلب چنین زندگی را انتخاب کرده ایم. از آنجا که عیسی مسیح بی گناه بود، او سرمشق و رهبر کامل ماست تا در خدمتگزاری مانند او عمل کنیم.

پولس رسول اغلب خود را "غلام و بنده" عیسی مسیح می خواند و من این مفهوم را بسیار دوست دارم. کلمه "بنده" (بسیاری از ترجمه ها برای کلمه "بنده" از واژه "خادم" استفاده می کنند) در یونانی "دولوس" *doulos* می باشد که به معنی "در قید و بند بودن" یا "در اسارت بودن" است. من مسلماً می خواهم برای سرورم، آن غلام و بنده‌ی مشتاق و عمیقاً متعهد، همواره پر تمایل و دارای رابطه با او و تماماً تسلیم او باشم! می خواهم وقتی خداوند مرا در رو می بینم از من بسیار خشنود باشد!

شما اسیر و در بند چه چیز هستید؟

البته، برای ما مفهوم عبارت "اسارت و در بند بودن" نیز موضوعی منفی است. اما فقط تصورش را نکنید، همانطور که ممکن است حال در بعضی جوانب زندگی تان در اسارت هستید، اگر همانطور در "اسارت" مسیح باشید چقدر عالی خواهد بود! از درون تان نیرویی شما را **وادر** به کارهای نیک خواهد نمود! **نخواهید توانست** از سخاوتمند بودن، مهربانی و دلسوزی **خودداری** کنید! برای تان مشکل خواهد بود به هیچ چیز دیگر غیر از

خشنود کردن خدا/ بیندیشید! علائق و فعالیت های دیگر خود را کنار خواهید گذاشت تا خود را صرفاً وقف خدمت خداوند نمایید.

وقتی خدا به ما فرمان داد: "خداوند خدای خود را با تمام دل، تمام جان، تمام فکر و تمام قوت خود محبت کن" (تثنیه ۶ آیات ۴ تا ۶ و متی ۲۲ آیه ۳۷)، «4» بشنو، ای اسرائیل: یهوه، خدای ما، خداوند یکتاست 5. یهوه خدای خود را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی قوت خود محبت کن 6. و این سخنان که من امروز تو را امر می فرمایم، بر دل تو باشد. «37 عیسی پاسخ داد: «خداوند خدای خود را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی فکر خود محبت نما.»» دقیقاً منظور او همین بود.

بالعکس، اگر با دل و جان و وجود و ذهن مان خود را تقدیم خداوند نکرده ایم، تمایلی هم نخواهیم داشت با او خلوت کنیم و وقت پر کیفیت با او داشته باشیم. علاقه ای به خواندن کتاب مقدس یا هدیه دادن مقداری پول مان به او نخواهیم داشت. میل نخواهیم داشت به محتاجان کمکی برسانیم.

اما این را بدانید که اگر مدام خواسته های خود را در اولویت قرار دهیم، او در سکوت از قلب و ذهن ما بیرون خواهد رفت. این وضع اسفناک برای بسیاری از مسیحیان خوش نیت واقعیتهای شده است. حقیقت این است که بعد از عقب نشینی در ایمان و در رابطه با خدا، تجدید رابطه با او مشکل تر از این خواهد بود که در عوض اطمینان حاصل کنیم رابطه نزدیک مان با او هر روزه حفظ شود.

خداوند ما همچنین به ما می فرماید اگر می خواهیم به حیات جاودان دست یابیم باید زندگی خود را کنار بگذاریم و از راههای خودخواهانه مان بازگشت کنیم (مرقس ۸ آیات ۳۴ تا ۳۸؛ یوحنا ۱۲ آیه ۲۵ و ۲۶). «34 آنگاه جماعت را با شاگردان خود فرا خواند و به

آنان گفت: «اگر کسی بخواهد مرا پیروی کند، باید خود را انکار کرده، صلیب خویش برگیرد و از پی من بیاید» 35. زیرا هر که بخواهد جان خود را نجات دهد، آن را از دست خواهد داد؛ اما هر که به خاطر من و به خاطر انجیل جان خود را از دست بدهد، آن را نجات خواهد داد» 36. انسان را چه سود که تمامی دنیا را ببرد اما جان خود را ببازد؟ 37 انسان برای بازیافتن جان خود چه می‌تواند بدهد؟ 38 زیرا هر که در میان این نسل زناکار و گناهکار از من و سخنانم عار داشته باشد، پسر انسان نیز آنگاه که در جلال پدر خود همراه با فرشتگان مقدس آید، از او عار خواهد داشت.» «25 کسی که جان خود را دوست ندارد، آن را از دست خواهد داد. اما کسی که در این جهان از جان خود نفرت داشته باشد، آن را تا حیات جاویدان حفظ خواهد کرد» 26. آن که بخواهد مرا خدمت کند، باید از من پیروی کند؛ و جایی که من باشم، خادم من نیز خواهد بود. کسی که مرا خدمت کند، پدرم او را سرافراز خواهد کرد.» ایده تسلیم شدن به این معنی نیست که در ازای کار برای خدا، نجات را پاداش بگیریم زیرا تنها قربانی شدن عیسی و ریخته شدن خون او این را ممکن می‌سازد. نجات هدیه ای رایگان است و نمی‌توان آن را کسب کرد.

اما آنچه کتاب مقدس درباره حیات ابدی می‌گوید این است که **اگر** نجات یافته اید – "اگر براستی از آن من (عیسی) هستید – آنوقت طبیعتاً زندگی خود را کنار خواهید گذاشت و مرا خدمت خواهید کرد (رومیان ۱۵ آیات ۱ تا ۳؛ دوم تیموتائوس ۲ آیه ۲۱). «1 ما که قوی هستیم، باید ناتوانیهای ضعیفان را متحمل شویم و در پی خشنودی خویش نباشیم» 2. هر یک از ما باید همسایه خود را خشنود سازد، در آنچه برای او نیکو باشد و باعث بنایش شود» 3. زیرا مسیح نیز در پی خشنودی خود نبود، چنانکه نوشته شده است: «توهینهای اهانت‌کنندگانِ تو بر من فرو افتاده.» «21 پس هر که خود را از آنچه گفتم

پاک نگاه دارد، ظرفی خواهد بود که به کار مصارف مهم می‌آید، ظرفی مقدس و مفید برای صاحبخانه و مهیا برای هر کار نیکو.» محبت همیشه خدمت می‌کند.

در زندگی کسی که برای مسیح زندگی می‌کند بدون وقفه کارهای خداپسندانه دیده می‌شود. یادآور می‌شوم که نجات "رایگان" هست، اما برای خدا به قیمت همه چیز او تمام شد و برای ما نیز شاگرد حقیقی بودن مطمئناً به بهای همه چیز ما خواهد بود. مسیح سرسپردگی کامل ما را می‌خواهد، نه اینکه صرفاً با دلی مردد، جسته گریخته کارهایی بکنیم (دوم قرن‌تیا ۶ آیه ۱۴). «14 و خدا به نیروی خود، هم خداوند را برخیزانید و هم ما را بر خواهد خیزانید.»

چرا لازم است خدمت کنم؟

خدمت برای ما بخشی از پرستش خدا است. یک سوال عالی که باید از خود بپرسیم و نشانگر چیزهایی است که زندگی ما بر آنها تمرکز دارد این است: "من بیشتر وقت، علاقه، افکار، پول و انرژی خود را صرف چه کارهایی می‌کنم؟" به این صورت خواهیم توانست نوری کاورده و افشاگر بر ارزشها و انگیزه های حقیقی مان بتابانیم.

مسیح در بیان حقایق روحانی اغلب به طبیعت اشاره می‌کرد. ما می‌توانیم خدمت خود را به یک مخزن آب تشبیه کنیم. اگر سطح آب زیاد بالا برود یک دریچه کمکی وجود دارد - به آن سرریز می‌گویند - تا آب اضافی را خارج کند. در زندگی ما مشابه این نیز وجود دارد. از هر چه "زیاده از حد پُر شویم" - چه نیکو و چه فاسد - به صورت ناخودآگاه "از درون ما سر ریز می‌شود".

علاوه بر این، اگر دریاچه‌ای فاقد ورودی یا خروجی باشد، راکد و خشک می‌گردد. این مسئله در ایمان مسیحی ما نیز بسیار صحت دارد. اگر نگذاریم روح القدس زندگی های ما

را پُر سازد تا با خدمت، هر چه او به ما بخشیده به دیگران منتقل سازیم، ما بی روح، دلمرده و دارای بویی ناخوشایند خواهیم شد!

و همانطور که درخت سیب نمی تواند انجیر تولید کند، یک مسیحی حقیقی نیز نمی تواند تمام توجهش به خودش باشد. این دو موقعیت با هم ناسازگار هستند. یعنی تنها یکی از این حالات می تواند وجود داشته باشد. یا مسیح را دارید خدمت می کنید یا خودتان را (متی ۱۲ آیه ۳۰). «30 هر که با من نیست، بر ضد من است، و هر که با من جمع نکند، پراکنده می سازد.»

اگر شخص مسیحی اکثر زندگی خود را در پی انجام آرزوها و استعداد های خود بگذارد، و خواهان راحتی و لذت خویش، و برتر ساختن خود از دیگران باشد، **باید** به سوی صلیب باز گردد، توبه کند و بار دیگر مسیح را به عنوان خداوند و ارباب بپذیرد - و زندگی اش در تسلیم به برنامه و اراده خدا برای او صرف شود (رومیان ۱۲ آیات ۱ و ۲). «1 پس ای برادران، در پرتو رحمت های خدا، از شما استدعا می کنم که بدنهای خود را همچون قربانی زنده و مقدس و پسندیده خدا تقدیم کنید که عبادت معقول شما همین است 2. و دیگر همشکل این عصر مشوید، بلکه با نو شدن ذهن خود دگرگون شوید. آنگاه قادر به تشخیص اراده خدا خواهید بود؛ اراده نیکو، پسندیده و کامل او.»

چگونه می توانم یک خادم واقعی شوم؟

بر خلاف انتظار، تنها زمانی که خود را در تسلیم شدن فروتن می نمایم و مطیع خداوند می شوم، به آزادی حقیقی و شادی خالص دست می یابم (متی ۱۶ آیات ۲۴ تا ۲۶؛ دوم قرن تیان ۳ آیه ۱۷؛ فیلیپیان ۲ آیه ۱۷). «24 سپس رو به شاگردان کرد و فرمود: «اگر

کسی بخواهد مرا پیروی کند، باید خود را انکار کرده، صلیب خویش برگیرد و از پی من بیاید²⁵. زیرا هر که بخواهد جان خود را نجات دهد، آن را از دست خواهد داد؛ اما هر که به خاطر من جان خود را از دست بدهد، آن را باز خواهد یافت²⁶. انسان را چه سود که تمامی دنیا را ببرد، اما جان خود را ببازد؟ انسان برای بازیافتن جان خود چه می تواند بدهد؟» «17 اگر کسی معبد خدا را خراب کند، خدا او را هلاک خواهد کرد؛ زیرا معبد خدا مقدس است و شما آن معبد هستید.» «17 اما حتی اگر چون هدیه ای ریختنی، بر قربانی و خدمت ایمانتان ریخته شوم، خوشحالم و با همه شما شادی می کنم.» درست مانند بسیاری از اصول کتاب مقدس، این ظاهراً با منطق انسانی جور در نمی آید. " برای اول شدن " باید آخر باشیم. " دادن از گرفتن فرخنده تر است ". باید " بمیرید " تا زیست کنید. " بدهید تا به شما داده شود ". اما راهها و افکار خدا از راهها و افکار ما بسیار بلند تر است و چون او ما را خلق کرده است می داند که اگر طبق هدایت او زندگی کنیم، رضایت حقیقی را خواهیم یافت.

اما همانگونه که خواندیم، باید فروتن باشیم تا بتوانیم خادم نیکو و وفادار گردیم. همه ما افرادی را ملاقات کرده ایم که " سِمَت خدمت " را دارند اما به وضوح در خدمات شان افرادی " دهنده " نیستند و بینش و مهربانی نسبت به دیگران ندارند! طرز فکر و برخورد فروتنانه، ابتدا از رابطه ما با خدا شکل می گیرد. اگر روح فروتن نداریم، نخواهیم توانست مقام حاکمیت را که حق خداست در زندگی خود به او بسپاریم. بدون فروتنی، برای حفظ اختیار کامل زندگی مان مبارزه خواهیم کرد و این درست برخلاف کرداری است که ما خادمین به آن نیاز داریم. اگر تنها انگیزه ما این باشد که **دیگران به ما خدمت کنند**، هرگز درست خدمت نخواهیم کرد.

راههای عملی خدمت به خدا و دیگران کدامند؟

۱- کتاب مقدس می گوید که قوم خدا "کاهنان ملوکانه و امت مقدس" هستند. این هم درباره اسرائیلیان عهد عتیق و هم مسیحیان عهد جدید صدق می کند (خروج ۱۹ آیات ۵ و ۶ اول پطرس ۲ آیات ۵ تا ۱۰). «5 حال اگر واقعاً صدای مرا بشنوید و عهد مرا نگاه دارید، از میان جمیع قومها، ملک خاص من خواهید بود، زیرا تمامی زمین از آن من است. 6 شما برای من مملکتی از کاهنان، و امتی مقدس خواهید بود. این است آنچه باید به بنی اسرائیل بگویید.» «5 شما نیز چون سنگهای زنده به صورت عمارتی روحانی بنا می شوید تا کاهنانی مقدس باشید و به واسطه عیسی مسیح، قربانیهای روحانی مقبول خدا را تقدیم کنید. 6 زیرا در کتب مقدس آمده است که: «اینک در صهیون سنگی می نهیم، سنگ زاویه برگزیده و گرانبها؛ آن که بر او توکل کند سرافکنده نگردد.» 7 این سنگ برای شما که ایمان آورده اید، گرانبهاست؛ اما آنان را که ایمان نیاورده اند، «سنگی که معماران رد کردند مهمترین سنگ بنا شده است،» 8 و نیز، «سنگی که سبب لغزش شود، و صخره ای که موجب سقوط گردد.» اینان می لغزند چون کلام را فرمان نمی برند، که این بر ایشان مقدر گشته است. 9 اما شما ملتی برگزیده و مملکتی از کاهنان و امتی مقدس و قومی که ملک خاص خداست هستید، تا فضایل او را اعلام کنید که شما را از تاریکی به نور حیرت انگیز خود فرا خوانده است. 10 پیش از این قومی نبودید، اما اکنون قوم خدایید؛ زمانی از رحمت محروم بودید، اما اکنون رحمت یافته اید.» یکی از مهمترین مسئولیت های کاهن هدایت مردم به سوی رابطه ای نزدیکتر با خدا بود.

ما باید با تمام حواس به دنبال فرصتهایی برای انجام اینکار باشیم. شاید برویم برای کسی غذا بخریم - و به او درباره مسیح بگوییم - یا به کسی کمک کرده و چمن او را بزنیم و به او بشارت دهیم! هر بار که به دیگران یاری می دهیم باید مژده ی انجیل را نیز به آنها

برسانیم ؛ در غیر این صورت تلاشهای ما صرفاً کمک رسانی خواهد بود که بسیاری سازمانهای بشر دوستانه این یاری ها را انجام می دهند.

۲- همانطور که آیات فوق در اول پطرس می گوید ، ما می توانیم "قربانی های روحانی" به خدا تقدیم کنیم. یعنی می توانیم مستقیماً او را بستاییم، و نیز ستایش او را در صحبت هایمان به دیگران ابراز کنیم. من اغلب در گفتگو با دیگران، حتی بعضی اوقات در صحبت با افرادی که نمی شناسم عباراتی نظیر این می گویم: "عالی نیست که خدا چنین روز زیبایی آفریده؟" حتی با ذکر نام خدا و خلقت معجزه آسای او می توانید دیگران را به فکر خدا بیندازید.

۳- در کتاب مقدس، در رساله پطرس همچنین می خوانیم که می توان نیکویی خدا را به مردم نشان داد. این می تواند از طریق تبسم به کسی، تشویق افراد، حمایت از اشخاصی که توانایی یا شانس کمتری دارند، یا دیدار از خانه نشینان یا زندانیان یا کارهای بی شمار دیگر باشد.

فقط به یاد داشته باشید، هر کجا می روید نماینده مسیح هستید. انجام کارها در نام او (یعنی به نیت بشارت نام او) هدف اول شماست. یکی از فصل های کتاب حاضر، با عنوان "در میان گذاشتن ایمان ما با دیگران" به جزییات بیشتری درباره نحوه انجام این کار می پردازد.

۴- می توانید از کتاب مقدس برای افرادی که با عیسی مسیح آشنا نیستند درس بدهید.

۵- درباره آنچه خدا می خواهد انجام دهید دعا کنید. از خدا بخواهید فرصت هایی برای شما ایجاد کند که مسیح را به دیگران بشارت دهید. از او بخواهید به شما نشان دهد

بر کدام افراد دقیقاً می خواهد تأثیر بگذارید. اگر مصمم باشید او به دعا‌هایتان پاسخ خواهد داد!

آماده هستید؟

مسیح اغلب از این صحبت می کرد که نیاز ما صرفاً خدمت کردن نیست، بلکه تا همواره برای بازگشت او آماده باشیم. بخشی از خدمت ما به او این است که مشتاقانه منتظر و آماده ی آمدن او باشیم. تمثیل او در متی ۲۵ آیات ۱ تا ۱۳ درباره "ده باکره" گویای این حقیقت است. "روغن" در این داستان نشان دهنده روح القدس است، که به ما هدایت و قدرت و توانایی می بخشد تا "آماده" باشیم.

آماده بودن یعنی خدمت به خدا با تقدیم زندگی خویش برای اهداف او. این داستان به منزله هشدار ی پر تأکید برای مسیحیان است. دقیقاً همین فرایند خدمت به او است که ما را مجهز و آماده می سازد تا با همه شرایط روبرو شویم. همیشه می گویم: "آنچه امروز انجام می دهید همان چیزی است که وقتی "آرزوهایتان" برآورده شوند انجام خواهید داد - یا وقتی اتفاقی ناگوار روی دهد".

سپس، داستان کارگزاران ملک در متی ۲۵ آیات ۱۴ تا ۳۰ همین اصل را توضیح می دهد: آماده باشید! ما نمی توانیم در آخرین لحظه، وقتی مسیح باز می‌گردد تا عروس خود یعنی کلیسا را به آسمان ببرد تازه بخواهیم تصمیم بگیریم. مثل درخت میوه ای که به آن رسیدگی نشده است، نمی توانیم بعد از اینکه پژمرده شد به آن آب و کود بدهیم و انتظار داشته باشیم به زودی جانی تازه بگیرد. نیاز به زمان و کار و تلاش است تا آن درخت به وضعیت سالم و خوب بازگشت کند.

با تغذیه و آبیاری منظم در طولانی مدت است که زیبایی درخت جلوه گر می شود و سایه اش لذت بخش خواهد بود؛ همچنین با اینکار سلامت را خود را به اندازه کافی باز خواهد یافت تا میوه آورد. شایسته است که ما پیروان مسیح، در ملاقات با بیشماری افراد که جان و روان شان خشک و پژمرده گشته، جلوه داشته باشیم و همانند میوه های جانبخش و مغذی و سلامت آفرین، آنان را به منجی محبوب مان نزدیکتر سازیم.

در وقت فراغت خود و پیش از آغاز درس بعدی با عنوان "عطایای روحانی"، به فهرست "عطایای روحانی" رجوع کنید و به سئوالات در صفحات ۱۳۸ تا ۱۴۳ جواب دهید.

فصل هفتم

خدمتگزاری

تفکر و تعمق در آنچه خواندیم

۱- آیا خود را بیشتر فردی خودخواه محسوب می کنید یا خدمت رسان به دیگران؟

۲- آیا فکر کرده اید که آیا بیشتر متوجه "امور این دنیا" هستید (لباس، پول، تحصیلات، شغل، وسایل الکترونیکی)، یا مسائل روحانی؟

۳- آیا کلمه "خادم" یا "خدمتگزار" باعث می شود احساس ناراحتی کنید؟ چرا؟

۴- کتاب مقدس می گوید اگر می خواهید در پادشاهی خدا بزرگ محسوب شوید باید خادم گردید. آیا این را به عنوان واقعیت باور دارید؟

آیا مایلید فراتر از خدماتی که کنوناً انجام می خادمی بیش از آنچه که اکنون هستید، بشوید؟

۵- کدام چیز را (یک چیز را در نظر بگیرید) می توانید انجام دهید تا بیشتر بر خدا تمرکز کنید؟

۶- چه کاری می‌توانید انجام دهید (یک کار را در نظر بگیرید) تا بیشتر به نیازهای دیگران
رسیدگی کنید؟

فصل هشتم

عطایای روحانی

اگر مدتی است مسیحی هستید، احتمالاً درباره "عطایای روحانی" شنیده اید، اما ممکن است به ماهیت آنها پی نبرده باشید یا اینکه چگونه می توانید تشخیص دهید دارای کدام شان هستید. همچنین شاید برایتان سوال پیش بیاید که چگونه باید از آنها استفاده کنید.

زمانی که افراد نجات روحانی را دریافت می کنند، خدا به هر یک عطایای روحانی شان را افزای می نماید چون آنان عضوی از بدن او که همان کلیسا است شده اند (اول قرن تیان ۱۲ آیات ۵ تا ۱۲؛ افسسیان ۴ آیات ۱۱ تا ۱۳). «5 خدمتها گوناگونند، اما خداوند همان است؛ 6 عملها گوناگونند، اما همان خداست که همه را در همه به عمل می آورد. 7 ظهور روح، به هر کس برای منفعتِ همگان داده می شود. 8 به یکی به وسیله روح، کلام حکمت داده می شود، به دیگری به واسطه همان روح، کلام معرفت، 9 و به شخصی دیگر به وسیله همان روح، ایمان و به دیگری باز توسط همان روح، عطایای شفا دادن. 10 به شخصی دیگر قدرت انجام معجزات داده می شود، به دیگری نبوت، و به دیگری تشخیص ارواح. و باز به شخصی دیگر سخن گفتن به انواع زبانهای غیر بخشیده می شود و به دیگری ترجمه زبانهای غیر. 11 اما همه اینها را همان یک روح به عمل می آورد و آنها را به اراده خود تقسیم کرده، به هر کس می بخشد. 12 زیرا بدن هر چند یکی است، از اعضای بسیار تشکیل شده؛ و همه اعضای بدن، اگرچه بسیارند، اما یک بدن را تشکیل می دهند. در مورد مسیح نیز چنین است.» 11 و اوست که بخشید برخی را به عنوان رسول، برخی را به عنوان نبی، برخی را

به عنوان مبشر، و برخی را به عنوان شبان و معلّم، 12 تا مقدسین را برای کار خدمت آماده سازند، برای بنای بدن مسیح، 13 تا زمانی که همه به یگانگی ایمان و شناخت پسر خدا دست یابیم و بالغ شده، به بلندای کامل قامت مسیح برسیم.»

این عطایا باید برای جلال و خشنودی خدا به کار گرفته شوند. همچنین این ها به طرز خاص برای خدمت به دیگر ایمانداران مورد استفاده قرار می گیرند. در عین حال عطایا همچنین برای یاری کسانی که پیرو مسیح نیستند مفید می باشند.

خدمت به سرور مان جنبه های بسیار دارد. وقتی هدفمندانه از طریق خدمت به دیگران خدا را خدمت می کنیم، محبت خود را نیز به او ثابت می کنیم (یوحنا ۱۴ آیه ۱۵، آیه ۲۱، آیات ۲۳ و ۲۴؛ یوحنا ۱۵ آیه ۱۰، آیات ۱۳ و ۱۴ و آیه ۱۷). «(۱۵) اگر مرا دوست بدارید، احکام مرا نگاه خواهید داشت.» «(۲۱) آن که احکام مرا دارد و از آنها پیروی می کند، اوست که مرا دوست می دارد؛ و آن که مرا دوست می دارد، پدرم او را دوست خواهد داشت و من نیز او را دوست داشته، خود را بر او ظاهر خواهم ساخت.» «(۲۳) عیسی پاسخ داد: «اگر کسی مرا دوست بدارد، کلام مرا نگاه خواهد داشت، و پدرم او را دوست خواهد داشت، و ما نزد او خواهیم آمد و با او مسکن خواهیم گزید.» (۲۴) آن که مرا دوست نمی دارد، کلام مرا نگاه نخواهد داشت؛ و این کلام که می شنوید از من نیست، بلکه از پدری است که مرا فرستاده است.»

«(۱۰) اگر احکام مرا نگاه دارید، در محبت من خواهید ماند؛ چنانکه من احکام پدر خود را نگاه داشته ام و در محبت او می مانم.» «(۱۳) محبتی بزرگتر از این وجود ندارد که کسی جان خود را در راه دوستانش فدا کند. (۱۴) دوستان من شما را اگر آنچه به شما حکم می کنم، انجام دهید.» «(۱۷) حکم من به شما این است که یکدیگر را محبت کنید.»

خدا به طرزی منحصر به فرد، برای هر یک از ما ایمانداران قابلیت ویژه ای جهت خدمت به او و دیگران تعیین کرده است.

متأسفانه، برخی از کلیساها آشکارا درباره عطایای روحانی سخن نمی گویند، یا آنها را مورد بررسی و امتحان قرار نمی دهند و یا آگاهانه از آنها استفاده نمی کنند. و کلیساهای دیگر عطایای روحانی را مورد سوء رفتار قرار می دهند چون افرادی را که به عطایای خاصی باور ندارند یا از آنها بهره نمی گیرند طرد یا تحقیر می کنند - عطایا ای نظیر صحبت به زبانها یا شفا.

هدف از عطایا، یاری به تقویت اتحاد است نه جدایی. این موهبت ها به مسیحیان افزوده شده اند تا آنها یکدیگر را بنا کرده، مشوق هم ایمانان خود باشند. بنابراین اگر برای راندن و حس بیگانگی دادن، سردرگمی یا خوار شمردن دیگران استفاده شوند، به درستی به کار برده نمی شوند.

و صرفاً به دلیل این که کلیسایی احتمالاً مشکل عقیدتی با شفا دادن و استفاده از عطیه زبانها داشته باشد، به این معنی نیست که خدا را به درستی خدمت نمی کند. به همین ترتیب، اگر در کلیسایی، عطایایی که "غیر معمول" تر هستند **استفاده می شوند**، آنها هم بدین معنی نیست که چنین افراد مسیحی نیستند! اما عطایا باید بررسی شده، در تمامی کلیساها تا حدودی استفاده گردند.

علاوه بر این عده ای از مسیحیان بر این باور هستند که عطایای روحانی در این زمان کاربردی ندارند. به عقیده آنها، عطایا صرفاً در کلیسای اولیه عهد جدید استفاده می شدند و به مسیحیان امروزی اطلاق نمی کنند.

اما عطایای روحانی ابزاری بی نهایت مهم و ضروری هستند که خدا به ایمانداران برای خدمت به بدن مسیح (کلیسا) و خدمت به بی ایمانان ارزانی می‌دارد. در این فصل به طور خلاصه مشخص می‌کنیم برخی از این عطایا چه هستند و چگونه از آنها استفاده کنیم.

- پیش از شروع، لازم است فهرست عطایای روحانی موجود در انتهای این فصل را پُر کنید. لطفاً آن را کامل نموده و پیش از خواندن ادامه این فصل به پاسخ‌های خود امتیاز دهید.

عطایای روحانی در عهد عتیق؟

به عطایای روحانی در عهد عتیق آنطور که به ویژه در عهد جدید ذکر شده‌اند، اشاره نشده است. یقیناً، قوم خدا همیشه عطایای روحانی را داشته‌اند اما این عطایا تنها در عهد جدید به صراحت نامبرده شدند. عطایای روحانی توسط روح خدا، که شریک در آفرینش و ابدی و ازلی است، به ایمانداران عطا می‌شوند.

این بدان معنی است که روح خدا آفریده نشده است. همانند مسیح و خدای پدر، او پیش از آفرینش جهان وجود داشته است و نیز تماماً خداست. کارهای روح القدس در عهد عتیق دیده می‌شوند که در زندگی افراد برای اهداف مخصوص و رویدادها و اشخاص و دوران خاص به صورت خدا عمل می‌کرد.

اما بعد از صعود عیسی مسیح بود که روح خدا نازل شد تا در همگی ایمانداران ساکن گردد (یوحنا ۱۴ آیات ۱۵ تا ۱۷).

«(۱۵) اگر مرا دوست بدارید، احکام مرا نگاه خواهید داشت. (۱۶) و من از پدر خواهم خواست و او مدافعی دیگر به شما خواهد داد که همیشه با شما باشد، (۱۷) یعنی روح

راستی که جهان نمی‌تواند او را بپذیرد، زیرا نه او را می‌بیند و نه می‌شناسد؛ اما شما او را می‌شناسید، چرا که نزد شما مسکن می‌گزیند و در شما خواهد بود.» شایان توجه است که مسیح در این قسمت از کلام می‌گوید روح القدس اکنون با ایشان است (پیش از صعود مسیح، وقتی او در جهان زندگی میکرد) اما پس از رفتن او، در ایشان خواهد بود.

به باور من، دلیل اینکه عطایای روحانی در همه ایمانداران قبل از عهد جدید فعال نبوده این است که روح القدس هنوز در درون افراد ساکن نمی‌گردید و عطایای او تا روز پنتیکاست به پیروان مسیح داده نشدند (اعمال ۲ آیات ۳۲ و ۳۳؛ اول قرن‌تین ۶ آیات ۱۹ و ۲۰). «(۳۲) خدا همین عیسی را برخیزانید و ما همگی شاهد بر آنیم. (۳۳) او به دست راست خدا بالا برده شد و از پدر، روح القدس موعود را دریافت کرده، این را که اکنون می‌بینید و می‌شنوید، فرو ریخته است.»

«(۱۹) آیا نمی‌دانید که بدن شما معبد روح القدس است که در شماست و او را از خدا یافته‌اید، و دیگر از آن خود نیستید؟ (۲۰) به بهایی خریده شده‌اید، پس خدا را در بدن خود تجلیل کنید.»

علاوه بر این کتاب مقدس می‌گوید که عطایای روحانی برای کلیسا و به منظور تقویت، حفظ، بنا و رشد روحانی کلیساست و تا قبل از اینکه مسیح جهان را ترک کند کلیسا وجود نداشت (یوحنا ۱۶ آیه ۷). «(۷) با این حال، من به شما راست می‌گویم که رفتنم به سود شماست. زیرا اگر نروم، آن مدافع نزد شما نخواهد آمد؛ اما اگر بروم او را نزد شما می‌فرستم.»

در واقع، حتی نخستین باری که کلمه "کلیسا" در کتاب مقدس ذکر شده در متی ۱۶ آیه ۱۸ است!

این بدان معنا نیست که روح القدس در عهد عتیق قوم خدا را هدایت نمی کرده است یا به آنها قدرت نمی بخشید، زیرا کتاب مقدس به روشنی بیان می دارد که تمامی کتاب مقدس از الهام اوست (دوم تیموتائوس ۳ آیات ۱۶ و ۱۷؛ دوم پطرس ۱ آیات ۲۰ و ۲۱).

«(۱۶) تمامی کتب مقدس الهام خداست و برای تعلیم و تأدیب و اصلاح و تربیت در پارسایی سودمند است، (۱۷) تا مرد خدا به کمال برای هر کار نیکو تجهیز گردد.»

«(۲۰) قبل از هر چیز، بدانید که هیچ وحی کتب مقدس زائیده تفسیر خود نبی نیست. (۲۱) زیرا وحی هیچ گاه به اراده انسان آورده نشد، بلکه آدمیان تحت نفوذ روح القدس از جانب خدا سخن گفتند.»

هر یک از نویسندگان کتاب مقدس توسط روح خدا هدایت شدند. و البته روح القدس به افراد بسیار دیگری در عهد عتیق نازل شد (خروج ۲۵ آیه ۳۱؛ دوم تواریخ ۲۴ آیه ۲۰؛ و موارد دیگر). «(۳۱) چراغدانی از طلای ناب بساز و پایه و بدنه آن را چکش کاری کن؛ پیاله های گل مانند و جوانه ها و غنچه هایش با آن یکپارچه باشد.»

«(۲۰) آنگاه روح خدا زکریا پسر یهویداع کاهن را ملبس ساخت، و او بر فراز قوم ایستاده، گفت: «خدا چنین میفرماید: "چرا از فرامین خداوند سرپیچی می کنید تا کامیاب نگردید؟ از آنجا که خداوند را ترک کرده اید، او نیز شما را ترک کرده است."» علاوه بر آن، خدا به همه آنها قابلیت های ویژه بخشید.

معنی کلمه "عطیه"

جالب است که کلمه "عطیه" در ارتباط با عطایای روحانی در زبان یونانی با معنی رایج آن یعنی "هدیه" متفاوت است. کلمه معادل آن "کاریزما" می باشد که در انگلیسی به معنی "عطیه ی جذب کردن افراد، دارا بودن جذابیت، خوشایندی یا کشش مغناطیسی" است. اما در اصل یونانی به معنای "قابلیت روحانی" و یا "موهبت روحانی" است. عطایای روحانی حقیقتاً توانایی های عملی و پر هدفی هستند که خدا به مسیحیان راستین می بخشد.

کلمه «کاریزما» همچنین به عنوان "رهایی یافتن از خطر یا غرایز نفسانی" آمده است. وقتی در روح القدس زندگی می کنیم و عطایای خود را به کار می بندیم، ثمرات نیکوی رهایی و خلاصی در زندگی ما به چشم می خورند! وقتی با قدرت روح القدس عمل می کنیم و کارهای ملکوت خدا را انجام می دهیم شیطان **خوشش نمی آید**. هنگامی که عطایای خود را به عمل می گذاریم اغلب یک عاملی ما را محافظت می کند.

اگر چه عطایای روحانی برای کلیسا در نظر گرفته شده اند، اما طبیعتاً دامنه گسترده تری دارند و در خدمت ما به بی ایمانان نیز عمل می کنند. برای مثال عطیه های سخاوتمندی، مهمان نوازی و یا تعلیم، یقیناً می توانند وسیله ای باشند که جویندگان خدا به کلیسای مسیح روی بیاورند.

عطیه روحانی روش اصلی می باشد که روح القدس **با استفاده از** ایماندار برای خدمت به کار می گیرد. این توانایی مافوق طبیعی است برای خدمت به خدا - و او به ما اشتیاقی عظیم می بخشد تا وظایف آن عطیه را انجام دهیم. عطایا سرچشمه ی شادی در زندگی مسیحی هستند! آنها دعوت الهی همراه با مسئولیتی الهی هستند، زیرا برای هر عطیه ای که خدا به شما بخشیده است، همچنین برای کاربرد آن شما را فرا خوانده است. و برای

هر آنچه مأموریت انجام دارید، عطیه آن را نیز به شما بخشیده است. (عبرانیان ۱۳ آیات ۲۰ و ۲۱). «(۲۰) حال، خدای سلامتی که شبان اعظم گوسفندان یعنی خداوند ما عیسی را به خون آن عهد ابدی از مردگان برخیزانید، (۲۱) شما را به هر چیز نیکو مجهز گرداند تا اراده او را به انجام رسانید. باشد که او هرآنچه را که موجب خشنودی اوست به واسطه عیسی مسیح در ما به عمل آورد، که او را جلال جاودانه باد. آمین.»

عطایای روحانی در مقابل استعدادها

عطایای روحانی با "استعدادهای" ما تفاوت دارند. استعدادها نیز خدادادی هستند، زیرا همه انسانها چه بی خدا و چه ایمانداران حقیقی، به شباهت خدا آفریده شده اند. برای داشتن "استعداد"، شخص نیاز ندارد به خدا ایمان داشته باشد. اما استعدادها بیشتر با خوی طبیعی ما مرتبط هستند، و با آنچه به عنوان "انسان" به خوبی انجام می دهیم.

حتی شاید پی ببریم که عطایای روحانی ما مشابه استعدادهای ما هستند. به عنوان مثال، ممکن است استعداد حمایت از دیگران را حتی قبل از نجات خود داشته ایم. بعد از نجات، روح القدس ممکن است عطیه "تشویق" را به ما ببخشد. (همانند حمایت از دیگران).

تفاوت در این است که عطایای روحانی ما در این زمینه از قدرت بیشتری برخوردارند و به ویژه عطا شده اند تا کلیسا رشد کند و به سوی پُری و تمامیت پیش رود (افسسیان ۴ آیات ۱۱ تا ۱۳). «(۱۱) و اوست که بخشید برخی را به عنوان رسول، برخی را به عنوان نبی، برخی را به عنوان مبشر، و برخی را به عنوان شبان و معلّم، (۱۲) تا مقدسین را برای کار خدمت آماده سازند، برای بنای بدن مسیح، (۱۳) تا زمانی که همه به یگانگی ایمان و شناخت پسر خدا دست یابیم و بالغ شده، به بلندای کامل قامت مسیح برسیم.»

اما به یاد داشته باشید که کلیسا صرفاً برای حمایت و بنای اعضای خود پیشبرد نمی یابد، بلکه تا به جهان نیز سهم برساند و چراغی درخشنده برای نور افشاندن و امید بخشیدن به بی ایمانان باشد.

علاوه بر این، عطایای روحانی از **هدایت روحانی** حاصل می شوند، نه **از قدرت انسانی**. حتی اگر کلیسای شما لزوماً عطایا را به **کار نمی بندد** (مانند تعلیم درباره آنها و تقسیم مسئولیتها در کلیسا بر طبق عطایا) ، شما در برابر خداوند مسئول هستید که از عطایایی که او به شما بخشیده استفاده کنید. بیاد داشته باشید عطایای روحانی **همیشه** در سر و کار با افراد هستند و همیشه شامل اقداماتی برای کمک به دیگران هستند.

بهترین راه برای اثبات اینکه عطیه یا عطایای شما اصیل هستند این است:

۱) از استفاده از عطایای خود دلشاد هستید و برای شما بار و زحمت نیستند.

۲) دیگران در بدن مسیح تایید می کنند وقتی شما عطایای خود را به کار می بندید زندگی آنها نیز غنی و پر بار می شود. در اصل، تأیید عطایای شما از کلیسا می آید. نتیجه نهایی عطایای ما باید به روشنی باعث برکت دیگران باشد.

احتیاط کنید: عطایا قطعاً می توانند مورد سوء استفاده و تحریف قرار گیرند، بیشتر به این دلیل که طبیعت ما گناه آلود است. به عنوان مثال در کنار عطایای "برون گرا" که همگان آنها را می بینند (شبان، معلم، رهبر، مبشر) غرور و خود کفایی می توانند موانعی مخرب باشند. وقتی افراد برای عطایای خود همواره مورد تحسین واقع می شوند، ممکن است توانایی آنها را از خود انگار کنند در حالی که آن قدرت و توانایی ها تنها از خدا است.

در کنار عطایایی که احتمالاً "درونگرا" هستند (خدمت، مهربانی، دهنده‌گی و بخشندگی)، شخص ممکن است در تلاش برای احساس ارزشمندی یا پذیرفته شدن در جمع، به روشی ناسالم خودفدایی کند. شهید شدن به خاطر "خودمان" هرگز زیبا نیست. این افراد ممکن است گرایش پیدا کنند مورد بهره برداری و سوء استفاده قرار گیرند زیرا عشق به خدمت دارند.

البته منظور این نیست که بگوییم فقط افرادی که آن عطایا را دارند دچار چنین مسائلی می گردند. اما اگر شما آن عطایا را دارید، مراقب باشید در دام هایی که احتمالاً بر سر راه شما قرار می گیرند نیفتید. از این رو مهم است رشد شخصی را در مسیح ادامه دهیم تا وقتی عطایای ما مورد استفاده قرار می گیرند حقیقتاً برای دیگران به کار روند و به طریزی سالم برای ما مفید باشند و خدا را جلال دهند.

پی بردن به عطاایمان به همان اندازه ی پی بردن به طرز استفاده از آنها لذت بخش است! اما مانند هر پروژه جدید، آنها باید مورد آزمایش قرار گیرند و اغلب از آنها استفاده کنیم تا در آنها مهارت بیابیم. وقتی عطایای خود را به کار می گیرید، آنها خدمت شما را برای خداوند پربارتر و دلپذیر تر می سازند.

تأکید می کنم، هدف از عطایا همیشه بر دیگران تمرکز دارد و لازم است مسیح محرک اصلی استفاده از آنها باشد. مهمتر از همه، آنها برای جلال خدا هستند نه برای انجام اهداف خود محور ما.

پس عطایا چه هستند؟

چندین قسمت در کلام خدا عطایا را نام می برند. دانشمندان کتاب مقدس نظرات مختلفی درباره تعداد عطایای عنوان شده در کلام خدا دارند، لیکن ما به چند مورد خاص که در آیات زیر آمده اند می پردازیم. پیش از این افسسیان فصل ۴ آیات ۱۱ تا ۱۳ را خوانده ایم.

بیایید رومیان ۱۲ آیات ۳ تا ۸؛ اول قرنتیان فصل ۱۲ و ۱۴؛

و اول پطرس فصل ۴ آیات ۷ تا ۱۱ را بخوانیم.

می خواهیم خاطر نشان کنم زمانهایی هست که اگر حتی عطیه خاصی ندارید، با وجود این مسئولیت دارید به آن صورت عمل کنید. برای مثال، شاید عطیه "بخشنده سخاوتمند" را نداشته باشید، اما این بدان معنا نیست که **نباید** بخشنده سخاوتمندی باشید. همچنین شاید **عطیه** خدمت گزاری را نداشته باشید اما این بدان معنا نیست که نباید مرتباً به دیگران خدمت کنید.

در مقابل، عطایایی وجود دارند که باید صرفاً توسط کسانی که آن عطای خاص را یافته اند مورد استفاده قرار بگیرند، مانند معلم، رهبر و شبان. وقتی افراد سعی می کنند آن گونه عطایایی را که به آنها داده نشده است به کار ببندند، نتیجه می تواند شکست بزرگی باشد.

همه ما تحت رهبری کسانی بوده ایم که تصور می کنند روسای خوب یا لیدرها یا شبانان شایسته ای هستند (در حالیکه نیستند)؛ یا تحت تعلیم کسانی بوده ایم که تصور می کنند خوب تعلیم می دهند (اما اینطور نیست) ... از نتیجه ی کارهای این افراد خواهیم دانست آیا این افراد حقیقتاً عطیه یافته اند یا خیر.

عطایای خاص

این بخش تنها یک بررسی اجمالی از عطایاست. کتابها و وب سایت های مفید و فراوانی برای مطالعه عمیق تر آنها در دسترس می باشند. من همه ی آنها را نام نبرده ام اما جهت موضوع مورد بحث، شرح بیشتری در چند مورد آنها ذکر می کنم:

نبوت: نبوت می تواند عطیه پیش بینی آینده باشد و این در میان انبیای عهد عتیق رایج بود. بیشتر نبوتهای آینده که درباره آن زمان خواندیم به این دلیل ثبت شده بودند که تمامی کتب کتاب مقدس هنوز نوشته نشده بودند.

نبوت همچنین برای اثبات اعتبار پیام خدا به مردم استفاده می شد. البته، تنها خدا می داند در آینده چه رخ خواهد داد. پس او به انبیا آنچه را در شرف وقوع بود مکشوف می کرد و وقتی آن واقعه رخ می داد ایمان مردم تقویت می شد و بی ایمانان به خداوند روی می آوردند. باور دارم انبیایی که آینده را پیش بینی می کنند هنوز وجود دارند، اما آنها نادر هستند (ارمیا ۲۸آیه ۹). «(۹) اما آن نبی که به صلح و سلامت نبوت کند، اگر سخن او واقع شود، آنگاه معلوم خواهد شد که براستی خداوند او را فرستاده است.»

لیکن معنی متداول تر برای نبوت و یقیناً سودمندترین معنی آن چنین است: "توانایی توضیح کتب مقدس به طرزی که شنونده بتواند آنها را درک کند". همچنین افراد دارای این عطیه با پیغامها (یا تعالیم خویش) ایمانداران را تقویت و تشویق می کنند و تسلی می بخشند (اول قرنثیان ۱۴ آیه ۳). «(۳) اما آن که نبوت می کند، با انسانهای دیگر برای بنا، تشویق و تسلی شان سخن می گوید.»

خدمت : این عطیه ی "کمک" نیز خوانده می شود و اشتیاقی ویژه برای خدمت به دیگران است، که اغلب با فداکاری های بزرگ برای آن شخص به همراه است. افراد دارای

این عطیه ترجیح می دهند خدمت شان را در برابر عموم انجام ندهند و مایل نیستند مورد توجه دیگران قرار بگیرند. تکرار می کنم، همه ما موظف هستیم یکدیگر را خدمت کنیم، اما شخصی که صاحب این عطیه است با لذتی عمیق و نتایجی چشمگیر کار را انجام می دهد!

معلم: این عطیه نیاز به توصیف ندارد. اما مؤثر بودن آن را با نظارت و مشاهده ی رشد در افرادی که تحت تعلیم هستند تشخیص می دهیم. اگر حقیقتاً دارای این عطیه هستید، مردم نه تنها باید به تعلیم شما علاقه مند باشند، بلکه باید انگیزه بگیرند تا در اثر تدریس شما دست به عمل شوند.

تشویق کننده: این عطیه را همچنین "عطیه ترغیب و دلگرمی" می خوانند، که اغلب به معنی "مصرانه یا با جدیت، برانگیختن دیگران برای اقدام به عمل" است. این عبارت از کلمه یونانی "پاراکلتوس paracletos" می آید به معنی "دعوت از کسی به آمدن در کنار خود، یا به همراه کسی آمدن" است. تصویری از شخصی است که به کنار شما می آید تا یاری دهد و به شما انگیزه ببخشد، و تا شما را پایدار در مسیرتان حفظ کند، و اگر خسته یا کند شوید یاورتان باشد. در واقع، روح القدس به نام "پاراکلت Paraclete" خوانده می شود، زیرا او مددکار، تسلی دهنده و مدافع ماست (یوحنا ۱۴ آیه ۱۶؛ و باب ۱۵ آیه ۲۶). «(۱۶) و من از پدر خواهم خواست و او مدافعی دیگر به شما خواهد داد که همیشه با شما باشد،» «26 اما چون آن مدافع که از نزد پدر برای شما می فرستم بیاید، یعنی روح راستی که از پدر صادر می شود، او خود درباره من شهادت خواهد داد،»

رهبری: ممکن است عنوانی مسلم به نظر برسد اما نیاز به کمی توضیح دارد. اول از همه، رهبران حقیقی در کلیسا از طرف خداوند دعوت شده اند؛ آنها خود را منصوب نمی

کنند (۱ قرن‌تیاں باب ۱ آیه ۱) «1 از پولس، که به خواست خدا فرا خوانده شده است تا رسول عیسی مسیح باشد، و از برادرمان سوسِتنس». یک رهبر عطیه یافته، کسی است که با سرمشقِ دیگران بودن رهبری می‌کند و حاضر است به کسانی که رهبری شان می‌کند خدمت کند (متی ۲۰ آیات ۲۵ تا ۲۸). «(۲۵) عیسی ایشان را فرا خواند و گفت: «شما می‌دانید که حاکمانِ دیگر قومها بر ایشان سروری می‌کنند و بزرگانشان بر ایشان فرمان می‌رانند. (۲۶) اما در میان شما چنین نباشد. هر که می‌خواهد در میان شما بزرگ باشد، باید خادم شما شود. (۲۷) و هر که می‌خواهد در میان شما اول باشد، باید غلام شما گردد. (۲۸) چنانکه پسر انسان نیز نیامد تا خدمتش کنند، بلکه آمد تا خدمت کند و جان‌ش را چون بهای رهایی در راه بسیاری بنهد.»

این به معنی "پادری بودن" نیست. اینگونه رهبران شخصیتی بسیار قوی دارند و می‌بایست مورد احترام قرار گیرند. اما انگیزه‌ی آنها باید انگیزه‌ی خادمی باشد که مشتاق خدمت است. خداوند ما نمونه کاملی از یک "رهبر خادم" و چنین طرز فکری بود.

اگر با "رهبری" مواجه شوید که این عطیه لازمه را ندارد، می‌بینید متکبر و مغرور است، سخت می‌توان به او نزدیک شد، خشن و ایراد گیر است، و فکر می‌کند: "حرف، حرف من است و بس!". اینگونه افراد قادر نیستند انتقاد از خود را بپذیرند یا از کسی آموزش بگیرند.

مهربانی: خداوند از همگی ما دعوت کرده است تا مهربان باشیم (غلاطیان ۵ آیه ۲۲ ؛ افسسیان ۴ آیه ۳۰ تا ۳۲). «(۲۲) اما ثمره روح، محبت، شادی، آرامش، صبر، مهربانی، نیکویی، وفاداری،»

«(۳۰) روح قدّوس خدا را که بدان برای روز رهایی مهر شده/اید، غمگین مسازید. (۳۱) هر گونه تلخی، خشم، عصبانیت، فریاد، ناسزاگویی و هر نوع بدخواهی را از خود دور کنید. (۳۲) با یکدیگر مهربان و دلسوز باشید و همان گونه که خدا شما را در مسیح بخشوده است، شما نیز یکدیگر را ببخشایید.»

کلمه کاربردی در اینجا "chrestos" می باشد که به معنی "مناسب برای استفاده" است! خدا زمانی می تواند از ما بیشترین استفاده را بکند که مهربان باشیم؛ یک مثل قدیمی می گوید "با غسل آسان تر می توان مجذوب ساخت تا با کدوی حنظل!"

همچنین به معنی "رحم کردن/داشتن" است. رحم کردن یعنی مجازاتی را که کسی سزاوار آن است بر او روا نمی داریم، همان گونه که خدا نیز به فراوانی با ما چنین می کند. پس ما نیز باید با دیگران به فراوانی آن را به کار بگیریم. جالب است که در زبان عبری کلمه مهربانی اغلب برای توصیف ارزش سنگهای قیمتی استفاده می شود.

شبان: کلمه یونانی "poemen" به معنی چوپان است. اگر چه "پویمِن" در کتاب مقدس به ندرت به معنی "شبان" به کار رفته است، در اکثر موارد به عبارت "چوپان" ترجمه شده است. بنابراین در واقع، صحبت ما درباره عطیه شبانی کردن است نه جایگاه شبانِ کلیسا. اگر چه یک شبانِ مفیدِ کلیسا باید عطیه ی شبانی داشته باشد، اما افرادی که عطیه ی شبانی دارند لزوماً شبان نیستند. کسانی دارای عطیه ی شبانی هستند که طبیعتاً جویندگان مشاوره و راهنمای پرورشی (منتور mentor) را به خود مجذوب می سازند.

دهنده سخاوتمند: در گمان اول، عبارت "دادن" معمولاً پول را به ذهن می آورد. اما افرادی که دارای عطیه ی "دادن" هستند توانایی ویژه برای پی بردن به نیازهای دیگران

و رفع آنها دارند. این می تواند مربوط به نیازهای فیزیکی، ذهنی، احساسی، روحانی و مالی باشد. چنین ایمانداری وقتی به نیازهای افراد برای تأمین آنها رسیدگی می کند، شادی ویژه ای را تجربه می کند.

مشاور حکیم: مصداق حکمت کتاب مقدسی است. کلمه "حکمت" از واژه یونانی "صوفیا" می آید. این نه تنها توانایی برای زندگی خدا پسندانه است، بلکه جهت نشان دادن و تعلیم به دیگران است که چگونه حقایق کتاب مقدس را در زندگی خود به کار برند، به نحوی که برای شنونده بیشترین مفهوم را داشته باشد. حکمت، آن است که آنچه را از کتاب مقدس (دانسته ها) و از روح خدا آموخته اید، در زندگی تان عمل کنید.

شناخت خاص: توانایی خدادادی برای فهم معانی عمیق کتاب مقدس است. هدف از این عطیه آن است که شخص، دانش خود را از کتاب مقدس با دیگران در میان بگذارد. همچنین گونه ای از تمیز دادن و تشخیص است که بتوانیم ژرفای امور روحانی را بدون اینکه واقعا ادله ای در اختیار داشته باشیم "به بینیم".

ایمان: همه ما ایمان داریم، وگر نه مسیحی نیستیم! اما به برخی افراد میزان بسیار بیشتری از ایمان عطا شده است. این عطیه مقرر شده تا او میزان و توانایی ایمان را در ایمانداران دیگر برانگیزاند تا ایمان داشته باشند خدا آن شخصی است که می فرماید و جویندگان خود را پاداش می دهد (عبرانیان ۱۱ آیه ۶). «(۶) و بدون ایمان ممکن نیست بتوان خدا را خشنود ساخت، زیرا هر که به او نزدیک می شود، باید ایمان داشته باشد که او هست و جویندگان خود را پاداش می دهد.» چنین فردی دارای توانایی افزایش ایمان در دیگران است.

شفا دهنده: امروزه به نظر می‌رسد شفای "جسمی" کمتر اتفاق می‌افتد، به خصوص در کشورهایی که از صنعت پیشرفته تری برخوردارند. به عقیده من تا حدی به این دلیل است که شفا یک امر بسیار هیجان‌انگیز و چشمگیر است و مردم گرایش بسیار به پرستش کسی دارند که عمل شفا را انجام می‌دهد تا آنکه طبیب اعظم خویش، عیسی مسیح را بپرستند.

همچنین فکر می‌کنم شفا در کشورهای جهان سوم رایج‌تر است زیرا بسیاری از مردم هرگز پیام انجیل را نشنیده‌اند، و معجزات قدرت و وجود خدا را اثبات می‌کنند. مردم در آن فرهنگها ایمان بسیار قوی دارند و چون پیام خدا را پی در پی رد نکرده‌اند، ایمانشان لغزش نخورده و مستحکم است.

مطالعات نشان می‌دهند مردم تحصیل کرده و دارای درآمد بالاتر، نه تنها کمتر به شفا *ایمان* دارند، بلکه کمتر آن را تجربه می‌کنند (مطالعات «بارنا» با عنوان «اکثر آمریکایی‌ها شفای مافوق طبیعی را باور دارند» - چاپ ۲۰۱۶).

انجام معجزات: خدا، خدایی معجزه‌گر است! او تغییر نمی‌یابد، پس می‌دانم معجزات خود را روزانه در سراسر جهان ادامه می‌دهد. اما همانند شفا، معجزات واقعی (وقایعی که نمی‌توان به کارها یا دستاوردهای انسانی نسبت داد) بیشتر در میان کسانی رخ می‌دهد که واقعا به وجود آنها باور دارند. همچنین معجزات اغلب در زمانبندی غیر معمول و نیز وقایع غیر معمول به ظهور می‌رسند.

همچنین به نظر می‌رسد مسیحیان ساکن کشورهایی که بخاطر ایمان شان مورد آزارهای بسیار قرار دارند، در مقایسه با کلیساهای آمریکا، شاهد معجزات بیشتری (شامل شفای جسمی) هستند. به طور مثال، همگان اطلاع دارند کلیساهای زیرزمینی در ایران در حال

حاضر سریع ترین رشد کلیسایی در جهان را دارند، و بیشتر بدین خاطر است که مسیح خود را در رویاها و خواب ها به مردم ظاهر می سازد.

تمیز و تشخیص: تشخیص به طور اساسی، توانایی تمیز نیک و بد است و حس اینکه چیزهایی "اشتباه یا ناجور" هستند، مانند وقتی که خطر وجود دارد اما هیچ نشانه معقولی از آن دیده نمی شود. از آنجا که روح القدس را داریم که در ما زندگی می کند، تشخیص تا حدی در دسترس تمام ایمانداران است و هر چه بیشتر خدا و کلام او را بشناسیم تشخیص ما پرورش بیشتری خواهد یافت (عبرانیان ۵ آیات ۱۱ تا ۱۴). «(۱۱) در این باره، مطالب بسیار برای گفتن داریم، اما شرح آنها دشوار است، چرا که گوشه‌های شما سنگین شده است. (۱۲) برآستی که پس از گذشت این همه وقت، خود می‌بایست معلم باشید. و با این حال نیاز دارید کسی اصول ابتدایی کلام خدا را دیگر بار از آغاز به شما بیاموزاند. شما محتاج شیرید، نه غذای سنگین! (۱۳) هر که شیرخوار است، با تعالیم پارسایی چندان آشنا نیست، زیرا هنوز کودک است. (۱۴) اما غذای سنگین از آن بالغان است که با تمرین مداوم، خود را تربیت کرده‌اند که خوب را از بد تشخیص دهند.»

واژه دیگر برای کلمه "تشخیص" در ترجمه قدیم "تمیز دادن" می باشد.

لیکن خدا "عطیه" تشخیص را به بعضی نمی دهد (اول قرن‌تیا ۱۲ آیه ۱۰). «(۱۰) به شخصی دیگر قدرت انجام معجزات داده می‌شود، به دیگری نبوت، و به دیگری تشخیص ارواح. و باز به شخصی دیگر سخن گفتن به انواع زبانهای غیر بخشیده می‌شود و به دیگری ترجمه زبانهای غیر.»

همانگونه که قبلاً اشاره شد، این مقیاس بیشتری از تشخیص است که توانایی غیر معمولی عمیق دیدنِ موقعیت های *روحانی* است که در ظاهر آشکار نیستند. مسیحیان دارای این عطیه، مشاوران بسیار خوبی می شوند.

زبانها و ترجمه زبانها : این عطیه یکی از عطایایی است که بیشتر از همه مورد سوء رفتار و سوء برداشت قرار گرفته است. عطیه زبانها در کتاب اعمال رسولان/کارهای رسولان استفاده می شد تا به اقتدار روحانی رسولان اعتبار بخشد (اول قرن‌تین ۱۴ آیه ۲۲). «(۲۲) پس زبانهای غیر، نشانه‌ای است نه در مورد ایمانداران بلکه در مورد بی‌ایمانان؛ اما نبوت نشانه‌ای در مورد ایمانداران است و نه بی‌ایمانان.»

این صحبت به زبانها صرفاً "بیان ها" نبود، چنانچه اغلب امروزه دیده می شود. به معنای واقعی سخن گفتن به زبان های دیگر بود تا مردمان حاضر که زبانشان فرق می کرد بتوانند موضوع را به زبان خودشان بشنوند (اعمال ۲ آیه ۴). «(۴) سپس همه از روح/القدس پُر گشتند و آن‌گونه که روح بدیشان قدرت تکلم می‌بخشید، به زبانهای دیگر سخن گفتن آغاز کردند.» این یک معجزه واقعی بود و مردم را متقاعد می کرد که قدرت خدا در پیروانش وجود دارد!

امروزه عطیه زبانها را ایمانداران به طور عمده در صحبت با خداوند استفاده می کنند (یا می بایست اینگونه استفاده شود) (اول قرن‌تین ۱۴ آیه ۲). «(۲) زیرا آن که به زبان غیر سخن می‌گوید، نه با انسانها بلکه با خدا سخن می‌گوید. زیرا هیچ‌کس سخنش را درک نمی‌کند؛ او به واسطه روح، رازها را بیان می‌کند.»

هدف از این عطیه این است که وسیله ی ارتباط عمیق تر ما با خداوند باشد. همه کس عطای زبانها را ندارند (اول قرن‌تین ۱۲ آیه ۳۰). «(۳۰) آیا همه از عطایای شفا دادن برخوردارند؟ آیا همه به زبانهای غیر سخن می‌گویند؟ آیا همه ترجمه می‌کنند؟»

اما برخی کلیساهایی که بیش از حد بر این عطیه تأکید می‌کنند ممکن است کسانی را که به زبانها صحبت نمی‌کنند به حساب نیاورند؛ گاهی اوقات تا جایی پیش می‌روند که می‌گویند کسانی که به زبانها "صحبت نمی‌کنند" مسیحی نیستند! این کاملاً خلاف کتاب مقدس است.

همچنین شرایطی پیش می‌آیند که کسی در جلسه ی کلیسا به زبانها سخن می‌گوید. باید بدانیم دو معیار وجود دارند تا بتوانیم پی ببریم آیا سخن او از خداوند است یا خیر: اول اینکه لازم است فردی دارای عطای ترجمه زبانها آنجا باشد – کسی که خدا به او توانایی بخشیده است تا زبانهای روحانی را بفهمد و آنچه گفته شده را برای کلیسا به زبان آنها بازگو کند. دوماً، باید با نظم انجام شود (اول قرن‌تین ۱۴، آیات ۱ تا ۱۹ و آیات ۲۲ و ۲۳). «(۱) طریق محبت را پیروی کنید و با اشتیاق تمام در پی تجلیات روح باشید، بخصوص اینکه نبوّت کنید. (۲) زیرا آن که به زبان غیر سخن می‌گوید، نه با انسانها بلکه با خدا سخن می‌گوید. زیرا هیچ‌کس سخنش را درک نمی‌کند؛ او به واسطه روح، رازها را بیان می‌کند. (۳) اما آن که نبوّت می‌کند، با انسانهای دیگر برای بنا، تشویق و تسلی‌شان سخن می‌گوید. (۴) آن که به زبان غیر سخن می‌گوید خود را بنا می‌کند، اما آن که نبوّت می‌کند باعث بنای کلیسا می‌شود. (۵) آرزوی من این است که همه شما به زبانهای غیر سخن بگویید، اما بیشتر می‌خواهم که نبوّت کنید. آن که نبوّت می‌کند، بزرگتر است از آن که به زبانهای غیر سخن می‌گوید، مگر اینکه ترجمه کند تا باعث بنای کلیسا شود. (۶) حال ای برادران، اگر من نزد شما بیایم و به زبانهای غیر سخن بگویم، چه نفعی به شما

خواهم رسانید، مگر اینکه مکاشفه یا معرفت یا نبوت یا تعلیمی برایتان داشته باشم؟ (۷) حتی سازهای بی‌جانی چون نی و چنگ اگر نواهای مشخص بر نیاورند، چگونه می‌توان تشخیص داد چه آهنگی نواخته می‌شود؟ (۸) اگر شیپور آوای مشخص ندهد، چه کسی مهبای جنگ می‌شود؟ (۹) در مورد شما نیز چنین است. اگر به زبان خود کلماتی مفهوم نگوئید، چگونه می‌توان فهمید که چه می‌گویید؟ در آن صورت، بدین می‌ماند که با هوا سخن بگوئید. (۱۰) بی‌شک در جهان انواع زبانها وجود دارد، اما هیچ‌یک بی‌معنی نیست. (۱۱) پس من اگر نتوانم معنی گفتار دیگری را بفهمم، نسبت به او بیگانه‌ام و او نیز نسبت به من. (۱۲) در مورد شما نیز چنین است. از آنجا که مشتاق تجلیات روح هستید، بکوشید که در بنای کلیسا ترقی کنید. (۱۳) از این رو، آن که به زبان غیر سخن می‌گوید باید دعا کند تا گفتار خود را ترجمه نماید. (۱۴) زیرا اگر من به زبان غیر دعا کنم، روحم دعا می‌کند، اما عقلم بهره‌ای نمی‌برد. (۱۵) پس چه باید بکنم؟ به روح دعا خواهم کرد و به عقل نیز دعا خواهم کرد؛ به روح سرود خواهم خواند و به عقل نیز خواهم خواند. (۱۶) در غیر این صورت، اگر تو در روح به شکرگزاری مشغول باشی، چگونه کسی که زبانت را نمی‌فهمد به شکرگزاری تو آمین بگوید؟ چرا که نمی‌داند چه می‌گویی! (۱۷) زیرا تو براستی نیکو شکر می‌کنی، اما شکر تو باعث بنای دیگری نمی‌شود. (۱۸) خدا را شکر می‌کنم که بیش از همه شما به زبانهای غیر سخن می‌گوییم؛ (۱۹) ما در کلیسا ترجیح می‌دهم پنج کلمه با عقل خود سخن بگوییم که دیگران را تعلیم داده باشم، تا اینکه هزاران کلمه به زبانهای غیر بگوییم.»

«(۲۲) پس زبانهای غیر، نشانه‌ای است نه در مورد ایمانداران بلکه در مورد بی‌ایمانان؛ اما نبوت نشانه‌ای در مورد ایمانداران است و نه بی‌ایمانان. (۲۳) بنابراین، اگر همه اعضای

کلیسا گرد هم آیند و همه به زبانهای غیر سخن گویند، و در این حین اشخاص ناآگاه یا بی‌ایمان به مجلس درآیند، آیا نخواهند گفت که شما دیوانه/ید؟»

من با کلیسایی که اجازه می دهد مردم در سالن کلیسا به این طرف و آن طرف بروند و با صدای بلند بیان هایی نامفهوم بگویند، موافق نیستم. این روح اتحاد و یا محبت را ایجاد نمی کند و باعث می شود میهمانان کلیسا که با این عطیه آشنا نیستند، خود را غریبه احساس کنند و بسیار ناراحت شوند - هر دو این حالات لطمه بزرگی وارد می کنند.

من چند بار در جلساتی نظیر این بوده ام و به نظر می رسید روح القدس اصلاً آنجا نبود. به عقیده من، اگر جلسه کلیسایی یا گردهمایی در نام مسیح آنقدر بی نظم و پر هرج و مرج باشد که نتوانید بر خداوند تمرکز کنید، مشکلی وجود دارد.

می دانم عده ای با این نظر و برآورد من مخالف اند. ما باید بدون در نظر گرفتن تفاوت‌هایمان، با یکدیگر با محبت و محترمانه رفتار کنیم. من در اینجا صرفاً آنچه را که فکر می کنم از کتاب مقدس آموخته ام و شخصاً دیده ام، بیان می کنم.

و مسلماً منظور این نیست که صحبت به زبانها کار خوب یا درستی نیست. فقط نیاز هست با روشی که مورد نظر خدا است انجام شود تا کسانی که دارای این عطیه هستند (و اگر مناسب باشد، برای شنوندگان) به بهترین وجهی مفید باشد و خدا را جلال دهد.

یاری دادن: این عطیه ی کسی است که حاضر است از دیگران حمایت کند بدون اینکه توجه زیادی به خود جلب نماید و یا حتی برای عطیه اش مورد قدردانی قرار بگیرد. این افراد ممکن است ترجیح دهند دیگران حتی کارهای آنها را نبینند و وقتی دیگران مورد تشویق قرار میگیرند یا دستاورد ها به حساب دیگران گذاشته میشود شادی بسیار می کنند. آنها افرادی منحصر به فرد و پر ارزش هستند.

مبشر: کسی است که می تواند با هر کسی (و منظورم هر کسی است ☺) در باره ی عیسی صحبت کند. لیکن نه تنها این اشخاص می توانند در باره خداوند صحبت کنند، بلکه دارای عطیه توضیح اصول روحانی هستند تا در نتیجه دیگران بتوانند آنها را به وضوح درک کنند. آنها دیگران را نیز ترغیب می کنند تا وارد رابطه با مسیح شوند که به سوی نجات هادی خواهد شد.

این براستی عطیه ای است که شخص بدون آنکه طرز صحبتش رنجش آور باشد، بشارت انجیل را بدهد و در عین حال شهادت ضروری را برای بازگو کردن حقیقت به دیگران داشته باشد. علاوه براین، تمام مسیحیان خوانده شده اند تا ایمان خود را تا حدودی با کسانی که می توانند بر آنها اثر گزار باشند در میان بگذارند. نمی توانیم بهانه بیاوریم که "خب! من که مبشر نیستم" زیرا پیرو مسیح از بشارت دادن معاف نمی باشد!

خلاصه

به یاد داشته باشیم وقتی نجات را دریافت کردیم خدا عطایای ما را همان موقع به ما بخشیده است. هر آنچه برای خدمت به او نیاز است در اختیار داریم (اول قرنیتان ۱ آیات ۴ تا ۹). «(۴) من همواره خدای خود را به خاطر شما و آن فیض خدا که در مسیح عیسی به شما بخشیده شده است، سپاس می گویم. (۵) زیرا شما در او از هر حیث غنی شده اید، در هر نوع بیان و هر گونه معرفت، (۶) چنانکه شهادت ما بر مسیح در میان شما استوار گردید، (۷) به گونه ای که شما از هیچ عطایی بی نصیب نیستید، در همان حال که مکاشفه خداوند ما عیسی مسیح را انتظار می کشید. (۸) او شما را تا به آخر استوار نگاه خواهد

داشت، تا در روز خداوندان عیسی مسیح بری از ملامت باشید. (۹) امین است خدایی که شما را به رفاقت با پسرش، خداوند ما عیسی مسیح، فرا خوانده است.»

وظیفه ما این است که از طریق کشف و آزمایش دریابیم عطایای ما کدام هستند. سپس با تمام قوت و انرژی که خدا تامین می کند باید از عطایای خود استفاده کنیم. همانطور که تا کنون اشاره شد، از این می دانیم عطایای حقیقی خود را به کار می‌گذاریم که از استفاده از آنها شاد باشیم، و دیگران به طریقی مثبت تحت تاثیر قرار بگیرند و آنها خداوند را جلال دهند.

دعا می کنم با این دروس مطالعاتی، درک عمیق تری یافته اید که استفاده از عطایای عالی که خدا به شما بخشیده است به چه معنا می باشد. امید است بیشتر به عطیه های خود پی برده اید و با اشتیاق می خواهید به بینید جایگاه و نقش حقیقی شما در کلیسا، آنطور که خدا شما را مستعد ساخته است، کدام است.

فصل ۸

عطایای روحانی

تفکر و تعمق در آنچه خواندیم

۱- چرا خدا به کلیسا عطایای روحانی بخشید؟

۲- بر طبق عطایای فهرست شده، اولین عطیه شما چیست؟ اگر مطابق بالاترین شماره، بیش از یک عطیه دارید آن را نیز فهرست کنید.

۳- با دانستن عطیه خود، آیا می خواهید پی ببرید چگونه می توانید از آن استفاده کنید؟

۴- برای شروع به استفاده از عطایای خود چه قدمهایی می توانید بردارید؟

لطفا توجه داشته باشید همراه با این صورت برداری از عطایای روحانی، لازم است از عیسی مسیح دعوت کنید در قلب و زندگی شما وارد شود، و روح القدس در شما ساکن باشد، تا این پرسشنامه معنا پیدا کند. دلیل این است که افرادی که پیرو مسیح نیستند عطایای روحانی به آنها داده نشده است.

بر آورد عطایای روحانی

دستورالعمل ها

این یک آزمون نیست، پس جواب غلط وجود ندارد. بر آورد عطایای روحانی شامل ۸۰ جمله است. برخی از آنها اموری هستند که در عمل انجام می شوند؛ بعضی دیگر خصائل توصیفی هستند؛ و همچنان برخی دیگر بیان اعتقادات هستند.

- پاسخی که حس می کنید بهترین توصیف از شما را دارد انتخاب کنید و آن عدد را در جای خالی قرار دهید. پاسخ خود را در جای خالی کنار هر مورد بنویسید.
- وقت زیادی را صرف پاسخ دهی به هر مورد نکنید. به یاد داشته باشید که این یک آزمون نیست. معمولاً پاسخ فوری شما بهترین پاسخ است.
- لطفاً به هر مورد پاسخ دهید. هیچ موردی را از قلم نیندازید.
- از دیگران نپرسید که چگونه پاسخی می دهند یا فکر می کنند شما چگونه باید پاسخ دهید.
- می توانید هر مقدار وقت لازم دارید برای این آزمون صرف کنید.

انتخاب پاسخهای شما عبارتند از:

- ۵- این بیشترین خصلت من است / کاملاً درباره من صدق می کند
- ۴- اکثر اوقات این خصلت را دارم / اکثر اوقات درباره من صدق است
- ۳- به دفعات زیاد این ویژگی در من است / در ۵۰٪ مواقع درباره من صدق می کند

۲- گاهی ویژگی من است / در ۲۵٪ مواقع درباره من صدق می کند

۱- به هیچ وجه ویژگی من نیست / درباره من اصلاً صدق نمی کند



_____ (۱) به طور موثری توانایی سازماندهی ایده ها، منابع، زمان و افراد را دارم

_____ (۲) مایلم برای تعلیم دادن، کار مطالعه و آمادگی را انجام دهم.

_____ (۳) می توانم حقایق الهی را به موقعیت های خاص ربط دهم.

_____ (۴) توانایی خدادادی در کمک به دیگران جهت رشد ایمانشان دارم.

_____ (۵) دارای توانایی ویژه برای بیان حقیقت نجات هستم.

_____ (۶) در وقت ضرورت قادر به اخذ تصمیمات بسیار مهم هستم.

_____ (۷) نسبت به ناراحتی ها و آسیبهایی که مردم دیده اند حساس و همدرد هستم.

_____ (۸) شاد می شوم که با سهمیم ساختن دیگران در اموال خود، نیاز ها را برآورده کنم.

_____ (۹) به مطالعه علاقمند ام.

_____ (۱۰) پیام هشدار و داوری خدا را به دیگران رسانده ام.

_____ (۱۱) می توانم تشخیص دهم انگیزه های افراد و دلیل واقعی حرکت هاشان چه هستند.

- ۱۲) در موقعیت های دشوار، توانایی خاصی برای توکل و اعتماد به خدا دارم.
- ۱۳) علاقه بسیاری برای مشارکت در تاسیس کلیساهای جدید دارم.
- ۱۴) برای رفع نیازهای شخصی و عملی افراد، دست به عمل می شوم به جای آنکه صرفاً درباره کمک صحبت یا برنامه ریزی کنم.
- ۱۵) علاقه دارم در منزل خود ازمیهمانان پذیرایی کنم.
- ۱۶) می توانم راهنمایی هایم را طوری وفق دهم که مناسب بلوغ فکری همکارانم باشند.
- ۱۷) قادرم کارهایی را که مطابق با ارزش ها و علائق افراد هستند بین آنها تقسیم کرده، به آنها واگذار کنم.
- ۱۸) توانایی و علاقه به تعلیم دارم.
- ۱۹) معمولاً قادرم موقعیت ها را به درستی ارزیابی کنم.
- ۲۰) من طبیعتاً علاقه به تشویق دیگران دارم.
- ۲۱) علاقمندم پیشقدم شوم و به مسیحیان دیگر در رشد ایمانشان یاری دهم.
- ۲۲) ادراکی قوی در درک احساسات دیگران نظیر تنهایی، درد، ترس و خشم دارم.
- ۲۳) شادمانه، شخصی دهنده هستم (علاقمندم از وقت و امکاناتم با سخاوتمندی و مهربانی برای بهره مند ساختن یا تشویق دیگران استفاده کنم).
- ۲۴) اوقاتی را برای کنکاش در حقایق صرف می کنم.

- (۲۵) حس می کنم پیغامی از خدا دارم که به دیگران برسانم.
- (۲۶) می توانم تشخیص دهم که فرد دیگری اصیل یا صادق باشد.
- (۲۷) فردی هستم که دارای رؤیا می باشم (تصویر روشن ذهنی از آینده ای مطلوب که خدا می بخشد). توانایی بیان رویا را به گونه ای دارم که دیگران سر سپرده می شوند تا آن رویا را به واقعیت تبدیل کنند.
- (۲۸) می خواهم تسلیم اراده خدا باشم به جای اینکه مطالب را تحت سؤال ببرم و مردد و سست باشم.
- (۲۹) مایلم در رساندن انجیل به مردم نقاط دیگر جهان فعال تر باشم.
- (۳۰) انجام کارها برای افراد نیازمند مرا دلشاد می سازد.
- (۳۱) با موفقیت می توانم گروه افراد را دست به کار کنم تا کارشان را با خوشنودی انجام دهند.
- (۳۲) می توانم با کسانی که نمی شناسم طوری رفتار کنم که احساس راحتی داشته باشند.
- (۳۳) توانایی برنامه ریزی برای روش های آموزشی را دارم.
- (۳۴) می توانم تشخیص بدهم چه کسانی نیاز به تشویق دارند.
- (۳۵) مسیحیان را تربیت کرده ام تا شاگردان مطیع تری برای مسیح باشند.
- (۳۶) مایلم هر کار لازم را انجام دهم تا بینم دیگران به مسیح روی می آورند.
- (۳۷) به سوی افراد دردمند جذب می شوم.

- ۳۸) یک دهنده ی سخاوتمند هستم.
- ۳۹) می توانم حقایق جدید را کشف کنم.
- ۴۰) درباره مسائل و افراد، بینش روحانی از کتاب مقدس دارم که مرا وادار می سازد در این باره علناً صحبت کنم.
- ۴۱) حس و درک می کنم که شخص دارد مطابق اراده خدا عمل می کند.
- ۴۲) حتی وقتی اوضاع وخیم به نظر می رسد قادرم به خدا اعتماد کنم.
- ۴۳) می توانم مشخص کنم خدا می خواهد گروه افراد به کجا بروند و می توانم یاری کنم تا به آنجا برسند.
- ۴۴) اشتیاقی شدید برای رساندن انجیل به نقاطی دارم که هرگز آن را نشنیده اند.
- ۴۵) از برقراری ارتباط با افراد جدید در کلیسا و اجتماعم دلشاد می شوم.
- ۴۶) نسبت به نیازهای دیگران حساس هستم.
- ۴۷) توانسته ام برای به انجام رسیدن اهداف یک گروه، برنامه های موثر و کارآمد بریزم.
- ۴۸) اغلب وقتی دیگر مسیحیان درگیر اخذ تصمیمات دشوار هستند، با من مشورت می کنند.
- ۴۹) در فکر هستم که چگونه می توانم برای اعضای کلیسای خود مایه تسلی و تشویق باشم.
- ۵۰) می توانم به افراد راهنمایی های روحانی بدهم.

— ۵۱) قادرم به گونه ای انجیل را به بی ایمانان معرفی کنم که خداوند را بپذیرند و رستگاری را دریافت کنند.

— ۵۲) توانایی ویژه برای درک احساسات افرادی را دارم که در زحمت و پریشانی هستند.

— ۵۳) بر طبق این شناخت که همه چیز متعلق به خدا است، قویاً احساس می کنم خدمت و نظارت کنم تا آنچه خدا آفریده و به بشر عطا کرده است به طرز صحیح استفاده گردد.

— ۵۴) پیام هایی را که مستقیماً از سمت خدا آمده به دیگران رسانده ام.

— ۵۵) می توانم حس کنم که شخص دارد تحت رهبری خدا عمل می کند.

— ۵۶) سعی می کنم پیوسته مطابق اراده خدا عمل کنم و برای اینکه از من استفاده نماید همواره در اختیار او باشم.

— ۵۷) حس می کنم میبایست انجیل را به مردمی که عقاید متفاوتی نسبت به من دارند برسانم.

— ۵۸) درک ویژه درباره نیازهای عملی دیگران دارم.

— ۵۹) مهارت من در طرح ریزی قدمهای عملی مثبت و دقیق برای کار است.

— ۶۰) دوست دارم با کسانی که برای بار اول به کلیسای ما آمده اند آشنا شوم و از آنها به گرمی استقبال کنم.

— ۶۱) کتاب مقدس را به گونه ای توضیح می دهم که دیگران آن را می فهمند.

— ۶۲) در خصوص مشکلات، معمولاً راه حلهای روحانی را می بینم.

— ۶۳) از فرصتها برای کمک به مردم نیازمند تسلی، دلداری، تشویق و مشاوره استقبال می‌کنم.

— ۶۴) در مورد مسیح با بی‌ایمانان به راحتی صحبت می‌کنم.

— ۶۵) می‌توانم بر دیگران تاثیر گذار باشم تا به بیشترین حدی که خدا توانایی به آنها بخشیده است عمل کنند.

— ۶۶) می‌توانم نشانه‌های فشار عصبی و پریشانی را در دیگران تشخیص دهم.

— ۶۷) می‌خواهم برای پروژه‌ها و سازمان‌های خدمات مسیحی ارزشمند، کمک‌های مالی سخاوتمندانه و بی‌تکلف فراهم کنم.

— ۶۸) می‌توانم موضوعات را به گونه‌ای سازمان‌دهی کنم که ارتباط آنها با یکدیگر دارای مفهوم باشد.

— ۶۹) خدا به من پیغام‌ها می‌دهد تا به ایمانداران مسیح برسانم.

— ۷۰) وقتی افراد تجربه‌های مذهبی خود را بیان می‌کنند، قادرم درک کنم که آیا صادق هستند یا خیر.

— ۷۱) دوست دارم انجیل را به افراد از فرهنگها و زمینه‌های مختلف معرفی کنم.

— ۷۲) از انجام کارهای کوچکی که باعث کمک به مردم است، دلشاد می‌شوم.

— ۷۳) می‌توانم در بیانات در برابر دیگران مطالب را شفاف و بدون پیچیدگی ارائه دهم.

— ۷۴) قادر بوده‌ام حقایق کتاب مقدسی را برای نیازهای خاص کلیسای خود به کار برم.

— ۷۵) خدا از من برای تشویق دیگران استفاده کرده است تا زندگی "مسیح گونه" داشته باشند.

— ۷۶) احساس کرده ام نیاز هست به دیگران یاری دهم تا در خدمات مسیحی شان موثرتر و بهتر عمل کنند.

— ۷۷) دوست دارم درباره مسیح با کسانی صحبت کنم که او را نمی شناسند.

— ۷۸) به طوری در منزل از میهمانان تازه آشنا پذیرایی و مهماننوازی می کنم که آنها کاملاً احساس راحتی می کنند.

— ۷۹) طیف وسیعی از منابع مطالعاتی در اختیار دارم و می دانم چگونه اطلاعات را به دست بیاورم.

— ۸۰) اطمینان دارم حتی وقتی موقعیتی غیر ممکن به نظر می رسد، آن موقعیت برای جلال خدا تغییر خواهد پذیرفت.

امتیاز دهی

با استفاده از این دستور العمل ها، امتیاز خود را برای هر عطیه روحانی مشخص نمایید.

۱) در زیر هر یک از عنوان های ذیل، پاسخ های عددی خود را (از ۱ تا ۵) در برابر موارد شماره گذاری شده، بنویسید.

۲) برای هر عطیه، عددهایی را که خودتان برای آنها قائل شده اید و برای هر مورد نوشته اید با هم اضافه کرده و مجموع آن را در کادر جمع کل بنویسید.

۳- پاسخ هایی که بالاترین عدد (اعداد) را دارا هستند قویترین عطیه شما محسوب می شوند.

رهبری

مورد ۶ — مورد ۱۶ — مورد ۲۷ — مورد ۴۳ — مورد ۶۵ —

جمع کل —

امور ریاست و نظارت

مورد ۱ — مورد ۱۷ — مورد ۳۱ — مورد ۴۷ — مورد ۵۹ —

جمع کل —

تعلیم

مورد ۲ — مورد ۱۸ — مورد ۳۳ — مورد ۶۱ — مورد ۷۳ —

جمع کل —

علم

مورد ۹ — مورد ۲۴ — مورد ۳۹ — مورد ۶۸ — مورد ۷۹ —

جمع کل —

حکمت

مورد ۳ — مورد ۱۹ — مورد ۴۸ — مورد ۶۲ — مورد ۷۴ —

جمع کل —

نبوت

مورد ۱۰ — مورد ۲۵ — مورد ۴۰ — مورد ۵۴ — مورد ۶۹ —

جمع کل —

تشخیص و تمیز

مورد ۱۱ — مورد ۲۶ — مورد ۴۱ — مورد ۵۵ — مورد ۷۰ —

جمع کل —

فراخوانی و تشویق

مورد ۲۰ — مورد ۳۴ — مورد ۴۹ — مورد ۶۳ — مورد ۷۵ —

جمع کل —

شبانی

مورد ۴ — مورد ۲۱ — مورد ۳۵ — مورد ۵۰ — مورد ۷۶ —

جمع کل —

ایمان

مورد ۱۲ — مورد ۲۸ — مورد ۴۲ — مورد ۵۶ — مورد ۸۰ —

جمع کل —

بشارت

مورد ۵ — مورد ۳۶ — مورد ۵۱ — مورد ۶۴ — مورد ۷۷ —

جمع کل —

رسالت

مورد ۱۳ — مورد ۲۹ — مورد ۴۴ — مورد ۵۷ — مورد ۷۱ —

جمع کل —

خدمت / یاری رسانیدن

مورد ۱۴ — مورد ۳۰ — مورد ۴۶ — مورد ۵۸ — مورد ۷۲ —

جمع کل —

شفقت و رحم

مورد ۷ — مورد ۲۲ — مورد ۳۷ — مورد ۵۲ — مورد ۶۶ —

جمع کل —

دهندگی (بخشندگی)

مورد ۸ — مورد ۲۳ — مورد ۳۸ — مورد ۵۳ — مورد ۶۷ —

جمع کل —

مهمان نوازی

مورد ۱۵ — مورد ۳۲ — مورد ۴۵ — مورد ۶۰ — مورد ۷۸ —

جمع کل —

فصل ۹

بشارت ایمان ما



ثابت شده است یکی از موثرترین راه ها برای تاثیر گذاری بر مردم، در مقایسه با هر روش دیگر در تاریخ، این است که موضوع از کسی به کس دیگر منتقل شود و دهان به دهان بگردد. وقتی شخصی چیزی عالی را امتحان می کند یا به یک رویداد شگرف رفته است، طبیعتاً تعریف آن را برای دیگران می گوید. وقتی سعی دارید کسی را متقاعد کنید، تجربه شخصی شما خیلی بیشتر طرف را مجذوب می کند و به حساب می آید تا موضوعی که صرفاً در کتابی یا مجله ای خوانده باشید.

آنچه که به آن می اندیشیم و آنچه که ذهن ما را فرا گرفته و چیزهایی که مورد علاقه و اشتیاق ما هستند، همان موضوعاتی هستند که دوست داریم با دیگران صحبت کنیم. علاقه فراوان به یک تیم ورزشی یا فرزندمان، یا اتومبیل، شغل، مادیات، حیوانات خانگی، یا هر چیز دیگر، محور توجه ما و موضوع گفتگوهای ما خواهند بود.

به همین شکل اگر برای خدا غیرت داشته باشیم، محور زندگی ما بر افکار و نقشه های خداوند قرار خواهد داشت. متی ۱۲ آیه ۳۴ به خوبی بیان می کند که: "زبان از آنچه دل از آن لبریز است، سخن می گوید."

شهادت دادن

اغلب عبارت "شاهد" را می شنویم (این در آمریکا مصداق دارد) و به یاد افرادی می افتیم که در نامناسب ترین اوقات درب خانه مان را می کوبند تا یک مشت آیات کتاب مقدس تحویل ما دهند و بگویند ما چقدر در اشتباه داریم زندگی می کنیم. اما روش مسیح بسیار متفاوت است. او می خواهد زندگی ما آنطور باشد که وقتی برای بشارت شروع به صحبت می کنیم، مردم ناسازگاریهای بزرگی به چشمشان نخورد. (کولسیان ۴ آیات ۵ و ۶)

«(۵) از هر فرصت نهایت استفاده را بکنید تا پیغام انجیل را به دیگران برسانید، و بدانید چگونه با کسانی که هنوز ایمان نیاورده اند، عاقلانه رفتار نمایید. (۶) گفتگوی شما همیشه پر از فیض و خوشایند بوده، و با نمک اصلاح شده باشد، تا بدانید به هر کس چگونه پاسخ دهید.»

کلمه "شاهد بودن" در انگلیسی به معنای "دیدن، ملاحظه کردن، از نظر گذراندن یا درک کردن" است و دارای این کاربردها است: ۱- آنچه می بینیم ؛ ۲- بیان آنچه دیده ایم. اگر فکرش را بکنیم، شاهد چه فایده ای دارد اگر حرفی نزنند؟

نکته جالب دیگر این است که عبارت "شاهد" در عهد جدید به زبان یونانی "مارتوس" *martus* است و کلمه انگلیسی *martyr* (شهید) را از آن مشتق می گیریم. حتماً خداوند می دانست ما به خاطر ایمان خود توبیخ و تکذیب خواهیم شد. ☺ اگر چه ما هیچکدام دوست نداریم طرد یا رانده شویم، نتیجه نهایی این است که اگر ما مسیحیان حقیقی هستیم لازم است از خدا اطاعت کنیم نه اینکه از انسان بترسیم.

بشارت ایمان مان به خاطر اینکه مسیح را دوست داریم، یکی / از **مهمترین** چیزهایی است که می توانیم به عنوان یک مسیحی هرگز انجام دهیم. بیان ایمان مان به دیگران یک پرستش عملی است. با گفتن به مردم که خدا چقدر عالی است و چگونه زندگی مان را به طور باورنکردنی تغییر داده ، محبت خود را به او نشان می دهیم. همچنین این فرمان از خداوند است که در باره او با دیگران صحبت کنیم. ما نمایندگان او در این جهان هستیم (دوم قرن تیان ۵ آیات ۱۸ تا ۲۱؛ غلاطیان ۱ آیات ۱۵ و ۱۶). «(۱۸) تمام این نیکویی ها از سوی خدایی است که به خاطر فداکاری عیسی مسیح، ما را با خود آشتی داده است، و این مسئولیت را به ما سپرده تا پیام این آشتی را به دیگران نیز برسانیم. (۱۹) پیام ما این است که خدا در مسیح بود و مردم را به آشتی با خود فرا می خواند تا گناهانشان را ببخشاید و آثار آن را پاک نماید. (۲۰) ما سفیران مسیح هستیم. خدا به وسیله ما با شما سخن می گوید. وقتی ما چیزی را از شما درخواست می کنیم، مانند این است که مسیح آن را از شما می خواهد. بنابراین، از جانب او از شما می خواهیم که لطف و محبت خدا را رد نکنید و با او آشتی نمایید. (۲۱) زیرا خدا مسیح را که هرگز گناه نکرد، در راه ما گناه ساخت، تا ما بتوانیم به واسطه مسیح در پیشگاه خدا مقبول واقع شویم.» «15 اما چون خشنودی او که مرا از رَحِم مادرم وقف کار خود کرد و به واسطه فیض خود مرا فرا خواند در این بود 16 که پسر خود را در من آشکار سازد تا بدو در میان غیریهودیان بشارت دهم، در آن زمان با جسم و خون مشورت نکردم،»

وقتی این تغییر در من پدید آمد، با هیچ کس در این باره سخن نگفتم.

مرقس ۸ آیه ۳۵ توضیح می دهد که ما اساساً زندگی واقعی را زمانی بدست می آوریم که بخاطر او و بخاطر خبر خوش انجیل، خود را تقدیم می کنیم و می سپاریم. بخش اعظم خدمت به خداوند این است که در مورد مسیح با دیگران صحبت کنیم. یک از راه های آن

این است که زندگی مقدس داشته باشیم و مردم خصائل تحسین بر انگیز و دوست داشتنی در ما به بینند تا جذب مسیح که در درون ما ساکن است بشوند و عیسی را برای خود بخواهند!

بسیاری از ما از آن شادی و هیجانی که در بشارت مسیح به دیگران هست غافل هستیم! اینکار می تواند تکانی بزرگ به زندگی تان بدهد و شما را از کنج راحتی خارج کند!

خداوند از ما انتظار دارد آنچه را از او دیده و تجربه کرده ایم به دیگران بگوییم. کتاب مقدس در عهد عتیق و همچنین عهد جدید مکرراً سفارش می کند "درباره خدا به دیگران بگویید" (مزمور ۷۱ آیات ۷ و ۸ و آیات ۱۴ تا ۱۶؛ مزمور ۹۶ آیات ۱ تا ۱۰).

«(۷) زندگی من برای بسیاری سرمشق شده است، زیرا تو پشت و پناه من بوده‌ای! (۸) خدایا، تمام روز تو را شکر می‌گویم و جلالت را اعلام می‌کنم.»

«(۱۴) من پیوسته به تو امیدوارم و بیش از پیش تو را ستایش خواهم کرد. (۱۵) از عدالت تو سخن خواهم گفت و هر روز برای مردم تعریف خواهم کرد که تو بارها مرا نجات داده‌ای! (۱۶) ای خداوند با قدرت تو خواهم رفت و به همه اعلام خواهم کرد که تنها تو عادل هستی.»

«(۱) سرودی تازه در وصف خداوند بسرایید! ای همه مردم روی زمین در وصف خداوند بسرایید! (۲) در وصف خداوند بسرایید و نام او را حمد گوید. هر روز به مردم بشارت دهید که خداوند نجات می‌بخشد. (۳) شکوه و جلال او را در میان ملت‌ها ذکر کنید، و از معجزات او در میان قوم‌ها سخن بگویید. (۴) زیرا خداوند بزرگ است و سزاوار ستایش! از او باید ترسید، بیش از همه خدایان. (۵) خدایان سایر قوم‌ها بت‌هایی بیش نیستند، اما خداوند ما آسمانها را آفریده است. (۶) شکوه و جلال در حضور اوست، و قدرت و شادمانی در قُدس

او. (۷) ای تمام قومهای روی زمین، خداوند را توصیف نمایید؛ قدرت و شکوه او را توصیف نمایید؛ (۸) عظمت نام خداوند را توصیف نمایید! با هدایا به خانه او بیایید. (۹) خداوند را در شکوه قدوسیتش بپرستید! ای تمامی مردم روی زمین، در حضور او بلرزید. (۱۰) به همه قومهها بگویید «خداوند سلطنت می‌کند! جهان پایدار است و تکان نخواهد خورد. او قومهها را با انصاف داوری خواهد کرد.»

بخش بزرگی از خدمت ما به خداوند این است که دلیل ایمان مان را برای دیگران به زبان بیاوریم، و هرگاه که روح القدس هدایت می‌کند آماده باشیم در نام مسیح دیگران را خدمت کنیم (اول پطرس ۳ آیه ۱۵). «(۱۵) بلکه در دل خویش مسیح را به عنوان خداوند مقدس شمارید و همواره آماده باشید تا هر کس دلیل امیدی را که در شماست بپرسد، او را پاسخ گوید، اما به نرمی و با احترام.»

ما مدیون محبت منجی خود هستیم و باید این دین را جبران کنیم.

اوست که به ما می‌فرماید بشارت یکی از راه‌هایی است که او می‌خواهد بدان وسیله او را محبت کنیم و خدمت نماییم (یوحنا ۴ آیات ۳۴ تا ۳۸). «(۳۴) عیسی به ایشان گفت: «خوراک من این است که اراده فرستنده خود را به جا آورم و کار او را به کمال رسانم. (۳۵) آیا این سخن را نشنیده‌اید که "چهار ماه بیشتر به موسم درو نمانده است؟" اما من به شما می‌گویم، چشمان خود را بگشایید و ببینید که هم‌کنون کشتزارها آماده درو است. (۳۶) هم‌کنون، دروگر مزد خود را می‌ستاند و محصولی برای حیات جاویدان گرد می‌آورد، تا کارنده و دروکننده با هم شادمان شوند. (۳۷) در اینجا این گفته صادق است که "یکی می‌کارد و دیگری می‌درود". (۳۸) من شما را فرستادم تا محصولی را درو

کنید که دسترنج خودتان نیست. دیگران محنت کشیدند و شما دسترنج آنان را برداشت می‌کنید.»

بشارت ایمان تان ممکن است برایتان دشوار باشد، لیکن برای رشد شما ضروری است، و نیز برای پیشبرد ملکوت خدا!

مسیح به ما می‌گوید که زمان برداشت محصول فرا رسیده است (متی ۹ آیات ۳۵ تا ۳۸)، «(۳۵) عیسی در همه شهرها و روستاها گشته، در کنیسه‌های آنها تعلیم می‌داد و بشارت پادشاهی را اعلام می‌کرد و هر درد و بیماری را شفا می‌بخشید. (۳۶) و چون انبوه جماعتها را دید، دلش بر حال آنان سوخت زیرا همچون گوسفندانی بی‌شبان، پریشانحال و درمانده بودند. (۳۷) پس به شاگردانش گفت: «محصول فراوان است، اما کارگر اندک. (۳۸) پس، از مالک محصول بخواهید کارگران برای درو محصول خود بفرستند.»

به این معنی که بسیاری مردم آماده دریافت پیغام انجیل و شروع حیاتی تازه در مسیح هستند. اما کسی باید این را به آنها بگوید! (رومیان ۱۰ آیات ۱۴ تا ۱۷) «(۱۴) اما چگونه کسی را بخوانند که به او ایمان نیاورده‌اند؟ و چگونه به کسی ایمان آورند که از او نشنیده‌اند؟ و چگونه بشنوند، اگر کسی به آنان موعظه نکند؟ (۱۵) و چگونه موعظه کنند، اگر فرستاده نشوند؟ چنانکه نوشته شده است: «چه زیباست پایهای کسانی که بشارت می‌آورند.» (۱۶) اما همگان بشارت را نپذیرفتند، زیرا اِشعیا می‌گوید: «چه کسی، ای خداوند، پیام ما را باور کرده است؟» (۱۷) پس ایمان از شنیدن پیام سرچشمه می‌گیرد و شنیدن پیام، از طریق کلام مسیح میسر می‌شود.»

ما این طرز فکر را پیدا کرده ایم که "یک نفر دیگر اینکار را انجام خواهد داد" یا "من برای بشارت ایمانم مجهز یا آماده نیستم". به خودمان می‌گوییم "آنها از اعمال من

خواهند دانست که مسیحی هستم" و "من نمی خواهم اعتقاداتم را به دیگران تحمیل کنم". اما اگر صادق باشیم، می پذیریم که اینها را داریم بهانه می آوریم، زیرا در واقع **نمی خواهیم** در مورد ایمان با دیگران صحبت کنیم.

وقتی در زمان نجات از روح القدس پُر می شویم، قدرت می یابیم. اما این یک قدرت عادی و معمولی نیست، بلکه همان قدرتی است که عیسی را از مردگان برخیزاند (افسیان ۱ آیات ۱۹ تا ۲۰) «(۱۹) و از قدرت بی نهایت عظیم او نسبت به ما که ایمان داریم، آگاه شوید. این قدرت، برخاسته از عمل نیروی مقتدر خداست (۲۰) که آن را در مسیح به کار گرفت، آن هنگام که او را از مردگان برخیزانید و در جایهای آسمانی، به دست راست خود نشانید،»

چقدر جای شگفتی است! و یکی از دلایل اصلی که این قدرت را دریافت می کنیم این است که **بتوانیم** شاهدان مسیح برای بی ایمانان باشیم و این مأموریت را به **انجام** برسانیم (اعمال رسولان ۱ آیه ۸؛ افسسیان ۳ آیه ۷). «(۸) اما چون روح القدس بر شما آید، قدرت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا دورترین نقاط جهان.» «(۷) من به موهبت فیض خدا که از طریق عمل قدرت او به من عطا شده است، خادم این انجیل شده ام.»

خدا در اینجا صرفاً به ما یک پیشنهاد نمی دهد یا به یک امکان اشاره نمی کند. او دارد به ما **فرمان** می دهد که در مورد ایمان خود با دیگران صحبت کنیم. واقعیت این است که اگر او را دوست می داریم و روح القدس در ما کار می کند پس در باره او **شهادت** خواهیم داد.

شخصی را در نظر بگیرید که هوادار "متعصب" تیم های ورزشی است. فکر می کنیم کاملاً عادی باشد که او درباره تیم خود جار و جنجال به راه بیندازد. ایرادی در او نمی بینیم که لباسهای مضحک مربوط به مسابقات بپوشد، یا پول های هنگفتی خرج کند، یا برای یک بازی بزرگ تمام طول کشور را بپیماید و وقتی تیمش می برد (یا می بازد) بالا و پایین بپرد و فریاد بکشد. اما اگر یک مسیحی از ایمان خود به وجد بیاید یا دستانش را در کلیسا بالا ببرد، دیگران فکر می کنند چه آدم عجیب و غریبی است. عجب برداشتی!

ترس

بیایید به این موضوع آنطور که هست بنگریم - ترس احتمالاً دلیل اصلی است که از روی آن مژده مسیح را به دیگران نمی رسانیم. خجالت می کشیم و فکر می کنیم مردم پیام ما را رد خواهند کرد، که در اصل احساس می کنیم ما را رد می کنند. اما عیسی صریحاً می گوید اگر او را در مقابل دیگران رد کنیم او ما را در مقابل پدر و فرشتگان رد خواهد کرد (متی ۱۰ آیه ۳۳؛ مرقس ۸ آیه ۳۸) «(۳۳) اما هر که مرا نزد مردم انکار کند، من نیز در حضور پدر خود که در آسمان است، او را انکار خواهم کرد.» (۳۸) زیرا هر که در میان این نسل زناکار و گناهکار از من و سخنانم عار داشته باشد، پسر انسان نیز آنگاه که در جلال پدر خود همراه با فرشتگان مقدس آید، از او عار خواهد داشت.»

شاید از این بیم داریم که دوستانمان را از دست بدهیم و آنها دیگر ما را در گروه شان نپذیرند و به نظر عجیب و غریب بیاییم. اما لازم است از خودمان پرسیم "آیا ترس ام از انسان بیشتر از محبت ام نسبت به خداوند است؟"

خود محوری ریشه ترسهای ماست. ما یا می خواهیم "شخصیت" و "شهرت و آبروی" خود را حفظ کنیم یا اینکه خود را از حمله های دیگران محافظت کنیم. اما این را در نظر بگیرید: اگر شخصیت و آبرویی برای خود ساخته ایم که مسیح محور آن نیست، پس این یک "خودِ دروغین" است.

تنها وقتی در مسیح هستیم، آن "خودِ" واقعی مان هستیم، چون او ما را اینگونه آفریده است. گناه چیزی است که این واقعیت را از ما می دزدد. اگر تلاش می کنیم از خود محافظت کنیم، پس داریم خودمان را حکمروای زندگی خود می سازیم، زیرا خدا است که محافظ ماست. اگر به خاطر مراقبت یا محافظت خودمان است که به دیگران بشارت نمی دهیم، لازم است از خدا برای غلبه بر این ترس قدرت بطلبیم (فیلیپیان ۱ آیه ۲۰). «(۲۰) چنانکه مشتاقانه انتظار می کشم و امید دارم که در هیچ چیز سرافکننده نخواهم شد، بلکه با کمال دلیری، اکنون نیز چون همیشه، مسیح در بدنم جلال خواهد یافت، خواه در مرگ و خواه در زندگی.»

از طرف دیگر، اگر دیگران محور توجه ما هستند و واقعاً به آنها اهمیت می دهیم، به یاد خواهیم داشت که اگر نجات را نداشته باشند، برای *ابد* هلاک خواهند شد. ما خواهیم توانست وراء اعتماد به نفس مصنوعی آنها را ببینیم و بدانیم که بدون مسیح قادر نیستند تغییر کنند و خصایل مسیح را بیابند. چشمان روحانی ما باز خواهد شد و به خوبی تشخیص خواهیم داد که بسیاری مردم از لحاظ عاطفی و فکری، و در روابط با دیگران دچار درد هستند و نیز در اسارت عمیق گرفتارند. آنها نیاز به دعا و رهایی و یک منجی پر محبت دارند. نیاز آنها مسیح است.

صحیح بودن از لحاظ سیاسی

مشکل بزرگ دیگر «صحیح بودن از لحاظ سیاسی» است که نه تنها به فرهنگ ما، بلکه به کلیساهای ما نیز رخنه کرده است. دهان ما محکم بسته شده است تا حقیقت را نگوئیم مبادا به کسی بر بخورد! اما وقتی خداوند مسیح حقیقت خود را به شاگردانش یا گناهکاران یا کسانی که در ایمان سست شده بودند اعلام می کرد هرگز ندیده ام محتاطانه صحبت می کرده است تا نکند به کسی بر بخورد یا طرف خشمگین شود. پس من نیز چنین ترسی نخواهم داشت.

لیکن این بدان معنا نیست که در هر برخورد با مردم، از روی کتاب مقدس با تحکم صحبت کنیم و به خاطر زندگ گناه آلود شان آنها را خرد کنیم و مورد انتقاد شدید قرار دهیم. معنای آن این است که باید "حقیقت را با محبت بیان کنیم" (افسیان ۴ آیه ۱۵). «15 بلکه با بیان محبت آمیز حقیقت، از هر حیث تا به حدّ او که سر است، یعنی مسیح، رشد خواهیم کرد.» انگیزه ما باید محبت آمیز و خالص باشد، زیرا اهمیت می دهیم که یا خدا را بشناسند، یا رابطه درست گذشته ی خود را با خدا از سر بگیرند. وقتی در مورد او با دیگران صحبت می کنیم باید والا منش و مهربان باشیم.

اگر چیزی نیکو برای گفتن نداریم باید با رعایت نزاکت از سخن گفتن دست برداریم! اما «از لحاظ سیاسی صحیح بودن» واقعا به این معنی است که داریم به خودمان و دیگران دروغ می گوئیم، و معمولاً انگیزه ی غلط آن چاپلوسی است. چاپلوسی، گفتن چیزهایی است که حقیقت ندارند و به این مقصود است که دیگران ما را تأیید کنند یا به پذیرند. تمام اینها رفتار کاذب هستند و اگر به این منوال به رفتار با دیگران ادامه دهیم وجدان اخلاقی خود را از دست خواهیم داد (یوحنا ۷ آیات ۱۶ تا ۱۸). «(۱۶) عیسی به ایشان

فرمود: «آنچه به شما می‌گویم، از فکر و نظر خودم نیست بلکه از خدایی است که مرا فرستاده است. (۱۷) اگر کسی برآستی بخواهد مطابق خواست خدا زندگی کند، پی خواهد برد که آنچه من می‌گویم، از خداست نه از خودم. (۱۸) کسی که نظر خود را بگوید، هدفش این است که مورد توجه مردم قرار گیرد؛ ولی کسی که می‌خواهد خدا مورد تمجید و ستایش قرار گیرد، او شخص درستکار و بی‌ریایی است.»

خدا در کلام خویش به روشنی می‌فرماید هر ایماندار مسئولیت دارد و نیز این امتیاز را یافته است که پیغام انجیل را با قدرت او در زندگی دیگران اعلام کند. در عین حالی که لازم است الگوهای زنده‌ای از قدوسیت، وفاداری و حقیقت‌گویی باشیم، کتاب مقدس با صراحت به ما دستور می‌دهد که ایمان خود را شفاهاً نیز بیان کنیم. اگر چه هیچ‌یک از ما بی‌نقص و عاری از گناه نیستیم، خداوند از ما استفاده می‌کند تا نجات را به آنانی ارائه کنیم که بی‌خدا راهی جهنم هستند.

خلاصه‌ی مفاهیم انجیل را در کتاب کارهای رسولان باب ۲۲ آیات ۱۴ تا ۱۶ می‌خوانیم. در اینجا ترتیب آیات را برای شفاف کردن منظورم جابجا کرده‌ام:

آیه ۱۶:

"برخیز و تعمید بگیر و نام او را خوانده، از گناهانت پاک شو"

آیه ۱۵:

"زیرا تو در برابر همه‌ی مردم، شاهد او خواهی بود و بر آنچه دیده و شنیده‌ای، شهادت خواهی داد"

آیه ۱۴:

خدا ما را برگزیده تا اراده ی او را بدانیم :

توبه کنیم

نجات یابیم

تعمید بگیریم

در مورد ایمان مان گواه دهیم

تا عیسی آن عادل را بشناسیم و او را ببینیم و از او بشنویم "

کتاب مقدس همچنین می گوید ما باید دیگران را شاگرد سازیم، یعنی لازم است وارد رابطه با دیگران شویم تا بتوانیم آنها را به سوی نجات رهنمون گردیم و سپس مفهوم ایمان مسیحی را به آنها بیاموزیم (متی ۲۸ آیات ۱۸ تا ۲۰). «(۱۸) آنگاه عیسی جلو آمد و به ایشان فرمود: «تمام اختیارات در آسمان و زمین به من داده شده است. (۱۹) پس بروید و تمام قومها را شاگرد من سازید و ایشان را به اسم پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید؛ (۲۰) و به ایشان تعلیم دهید که تمام دستورهای را که به شما داده ام، اطاعت کنند. مطمئن باشید هر جا که بروید، حتی اگر دورترین نقطه دنیا باشد، من همیشه همراه شما هستم!»

اگر چه بیشتر افراد فرصت شاگرد سازی انبوه مردم را نخواهند داشت، اما قطعاً می توانیم با کسانی که در حیطه نفوذمان هستند در مورد مسیح صحبت کنیم.

یک شاگرد کفایت می کند - اگر شاگردان به درستی مورد محبت و تعلیم قرار گرفته باشند، آنوقت می توانند آنچه را آموزش دیده اند اشاعه دهند و افراد بیشتری را به پادشاهی خدا داخل خواهند کرد. به یاد داشته باشید: آن روز که در حضور مسیح ایستاده اید به عیسی چه خواهید گفت اگر حتی **یک نفر** را با خود نیاورده باشید؟

اگر طرد شوم چه؟

وقتی فکر می کنم ممکن است به خاطر بشارت ایمان ام دیگران مرا رد کنند، همیشه به مسیح فکر میکنم. او خوار شمرده شد، به صورتش آب دهان انداختند، مورد نفرت واقع شد، از شهر بیرون رانده شد، و در آخر مصلوب گردید، **صرفاً** به این خاطر که فرمود او راه نجات و حیات ابدی است. اما او متحمل همه اینها شد زیرا انسان ها را محبت می نمود! او به وراء خشم و نفرت آنها می نگریست و عمق قلبهای آنها را مشاهده می کرد. این همان چیزی است که به او چنان دلیری بخشید.

چنین اعتماد به نفس او به این خاطر بود که تنها **یک** هدف در ذهن داشت: اطاعت از پدر خویش. عیسی مسیح برای انجام مأموریت آمده بود، و هیچ چیز مانع او در اجرای فرمان های خدا نمی شد. خدای پدر، عیسی را فرستاد تا **برای ما بمیرد!** اگر عیسی از رفتن روی صلیب امتناع کرده بود وضع ما چه می شد؟ اگر دهانش را بسته نگاه می داشت چه می شد؟ هیچ راه چاره ای برای ما نمی بود تا ممکن باشد با خدا رابطه صحیح و نزدیکی برقرار کنیم. و ما دقیقاً همان پیغام را به بی ایمانان می رسانیم - یعنی **راه حل واقعی** برای آرامش حقیقی، محبت و شفا.

اگر مردم ما را از خود برانند، واقعاً این که بدترین اتفاق دنیا نخواهد بود!

بیاپید در خصوص برخی از "بدترین" شرایطی که هراس داریم در صورت بشارت دادن به مسیح برای ما روی دهند فکر کنیم:

(*) **شاید یک "دوست" را از دست بدهید.** اما در وهله اول آیا واقعاً دوست شما بوده اند - اگر انتخاب شما را برای پیروی از مسیح رد می کنند؟ در زندگی مسیحی ما، زمانهایی هست که شاید لازم باشد از دوستان یا خویشاوندان خویش فاصله بگیریم، زیرا آشکارا مسیح را رد می کنند (اول قرن‌تیاں ۱۵ آیه ۳۳؛ رساله یعقوب ۴ آیه ۴) «33 فریب مخورید: «معاشر بد، اخلاق خوب را فاسد می‌سازد.»» «4 ای زناکاران، آیا نمی‌دانید دوستی با دنیا دشمنی با خداست؟ هر که در پی دوستی با دنیا است، خود را دشمن خدا می‌سازد.» و به راستی این شاید حتی به دوستانی اطلاق می‌کند که "می‌گویند" مسیحی هستند اما زندگی آنها هیچ شباهتی با زندگی مسیح ندارد! (اول قرن‌تیاں ۵ آیه ۱۱) «(۱۱) بلکه منظورم این بود که اگر کسی ادعا می‌کند که برادر مسیحی شماست اما در عین حال زناکار، طمعکار، بدزبان، بت پرست، مشروبخوار و یا فریبکار است، با او معاشرت نکنید. با چنین کسی حتی بر سر یک سفره هم ننشینید!»

من همچنان دعا می‌کنم در دوستی‌هایی که باید کنار بگذارم صلح و آشتی دوباره ایجاد شود، اما می‌دانم لازم است بیش از هر چیز دیگری مراقب رابطه خودم با مسیح باشم و آن را محافظت کنم (امثال ۴ آیه ۲۳). «(۲۳) مراقب افکارت باش، زیرا زندگی انسان از افکارش شکل می‌گیرد.»

حال این بدان معنا نیست که از هر کس که مسیحی نیست دوری کنیم ... اگر آنطور باشد نمی‌توانیم در مورد ایمان ما با کسانی که نجات مسیح را تجربه نکرده‌اند صحبت

کنیم. لیکن این به روابط نزدیک ما مربوط می شود - کسانی که بیشترین زمان و صمیمیت را صرفشان می کنیم.

(*) شاید در مورد شما به طرز خاصی صحبت کنند. این برای من هم پیش آمده و به آن افتخار می کنم! تقریباً تمام کسانی که با آنها برخورد میکنم، جایی در می یابند که من عاشق عیسی هستم. جالب اینجاست وقتی در سختی هستند، یا مشکلی دارند و یا در یأس و ناامیدی اند به من روی می آورند. می دانند که برایشان دعا خواهم کرد، حقیقت را به آنها خواهم گفت و نجات دهنده را به آنها نشان خواهم داد. عالی است دیگران ببینند به خدا وفادار هستیم!

(*) ممکن است از عزیزانتان جدا کرده شوید. من این را در زندگی خود تجربه کرده ام. عیسی به ما هشدار داد که اگر واقعا سرسپرده او باشیم این مسئله به عینه ممکن است اتفاق بیفتد (متی ۱۰ آیات ۳۴ تا ۳۹). «(۳۴) گمان مبرید که آمده ام صلح به زمین بیاورم! نیامده ام تا صلح بیاورم، بلکه تا شمشیر بیاورم. (۳۵) من آمده ام تا "پسر را علیه پدرش، دختر را علیه مادرش، و عروس را علیه مادرشوهرش برانگیزم. (۳۶) به طوری که اهل خانه شخص، دشمنان او خواهند بود". (۳۷) «اگر پدر یا مادر خود را بیش از من دوست بدارید، شایسته نیستید که از آن من باشید؛ و اگر پسر یا دختر خود را بیش از من دوست بدارید، شایسته نیستید که از آن من باشید. (۳۸) هر که حاضر نباشد صلیب خود را بردارد و از من پیروی کند، شایسته نیست که از آن من باشد. (۳۹) هر که بخواهد جان خود را حفظ کند، آن را از دست خواهد داد؛ اما هر که جانش را به خاطر من از دست بدهد، آن را خواهد یافت.» ارزشهای مسیحی ما ممکن است باعث شوند به نزدیکان ما برخورد طوری که دیگر نخواهند چیزی در مورد خدا بشنوند. ممکن است در کنار ما بسیار احساس ناراحتی کنند و روش زندگی مسیحی ما آنها را ملزم سازد. اگر حقیقتاً با خدا

زندگی کنیم، حتماً در مواردی به مردم بر خواهد خورد، زیرا عیسی "صخره سبب لغزش" است (اول پطرس ۲ آیات ۷ و ۸). «(۷) این «سنگ» برای شما که ایمان دارید، بسیار گرانبهاست، اما برای بی‌ایمانان همان سنگی است که درباره‌اش گفته شده: «سنگی که معماران دور افکندند، سنگ اصلی ساختمان شده است.» (۱) همچنین، در کتب مقدس آمده است: «او سنگی است که سبب لغزش می‌شود و صخره‌ای است که باعث سقوط می‌گردد.»

(*) حتی ممکن است مورد آزار و اذیت قرار بگیرید. آمریکا اکنون در معضل عمیقی است. بیش از هر زمان دیگری در طول تاریخ، الان مسیحیانی در دنیا هستند که به خاطر تعهد تغییر ناپذیر خود به مسیح مورد طرد شدن یا ضرب و شتم قرار می‌گیرند، یا به زندان افکنده می‌شوند و بعضی کشته می‌شوند.

(*) نیاز داریم در ذهن و دل خود تصمیم بگیریم که عیسی را بیش از هر چیز دیگری دوست بداریم زیرا هر کجا که باشیم ممکن است فردا به سراغ ما بیایند و به عنوان مسیحی ما را مورد آزار و اذیت قرار دهند. در اصل، حقیقت موضوع همین است و پای عمل در اینجا به میان می‌آید، پس خجالت کشیدن دلیل موجهی نیست که ایمان خود را با دیگران در میان نگذاریم.

با این حال، بگذارید با گفتن این جملات تشویقتان کنم که هر بار به جای اطاعت از مردم از خدا اطاعت کرده‌ام، هر قدر هم که دردناک و ناراحت کننده بوده است، برآستی توانسته‌ام آن را خوشی محسوب کنم. چرا؟ زیرا می‌دانم اگر زندگی قدرتمندی برای عیسی نمی‌داشتیم، کسی ناراحت نمی‌شد و به هیچکس بر نمی‌خورد، و متوجه می‌شدم این طرز زندگی نمی‌بود که خداوند از من خواسته بود. خدا آرامشی عمیق و اطمینانی

بسیار به من بخشیده است که از من رضایت دارد، زیرا اولویت من در خدمت و محبت او بوده است.

شاهد و گواه دلیر برای مسیح بودن، به دیگران نیز الهام می بخشد تا در ایمان شان شجاع باشند. نیرو های اجتماعی، عقلانی و اخلاقی، باعث ایجاد فعالیت و تغییر در جامعه می گردند و ما می توانیم با مطرح کردنِ خداوند در گفتگو ها یا موقعیت های خود با دیگران، این نیرو ها را در محیط اطراف مان تغییر دهیم. زمانهای بسیاری پیش می آید که آنانی که نجات مسیح را دریافت نکرده اند مایل هستند درباره خدا صحبت کنند یا برایشان دعا شود، اما آنها هم **می ترسند** که دیگران ردشان کنند. می توانیم برای کمک به واهمه های آنها، حقایق را آنطور که هستند بیان کنیم.

چگونه در مورد ایمان ام با دیگران صحبت کنم؟

برخی از افراد نمی دانند چگونه حتی صحبت را با دیگران درباره مسیح شروع کنند. یکی از نکات مهم اینجا حساس بودن نسبت به روح القدس و به دیگران است.

۱- برای شروع لازم است از روح القدس پُر شویم. پیش از صحبت با دیگران در باره مسیح، دعا کنید. از خدا بخواهید شما را در زمان و مکان مناسب و در تماس با شخص درست قرار دهد! بسیاری از اوقات، روح القدس از درون ما را بر می انگیزد، به این وسیله که احساسات ما را به تحرک در میآورد و یا نا آرامی در ما ایجاد می کند و با این کار می خواهد ما را متوجه می سازد که زمانِ بشارت است.

وقتی تحت هدایت روح خدا هستیم، باید اطمینان داشته باشیم که خدا از قبل آن شخص و زمان و مکان را برای ما آماده ساخته است و کلمات مناسب و زمان کافی را که

برای بشارت نیاز داریم برای ما فراهم خواهد نمود (لوقا ۱۲ آیات ۱۱ و ۱۲). «(۱۱) چون شما را به کنیسه‌ها و به حضور حاکمان و صاحب‌منصبان برند، نگران مباشید که چگونه از خود دفاع کنید یا چه بگویید، (۱۲) زیرا در آن هنگام روح‌القدس آنچه را که باید بگویید به شما خواهد آموخت.»

۲- ضروری است که به طور منظم کلام خدا را عمیقاً بخوانیم و در دعا وقت صرف کنیم، زیرا آنچه دل و فکر ما از آنها "تغذیه" می‌کنند، همان‌ها را در گفتگوها به دیگران خواهیم گفت. اگر تنها چیزی که می‌شنویم سخنان زشت کسانی باشد که وقت ما با آنها می‌گذرد و یا مطالب بی‌ارزش اینترنت یا تلویزیون باشد، هنگامی که صحبت از انجیل به میان می‌آید پیام‌آوری ما ضعیف خواهد بود. به همین ترتیب اگر هر روز زمان پر کیفیت در حضور خدا سپری کنیم و قلب و ذهن خود را مطیع شمشیر زنده‌ی او، یعنی کتاب مقدس نماییم بسیار آماده‌تر خواهیم بود.

لازم است در همه‌ی روابط با دیگران، موقعیت را با ملایمت امتحان کنیم و ببینیم آیا طرف ما پذیرا است؟ آن شخص می‌تواند خانم کارمند بانک باشد و یا آقایی در فروشگاه - همچنین شامل عزیزان ما است که نجات مسیح را دریافت نکرده‌اند. در گفتگوها **منتظر** فرصتها و "درهای باز" باشید. من سعی می‌کنم نسبت به مطالبی که مردم در گفتگوهای روزانه خود می‌گویند هوشیار باشم. برای مثال، دنبال شنیدن کلماتی نظیر این هستم "پسرم بیمار است"، یا "می‌ترسم"، یا "مطمئن نیستم چگونه با این موقعیت روبرو شوم و مشکل را حل کنم". اینها پیش‌درآمدهای عالی برای گفتگو هستند. در وقت نیازشان، اشتیاق آنها برای شنیدن در مورد خدا می‌تواند بسیار بیشتر باشد.

۳- ما پیام بشارت خود را با همه ی اشخاصی که با آنها برخورد می کنیم در میان نمی گذاریم؛ بدیهی است زمان کافی برای چنین کاری وجود ندارد. در واقع شاید حتی ما آن شخصی نباشیم که خدا قرار است در آن زمان استفاده کند، و گاهی اوقات مردم اصلاً مایل به شنیدن نیستند. یاد بگیرید که این را بپذیرید!

۴- یک وجه مشترک بیابید. به عنوان مثال، بیایید فرض بگیریم شما در قسمت صندوق پرداخت در فروشگاه هستید. می بینید که متصدی صندوق خسته است و کار زیاد دارد توان او را از او می گیرد. می توانید چیزی نظیر این بگویید: "به نظر می آید روز سختی داشته اید، من هم گاهی در محل کارم چنین حسی پیدا می کنم".

در این مرحله می توانید به او بگویید وقتی خودتان در تنش و تحت فشار هستید دعا واقعاً کمک تان می کند. یا می توانید بگویید "برایتان دعا خواهم کرد". یادتان باشد، یک یا دو دقیقه طول می کشد تا برای مواد غذایی پرداخت کنید و آنها را در کیسه بگذارند. پس واقعاً زمان زیادی برای انتقال مطلبی کوتاه در اختیار دارید.

بسیاری از مردم بعداً به من گفته اند جملاتی که در چنین صحبت های مختصر به آنها گفته ام، واقعاً برایشان تشویق آمیز بوده است. زمانی که رابطه برقرار شده است، آنها اغلب شروع به درد دل با من کرده و در برخوردهای بعدی حتی از من خواسته اند برایشان دعا کنم.

ما می توانیم این را هر جا که می رویم انجام دهیم و از چنین روشی در بانک، با بازاریاب های تلفنی، با کارمندان مهد کودک، در بیمارستان، محل کار، مدرسه و غیره استفاده کنیم. پس هر جا که هستیم، می توانیم نور و نمک، حیات، شادی و امید برای خداوند گرانقدرمان باشیم و خود ما هم شاد می شویم! ☺

۵- بدانید که شما هرگز کامل و بی عیب نخواهید بود. زندگی مسیحی را به طرز کامل نخواهید داشت و بشارت دادن شما کامل و بی نقص نخواهد بود. روح القدس یک روش زیبا برای جبران کاستی های ما دارد. او می تواند پیام شما را "ترجمه" کند تا قابل درک و مفید برای کسی باشد که به او شهادت می دهید! مردم اغلب به من گفته اند که در پیام بسیار شفاف بوده ام - آنهم زمانی که واقعا فکر می کردم اصلاً خوب صحبت نکرده ام!

۶- مهم است اطمینان حاصل کنید که زندگی شما تا حد ممکن با حقایق کتاب مقدس هماهنگ باشد. بدانید بخشی از این مسئولیت، گزینه های خود شما هستند و بخش بزرگ آن به عهده ی روح القدس است تا شما را مقدس نگاه دارد. هیچ چیز بدتر از این نیست که شهرت یک "مسیحی" این باشد که نجیب نیست و حرف های کثیف می زند. وقتی چنان شخصی بخواهد درباره خدا با دیگران صحبت کند، مردم بلافاصله به او بی اعتنائی می کنند زیرا گفتار او با عمل او یکی نیست. این شامل افراد غیبت گو و گلایه کننده نیز می شود، و همچنین آنانی که غرور کاذب دارند یا بیش از حد انتقاد می کنند (فیلیپیان ۲ آیات ۱۴ و ۱۵). «(۱۴) هر کاری را بدون غرغر و مجادله انجام دهید، (۱۵) تا بی پیرایه و بی آرایش، و فرزندان بی عیب خدا باشید، در بین نسلی کج رو و منحرف که در میانشان همچون ستارگان در این جهان می درخشید،» چنین چیز ها آسیب بزرگی به کار خداوند و پیشرفت انجیل می زنند.

۷- لازم است انگیزه های خود را بررسی کنیم! متأسفانه برخی از مسیحیان هنگام بشارت دادن می خواهند به زور حرف خود را به طرف بقبولانند یا با آن شخص جر و بحث می کنند. این نه تنها آزار دهنده است بلکه طرف را کاملاً بی علاقه می سازد. آن نوع مسیحیان در صحبت خود زیاده از حد شدت بخرج می دهند و دلایل شان هم برای چنین

کاری اشتباه است. شاید احساس برتری می کنند یا می خواهند به طرزی که جالب نیست دانش خود را از کتاب مقدس به طرف نمایش بدهند. چنین اشخاصی اغلب مردم را بخاطر عقاید یا شیوه زندگی شان تحقیر می کنند.

اما به دلیل همین طرز برخورد است که در بسیاری موارد مردم دنیا از عیسی مسیح و کلیسا رویگردان شده اند. بیشتر مردم می توانند حس کنند که آیا ما از روی خلوص و صمیمت صحبت می کنیم یا خیر. اگر هدف این باشد که می خواهیم فردی را در باره خدا متقاعد سازیم تا از خدا انعام بگیریم یا سعی در خودنمایی داریم بدون آنکه واقعاً برای آن شخص اهمیتی قائل باشیم، آنها این را حس می کنند! **محبت باید انگیزه اصلی** بشارت دادن ما باشد.

علاوه بر این لازم است بدانیم اگر در بشارت خود به طور نامتناسب ضعیف باشیم، همان تاثیر را خواهد گذاشت - مردم حس می کنند ما سر سپرده و وقف شده به ایمان خود نیستیم و آنها نسبت به آن عیسی که در زندگی ماست بی علاقه خواهند شد. به احتمال قوی این فکر را هم می کنند که چرا اصلاً باید علاقه ای به خداوند ما داشته باشند.

۸- سعی کنید آنچه را می خواهید در باره ایمان تان به دیگران بگویید، تمرین کنید. این را می توانید در مقابل آینه، یا با کسی که خداوند را دوست دارد و پیغام انجیل را به طرزی عالی بیان می کند تمرین کنید. چنین اشخاصی معمولاً علاقه دارند روشهای خود را در شهادت دادن برایتان توضیح دهند.

اگر علاقمند به یادگیری راه های عملی دیگر برای بشارت هستید، فصل ۱۲ این کتاب راهنمای عالی می باشد.

بسیار خوشایندتر است که شخصی تجربه اش را با لذت و خوشی برای ما بگوید، و تنها انگیزه اش هم این باشد که می خواهد ما نیز آن را تجربه کنیم! این است طرز بشارت ایمان ما - با شادی و فروتنی - و با اشتیاقی که از روی محبت ما به خدا و مردم است.

فصل ۹

در میان گذاشتن ایمان ما با دیگران

تفکر و تعمق در آنچه خواندیم

۱- معنی کلمه "شاهد" چیست؟

۲- آیا با در میان گذاشتن ایمان خود با دیگران مشکل دارید؟ چرا؟

۳- آیا باور دارید افرادی که عیسی مسیح را رد می کنند برای ابد به مکانی به نام جهنم می روند؟ آیا این مسئله روی تصمیم شما برای بشارت ایمانتان تأثیر می گذارد؟

۴- آیا باور دارید که مسئولیت شماست در مورد مسیح به دیگران شهادت بدهید؟ چرا؟

۵- آیا مایلید از منطقه امن خود (کنج راحتی خود) خارج شوید تا بیاموزید چگونه محبتی را که به مسیح دارید برای دیگران بازگو کنید و بشارت دهید؟

۶- چطور به مسیح ایمان آوردید؟ آیا کسی به شما بشارت ایمان خود را داد؟ آیا این در تصمیم شما برای بشارت به دیگران اثر می گذارد؟

فصل ۱۰

تشخیص اراده خدا



چند بار فکر کرده ایم: "من تنها می خواهم اراده خدا را برای زندگی خود بدانم. چرا او به من نمی گوید از من چه کاری می خواهد انجام دهم؟"

اغلب مسیحیانی که ملاقات کرده ام تمایل خود را برای دانستن اراده خدا در زندگی شان بیان می کنند. مشکل این است که خدا معمولاً با صدای قابل شنیدن صحبت نمی کند. ما اشتیاق بسیار داریم تا به روشهای انسانی خود با او ارتباط ایجاد کنیم و اغلب برای ما سخت می شود از راه هایی که او طرح نموده با او رابطه برقرار کنیم.

اما او راه های بسیاری برای مان فراهم ساخته است تا اراده اش را بشناسیم - البته اگر علاقمند به رهبری او باشیم و با دقت از او پیروی کنیم. "تشخیص دادن" یعنی "معلوم کردن" یا "پیدا کردن" یا "مشخص کردن" چیزی که معلوم نباشد. در این فصل، شماری از روشهایی را که خدا برای صحبت با ما استفاده می کند بررسی می کنیم.

برای شروع، باور من این است که خدا عمداً سئوالاتی برای ما باقی می گذارد که چگونه او را بیابیم و از او پیروی کنیم. دلیل این است که به *ایمان* نیاز داریم. در واقع، عبرانیان ۱۱ آیه ۱ به ما می گوید: "ایمان، واقعیت چیزهایی را نشان می دهد که بدان *امید* داریم

و برهان آنچه نمی توانیم به بینیم". عبرانیان ۱۱ آیه ۶ می گوید: "و بدون ایمان محال است که بتوان خدا را خشنود ساخت، زیرا هر که می خواهد به او نزدیک شود باید ایمان داشته باشد که او هست و جویندگان صمیمی خود را پاداش می دهد".

برای تسلی شما بگویم که خدا با شماری از پیامبران بزرگ در کتاب مقدس مستقیماً صحبت کرد، اما آنها همچنان باید در اکثر مواقع بدون آنکه همه جزئیات برایشان واضح می بود، با ایمان ادامه می دادند.

به عنوان مثال، خدا مستقیماً با «آبرام» وقتی در حرّان زندگی می کرد سخن گفت (خدا بعدها او را ابراهیم نام نهاد). خدا او را فرا خواند تا قوم خود و هر آنچه داشت را آماده سفر کند، کشور خود را ترک نماید و به سرزمینی برود که تا پیش از آن برای ابرام ناشناخته بود (پیدایش ۱۲ آیه ۱). «(۱) خداوند به آبرام گفته بود: «از سرزمین خویش و از نزد خویشان خود و از خانه پدرت بیرون بیا و به سرزمینی که به تو نشان خواهم داد، برو.» او هیچ نمی دانست از چه مسیری باید به آنجا برسد یا حتی آن سرزمین کجاست!

خدا مستقیماً با نوح نیز سخن گفت و به او فرمود کشتی عظیم بسازد تا عده ای را از طوفان سیل آسا و فاجعه آمیز نجات بخشد. با اینحال، اگر کتاب مقدس را تا این قسمت بخوانید می بینید که تا پیش از آن "باران" نباریده بود (پیدایش ۲ آیات ۴ تا ۶). «(۴) این بود تاریخیچه آسمانها و زمین آنگاه که آفریده شدند. آفرینش آدم و حوا هنگامی که یهوه خدا آسمانها و زمین را بساخت (۵) هیچ نهال کشتزار هنوز بر زمین نبود و هیچ گیاه کشتزار هنوز نرویده بود، زیرا یهوه خدا هنوز باران بر زمین نبارانیده بود و انسانی نبود تا بر آن کشت کند، (۶) بلکه مه از زمین برمی آمد و تمام روی زمین را سیراب می کرد.»

آبی که بر زمین بود از چشمه ها و نهرها جاری بود. مورد بعدی که کلمه " باران " در کتاب مقدس دیده می شود در زمان طوفان عظیم است (پیدایش ۷ آیه ۴). «(۴) زیرا من پس از هفت روز، چهل روز و چهل شب باران بر زمین خواهم بارانید، و هر موجودی را که ساخته/م از روی زمین محو خواهم کرد.»

منظور من از این دو مورد این است که خدا مستقیماً با این دو شخص صحبت کرد. اما آنها باید با ایمان عمل می کردند تا اراده خدا به انجام رسد. خدا برای ابرام نقشه راهنما ترسیم نکرد و برای نوح کشتی را نساخت. در واقع، هر دو این اشخاص احتمالاً مورد مضحکه مردم زمان خود قرار گرفتند. شاید خطاب به موسی پیامبر می گفتند: "می روی کجا؟؟؟ خدا به تو چه گفته؟؟؟". و احتمالاً به نوح گفتند: "قرار است یک کشتی بزرگ ۷ طبقه بسازی به طول یک و نیم برابر زمین مسابقات فوتبال؟؟ و قرار است اینجا سیل بیاید با اینکه ما حتی باران هم ندیده ایم؟؟؟" هاهاهاه 😊

حقیقت این است که وقتی دقیقاً نمی دانیم اقدام بعدی خدا در زندگی مان چیست ایمان ما افزایش می یابد! درست همانطور که در سفر به محلی ناشناخته به تکنولوژی تشخیص موقعیت نیاز داریم، باید محکم دست خداوندان را بگیریم تا ما را در قدم بعدی به سمت آینده مان هدایت نماید. پس وقتی به مسیح می چسبیم و به دنبال قدم های او می رویم، اعتماد عمیق و وابستگی ایجاد می شود (دوم قرنیتان ۵ آیه ۷). «(۷) زیرا با ایمان زندگی می کنیم، نه با دیدار.»

راههایی که خدا اراده اش را به ما می فرماید

خدا از روشهای بسیاری استفاده می کند تا با ما سخن بگوید و آگاه سازد که خواست او از ما و برای ما چیست. من چهار روش اصلی را در اینجا ذکر می کنم: کتاب مقدس، دعا،

روح القدس و شرایط. زیر عنوان "کتاب مقدس"، شماری آیات که اراده کلی خدا را برای زندگی همگی ما در بر دارد فهرست نموده ام.

کتاب مقدس

احتمالاً اغلب ما در این مورد وحدت نظر داریم که کتاب مقدس یکی از مهمترین و بدیهی ترین راه هایی است که خدا اراده خود را بر ما آشکار می سازد. او هر چه را که می خواهد ما بدانیم از طریق کلامش به ما گفته است. اما برنامه **خاص** او برای زندگی های ما، **زمانی** که از آنچه در کتاب مقدس به ما نشان داده اطاعت می کنیم، آشکار می شود.

متأسفانه، تعداد زیادی از مسیحیان در آمریکا کتاب مقدس خود را به طور مرتب نمی خوانند و در نتیجه هیچ اطلاعی از روش های الهی ندارند. بر اساس مطالعات «بارنا» در سال ۲۰۱۸ تنها ۱۴٪ از آمریکایی ها روزانه کتاب مقدس خود را می خوانند و به دنبال آن ۱۳٪ کسانی هستند که آن را ۳ تا ۴ بار در هفته مطالعه می کنند. ۸٪ مسیحیان کتاب مقدس خود را تنها یکبار در هفته می خوانند؛ ۶٪ آنها حدود یکبار در ماه و ۸٪ آنان بین ۳ تا ۴ بار در سال از آن استفاده می کنند.

(<https://www.barna.com/research/state-of-the-bible-2018-seven-top-findings/>)

می دانم که اگر من کتاب مقدس را تنها یکبار در ماه و یا ۳-۴ بار در سال بخوانم، گرسنگی شدید روحانی به من دست خواهد داد.

برخی از دلایل رایجی که مردم کتاب مقدس را نمی خوانند این است: (۱) مشغله زیاد (۲) تنبلی زیاد (۳) آن را درک نمی کنند. (۴) احساس می کنند ملزم می شوند. اما در واقع، نخواندن کتاب مقدس به طور مرتب مانند سفر به آن سوی کشور بدون داشتن نقشه ی

راه است! بدون راهنمایی پر استحکام کتاب مقدس، باید افتان و خیزان زندگی خود را بی هدف و عاری از هدایت سپری کنیم. ما به قطب نمای **حقیقت** شدیداً نیاز داریم.

مطالعه کتاب مقدس فواید بسیار دارد. با شخصیت خدا آشنایی پیدا می کنیم. در می یابیم چه کسی هستیم و چرا خلق شده ایم. می فهمیم که به کجا می رویم و چگونه باید در برابر خالق خویش و انسان هایی که او آفریده عمل کنیم.

وقتی کتاب مقدس را به طور منظم می خوانیم، افکار ما عوض می شوند، وجدان ما اصلاح و قلب و روحمان تقویت می شود. شالوده ای ایجاد می کنیم تا زندگی مان را بر اساس آن بنا کنیم. در ایمان خود رشد می کنیم، و سکانی خواهیم داشت که ما را در شرایط سخت و پر تلاطم راهنمایی کند. پی می بریم که چقدر مورد محبت هستیم. به وسیله ی فیض و رحمت الهی پاک و شسته می شویم و همچنین از اینکه به راه های خود رفته ایم ملزم می گردیم.

در آخرین کتابم «شروعی تازه، اصول مقدماتی ایمان مسیحی» فصلی را با عنوان "کتاب مقدس چیست" رقم زده ام. در صورت تمایل و جهت مطالعه عمیق تر می توانید آن را بخوانید. آن فصل نشان می دهد چقدر کتاب مقدس مهم است و چرا خواندن آن ضروری می باشد.



برای کمک به تشخیص اراده خدا برای زندگی تان برخی آیات را نوشته ام. می توانید زیر آیاتی که واقعاً با شما صحبت می کنند خط کشیده یا آنها را پررنگ کنید:

(*) تثنیه ۶ آیه ۵: "یهوه خدای خود را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی قوت خود محبت کن."

(*) تثنیه ۱۰ آیات ۱۲ و ۱۳: "واکنون ای اسرائیل، یهوه خدایت از تو چه می خواهد، جز آنکه از یهوه خدایت بترسی و در همه راههایش گام برداری و او را دوست بداری و یهوه خدای خود را به تمامی دل و تمامی جان خود خدمت کنی و همیشه فرمانهای خداوند و فرایض او را که من امروز برای خیریت تو به تو امر می فرمایم نگاه داری."

(قسمت بالا خطاب به یهودیان در عهد عتیق نوشته شده اما برای تمامی قوم خدا در سراسر تاریخ کاربرد دارد).

(*) میکاه ۶ آیه ۸: "خداوند به تو، ای انسان فانی، نشان داده است نیکویی چیست. و خداوند از تو الزاماً چه می خواهد؟ جز آنکه انصاف را به جای آری و رحم کردن را دوست بداری، و با فروتنی در حضور خدایت سلوک کنی؟"

(*) اعمال رسولان ۲۲ آیه ۱۴: "او به من گفت: "خدای پدران ما تو را برگزیده تا اراده او را بدانی و آن پارسا را ببینی و سخنان او را بشنوی". (این آیه درباره مسیح، آن عادل، سخن می گوید).

(*) رومیان ۱۲ آیات ۱ و ۲ : " پس ای برادران، در پرتو رحمت‌های خدا، از شما استدعا می‌کنم که بدن‌های خود را همچون قربانی زنده و مقدّس و پسندیده خدا تقدیم کنید که عبادت معقول شما همین است."

این به راستی روش پرستش‌اوست.

از رفتارها و آداب و رسوم این دنیا تقلید نکنید، بلکه بگذارید خدا با تغییر طرز فکرتان شما را به شخصی تازه تبدیل کند. سپس اراده نیکو، پسندیده و کامل خدا را برای خود خواهید آموخت."

(*) دوم قرن‌تین ۱۳ آیه ۱۱: " در خاتمه، نامه‌ی خود را با این عبارات به پایان می‌برم: شاد باشید؛ رشد کنید تا از لحاظ روحانی بالغ گردید؛ یکدیگر را تشویق نمایید؛ در صلح و صفا زندگی کنید، آنگاه خدای محبت و صلح و صفا با شما خواهد بود."

(*) افسسیان ۴ آیات ۲۹ و ۳۰: "حرف‌های بد و بی‌راه یا کثیف به زبان نیاورید. هر چه می‌گویید نیکو و مفید باشد تا کسانی که آن را می‌شنوند بنا گردند. روح قدّوس خدا را با شیوه‌ی زندگی خود غمگین مسازید. به یاد داشته باشید که او فرموده است شما متعلق به او هستید، و این تضمین می‌نماید که شما در روز رستگاری نجات خواهید یافت."

(*) کولسیان ۱ آیات ۹ تا ۱۲: " از همین رو، از روزی که نخستین بار در مورد شما شنیدیم، از دعا کردن برای شما باز نایستاده‌ایم، بلکه پیوسته از خدا می‌خواهیم که شناخت کامل از اراده‌ی خود به شما عطا کند و حکمت و فهم روحانی ببخشد. آنگاه همواره کردار شما با احترام به خداوند و مورد رضایت او خواهد بود و زندگی شما همه نوع ثمرات نیکو خواهد داشت.

در عین حال، وقتی می آموزید خدا را بیشتر و بهتر بشناسید رشد خواهید نمود. همچنین دعا می کنیم که با تمامی قدرت پر جلال او نیرومند شوید تا دارای هر بردباری و تحمل مورد نیازتان گردید. دعا می کنیم که شادی وجود شما را پر سازد و همیشه پدر را سپاس بگویید. او شما را توانمند ساخته است تا در ارثی که متعلق به قوم اوست - که در نور زندگی می کنند - سهیم باشید.

(*) کولسیان ۴ آیه ۲: "با ذهنی هوشیار و دلی شکرگزار، خود را وقف دعا کنید."

(*) اول تسالونیکیان ۴ آیات ۳ تا ۵: "اراده خدا این است که مقدس باشید: خود را از هر گناه جنسی دور نگاه دارید. سپس هر یک از شما بدن خود را تحت تسلط نگاه خواهید داشت و زندگی شما مقدس و شرافتمندانه خواهد بود؛ نه در امیال شهوانی همانند بی ایمانان که از خدا و راه های او بی خبرند."

(*) اول تسالونیکیان ۵ آیات ۱۰ تا ۲۵: "مسیح در راه ما مُرد، تا خواه زنده باشیم خواه مرده، وقتی او باز گردد بتوانیم با او برای همیشه زندگی کنیم. پس یکدیگر را تشویق و بنا کنید، چنانکه اکنون نیز می کنید."

حال ای برادران، تقاضا می کنیم برای آنانی که رهبران شما در کار خداوند هستند احترام قایل شوید. آنان در میان شما زحمت می کشند و هدایت روحانی برایتان فراهم می کنند. به سبب کاری که انجام می دهند آنها را در کمال احترام و محبت قلبی گرامی بدارید. و با یکدیگر در صلح و صفا زندگی کنید.

ای برادران، از شما استدعا می کنیم که افراد تنبل را توبیخ کنید؛ کم جرئتان را تشویق کنید؛ ضعیفان را با ملایمت حمایت نمایید، و با همه بردبار باشید. مواظب باشید که هیچکس بدی را با بدی پاسخ نگوید، بلکه همواره در پی نیکی کردن به یکدیگر و به

همه مردم باشید. همیشه شاد باشید. هرگز از دعا دست بردارید. در هر وضعی شکرگزار باشید، زیرا این است اراده خدا برای شما که متعلق به مسیح عیسی هستید.

آتش روح را خاموش نکنید؛ نبوتها را خوار شمارید. همه چیز را بیازمایید؛ به آنچه نیکوست، محکم بچسبید. از هر گونه بدی دوری کنید. خدای سلامتی، خود شما را به تمامی تقدیس کند و روح و جان و تن شما تا آمدن خداوندان عیسی مسیح، بی عیب محفوظ بماند. او که شما را فرامی خواند، امین است و این را خواهد کرد. ای برادران و خواهران، برای ما دعا کنید."

(*) عبرانیان ۱۰ آیه ۱۰: "به واسطه همین اراده، ما یک بار برای همیشه، از طریق قربانی بدن عیسی مسیح تقدیس شده ایم."

دعا

احتمالا همه ما می دانیم که دعا یکی دیگر از راههای ارتباط با خداست. بر خلاف انتظار، این هم یکی دیگر از وظایفی است که باید با انضباط انجام شود اما اغلب فراموش می گردد یا نادیده گرفته می شود! در واقع، مسیحیان وقت بیشتری به دعا می دهند تا به خواندن کتاب مقدس. اما همچنان، مطابق مطالعات «پیو» (Pew) در سال ۲۰۱۶، تنها نیمی از مسیحیان امریکایی هر روز دعا می کنند و باور دارند خدا به آنها گوش می کند و به دعاهاشان پاسخ می دهد.

(<https://www.pewresearch.org/fact-tank/2016/05/04/5-facts-about-prayer>)

البته بیش از نیمی از مسیحیان دعا می کنند اما کمتر به صورت مرتب، یا با ایمان به اینکه خدا دعای آنها را می شنود، انجام می گیرد.

کتاب مقدس به ما می گوید که در همه اوقات دعا کنیم (افسسیان ۶ آیه ۱۸؛ اول تسالونیکیان ۵ آیه ۱۷). «(۱۸) و در همه وقت، با همه نوع دعا و تمنا، در روح دعا کنید و برای همین بیدار و هوشیار باشید و پیوسته با پایداری برای همهٔ مقدسین دعا کنید.» «(۱۷) پیوسته دعا کنید»

ممکن است کمی غیر عملی به نظر برسد، اما ما واقعاً می توانیم پیوسته در طول روز در دعا باشیم. من همیشه برای افرادی که با آنها روبرو می شوم دعا می کنم. حتی وقتی از کنار اشخاص عبور کرده با آنها صحبتی نمی کنم، سعی می کنم به چهره شان نگاهی بیندازم و ببینم چه احساسی دارند. اگر کسی ناراحت یا عصبانی به نظر برسد، بلافاصله برای او در حضور خدا دعا می کنم.

من و همسرم سعی می کنیم هر روز صبح مان را با دعا و مطالعه کتاب مقدس آغاز کنیم. این ما را آماده می سازد و نور و هدایتی تازه به روز ما می بخشد. البته من تظاهر نمی کنم که بسیار روحانی هستم، پس منظور مرا اشتباه برداشت نکنید. فقط می گویم که اینها راههایی هستند که خود را نزدیک به خدا نگاه می دارم زیرا واقعاً و شدیداً به او نیازمندم، و می دانم که زندگی من بدون او آسیبی بزرگ خواهد دید!

دعا درواقع راهی برای آزادی از ترسها و نگرانی های ما و سپردن آنها به خداوند است. ممکن است در روز باید چندین مرتبه دعا کنیم! دعا همچنین به ما کمک می کند تا از فکر خودمان بیرون آمده و به کسانی فکر کنیم که به مشکلات بدتری گرفتار شده اند.

خدا قطعاً در وقت دعایتان با شما سخن خواهد گفت. می توانید افکارتان را به او بگویید و سپس قدری خاموش بمانید تا آنچه خدا می خواهد به شما بگوید را بشنوید. همچنین اگر مطابق اراده خدا دعا می کنیم، او می تواند به دعای ما راحت تر پاسخ دهد، زیرا ما در

آن مورد با افکار و احساسات خدا هماهنگ شده ایم (اول یوحنا ۵ آیات ۱۴ و ۱۵).» (۱۴)
این است اطمینانی که در حضور او داریم که هر گاه چیزی بر طبق اراده وی درخواست کنیم، ما را می شنود. (۱۵) و اگر می دانیم که هر آنچه از او درخواست کنیم ما را می شنود، پس اطمینان داریم که آنچه از او خواسته ایم، دریافت کرده ایم»

کار دیگری که در وقت دعای خود می توانید انجام دهید نوشتن افکار و درخواستهای دعای تان (یادداشت برداری) در یک دفترچه یا در کامپیوتر است. من شخصاً یادداشت بر نمی دارم. اما همسر من «مایکل» روشی را که به او کمک بسیار کرده خواست با دیگران در میان بگذارد. این متنی است که او نوشت:

"یادداشت برداری به عبارت ساده تر، نوشتن نگرانی ها و مشکلاتی است که برای حل آنها به یاری و حکمت خدا نیاز دارید. به استفاده از تبلت (Tablet) برای اینکار واقعاً علاقه دارم و دلیل آن را هم خواهید دید. در ابتدا، در باره مشکل فکر می کنم و مشخص می کنم دقیقاً مشکل چیست. سپس آن را بر روی یک صفحه تماماً می نویسم - که نیازمند صرف زمان و اندیشه است. این لازم می کند "نگرانی خود را نام ببرید" و بتوانید آن را روشن کنید و نکات اش را به طور کامل بنویسید و آن را روی کاغذ/براز کنید! برای من همان نوشتن روی کاغذ کمک بسیار می شود؛ اما آنگاه درست پایین صفحات پر دراز ترسها و نگرانی ها، دعایی می نویسم و هر چه در بالا یادداشت شده است را به خدا می سپارم.

نکته واقعاً جالب آن اینجاست. ببینید، نوشتن نه تنها توجه شما را روی موضوع متمرکز می سازد بلکه سرعت شما را نیز آهسته می کند. من دعای خود را با طلب بخشش برای گناهانم آغاز می کنم تا چیزی مانع نزدیک شدنم به خدا نشود. از او می خواهم سرعتم را

کاسته و افکار آشفته را از ذهنم خارج سازد تا بتوانم متوجه روح او ، اراده او ، و پاسخش به سوالاتم باشم. زمانی که دعایم را خطاب به خدا می نویسم **مواظب** می مانم تا "آنچه را خدا می خواهد به من بگوید بشنوم". و پس از نوشتن سؤال یا مشکل ام برای او، مکثی می کنم ... و به آنچه به ذهنم خطور می کند **گوش** می دهم. وقتی چیزی از سمت او می شنوم، "**آنچه که شنیدم را می نویسم**" و با استفاده از علامت نقل قول آنها را مشخص می کنم. به این طریق، اگر دعایی از مدتها قبل را بخوانم خواهم دانست که حس کردم "آن" از سمت خداوند بوده است. البته، "آنچه شنیده ام" را امتحان می کنم که خلاف کتاب مقدس نباشد، زیرا خدا هرگز در تضاد با کلام خویش کلامی نخواهد گفت. من کاملاً آگاه هستم که دشمن ما شیطان منتظر است تا مرا فریب دهد و به دام بیندازد. اما بسیاری اوقات، آنچه می شنوم دقیقاً همان چیزی است که لازم بوده بدانم یا به آن عمل کنم!

پس از یادداشت برداری، و دعای پیامد آن، به آخرین صفحه تبلت می روم و تاریخ و موضوع/های خاص دعایی خود را که جویای پاسخ برایشان هستم می نویسم ، یا گاهی اوقات "آنچه شنیدم" که به من می گوید انجام دهم را می نویسم. زیر هر خلاصه ی درخواستِ دعا، کمی فضای بیشتر برای نوشتن خالی می گذارم برای وقتی که خدا پاسخ آن دعا را می دهد، یا برای وقتی که آن موضوع حل می شود. دوباره به آن یادداشتها بر می گردم تا نحوه حل شدن دعا و تاریخ وقوعش را بنویسم. **سرانجام**، مشاهده ی تمام آن **دعاهای پاسخ داده شده**، واقعاً **شگفت انگیز** است. همچنین این شهادتی است که می توانم برای افرادی بازگو کنم که در زحمات و سختی هستند. این جواب ها تایید می کنند خدا دعای مرا می شنود و مسائلی را که در آنها از او کمک خواسته ام حل می کند. من پی برده ام که پاسخ خدا می تواند "بله" ، "صبر کن" ، "شاید" ، "بعداً" یا "نخیر" باشد. بنابراین زمانی که او هنوز هدایت ننموده است هرگز نمی خواهم با تصمیم خود،

پیش بیفتم و دست به کار شوم. اغلب اوقات "انتظار کشیدن برای خداوند" می تواند بهترین و در عین حال سخت ترین کار باشد! دوران های سختی ما همه برای بنا و شکل بخشیدن ما به شباهت خداست. انتظار کشیدن برای کار خدا، ایمان و اعتماد ما را بنا می کند. پناه بردن به مسیح از طریق یادداشت نویسی، یک راه عالی است که در آن کوشش می کنیم "اراده ی او را تشخیص بدهیم" و وقتی خدا عملاً جواب ما را بدهد آن را به چشم به بینیم! امیدوارم این به همان اندازه که به من کمک کرد برای دیگری نیز مفید باشد! (آن یادداشتهای را در جایی امن و دور از چشمهای اشخاص کنجکاو نگاه دارید).

در اینجا به روش سوم که خدا با ما صحبت می کند می رسیم: توسط روح قدوس او.

روح القدس

آموختن اینکه چگونه می توانیم سخن روح القدس را بشنویم، نیاز به زمان و کوشش دارد. درست همانند یک دوستی تازه، ما خود بخود "نمی دانیم" که طرف مقابل به چه چیزی علاقه دارد یا به چه فکر می کند و یا چه باوری دارد. همچنانکه کتاب مقدس را می خوانیم و دعا می کنیم، فکرها و خواسته های الهی را خواهیم آموخت. او اغلب با ما از طریق روحش سخن می گوید (اول قرنیتان ۲ آیات ۱۰ تا ۱۶). «(۱۰) اما خدا این امور را توسط روح خود بر ما آشکار ساخته است، زیرا روح خدا از عمیق ترین اسرار خدا آگاهی دارد و آنها را بر ما آشکار می سازد. (۱۱) هیچ کس نمی تواند بداند که در باطن شخصی دیگر چه می گذرد، مگر خود آن شخص. به همین ترتیب، هیچ کس نمی تواند افکار و نقشه های خدا را درک کند، مگر روح خدا. (۱۲) و ما روح خدا را دریافت کرده ایم، نه روح این دنیا را، تا بتوانیم بفهمیم خدا چه هدایای پرشکوهی از لطف و برکت خود، نصیب ما ساخته است. (۱۳) به هنگام گفتگو درباره این هدایا نیز از کلماتی که به عنوان یک انسان می توانیم به کار ببریم، استفاده نمی کنیم، بلکه همان کلماتی را به کار می بریم که روح خدا به ما الهام

می‌کند. به این ترتیب، حقایق روح‌القدس را با کلمات روح‌القدس بیان می‌نماییم. (۱۴) اما کسی که روحانی نیست نمی‌تواند افکار و اسرار خدا را که روح‌القدس به ما می‌آموزد، درک کند و بپذیرد. این امور به نظر او پوچ و بی‌معنی می‌آیند، زیرا فقط آنانی که روحانی‌اند می‌توانند مقصود او را درک کنند؛ اما سایرین قادر نیستند این مطالب را بفهمند. (۱۵) شخص روحانی هر چیز را تشخیص می‌دهد و درک می‌کند و همین امر موجب تعجب و ناراحتی مردم دنیا می‌گردد، مردمی که هرگز نمی‌توانند او را درک کنند. (۱۶) زیرا «کیست که بتواند افکار خداوند را درک کند؟ کیست که بتواند به او تعلیم دهد؟» ولی ما این امور را درک می‌کنیم، زیرا فکر مسیح را داریم.»

از آنجا که روح القدس را داریم که در درون ما ساکن است، پس در این مورد، جلو هستیم. اما او بر سر ما فریاد نمی‌زند! کتاب مقدس می‌فرماید صدای او "زمزمه ای ملایم و صدایی آهسته و آرام" است و ما می‌توانیم آن را خاموش کنیم. او با قلب ما سخن می‌گوید و اگر آنقدر مشغولیم که نمی‌توانیم گوش فرا بدهیم، سخنان او را نخواهیم شنید. باید حاضر باشیم به سر و صدای دنیا گوش ندهیم و از او بخواهیم با ما صحبت کند.

در دنیای پر آشوب ما، آموختن این درس مشکل است. روح القدس با محبت فراوان می‌خواهد به ما حکمت ارزانی دارد. کار او راهنمایی ما، پر ساختن ما از روح خدا، آموزش حقیقت و نیرومند ساختن ما است. در واقع خدا نیرو و اشتیاقی را که برای انجام اراده او نیاز داریم به ما خواهد بخشید (فیلیپیان ۲ آیه ۱۳). «(۱۳) زیرا خداست که با عمل نیرومند خود، هم تصمیم و هم قدرت انجام آنچه را که خشنودش می‌سازد، در شما پدید می‌آورد.»

اما لازم است که ما یک رابطه صمیمانه و تنگاتنگ با روح او برقرار کنیم تا بتوانیم یک زندگی مسیحی پر تحرک و تأثیر گذار داشته باشیم!

برخی روشهای کاربردی برای کسب قدرت و هدایت از روح القدس خاموش کردن وسایل الکترونیکی است که مدام استفاده می کنیم. در صورت امکان، جایی را پیدا کنید که بتوانید در خلوت باشید و حتی اگر نمی توانید کاملاً تنها باشید، می توانید ذهن خود را تربیت کنید که تنها بر مسیح تمرکز کند. من خودم این کار را وقتی خلوت کردن غیر ممکن بوده انجام داده ام. خدا همان جا که هستید با شما ملاقات می کند

شرایط

چند بار دیده ایم گروه های مردم پس از اتفاقات فلاکت بار در زندگی شان به کلیسا روی آورده اند و یا شروع به دعا کرده اند - فوت عزیز شان، بلایای طبیعی مصیبت بار، بیماری های خطرناک و کشنده ...

اغلب اوقات، مردم در این موقعیت های سخت خدا را مقصر قلمداد می کنند. باید بدانیم خدا همیشه آن مرجعی نیست که شرایط را برای ما ایجاد کرده است. زمان هایی دلیل آنها گزینه های بدِ خودمان است. گاهی شیطان است که خرابی به پا می کند و در دیگر اوقات، سختی ها صرفاً به خاطر این است که در دنیایی زندگی می کنیم که مبتلا به گناه است و سقوط نموده است.

علاوه بر این، زمانهایی هست که خدا ما را در شرایطی سخت قرار میدهد تا لاجرم توجه ما به او جلب شود. اما حالا هر مرجعی شرایط ما را ایجاد کرده است و یا دلیل ناملایمات هر چه باشند، خدا می تواند از چنین موقعیت هایی استفاده کند تا ما را به خودش نزدیکتر سازد و به جایی برساند که ببینیم چه چیزی حقیقتاً در زندگی مان اهمیت دارد (پیدایش ۵۰ آیه ۲۰). «(۲۰) شما قصد بد برای من داشتید، اما خدا قصد نیک از آن داشت تا کاری کند که مردمان بسیاری زنده بمانند، چنانکه امروز شده است.»

در آخر، ما همیشه اراده آزاد داریم تا خداوند را انکار کنیم یا از او سرپیچی نماییم. اما عواقب بد چنین کارهایی، در نهایت ارزش ندارد (رومیان ۱ آیات ۲۴ تا ۳۲). «(۲۴) پس خدا نیز ایشان را در شهوات دلشان به ناپاکی واگذاشت، تا در میان خود بدنهای خویش را بی حرمت سازند. (۲۵) آنان حقیقت خدا را با دروغ معاوضه کردند و مخلوق را به جای خالق پرستش و خدمت نمودند، خالقی که تا ابد او را سپاس باد. آمین. (۲۶) پس خدا نیز ایشان را در شهواتی شرم آور به حال خود واگذاشت. حتی زنانشان، روابط طبیعی را با روابط غیرطبیعی معاوضه کردند. (۲۷) به همین سان، مردان نیز از روابط طبیعی با زنان دست کشیده، در آتش شهوت نسبت به یکدیگر سوختند. مرد با مرد مرتکب اعمال شرم آور شده، مکافات درخور انحرافشان را در خود یافتند. (۲۸) و همان گونه که برای آنان شناخت خدا ارزشی نداشت، خدا نیز آنان را به ذهنی فرومایه واگذاشت تا مرتکب اعمال ناشایست شوند. (۲۹) ایشان از هر گونه نادرستی، شرارت، طمع و خباثت آکنده اند. مملو از حسد، قتل، جدال، فریب و بدخواهی اند. شایعه ساز، (۳۰) تهمت زن، متنفر از خدا، گستاخ، متکبر و خودستایند. برای انجام اعمال شریرانه، راههایی نو ابداع می کنند. نافرمان به والدین، (۳۱) بی فهم، بی وفا، بی عاطفه و بی رحمند. (۳۲) هرچند از حکم عادلانه خدا آگاهند که مکافات مرتکبان چنین اعمالی مرگ است، نه تنها خود آنها را انجام می دهند، بلکه کسانی را نیز که مرتکب آنها می شوند، تأیید می کنند.»

وقتی طریق های خدا را رد می کنیم، رضایتی را که در زندگی آرزو می کنیم به دست نخواهیم آورد. انجام اراده او منافی بی حد و ابدی برای ما به ارمغان خواهد آورد (رومیان ۲ آیه ۷). «(۷) او به کسانی که با پایداری در انجام اعمال نیکو، در پی جلال و حرمت و بقایند، حیات جاویدان خواهد بخشید؛»

اگر دقت کنیم و از سختی هایمان درس بگیریم ... اگر بگذاریم خدا توسط آنها به ما قدرت بخشد و ما را بهتر سازد ... و اگر از این فرصتها برای نزدیک تر شدن به او استفاده کنیم، آنگاه می توانیم اراده او را تشخیص دهیم و صدای او را واضح تر بشنویم. این همیشه برای ما مزایا خواهد داشت.

بعلاوه، چقدر پر هیجان و شادی بخش است که خداوند روزانه ما را هدایت نماید تا اراده اش را کشف کنیم! آنچه خدا برایتان آماده ساخته است کاملاً غیر منتظره می باشد! تنها زمانی حقیقتاً به آرزوهایمان می رسیم و رضایت قلبی پیدا می کنیم که در مرکز اراده خدا زندگی کنیم. حتی مسیح فرمود "غذای" او انجام اراده پدر خویش بود، و برای ما پیروان او هم هیچ تفاوتی با آن نیست (یوحنا ۴ آیه ۳۴ و فصل ۶ آیه ۳۸). «(۳۴) عیسی به ایشان گفت: «خوراک من این است که اراده فرستنده خود را به جا آورم و کار او را به کمال رسانم.» (۳۸) زیرا از آسمان فرود نیامده/م تا به خواست خود عمل کنم، بلکه آمده/م تا اراده فرستنده خویش را به انجام رسانم.»

وقتی در پی او می رویم، این برای ما تغذیه می شود تا بتوانیم دیگران را از لحاظ روحانی "آب و غذا" بدهیم. محصول کار، روح انسانها برای زندگی ابدی می باشد.

چقدر عالیست!

فصل ۱۰

تشخیص اراده خدا

تفکر و تعمق در آنچه خواندیم



۱- چهار موردی که درباره اراده خدا برای زندگی خود آموخته اید کدامند؟ اکنون می دانم خدا از من می خواهد که:

۲- چهار روش عمده که خدا اراده اش را به ما می شناساند کدامند؟

۳- دو روش که می تواند سبک زندگی ما را تغییر دهد تا زمان و انرژی بیشتری برای شنیدن از خدا داشته باشیم کدامند؟

۴- آیا باور دارید که خدا برنامه مشخصی برای زندگی شما دارد؟ بنا بر تجربه های خود با او، فکر می کنید او اکنون می خواهد شما را به کجا هدایت کند؟

۵- آیا حاضرید هدایت او را بپذیرید یا مطمئن هستید نقشه ها و برنامه های خودتان درست هستند؟

۶- آیا به طور منظم دعا می کنید و کتاب مقدس را می خوانید؟ چرا یا چرا نه؟

۷- آیا باور دارید که این بخشی ضروری از رابطه شما با خداست؟

۸- آیا مایلید وقتی را در روز کنار بگذارید (در صورت امکان زمانی که بیشترین انرژی را دارید) تا آن را با خدا صرف کنید؟

فصل ۱۱

زندگی پیروزمندانه



یک روز دیگر. یک قبض دیگر. یک دعوای دیگر با همسر. یک سری ورزش دیگر در باشگاه. یک روز دیگر سر کار. یک نگرانی دیگر. یک امتحان دیگر. یک مشکل دیگر سلامتی، و این فهرست ادامه دارد.

آیا تا بحال چنین فکری داشته اید که زندگی یک سری کشمکش است؟ آیا هرگز برایتان سخت بوده که صبح از جای خود برخیزید و با یک روز یکنواخت دیگر مواجه شوید؟ آیا هیچگاه احساس نا امیدی کرده اید و فکر کرده اید آیا وجودتان اصلاً فرقی به حال دیگران می کند؟ آیا شادی و آرامش ندارید؟

اگر مسیحی هستید، چنان زندگی را خدا برای شما نمی خواهد. او شما را نجات بخشیده تا بتوانید در یک **پیروزی مظفرانه** زندگی کنید.

ما اکنون نیز پیروزمندان هستیم!

کولسیان ۱ آیات ۱۵ تا ۲۰ توصیف خداوند عیسی مسیح است. او خدا و پادشاه ماست! خداوند پیشاپیش ما رفته و در نبرد پیروز شده است. او قدرتمند و تواناست. رهبر ما امین و صادق است (افسسیان ۳ آیه ۲۰). «(۲۰) جلال باد بر او که می‌تواند به وسیله آن نیرو که در ما فعال است، بی‌نهایت فزونتر از هر آنچه بخواهیم یا تصور کنیم، عمل کند.»

رومیان ۸ آیات ۱۵ تا ۳۹ به ما می‌گوید چقدر به فراوانی برکت یافته ایم! پدری داریم که ما را در همه شرایط و برای همیشه دوست دارد. شیطان بر زندگی ما چیره نخواهد شد (حتی اگر گاهی احساس شکست کنیم). اما در نهایت، در جلال خدا شریک خواهیم شد.

اگر براستی مسیح را دوست بداریم هیچ چیز نمی‌تواند ما را از او جدا سازد (یوحنا ۱۰ آیه ۲۹). «29 پدر من که آنها را به من بخشیده از همه بزرگتر است، و هیچ‌کس نمی‌تواند آنها را از دست پدر من برباید.» هیچ‌کس نمی‌تواند ما مسیحیان را محکوم کند (رومیان ۸ آیه ۱)، «1 پس اکنون برای آنان که در مسیح عیسی هستند، دیگر هیچ محکومیتی نیست،» زیرا عیسی روی صلیب، مجازات گناهان ما را بر خود گرفت. مرگ صرفاً آغاز باشکوه‌ترین تجربه ای است که می‌توان تصور کرد (اول قرنتیان ۲ آیه ۹). «9چنانکه آمده است: «آنچه را هیچ چشمی ندیده، هیچ گوشی نشنیده، و به هیچ اندیشه‌ای نرسیده، خدا برای دوستداران خود مهیا کرده است.»» ما اطمینان داریم که به حضور خداوند برای ابد خواهیم رفت و با اشتیاق در انتظارش هستیم.

راه های مفید برای چیره شدن

آیا نوعی اطلاعات ذهنی دارید که وعده های خدا حقیقی اند، اما واقعاً باور ندارید که متعلق به شما هستند؟ آیا زندگی شما نشان نمی دهد به راستی عضو خانواده سلطنتی هستید؟ آیا مثل یک شخص بی بضاعت زندگی می کنید یا مانند یک فرزند محبوب و مشتاق که تمامی ثروت این جهان و آسمان را از پدرتان به ارث خواهید برد (افسسیان ۱ آیات ۳ و ۴ و آیات ۱۱ تا ۲۰)؟ «3 متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح، که ما را در مسیح به هر برکت روحانی در جایهای آسمانی مبارک ساخته است» 4. زیرا پیش از آفرینش جهان، ما را در وی برگزید تا در حضورش مقدس و بی عیب باشیم. و در محبت، «11 ما نیز در وی میراث او گشتیم، زیرا بنا بر قصد او که همه چیز را مطابق رأی اراده خود انجام می دهد، از پیش تعیین شده بودیم» 12. تا ما که نخستین کسانی بودیم که به مسیح امید بستیم، مایه ستایش جلال او باشیم» 13. و شما نیز در او جای گرفتید، آنگاه که پیام حقیقت، یعنی بشارت نجات خود را شنیدید؛ و در او نیز چون ایمان آوردید، با روح القدس موعود مهر شدید، 14 که بیعانه میراث ماست برای تضمین رهایی آنان که از آن خداوند، تا جلال او ستوده شود. 15 از این رو من نیز چون وصف ایمان شما را به عیسای خداوند و محبتتان را به همه مقدسین شنیدم، 16 از شکرگزاری برای وجود شما باز نایستاده ام، بلکه پیوسته شما را در دعاهای خود یاد می کنم و 17 از خدای خداوند ما عیسی مسیح، آن پدر پر جلال، می خواهم که روح حکمت و مکاشفه را در شناخت خود به شما عطا فرماید، 18 تا چشمان دلتان روشن شده، امیدی را که خدا شما را بدان فرا خوانده است، بشناسید و به میراث غنی و پر جلال او در مقدسین پی ببرید، 19 و از قدرت بی نهایت عظیم او نسبت به ما که ایمان داریم، آگاه شوید. این قدرت، برخاسته از عمل نیروی مقتدر خداست 20 که آن را

در مسیح به کار گرفت، آن هنگام که او را از مردگان برخیزانید و در جایهای آسمانی، به دست راست خود نشانید،»

افسیسیان ۲ آیات ۴ تا ۱۰ می فرماید برای خداوند تا چه حد پر ارزش هستیم و اینکه بخاطر آن محبت به ما میراثی داده است. اگر مدام شکوه می کنیم یا نگرانیم و با نگرشهای منفی و روحیه افسرده، با ترس و خود محوری بی تابی می کنیم، پس با این کارها چه چیز را به بی ایمانان نشان می دهیم؟

دوم قرنیتان ۱۰ آیات ۳ تا ۵ به ما می گوید که "اسلحه هایی" که ما مسیحیان استفاده می کنیم ابزاری انسانی نیست. به عبارت دیگر، ما در یک جنگ روحانی هستیم. ما باید از جنگ افزارهای خدا برای مبارزه - و غلبه یافتن - استفاده کنیم، نه از جنگ افزارهای خودمان. شیطان به افرادی می خندد که سعی می کنند با توان انسانی خود "در جسم" مبارزه کنند! ما حریف ترفندهای فریبکارانه ی او نمی شویم. تنها خدا می تواند ما را برای این جنگ و مبارزه تجهیز کند.

کلام خدا می فرماید ما فرزندان خدای تثلیث - یعنی خدای پدر، پسر و روح القدس - هستیم. پس مقام ما به عنوان اعضای خانواده ی سلطنتی آشکار شده است. ما به خانواده خدا تعلق داریم، آفریدگاری که «قادر مطلق» (صاحب تمامی قدرتها)، «حاضر در همه جا در آن واحد» و «دانا به همه چیز» است. بنابراین مقام ما در پادشاهی خدا، واقعیت دارد.

و ما عروس مسیح هستیم که پادشاه بر حق ما است. پیروزی ما از قبل مقرر شده و جایگاه آسمانی ما محفوظ است. زمانی که به انتخاب خود این حقایق را باور می کنیم، قلبها و اذهان و نگرشهای ما تبدیل می یابند. این باور، قدرتی را که برای پیروزمندی نیاز

داریم به ما می بخشد. خدا می خواهد بدانیم هر یک از ما شاهکارِ دستِ اویم. او ما را آفرید تا بتوانیم کارهای نیکویی را که از قبل برایمان برنامه ریزی کرده است انجام دهیم.

به خاطر داشته باشید، قبل از اینکه به مسیح ایمان بیاوریم، همیشه این آزادی را داشتیم که گناه کنیم، اما اکنون آزاد هستیم که زندگی مقدس را برگزینیم (غلاطیان ۵ آیه ۱۶). «16 اما می گویم به روح رفتار کنید که تمایلات نفس را به جا نخواهید آورد.» همچنین اکنون آزاد هستیم تا آنطور که خدا فکر می کند، ما نیز فکر کنیم. این یک گزینه است (فیلیپیان ۴ آیات ۶ تا ۹). «(۶) برای هیچ چیز نگران نباشید. در عوض، در هر شرایطی، با دعا و التماس، همراه با شکرگزاری، درخواستهای خود را به پیشگاه خدا ببرید. (۷) اگر چنین کنید، از آرامش خدا بهره مند خواهید شد، آرامشی که فکر انسان قادر به درک آن نیست. این آرامش الهی به فکر و دل شما که به مسیح عیسی ایمان آورده/اید، راحتی و آسایش خواهد بخشید. (۸) و حال، دوستان عزیزم، یک نکته پایانی: فکرتان را متمرکز سازید بر آنچه راست و قابل احترام است، بر آنچه درست است و پاک، بر آنچه دوست داشتنی است و قابل ستایش. به اموری بیندیشید که عالی و قابل تحسین است. (۹) هر چه از من آموختید، یا از من دریافت کردید، یا شنیدید، یا در من مشاهده کردید، آنها را به عمل آورید. آنگاه خدای آرامش با شما خواهد بود.»

چنین طرز باوری به این معنی نیست که سر خود را مثل کبک در برف فرو کرده و وانمود کنیم هیچ مشکل یا درد و رنجی در دنیا وجود ندارد.

اما بدان معناست که در همه ی اوقات، افکار خود را متوجه خداوند می سازیم. او را در زندگی به عنوان اولین کسی که جهت مشورت به او روی می آورید، انتخاب کنید! وقتی

یک فکر منفی به ذهن تان خطور می کند «آن را اسیر کنید»! اگر با کلام خدا همخوان نباشد، آن فکر را بیرون برانید!

برای مثال، اگر صدای منفی در درون تان به شما می گوید: "تو اصلاً مثل فلانی جذاب، خوش هیكل، ثروتمند، تحصیلکرده یا ... نیستی!"، آنگاه این افکار را با چنین حقایقی جایگزین کنید: "خدا مرا منحصر به فرد خلق کرده است؛ او به من عطایا، استعدادها، قیافه و توانایی هایی بخشیده که شبیه هیچ شخص دیگری در جهان نیست."

اگر آن صدای درونی به شما می گوید: "دیگر امیدی نیست، این مشکل، موقعیت، شخص و ... هرگز تغییر نخواهند کرد"، به جای آن فکر کنید: "خدای من خدای غیر ممکن ها است. به سوی او با این ایمان قدم بر می دارم که او قدم بعدی را به من نشان خواهد داد. او به من قدرت لازمه و بینش کافی را عطا خواهد کرد. همچنان که در خداوند شادی می کنم، بر عقل خود تکیه نخواهم کرد، بلکه در تمام راه های خود او را در نظر خواهم داشت" (امثال ۳ آیات ۵ و ۶). «(۵) با تمام دل خود به خداوند اعتماد کن و بر عقل خود تکیه منما. (۶) در هر کاری که انجام می دهی خدا را در نظر داشته باش و او در تمام کارهایت تو را موفق خواهد ساخت.»

می بینید که جایگزین کردن الگوهای قبلی فکری با آنچه کلام خدا می گوید به ما قدرت غلبه می بخشد. خدای ما خدایی آینده نگر، مثبت اندیش و معجزه کننده است. ما راهی حضور مقدس او هستیم، بنابراین حداقل می توانیم حواس خود را به آنجا متمرکز کنیم و به یاد بسپاریم که زندگی ما نفسی بیش نیست - و پیش از آنکه دریابیم، زندگی مان به پایان می رسد (یعقوب ۴ آیه ۱۴). «(۱۴) شما حتی نمی دانید فردا چه خواهد شد.

زندگی شما چیست؟ همچون بخاری هستید که کوتاه‌زمانی ظاهر می‌شود و بعد ناپدید می‌گردد.»

در عین حال باید بدانیم که بهترین‌ها را هنوز در پیش داریم! دردی که می‌کشیم، سختی‌هایی که داریم، و مشکلی که در آن گرفتار هستیم، تغییر خواهند کرد (رومیان ۸ آیه ۱۸ و آیه ۲۳؛ اول قرن‌تین ۱۵ آیه ۴۳؛ دوم قرن‌تین ۴ آیه ۱۷). «18 در نظر من، رنجهای زمان حاضر در قیاس با جلالی که در ما آشکار خواهد شد، هیچ است.» «23 و نه تنها خلقت، بلکه خود ما نیز که از نوبر روح برخورداریم، در درون خویش ناله برمی‌آوریم، در همان حال که مشتاقانه در انتظار پسرخواندگی، یعنی رهایی بدنهای خویش هستیم.» «43 در ذلت کاشته می‌شود، در جلال برمی‌خیزد. در ضعف کاشته می‌شود، در قوت برمی‌خیزد.» «17 از همین رو تیموتائوس را نزدتان فرستادم، او را که فرزند محبوب من است و امین در خداوند. او شیوه زندگی مرا در مسیح عیسی به شما یادآور خواهد شد، چنانکه آن را در همه کلیساها در هر جا تعلیم می‌دهم.» این وعده‌ی خود خداست.

اگر کنترلی بر یک وضع نامطلوب ندارید، آن را به دست خدا بسپارید. نگرانی در باره‌ی موقعیت امروز یا آینده مان، فرقی در آنها ایجاد نمی‌کند. نتیجه‌ی نگرانی، صرفاً این است که وقتی آینده از راه می‌رسد – یعنی وقتی فردا مبدل به "امروز" می‌شود – چنین نگرانی، توانایی دست به کار شدن را از ما سلب می‌کند.

و اگر اختیار موقعیت در دست شما است، پیش از هر اقدامی دعا کنید. از خدا بپرسید آیا این موقعیتی است که شما باید کاری در موردش انجام دهید. از او قدرت و حکمت و هدایت بطلبید. سپس با قدرت روح القدس و برای جلال خدا، آنچه را که می‌توانید، انجام دهید! شرایط شما هر چه باشند، به راهنمایی خدا نیاز خواهید داشت.

برنامه نهایی خدا این است که همه چیز و همه کس را در آسمان و زمین تحت اقتدار خود قرار دهد (افسسیان ۱ آیات ۹ تا ۱۱). «(۹) او راز اراده خود را به ما شناسانید، بنا بر قصد نیکوی خود که در مسیح نمایان ساخت (۱۰) به جهت اداره امور کمال دوران. و آن اراده این است که همه چیز را، خواه آنچه در آسمان و خواه آنچه بر زمین است، در یکی یعنی مسیح گرد آورد. (۱۱) ما نیز در وی میراث او گشتیم، زیرا بنا بر قصد او که همه چیز را مطابق رأی اراده خود انجام می‌دهد، از پیش تعیین شده بودیم.»

او اختیار کامل جهان را در دست دارد، حتی وقتی انسانها به این سو و آن سو می‌دوند و سعی می‌کنند نقشه‌های عالی و عظیم خدا را تباه کنند.

ما می‌توانیم این ضرب‌المثل قدیمی را مرام زندگی خود بسازیم:

خدایا، مرا آرامشی عطا فرما تا آنچه را نمی‌توانم تغییر دهم، بپذیرم

شهامتی عطا فرما تا آنچه را که از عهده من بر می‌آید، تغییر دهم

و حکمتی عطا فرما که تفاوت آن دو را بدانم.

خدای ما خدایی پیروز است و ما از آن او هستیم!

در اینجا آیاتی از کتاب مقدس هست که روحیه شما را شاد می‌سازد. همانطور که بارها در این کتاب گفته‌ام، لازم است حقایق الهی را باور داریم. باید حاضر باشیم دروغهایی را که شاید از بچگی با آنها بزرگ شده‌ایم از خود به دور بیفکنیم - و نیز آنهایی را که احتمالاً هنوز بر دوش خود حمل می‌کنیم. وقتی اذهان ما با کلام خدا تبدیل شوند، قادر خواهیم بود در پیروزی زندگی کنیم. در اینجا نکات پر ارزشی از چند آیه کتاب مقدس را در پایین آیات نوشته‌ام:

مزمور ۴۸ آیات ۹ و ۱۰:

"خدا، یا، هنگامی که در عبادتگاه تو پرستش می نماییم، در محبت پایدار تو تأمل می کنیم. ستایش تو، خدا، یا، همچون آوازه نامت تا به کرانه های زمین می رسد؛ و دست راست قوی تو آکنده از پیروزی است."

در مورد محبت تغییر ناپذیر او نسبت به ما، عمیقاً فکر کنید.

او را بپرستید زیرا او شایسته و سزاوار ستایش ما است.

او "مملو" از پیروزی است. پس با او می توانیم اطمینان داشته باشیم که در زندگی خود پیروز خواهیم شد.

مزمور ۶۲ آیات ۱ و ۲:

"در حضور خدا در سکوت انتظار می کشم، زیرا نجات من از جانب او می آید. او یگانه صخره و نجات من است و دژ بلند من. پس هرگز جنبش نخواهم خورد."

منتظر خداوند باش، در حضور او بنشین و بگذار در تو کار کند و برکت دهد.

پیروزی ما تنها از جانب خدا می آید.

او آن صخره حقیقی است که شرایط نمی توانند او را به لرزه در آورند.

او نجات ماست. ما از هلاکت ابدی نجات یافته ایم!

خدا قلعه و دژ ماست. می توانیم برای حفاظت و استواری خود "در او پناه بگیریم".

مزمور ۹۸ آیات ۱ تا ۳:

"برای خداوند سرودی تازه بسرایید، زیرا کارهای شگفت کرده است! دست راست او پیروزی قدرتمندانه به عمل آورده است؛ بازوی قدوسش قدرت نجات بخش او را نشان داده است! خداوند پیروزی خود را اعلام فرموده، و نیکی مطلق خویش را در نظر قومها آشکار ساخته است. او عهد خود را برای محبت و وفاداری نسبت به خاندان اسرائیل به یاد آورده است (این همچنین برای کسانی که مسیح را به عنوان منجی خود پذیرفته اند و قوم او شده اند صدق می کند)؛ همه کرانههای زمین پیروزی خداوند ما را دیده اند."

برای خداوند سرود بخوانید. این یک روش عالی برای این است که فکر خود را به سویی دیگر معطوف بداریم!

به کارهای شکوهمندی که خدا انجام داده است فکر کنید - خانواده، دوستان، طبیعت، محبت ...

او از قبل پیروزی را برای ما به دست آورده است، زیرا او صاحب آن قدرتی است که ما نیاز داریم.

او کاملاً نیک است، بدین معنی که در هر آنچه می گوید و هر آنچه انجام می دهد حق است.

او وعده های خویش را برای محبت و وفاداری به قوم خویش فراموش نکرده است.

اشعیا ۱۲ :

"در آن روز با سرود خواهی گفت: خداوند! تو را سپاس می‌گویم، زیرا هرچند بر من غضبناک بودی، اما غضبت برگردانیده شده، مرا تسلی می‌دهی. به بینید، اینک خدا آمده است تا مرا نجات بخشد؛ بر او توکل کرده، نخواهم ترسید. زیرا خداوند یهوه قوت و سرود من است؛ او به من پیروزی بخشیده است. پس با شادمانی از چشمه‌های نجات به فراوانی آب خواهید نوشید!

در آن روز عالی با سرود خواهید گفت: خداوند را سپاس گوئید، و نام او را بخوانید؛ به قوم‌ها بگوئید او چه کارها انجام داده است. به آنها اعلام کنید که چقدر قدرتمند است. برای خداوند بسرایید، زیرا کارهای عظیم کرده است؛ ستایش او را در سراسر جهان اعلام کنید. تمامی مردمان اورشلیم با صدای بلند در حمد او بانگ شادی سر دهند! زیرا قدوس اسرائیل که در میان شما زندگی می‌کند عظیم است."

خدای ما خدای تسلی است. بگذارید شما را تسلی دهد.

او نجات دهنده ی ما و کاملاً قابل اعتماد است. نترسید!

خدا قوت ماست. اگر او در کنار ما است پس ضعیف نیستیم .

خدا شادی ماست. روی خود را برافرازید و بخاطر آن تبسم بر چهره شما باشد!

با دیگران درباره مسیح صحبت کنید – اینکار روز شما را روشنایی می بخشد. ☺

خدا مقتدر و تواناست. او شگفت انگیز و قدرتمند است.

خدا توسط روح القدس در درون شما زندگی می کند. این فوق العاده و عالی است!

اشعیا ۵۲ آیه ۱۰ :

”خداوند قدرت مقدس خود را در برابر چشمان همگی ملل آشکار ساخته است. تمام کرانه‌های زمین پیروزی خدای ما را خواهند دید.“

روزی همه مردم، خدا را آنگونه که هست خواهند دید. همه ما در برابر او تعظیم خواهیم کرد، چه از روی محبت چه از روی ترس (فیلیپیان ۲ آیات ۹ تا ۱۱). بر جلال او خواهیم نگریست.

»(۹) به همین جهت، خدا او را بی‌نهایت سرافراز کرد و نامی به او بخشید که از هر نام دیگری والاتر است، (۱۰) تا به نام عیسی هر زانویی، چه در آسمان، چه بر زمین و چه زیر زمین، خم شود، (۱۱) و هر زبانی اقرار کند که عیسی مسیح، خداوند است، برای جلال خدای پدر.»

ما ابدیت را یا در حضور مقدس او به سر خواهیم برد و خدا را محبت خواهیم نمود - یا در جهنم و دور از او و هر نیکویی خواهیم بود. این انتخاب با ما است.

رومیان ۸ آیه ۳۷ :

”خیر، با وجود همه این‌ها، پیروزی عظیم از آن ما است، به واسطهٔ مسیح که ما را محبت کرد.“

ما صرفاً چیره نمی شویم، بلکه فراتر از فاتحان و پیروزمندان هستیم.

اول قرن‌تیاں ۱۵ آیات ۵۴ تا ۵۸ :

"آنگاه، زمانی که جسم فناپذیر ما تبدیل به جسمی بی فنا گردد، آنگاه آن کلامِ مکتوب به حقیقت خواهد پیوست که می‌گوید: مرگ در پیروزی فرو بلعیده شده است. ای گور، پیروزی تو کجاست؟ و ای مرگ، نیش تو کجا؟ زیرا گناه آن نیش است که به مرگ می انجامد، و شریعت، قدرتِ گناه را به آن می بخشد.

اما شکر خدا را که به واسطهٔ خداوند ما عیسی مسیح ما را بر گناه و مرگ پیروز می سازد. پس برادران و خواهران عزیز، قوی و استوار بوده، همواره با تمام وجود به کار خداوند مشغول باشید، زیرا می‌دانید هر آنچه برای خداوند انجام دهید هرگز بیهوده نیست". بدنهای ما تبدیل یافته، ابدی و کامل خواهند شد.

وقتی نجات را دریافت می کنیم دیگر لازم نیست از مرگ بترسیم.

خدا پیروزی را بر نیروهای روحانیِ قدرتمند، به ما عطا کرده است.

می توانیم قوی باشیم و از شرایطِ جنبش نخوریم.

ما در این زندگی، هدفِ واقعی و افتخارِ کار کردن برای خداوند را داریم.

هیچ کدام از کارهایی که برای او انجام می دهیم بیهوده نیست.

ما پاداش ابدی را درو خواهیم نمود.

بنابراین، آیا از این آیات عالی می بینید لزومی نیست افسرده یا هراسان باشیم؟؟ ☺

شما را تشویق می کنم تا بخش های مشابه را در کتاب مقدس برای خود بخوانید.

فکر می کنید خدا چه چیزی می خواهد به شما بگوید؟

کلام خدا را باور کنید که می توانید پیروز و غالب شوید

در اینجا راهی پیشنهاد می کنم تا بتوانید ذهن خود را متوجه حقیقت خدا درباره زندگی تان در مسیح نمایید. می توانید کتاب مقدس را هر روز بخوانید تا ذهن تان را برای باور داشتن کلام خدا تربیت کنید:

انتخاب می کنم طرز زندگی ام مطابق مقام و جایگاهی باشد که عیسای مسیح مرا در آن قرار داده است. من در خودم هیچ هستم - و این درست است. اما بر طبق نجاتی که خداوندم بخشیده است و آن «مرجع شاهانه»، به مقامی بسیار والا و پر افتخار در خانواده ی خدا نائل شده ام. و سرم را بر می افرازم تا با قدردانی و متانت، نمایانگر خاندان سلطنتی ام باشم.

به انتخاب خود آنچه را خدا از طریق روح و کلام خویش به من فرموده است باور می کنم. اگر فکری بر خلاف حقایقی باشد که خدا درباره من و وضعیت من و آینده ام فرموده است، آن افکار را قاطعانه و با قدرت به دور می افکنم. تمامی افکار یأس و ناامیدی و سرزنش خود و غرق در خود بودن را، به محض ورود به ذهنم متوقف میسازم و با حقیقت کلام خدا جایگزین می کنم.

ارزشهایی را که اعلام کرده ام به آنها ایمان دارم به کار خواهم بست زیرا عیسای مسیح در رتبه نخست زندگی ام قرار دارد. می دانم که این مستلزم قربانی کردن وقت، انرژی و منابع من است، اما می دانم که نتیجه آن درختی ابدی با میوه های شیرین خواهد بود. از مقداری از خواب صبحگاهی یا برنامه عادی خود صرفنظر می کنم تا با خدا در دعا و مطالعه کتاب مقدس خلوت کنم.

برای انجام چنین تغییری در زندگی، همین امروز قول می دهیم از خداوند بخواهیم به من **علاقه** ببخشد که هر روز با او وقت صرف کنم و دیداری صمیمانه و نزدیک با او داشته باشم. اگر کارهای اضافی دیگری هست که کنوناً انجام می دهیم اما ضروری نیستند یا مرتبط با زندگی من با مسیح نمی باشند، به انتخاب خود دیگر آنها را انجام نمی دهیم. تصمیم می گیرم بخشی از استفاده ام از اینترنت و تلویزیون و/یا رسانه های مجازی را متوقف کنم تا با خدا وقت بگذرانم. مشخص می کنم **چه چیزهایی** مرا از صرف اوقات پر کیفیت با خدا باز می دارند و از روح مقدس او می خواهم مرا یاری دهد تا تغییر کنم.

دیگر مزایای شگفت انگیز غالب و چیره شدن

تا اینجا آیات بسیاری را دیدیم که چه امتیازات برجسته ای در مسیح داریم. ما هم اکنون و تا ابد دارای گنج های فراوان هستیم، زیرا خدای زنده را می شناسیم. اما می خواهیم آخرین نکات پر بها را که مسیح خود به ما فرموده که به عنوان فاتحان در پادشاهی او به دست خواهیم آورد فهرست کنیم:

(*) مکاشفه ۲ آیه ۷

(*) مکاشفه ۲ آیه ۱۱

(*) مکاشفه ۲ آیه ۱۷

(*) مکاشفه ۲ آیه ۱۹

(*) مکاشفه ۲ آیه ۲۶

(*) مکاشفه ۳ آیه ۵

(*) مکاشفه ۳ آیه ۱۲

(*) مکاشفه ۳ آیه ۲۱

(*) مکاشفه ۱۵ آیه ۲

(*) مکاشفه ۲۱ آیه ۷

اگر غالب آییم شادی توصیف ناپذیری را که در انتظار ما است تجربه خواهیم کرد!

خداوندا! در این لحظه دعا می کنم قدرت بیابم تا از کنج راحتی خویش قدم به بیرون گذاشته، به عرصه آن زندگی وارد شوم که تو برای من پیش از بنیاد جهان به جریان انداخته ای. می دانم کارهایی هست که باید در این زمان انجام دهم اما از انجام آنها قصور کرده ام.

همچنین در افکار و نگرشها و کردارم جنبه هایی منفی و آسیب زننده وجود دارند که قادر نیستم به وضوح آنها را ببینم، و از تو می خواهم در روزها و هفته ها و ماههای آینده آنها را برایم آشکار سازی.

مشتاقانه دعا می کنم به من این خواسته را ببخشی که بر طرز فکر نفسانی خویش غالب آیم. از تو امروز استدعا می کنم قدرت عظیمی از روح القدس گراند قدرت دریافت کنم تا نگرشها و تفکرات قدیمی خود را جایگزین سازم. می

خواهم زندگیم به زندگی ای تبدیل شود که مشابه اهداف فداکارانه عیسی مسیح
باشد و ثمره روح تو را به وضوح و با شور و غیرت نمایان سازد. آمین!

اگر در حضور او آرامی گرفته ایم و زندگی ما جلال او را طنین انداز می کند،

وعده زندگی پیروزمندانه به ما تعلق می گیرد!

فصل ۱۱

زندگی پیروزمندانه

تفکر و تعمق در آنچه خواندیم



۱- آیا فکر می کنید زندگی کنونی شما با مسیح یک زندگی پیروزمندانه است؟
به چه دلیل اینطور است یا چنین نیست؟

۲- آیا باور دارید که خدا می خواهد پیروز باشید؟ آیا به قدرت او برای هدایت شما به یک زندگی پیروزمندانه شک دارید؟ اگر بله، چرا؟

۳- کدام یک از آیات "پیروزی" که در این فصل فهرست شده اند به راستی قلب / ذهن / روح شما را لمس کردند؟

۴- با استفاده از آیات کتاب مقدس که در پاسخ به سوال ۳ فهرست کردید، آیا حاضرید هر روز قدری وقت بگذارید و دوباره آنها را بخوانید؟ (این یاری خواهد کرد تا افکار شما تبدیل شوند، و آنگاه باورها و طرز فکر شما در باره شرایط و وضعیت تان عوض خواهند شد. رومیان فصل ۱۲ آیه ۲)

۵- برخی از موانع در زندگی تان که شما را از پیروزی باز می دارند کدامند؟

۶- زندگی در پیروزی برای شما چه معنایی دارد؟

فصل ۱۲

کلیسا دارای چهار پایه

کلیسا دارای چهار پایه دیگر چیست؟

البته آن کلیسایی است که چهار پایه دارد ! ☺

چنین کلیسایی استوار و پر رونق و دارای تعادل متناسب است

اگر چه این موضوع ممکن است مستقیماً به شاگردسازی مربوط نباشد، اما اگر اهمیت شرکت در کلیسایی را که تعلیم صحیح می دهد ناگفته بگذاریم، کتاب ما ناتمام باقی می ماند.

هزاران کلیسا در دنیا وجود دارند، و به باور من خدا در حکمت نو آفرین خویش اکثر آنها را در "کلیسای واحد" خود جمع آوری می کند (می گویم "اکثر آنها را"، زیرا شماری از کلیساهای اصلاً از خط مشی های مسیح یا کلام او پیروی نمی کنند).

زیبایی کلیسا در این است که از هر نقطه جهان و ملیت و فرهنگی باشید، اگر به عیسی مسیح ایمان دارید، او را محبت می کنید و زندگی خود را در خدمت او می گذرانید، عضوی از کلیسای جهانی او هستید (افسسیان ۳ آیه ۶). «(۶) آن راز این است که غیریهودیان در مسیح و به واسطه انجیل، در میراث و در بدن و در برخورداری از وعده او شریکند.»

با اینحال، و همانطور که احتمالاً از سراسر این کتاب جمع بندی کرده اید، احساس می کنم در کلیساهای آمریکایی کمبود جدی در شاگرد سازی حقیقی وجود دارد. درباره کشورهای دیگر نمی توانم نظر بدهم زیرا در جلسات کلیسایی خارج از آمریکا نبوده ام. اما گزارشات بسیار و شرح اوضاع مردم در کشورهای دیگر را خوانده ام که چگونه زندگی خود را به خطر می اندازند تا تنها یک صفحه از کتاب مقدس را بدست بیاورند، یا کیلومتر ها راه می روند تا با ایمان دارانِ دیگر باشند.

به نظر من مقداری از مشکل آمریکا این است که کشوری ثروتمند است و مردم بخاطر فراوانی همه چیز، لوس شده اند. البته این پدیده ی نوینی نیست. در سراسر عهد عتیق می بینیم هر زمان قوم اسرائیل بجایی می رسیدند که «هر چه دلشان می خواست» را داشتند، **به خود متکی می شدند** و از خدا بر می گشتند.

موضوع دیگری که در آمریکا مانع می شود مردم به سوی مسیح بیایند این است که به قدری به انجیل موعظه شده است و شمار زیادی از مردم این پیام را مرتباً رد کرده اند که نسبت به محبت مسیح و هدیه نجات او دل هاشان سخت شده است. حتی مسیحیان در وفاداری نسبت به خداوند خود گاهی به مشکل بر می خورند؛ به راستی کتاب مقدس درباره «عصیان و سقوط عظیم» کلیسا در زمانهای آخر سخن می گوید (دوم تیموتائوس ۳ آیات ۱ تا ۵).

«(۱) اما آگاه باش که در روزهای آخر، زمانهای سخت پیش خواهد آمد. (۲) مردمان خودپرست، پولدوست، لافزن، متکبر، ناسزاگو، نافرمان به والدین، ناسپاس، ناپاک، (۳) بی عاطفه، بی گذشت، غیبت گو، بی بندوبار، وحشی، دشمن نیکویی، (۴) خیانتکار، بی مبالا و خودپسند خواهند بود. لذت را بیش از خدا دوست خواهند داشت (۵) و هرچند صورتِ ظاهر دینداری را دارند، منکر قدرت آن خواهند بود. از چنین کسان دوری گزین.»

و در آخر، مشکل مهم در این نهفته است که بسیاری از واعظین علاقه ای ندارند انجیل را به طور کامل موعظه کنند. موضوع «فیض خدا» به قدری تأکید شده که معنای اصلی خود را دست داده است و مردم در باره آن مثل یک دستگاه اتوماتیک فروش تنقلات و نوشابه فکر می کنند. دیدگاه مردم به این تبدیل شده که: " اگر به مسیح ایمان بیاورید دیگر لزومی نیست نگران زندگی خود باشید. همه چیزهایی که می خواهید او به شما می دهد - تنها لازم است با شدت کافی دعا کنید و ایمان داشته باشید! او می خواهد شما شاد و بی خیال و ثروتمند باشید! "

بعضی شبانان حتی اشاره ای به کلمات «گناه» یا «مردن نسبت به نفس» و یا «جهنم» در موعظه هایشان نمی کنند. وخامت موضوع در این است که خودشان به این مفاهیم کتاب مقدسی حتی ایمان ندارند! فکر می کنند موعظه درباره این مباحث باعث می شود اهالی کلیسا «از خودشان خجالت بکشند و احساس گناه کنند» و از خدا رویگردان شوند. یا بیم دارند اگر مردم با گناهان خود مواجه شوند، دیگر مایل به آمدن به کلیسایشان نباشند. و مواردی هستند که اعضای کلیسا که با سخاوت « ده یک» می دهند، کنترل بیشتری بر کلیسا دارند تا مسئولین رهبری کلیسا.

به نظر می رسد دیگر خبری از آموزش انضباط های ایمان مسیحی که ما می آموختیم نیست - مانند خواندن منظم کلام خدا، ده یک دادن، روزه گرفتن، دعای بی وقفه، و فراتر رفتن از چهار دیوار خودمان جهت بشارت به بی ایمانان. برنامه ها و ساختمان کلیسا، از مردم مهم تر شده اند. اهمیت پول و نفوذ و مقام و سرگرمی، بیشتر از فروتنی و فداکاری شده است.

البته اگر چه همه کلیسا ها اینطور نیستند، من و همسر من متوجه شده ایم این وضعیت روز افزون شده است. در خدمات مسیحی و سفرهایمان، از کلیساهای بسیاری دیدار کرده ایم و شمار آنها از دستان خارج شده است.

با وجود آنکه تقریباً در هر کلیسایی خاصیت خوبی دیده ایم، وقتی سؤال کردیم که آیا کلاس هایی برای شاگرد سازی و برای نو ایمانان و یا فعالیت هایی در جامعه شان دارند، بسیاری از کلیساهای به شدت کمبود داشتند.

درست است که از آن کلیساهای دوباره دیدار نکرده ایم تا روال معمول اداره ی کلیسای شان را مشاهده کنیم، و اگر چه قطعاً تخصصی در فن سنجیدن و انتقاد این مسئله نداریم، به قدری این وضعیت را رایج دیده ایم که شروع کردیم از خود بپرسیم: «از نظر ما چه نوع کلیسایی می تواند تاثیر گذار ترین کلیسا باشد؟ و اگر ما می خواستیم کلیسایی برای عضویت پیدا کنیم برخی محک های عملی که می توانیم به کار به بندیم کدامند؟»

کدام کلیسا بروم؟

اولین و مهمترین مسئولیت ما مسیحیان، رابطه شخصی خود ما با مسیح است. سلامت روحانی یک کلیسا به همان اندازه ی سلامت روحانی یکایک اعضای آن است. در فصل های پیش دیدیم که چگونه می توانیم رابطه ای عمیق، مستحکم، محبت آمیز و درست را با خداوند در خود پرورش دهیم. همه چیز دیگر در زندگی ما از این شالوده سرچشمه می گیرد.

در قدم اول باید کلیسایی را پیدا کنیم که تعلیم صحیح می دهد و بنا کننده و پر قدرت است. اما این کار ساده ای نیست. صرفاً این نیست که جایی پیدا کنیم که احساس راحتی

می کنیم، اگر چه این یک جنبه ی مهم است. برای شروع بهتر است دعا کنیم که **خدا** چه کلیسایی برای ما در نظر دارد تا در آنجا عضو شویم.

احتمالاً درین جا مناسب است اشاره کنیم اگر در کلیسایی هستید که شما را به خواب فرو می برد و یا صرفاً یک کلوب و باشگاه اجتماعی است، شاید بخواهید درباره یافتن کلیسایی دعا کنید که در شما رشد ایجاد می کند و نیز تعلیم می دهد چگونه در مورد ایمانتان با دیگران صحبت کنید.

با این حال، من اصلاً به این اعتقاد **ندارم** که افراد برای مدت کوتاهی به کلیسایی بروند و بعد به کلیسای دیگر، و این روال را پی در پی ادامه بدهند - به این معنی که برای یافتن "کلیسای کامل" شما از کلیسایی به کلیسای دیگری بروید یا چون در یک کلیسا شخصی احساسات شما را جریحه دار کرده یا از رنگ فرش آنجا خوشتان نیامده است با آن کلیسا قطع رابطه کنید! جزو کلیسا بودن، همانند روابط عادی، اغلب به معنی گذر از مراحل سخت و نیز دوران خوب است. هوشیار باشید که نسبت به رهبری خداوند حساس باشید.

اگر عضو کلیسایی هستید که به نظر نمی رسد از لحاظ روحانی دارای تعلیم آنقدر ها صحیح باشد، اما احساس می کنید خدا می خواهد آنجا بمانید، شروع کنید برای اعضا و رهبری کلیسا دعا کنید. حتی می توانید دیگران را دعوت کنید تا با هم جلسات کوچک دعا داشته باشید. این کار برکات بزرگی برای شما و نیز برای کلیسای شما خواهد داشت!

یکی دیگر از جنبه های مهم زنده نگاه داشتن ایمان مان، شرکت در یک گروه کوچک درس کتاب مقدس است. همانطور که اشاره کردم، کلاس ها برای نو ایمانان و کلاس های شاگردسازی باید در کلیسای شما دایر باشند. رهبران این گروه ها باید با کلام خدا به

خوبی آشنا بوده و علاقه فراوان به تدریس داشته باشند. رهبر کلاس باید مشوق باشد تا رشد کنید و بخواهید مثل مسیح زندگی کنید. و اگر چنین کلاسی وجود ندارد شاید خدا می خواهد شما را به کار ببرد تا همچون کلاسی را شروع کنید! ☺

چهار پایه کدام اند؟

اگر به یک چهار پایه نگاه کنید متوجه می شوید که همه ی "پایه" ها باید طول یکسان داشته باشند. لازم است هر پایه چنان محکم باشد که بتواند وزن شخصی را که بر روی آن می نشیند تحمل کند. اگر یکی از پایه ها ضعیف یا ناقص باشد، آن چهار پایه در کل به درد نخواهد خورد و حتی ممکن است ایجاد خطر کند.

اولین پایه یک کلیسا با تعلیم صحیح، موعظه بر پایه ی کتاب مقدس است. تشخیص اینکه آیا کلیسای ما از لحاظ روحانی سالم است، کار دشواری می باشد. ما نمی خواهیم بیش از حد انتقاد کنیم، و در عین حال نمی خواهیم خطرات احتمالی را برای ایمان مان نادیده بگیریم.

تکرار می کنم، موعظه های شبان می بایست بیان کننده خصائل پر محبت خدا و نیز عدالت و داوری الهی باشد. اگر این دو جنبه ی شخصیت خدا به طرزی متعادل بیان نشوند، ما دیدگاه اشتباهی نسبت به آنچه خدا به ما ارائه می کند پیدا می کنیم - و همچنین آنچه از ما انتظار دارد. نیاز داریم بشنویم که فیض او عظیم و پر وسعت است، اما باید این را نیز بیاموزیم که اگر گناه کنیم عواقبی در انتظار ما خواهند بود، و اگر سعی ما برای زندگی درست، با بی علاقگی و بدون خلوص باشد خدا آن را نمی پذیرد.

از کلیساهایی دیدار کرده ام که تاکید می کردند خدا چقدر می خواهد مرا برکت دهد. اگر چه درست است که خدا بهترین را برای من می خواهد، اما اشاره ای نبود که من چه مسئولیت هایی در برابر خدا دارم.

در کلیسای دیگری، شبان، نیمی از پیغام را صرف این کرد که اعضاء چه مقدار پول باید بپردازند (و به گفته ی چند نفر از اعضای کلیسا، هر هفته اینطور بود). رهبری کلیسا ، زمان اهدای هدایا در جلوی کلیسا رفتند و نشستند تا ببینند چه مقدار پول در **سطل** های بسیار بزرگشان گذاشته می شود!!

من و همسرم به کلیسای دیگری رفتیم که شبان با فریاد به اعضای کلیسا در مورد گناهانشان موعظه می کرد و می گفت که چقدر آنها "بد" بودند. ما پیش از اتمام جلسه آنجا را ترک کردیم.

همچنین کلیساهای دیگری بودند که مردم اطراف سالن قدم می زدند و آنقدر با صدای بلند به زبانها صحبت می کردند که نتوانستم حواسم را جمع کنم و برای کلیسا قبل از شروع جلسه دعا کنم و یا در ضمن جلسه حواسم را به موعظه ی شبان جمع کنم.

بنا بر تجربه ی من، در هیچیک از این گونه کلیساها روح القدس حس نمی شد. اگر علاقمندید بیشتر در مورد روح القدس بیاموزید، فصلی در یکی از کتاب های من با عنوان «شروعی تازه» درین مورد می باشد.

باز هم می گویم، ما نباید بیش از حد انتقادگر یا قضاوت کننده باشیم. اما می بینم که بسیاری از مردم فقط «به کلیسا می روند» بدون آنکه واقعاً بدانند شبان شان کیست و یا چه اعتقاداتی دارد. آنها هیچ اطلاعی راجع به اعتقادات کلیسایشان در مورد مأموریت و

هدف های آن، یا عقیده شان در مورد هدیه دادن، یا آنچه کلیسایشان برای جامعه یا بشارت جهانی انجام می دهد ندارند.

فکر کنم ایده خوبی است با شبان خود دیداری داشته باشید (چه مدت ها است در کلیسا هستید چه مدت کمی) و از او چند سوال مهم بپرسید. برخی از این سوالات می توانند شامل اینها باشند:

باور شما درباره گناه چیست؟

باور شما در باره جهنم چیست؟

آیا باور دارید که کتاب مقدس حقیقت مطلق است؟

آیا باور دارید که من مسئولیت هایی نسبت به خدا دارم؟

شاید بخواهید پیش از ملاقات با رهبری کلیسای تان، اطلاعات بیشتری در مورد باورهای خودتان در زمینه مسائل فوق کسب کنید. دانستن باورها تان به شما کمک می کند بتوانید بسنجید آیا آن کلیسا جای درستی برای شما هست یا خیر. همچنین حاضر باشید به دیدگاه های متفاوت گوش فرا دهید - ممکن است اشتباهاتی در عقاید الهیاتی خود داشته باشید و عقاید شبان صحیح باشد.

پایه دوم

دومین پایه کلیسا با تعلیم صحیح، پرستشی است که آکنده از ستایش حقیقی باشد. موسیقی یکی از بهترین راههایی است که قلب و ذهن و روح ما با خداوند ارتباط می یابد.

در واقع بنیان «پرستش به همراه موسیقی» را خدا در زمانهای خیلی پیش در عهد عتیق نهاد. گاهی پرستش آنها بسیار پر سر و صدا بود (مزمور ۸۱ آیه ۲؛ مزمور ۱۵۰ آیه ۴)!

«(۲) با دف و بربط دلنواز و رباب سرود بخوانید.»

«(۴) او را با دف و رقص ستایش کنید! او را با سازهای زهی و نی ستایش کنید!»

ممکن است شما در برابر **پرستش واقعی** احساس ناراحتی کنید. پرستش صرفاً این نیست که سرایندگان سرود بخوانند یا عده‌ای موسیقی بنوازند یا از سیستم تقویت صدا استفاده شود یا شخص کلماتی را از روی یک نوشته بخواند. شاید نمی‌خواهید احساساتی که همراه با این شیوه ستایش خدا است به شما دست دهد. اما خدا بسیار بیشتر از این را از ما می‌خواهد! او می‌خواهد تمام وجود ما به او متصل باشد. و موسیقی یکی از قدرتمندترین راههایی است که خدا برای ما آفریده تا او را پرستیم.

زمان‌هایی که خداوند قلب مرا مجذوب حضور خود می‌کند، روح القدس اغلب بوسیله موسیقی مرا عمیقاً تحت تأثیر قرار داده است و این گاهی دگرگون کننده است! حضور او بسیار ژرفناک است و زمانی که در پرستش خدای زنده هستم تقریباً بی اختیار می‌شوم! اما این [همانند بعضی کلیساها] به معنی غلت زدن روی زمین یا فریاد کشیدن نیست.

منظورم این است که احساساتم غرق در محبت، هیبت، تکریم و شکرگزاری عمیق نسبت به خداوند می‌شود. این تجربه می‌تواند کمی ترس آور باشد اما بسیار طراوت بخش است و برای زندگی مسیحی ام حیاتی است. پرستش همراه با موسیقی، چنان جان و روح و قلب مرا پُر می‌سازد که هیچ روش دیگری همتای آن نیست.

آیا حس می کنید پرستش با موسیقی در کلیسایتان شما را به خدا نزدیک تر می کند؟
آیا در ضمن پرستش، فرصت کافی برای تأمل بر زیبایی و جلال مسیح هست یا مسئولین
سعی دارند سرود ها هر چه زود تر پایان بگیرند تا آنها به "قسمت بعدی کار خود" در
جلسه بپردازند؟

در اینجا به طرز سرود خواندن تان برای خدا دقت کنید. اگر صرفاً دارید کلمات را می
سرایید یا بدون هیچ احساسی آهنگ را با نوک پا ضرب گرفته اید، در این صورت هیچ نمی
دانید چه فرصتی را برای ارتباط نزدیک و شادی آور با خدا دارید از دست می دهید.

یکی از بهترین تجربه هایی که در جلسه ی پرستشی داشته ایم زمانی بود که ما در
زندان برای بیش از ۲۰۰ مرد زندانی صحبت می کردیم. من و همسرم در ردیف جلو بودیم
و وقتی به پشت سر خود نگاه انداختیم بسیاری از آنها را دیدیم که اشک می ریختند و
دستهای خود را در پرستش بالا برده بودند. می توانستید به بینید که فهمیده بودند خدا
برای شان چه کرده است و عمیقاً تحت تاثیر قرار گرفته بودند. پرستش و ستایش حقیقی
این است!

شاید بخواهید با مسئول پرستش یا شبان خود صحبت کنید که اگر ممکن است
سرودهایی را در نظر بگیرند که بیشتر حالت پرستشی دارند. یا می توانید در حالی که
یکشنبه ها همچنان به کلیسای خود میروید، در طول هفته به کلیسای دیگری نیز بروید
که آنگونه پرستش می کنند. ممکن است به بینید که حقیقتاً از چنین پرستش و اوج
گرفتن روح و قلب تان لذت می برید!

پایه سوم

پایه سوم کلیسایی که تعلیم صحیح دارد، بشارت انجیل است. ما با مسیحیان بسیاری صحبت کرده ایم که کارهای "خوبی" برای مردم انجام داده اند و بعضی حتی در سفرهای کوتاه برای خدمت در خارج از کشور شرکت کرده اند. اما وقتی از آنها پرسیدیم که آیا در سفر خود انجیل را بشارت دادند، در پاسخ شنیدیم: "خیر، ما فقط به حفر چاهها کمک کردیم"، یا "خیر، در ساختن خانه همکاری کردیم".

البته، کمک به افرادی که نیازهای عملی دارند عالی است! در واقع، بر این پایه ی یاری دیگران است که می توانیم فرصت ایجاد کنیم و بشارت دهیم. اما اگر فعالیت کلیسا در اجتماع، انجام اعمال بشر دوستانه باشد اما بشارت ندهد، غفلت در انجام وظیفه است! تنها گروه مردم که در مورد مسیح بشارت می دهند مسیحیان هستند و این می بایست بالاترین اولویت ما باشد (متی ۲۸ آیات ۱۸ تا ۲۰)!

«(۱۸) آنگاه عیسی نزدیک آمد و به ایشان فرمود: «تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من سپرده شده است. (۱۹) پس بروید و همه قومه را شاگرد سازید و ایشان را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید (۲۰) و به آنان تعلیم دهید که هرآنچه به شما فرمان داده‌ام، به جا آورند. اینک من هر روزه تا پایان این عصر.»

بشارت به مردم می تواند اشکال مختلفی داشته باشد. بعضی از روشهایی که من و همسرم در بشارت استفاده می کنیم، خرید یک وعده غذا برای شخصی محتاج است. اسم شان را می پرسیم، از حالشان جويا می شویم، بعد می پرسیم آیا می خواهند برایشان دعا میکنیم. درباره خداوند با آنها صحبت می کنیم و می پرسیم عقیده آنها درباره مسیح

چیست. بسیاری اوقات یکی از کتابهای خودم یا یک جلد کتاب مقدس را به آنها می دهیم تا چیزی برای خواندن داشته باشند و گفتگویمان به یادشان بماند.

راه دیگر بشارت این است که تابلویی با عنوان "اجازه می دهید برای شما دعا کنیم؟" تهیه کرده ایم. روی تابلو نیز نوشته است که کتابها و کتاب مقدس مسیحی را می توانند به رایگان دریافت کنند. ما به مناطق آسیب دیده، به کنار دریاها و معابر در مناطق توریستی رفته ایم و نتایج فوق العاده بوده اند! مردم به مسیح ایمان آورده اند و توانسته ایم با بسیاری افراد دعا کنیم!

وقتی به رستوران می رویم، با پیشخدمت گپ دوستانه ای میزنیم و هدفمندانه به دنبال فرصتی هستیم تا با چنین افراد در مورد خداوند صحبت کنیم و به کلیسا دعوتشان کنیم یا اگر سئوالی دارند وقت بیشتر به آنها بدهیم. اگر چه هر بار که با کسی ملاقات می کنیم اینگونه صحبت نمی کنیم، اما سعی داریم هوشیار باشیم و به بینیم آیا روح القدس کسی را برای بشارت سر راه ما قرار می دهد.

همچنین هزاران بروشور چاپ کرده ایم که دارای پیام انجیل هستند. آنها را در رستوران برای پیشخدمت ها باقی می گذاریم، یا روی نیمکت های پارک، در ایستگاه های استراحت مسافران در بزرگراه ها، ادارات پست، تابلوهای عمومی اعلانات خدمات، رختشور خانه ها و هر جا که می رویم می گذاریم. دیدیم خانمی از همین طریق به خداوند روی آورد. اینها بذرهایی هستند که حقیقتاً برای استفاده خداوند کاشته می شوند و دعا می کنیم که دقیقاً آن افرادی که باید، آنها را پیدا کنند!

همسرم این بروشورها را در نمایشگاه های اتومبیل، بازارهای میوه و سبزیجات محلی، اعیاد، و هر جای دیگر که عده ی زیادی تجمع می کنند، به تعداد زیاد پخش می کند. او

از مردم می پرسد: "بروشور می خواهید؟" تقریباً همه ی کسانی که از آنها می پرسد، قبول می کنند. همچنین، این یک شروع عالی برای گفتگو است یا پس از صحبت با آنها، وسیله ای است تا راجع به آن فکر کنند.

اگر کلیسای شما به غیر مسیحیان بشارت نمی دهد، خودتان می توانید این کار را شروع کنید. ببینید خدای شما چه می خواهد انجام دهید. خلاق و نو آور باشید! هدف این است که به فکر جهانیان باشیم. تنها داشتن یک باشگاه کوچک در کلیسا آن چیزی نیست که هدف مسیح از بنای کلیسا بوده باشد. در واقع، اگر پیروان مسیح در کلیسای خود و در حلقه دوستان خود باقی می ماندند احتمالاً امروز کلیسایی نداشتیم.

(*) اگر علاقه مند به استفاده از کتاب ها و دیگر منابع ما برای بشارت هستید لطفاً با ما تماس بگیرید (اطلاعات تماس با «خدمات تبدیل شوید» Be Transformed Ministries در ابتدای این کتاب فهرست شده است). می توانیم این منابع را به قیمت 20% بالاتر از هزینه ی خودمان در اختیار شما قرار دهیم.

جهت دریافت ایده های بیشتر می توانید ویدیو دو دقیقه ای را در مورد خدمات ما در یوتیوب به بینید:

<https://www.facebook.com/betransformedministries/videos/267549847281329>

(*) همچنین می توانید به صفحه خدمات مسیحی ما در فیسبوک مراجعه نموده تا روشهای دیگری که به بی ایمانان بشارت می دهیم را مشاهده کنید:

facebook.com/betransformedministries

می خواهیم بدانید سعی من بر این نیست که کتاب ها یا خدمت خود را تبلیغ کنم. سعی دارم ابزار و ایده هایی در اختیارتان قرار دهم تا با شما همکاری کرده باشم و تا اینکه شما بتوانید بروید و مأموریت عظیم خداوندان را انجام دهید!

پایه چهارم

چهارمین پایه مهم کلیسا مشارکت است. در کتاب مقدس، کلمه یونانی مورد استفاده برای مشارکت "کوپنونیا" (کوپن - او - نیا) می باشد که به معنی گروهی از ایمانداران است که با هم جمع می شوند تا در یک رابطه مشترک سهیم شوند. البته رابطه و پیوستگی ما در عیسی مسیح است. ایمانداران عهد جدید به طور منظم دور هم گرد می آمدند (اعمال رسولان ۲ آیه ۴۲) و این الگوی ما است که باید از آن پیروی کنیم.

«(۴۲) ایشان خود را وقف تعالیمی ساختند که رسولان می دادند، و با سایر ایمانداران رفاقت و مشارکت می کردند، و با هم خوراک خورده، رسم شام خداوند را برگزار می کردند، و مرتب با یکدیگر به دعا می پرداختند.»

خدا کلیسای خود را به عنوان یکی از مهمترین راه ها برای کمک به رشد مسیحیان و پشتیبانی از آنان مقرر کرده است، زیرا در دنیایی زندگی می کنیم که روال آن اغلب مخالف با اراده خدا است. مهم است توجه داشته باشیم کلیسا از مردم ساخته شده است نه یک ساختمان؛ پس وجودی زنده ای است که یا در حال رشد است و یا در حال از میان رفتن . (لیکن این بدان معنا نیست که کلیسای آنلاین، جای گرد آمدن حضوری را می گیرد) ...

ما خلق شده ایم تا با یکدیگر در رابطه باشیم، پس شرکت در جلسات برای بنا شدن در مقدس ترین ایمان ها، امری ضروری است (رساله یهودا ۱ آیات ۲۰ و ۲۱).

«(۲۰) اما شما ای عزیزان، خویشان را بر ایمان بس مقدس خود بنا کنید و در روح القدس دعا نمایید (۲۱) و خود را در محبت خدا نگاه دارید، در همان حال که منتظر رحمت خداوند ما عیسی مسیح هستید تا شما را به حیات جاویدان رهنمون گردد.»

قرار نیست تکاورانی تنها باشیم. هر وقت می شنوم کسی بگوید: «برای مسیحی بودن نیازی ندارم به کلیسا بروم» یا «برای انجام دادن ایمانم، لازم نیست به کلیسا بروم»، متوجه می شوم اشکالی در عقایدشان هست. اگر چه موضوع اصلی، ساختمان کلیسا به خودی خود نیست، روابط روحانی ایمانداران با یکدیگر است که چنین فوایدی را به همراه دارد. کتاب مقدس به ما می گوید که: "آهن آهن را تیز می کند"، بدین معنی که ما به یکدیگر نیاز داریم تا دستخوش افکار خود نشویم (امثال ۲۷ آیه ۱۷).

«(۱۷) همان طور که آهن، آهن را می تراشد، دوست نیز شخصیت دوستش را اصلاح می کند.»

نیاز داریم موعظه و تعلیم کلام خدا را بشنویم. نیاز داریم با هم پرستش کنیم، زیرا بدن مسیح تنها از «یک دست یا یک چشم» ساخته نشده، بلکه یک واحد کامل و یک بدن است و وقتی در بهترین وضعیت قرار دارد که اعضا به درستی و در تناسب با هم کار کنند (اول قرنثیان ۱۲ آیات ۱۲ تا ۲۷؛ افسسیان ۴ آیه ۱۶).

«(۱۲) زیرا بدن هرچند یکی است، از اعضای بسیار تشکیل شده؛ و همه اعضای بدن، اگرچه بسیارند، اما یک بدن را تشکیل می دهند. در مورد مسیح نیز چنین است. (۱۳) زیرا همه ما، چه یهود و چه یونانی، چه غلام و چه آزاد، در یک روح تعمید یافتیم تا یک بدن

را تشکیل دهیم؛ و همه ما از یک روح نوشانیده شدیم. (۱۴) زیرا بدن نه از یک عضو، بلکه از اعضای بسیار تشکیل شده است. (۱۵) گر پا گوید، «چون دست نیستم، به بدن تعلق ندارم،» این سبب نمی‌شود که عضوی از بدن نباشد. (۱۶) و اگر گوش گوید، «چون چشم نیستم، به بدن تعلق ندارم،» این سبب نمی‌شود که عضوی از بدن نباشد. (۱۷) اگر تمام بدن چشم بود، شنیدن چگونه میسر می‌شد؟ و اگر تمام بدن گوش بود، بوییدن چگونه امکان داشت؟ (۱۸) اما حقیقت این است که خدا اعضا را آن گونه که خود می‌خواست، یک به یک در بدن قرار داد. (۱۹) اگر همه یک عضو بودند، بدن کجا وجود می‌داشت؟ (۲۰) اما اعضا بسیارند، در حالی که بدن یکی است. (۲۱) چشم نمی‌تواند به دست بگوید، «نیازی به تو ندارم!» و سر نیز نمی‌تواند به پاها گوید، «نیازمند شما نیستم!» (۲۲) برعکس، آن اعضای بدن که ضعیفتر می‌نمایند، بسیار ضروریت‌ترند. (۲۳) و آن اعضای بدن را که پست‌تر می‌انگاریم، با حرمت خاص می‌پوشانیم، و با اعضایی که زیبا نیستند با احترام خاص رفتار می‌کنیم؛ (۲۴) حال آنکه اعضای زیبای ما به چنین احترامی نیاز ندارند. اما خدا بدن را چنان مرتب ساخته که حرمت بیشتر نصیب اعضایی شود که فاقد آنند، (۲۵) تا جدایی در بدن نباشد، بلکه اعضای آن به یک اندازه در فکر یکدیگر باشند. (۲۶) و اگر یک عضو دردمند گردد، همه اعضا با او همدرد باشند؛ و اگر یک عضو سرافراز شود، همه در خوشی او شریک گردند. (۲۷) بدین قرار، شما بدن مسیح هستید و هر یک عضوی از آنید.»

«(۱۶) او منشاء رشد تمامی بدن است، بدنی که به وسیله همه مفاصل نگاهدارنده خود، به هم پیوند و اتصال می‌یابد و در اثر عمل متناسب هر عضو رشد می‌کند و خود را در محبت بنا می‌نماید.»

علاوه بر این، کسانی هستند که در ایمان خود بالغ ترند و می توانند به ایمانداران نابالغ و ضعیف تر برای هدایت در مسیر ایمانی کمک کنند.

نیز، افراد دیگری نیز هستند که ممکن است در بخش های معینی از ایمان خود با ثبات تر باشند و به رشد فرد دیگری در مسیح کمک کنند.

امیدوارم شما چنین شانس‌هایی داشته باشید که بتوانید کلیسایی برای عضویت پیدا کنید که از شما استقبال کند و مورد نیاز آنها باشید و از شما برای خدمت دعوت کنند.

دعا می کنم از این کتاب، بسیار آموخته باشید. امیدوارم وسیله ای باشد که اغلب به آن برای یاری رجوع می کنید تا تبدیل به شاگردی پویا برای عیسای مسیح گردید.

فصل ۱۲

کلیسا دارای چهار پایه

تفکر و تعمق در آنچه خواندیم

۱- آیا هر هفته از رفتن به کلیسای خود شادمان هستید؟ چرا و یا چرا نه؟

۲- آیا به عنوان نتیجه تعلیم شبان تان احساس می کنید در ایمانتان رشد می کنید؟

۳- آیا در یک گروه کوچک مطالعه کتاب مقدس عضو هستید؟ چرا و یا چرا نه؟

۴- آیا گردهمایی یا گروه کوچک کلیسای شما، مشوق شما در عمل به کلام خداست یا صرفاً یک باشگاه اجتماعی است؟

۵- آیا وقتی با موسیقی خدا را پرستش می کنید روح خدا را حس می کنید؟ یا وقتی سرودهای پرستشی می خوانید احساس بی علاقگی می کنید؟

۶- از آنچه در این دروس آموخته اید، اکنون درباره بشارت به دنیای بیرون چه فکری می کنید؟

۷- آیا مایلید برخی از ایده های این کتاب را به کار به بندید و شروع به بشارت کنید؟ یا حتی خودتان روش هایی را فکر کنید تا برای عیسی مسیح به مردم بشارت دهید؟

"خداوند تو را برکت دهد، و محافظت کند؛

خداوند روی خود را بر تو تابان

سازد و تو را فیض عنایت فرماید؛

خداوند روی خود را بر تو برافرازد و تو را سلامتی بخشد "

اعداد باب ۶ آیات ۲۴ تا ۲۶